



● کیفیت زندگی، برآیند مدیریت شهری کارآمد

● جستاری بر بازشناسی رویکردهای کیفیت زندگی در ساختار اجتماعات محلی

● جستاری بر مفهوم شناسی و روش شناسی بهداشت، ایمنی و محیط زیست

● نواز فرو کاسته‌ی زندگی در پایتخت

● بحران گرسنگی، چالشی بر کیفیت زندگی

● خروج کارون با رنگین کمانی از نور در شب‌های اهواز

● قانون‌نوسازی و عمران شهری

● کیفیت زندگی، حقوق و تکالیف شهروندی

وزارت کشور



سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور
مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

معرفی سامانه فروش الکترونیکی نشریات و کتب
مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

<http://safta.imo.org.ir>

در راستای ارتقاء سطح دسترسی مخاطبان و تسهیل فرآیند خرید و اشتراک کتب و نشریات مرکز، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی اقدام به راه اندازی سامانه فروش الکترونیکی و اشتراک به آدرس ذیل نموده است که از قابلیت های فروش های آنلاین، اشتراک و معرفی کتب بطور خلاصه و تازه های نشر برخوردار می باشد.

مخاطبان نشریات و کتب مرکز، اهالی دانشگاه و شهرداریها می توانند با رجوع به سامانه فوق الذکر، از خدمات مربوطه برخوردار گردند.

آدرس درگاه فروش الکترونیکی مرکز (سافتا)

<http://safta.imo.org.ir>

<http://safta.imo.org.ir>



محور اصلی:

کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی

طرح روی جلد: مربوط به محور اصلی
عکس پشت جلد: یوگای دسته جمعی - پارک برابان، نیویورک
۱. مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاههای سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور نیست.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهند شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر مآخذ مجاز است.
۵. مقالات باید با لوح فشرده در محیط (فارسی word) همراه باشد.

صاحب امتیاز: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
مدیر مسئول: هوشنگ خندان، دله رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

سر دبیر: غلامحسین تابش فر

زیر نظر: محمدرضا بهاروند

دبیر انتشارات: دکتر هادی محمودی نژاد

هیئت تحریریه و شورای سیاستگذاری:

- مجید عبدالهی، دکتر در جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری • علی آکبر اسدلی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و بودجه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور • عباس جلالی • عبدالعزیز ولد درویش، دکتر در علوم اقتصادی
- جواد نیکبام، کارشناس مرکز مطالعات • محمد جوانمردی، دکتر در مهندسی صنایع • زهرا ننگ فقیه لاریجانی، دکتر در حقوق

مسکوران این شماره:

مهدی شهریاری، احسان طاهری مهر، نیما متین فر، محمد طولایی، عباس جلالی، میثم حیدرآولاد، سیده فاطمه عدنانی، جدید گرشاسی، فرشید قاسملو

مدیر اجرایی: زهرا ترحمی

ویراستار ادبی: جمشید افقی

طراحی و صفحه‌آرایی: جمشید افقی

ویراستار انگلیسی: میثم حیدرآولاد

ناشر: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

نشانی: تهران، بلوار کشاورز، ابتدای خیابان تافری، پلاک ۱۷، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

کدپستی: ۱۶۱۶۳۳۳۶۶۱ تلفن: ۴-۶۳۹۰۲۰۵۳ نمابر: ۸۹۷۷۹۱۲

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ISSN:16067495

http://www.imo.org.ir

E.mail: shahrdariha91@yahoo.com

درگاه فروش الکترونیکی ماهنامه:

http://safta.imo.org.ir

۲ پادشاهت
۳ پیشگفتار
گزارش امین
کیفیت زندگی، برآیند مدیریت شهری کارآمد/جواد نیکبام، احسان طاهری مهر
آندیشه و پژوهش
جستاری برناز شناسی وویگردهای کیفیت زندگی / مریم اسمعیلیان ۱۰
سنجهای کیفیت زندگی در پژوهش‌های شهری، ... امید آفری ۱۶
برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران و طرح‌های پژوهش جهانی در حوزه کیفیت زندگی / مهرا سادات مصوری ۲۸
جستاری بر مفهوم شناسی و روش شناسی بهداشت، امینی و محیط زیست / محمدرضا بهاروند ۴۱
بررسی میزان مشارکت مردم در مدیریت شهری، بر اساس الگوی خوب حکمرانی شهری/محمد جواد موسی نژاد، عباس موسی نژاد ۴۶
گفت و گو
مصاحبه با دکتر محمدحسین پایلی یزدی ۵۵
قانون شهر
قانون نوسازی و عمران شهری/محمد طولایی ۵۷
مشاوره اداری ملی
مفهوم شناسی مبانی و ادبیات مانی اقتصادی بهای حکمات شهرداری در رویکردی تحلیلی/سید مناف هاشمی ۶۱
اثر صادرات نفتی و غیرنفتی بر رشد اقتصادی/علی اکبر گل محمدی ۶۹
شهرهای ما به روایت اسناد
تراز فروگاسته‌ی زندگی در پایتخت/عباس جلالی ۷۵
از نگاه شهریار
گفت و گو با شهردار راسک/عباس جلالی ۷۹
تجربیات جهانی
بحران گرسنگی، جانسی بر کیفیت زندگی/فرشید قاسملو ۸۷
طرح و شهر
خروش کارون با رنگین کمانی از نور دو شبه‌های اهواز/سارا موزومر، اوسلان شهنی ۹۱
شهرها و شهرداری‌های جهان
شهرهای زیبای جهان/نیما متین فر ۹۹
آموزش
کیفیت زندگی، حقوق و تکالیف شهروندی/رسول یگانه ۱۰۱
مکان‌یابی و چگونگی احداث پارک‌های درون شهری / مهشید مداحی، علیرضا ذاهبی مقدم ۱۰۵
دیدگاه
رفاه اجتماعی در شهر لاطمه ولوفی ۱۱۳
انتخاب کوتاه
احداث بوستان مهارت در اراک / جدید گرشاسی ۱۱۵
یک شهر یک نگاه
ابن‌خجی، خرم آباد، دهقان و ... / محمد طولایی ۱۱۷
انتخاب سازمان
دبدار انصاف شورای شهر تهران با وزیر کشور / گرامیداشت روز آتش نشانی / ۱۱۸
احسان طاهری مهر
وزگان شهری
رفاه اجتماعی / سیده فاطمه عدنانی ۱۲۰
معرفی پایگاه شبکه
وب سایت تخصصی مذاکران اجتماعی / میثم حیدرآولاد ۱۲۳
ناردهای نشر
فرانفت در ایران/ کازبرد نرم اتوار What-if? / برنامه ریزی کابری زمین شهری و منطقه‌ای / سیده فاطمه عدنانی ۱۲۵



■ هوشنگ خندان دل

پادشاهت

امروزه در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، پرداختن به مؤلفه‌هایی که به مقوله کیفیت زندگی شهروندان می‌پردازد، از اهمیتی دوچندان برخوردار شده است؛ چنانچه تغییر دیدگاه در رویکردهای جدید برنامه‌ریزی و مدیریتی نیز به این مضمون اشاره دارد. از سوی دیگر، در نظام مقدس جمهوری اسلامی که داعیه پیاده‌کردن اسلام ناب محمدی (ص) و دستیابی به «حیات طیبه» را دارد، فراهم‌سازی تمامی معیارها، شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی که بتواند زمینه‌ساز ارتقای سطح کیفی زندگی شهروندی در حوزه «فراهم‌سازی خدمات و تسهیلات رفاه عمومی» به طور اعم و «حوزه رسالت شهرداری‌ها» در رابطه با خدمات‌رسانی به شهروندان به‌طور اخص باشد، جایگاهی سترگ و با اهمیت می‌یابد.

بنا به ضرورت‌های فوق‌الذکر و در راستای سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، این شماره نشریه شهرداریها به محوریت رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی اختصاص یافته است که می‌تواند مورد توجه مدیران شهری و کارکنان خدوم شهرداری‌های کشور باشد. ■



■ محمدرضا بهاروند

پیشگفتار

کیفیت زندگی در واقع به معنای قابلیت‌پذیری زندگی، در مناطق شهر است. چنانچه در یک جامعه شهری، کیفیت زندگی برگرفته از تجربه مشترک ساکنان شهر از محیط شهر (مثلاً کیفیت هوا، آب، ترافیک، فرصت‌های تفریحی و شغلی) و سطح توانایی شهر در پاسخگویی به اهداف مورد نظر ساکنان شهر می‌باشد. لذا کیفیت زندگی، ریشه در کفایت اقتصادی، سیاسی و الزامات اجتماعی یک شهر دارد.

بر این اساس و با توجه به تعاریف متکثر آن می‌توان گفت که مفهوم کیفیت زندگی شهر بسیار تفسیرپذیر و ابهام‌آور است و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه بسیار متمایز است. در هر حال باید گفت که ارزیابی تجارت حاصل از رویکردهای توسعه ملی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که به ندرت برای حل مسائل جوامع شهری و روستایی راه حل‌های پایدار ارائه شده است. چرا که الگوهای موجود معمولاً بر سنجش نیازها به وسیله برنامه‌ریزان ذرفرآیندی از بالا به پایین مبتنی نشده‌اند. شاید همین مفهوم باشد که امروزه دیدگاه دولت رفاه گستر به دولت سرمایه‌گذار اجتماعی تبدیل شده است.

به هر حال، این شماره از نشریه شهرداریها به موضوع رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی اختصاص یافته است که امیدواریم بتواند گامی هر چند کوچک، را در ارتقای جایگاه شهرداری‌ها در بهبود کیفیت زندگی شهری و قابلیت‌پذیری زیست‌جمعی در شهرهای ایران بردارد. ■

کیفیت زندگی، برآیند مدیریت شهری کارآمد

■ جواد نیکتام، احسان طاهری مهر

اجتماع برای برنامه‌ریزان و مدیران آن جامعه را به منظور بهبود کیفیت زندگی شهروندان تسهیل سازد. همچنین یافته‌های کیفیت زندگی می‌تواند برای بازشناسی استراتژی‌های سیاسی قبلی و طراحی سیاست‌های برنامه‌ریزی آینده استفاده شوند. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به شناسایی نواحی مسئله‌دار، علل نارضایتی مردم، اولویت‌های شهروندان در زندگی، تأثیر فناوری‌های اجتماعی - جمعیتی بر کیفیت زندگی و پیش و ارزیابی کارایی سیاست‌ها و راهبردها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند.

در رویکردی عملی کیفیت زندگی به عنوان یک مفهوم کلی تعریف می‌شود که تمام ابعاد زیستی شامل رضایت مادی، نیازهای حیاتی، به علاوه جنبه‌های انقالی زندگی نظیر توسعه فردی، خودشناسی و بهداشت زیست‌بوم را پوشش می‌دهد. در یک تقسیم‌بندی ابعاد کیفیت زندگی براساس حوزه‌های تأثیر به ۵ دسته اجتماعی و فرهنگی، روانشناختی، اقتصادی، جسمی و فیزیکی و محیطی تقسیم می‌شوند. با توجه به نقش مهم شهرداری‌ها در بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی شهروندان، در این شماره برآن شدیم که به بررسی جنبه‌های مختلف این بحث از دیدگاه شهرداری‌ها و مسائل و مشکلات پیش‌روی شهرداری‌ها در این خصوص با حضور صاحب‌نظران علمی و اجرایی زیر بپردازیم.

حسین ایمانی جابجری، دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

غلامرضا تقیاری، دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

حجت الله غلامعلی، کارشناس ارشد قفقه و اصول و معاون اجتماعی و فرهنگی مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور

مهدی امینی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و جانشین معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۹ شهرداری تهران



کیفیت زندگی یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی جهان امروز و از مباحث اساسی در تئورین سیاست‌گذاری اجتماعی محسوب می‌شود که موضوعاتی چون رفاه، ارتقای کیفیت زندگی سلامت‌محور، رفع نیازهای انسانی، زندگی رو به رشد و رضایت‌بخش، نوع‌نویسی و از خودگذشتگی در میان جماعات را دربرمی‌گیرد.

با توجه به مهم تلقی بودن کیفیت زندگی برای افراد جامعه، تلاش برای بهبود آن از اصلی‌ترین اصول و اولویت‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران اجتماعی و مدیران و مسئولان حکومتی در هر جامعه و کشوری است. لذا به جرئت می‌توان گفت تمامی برنامه‌ها، سیاست‌ها و عملیات‌های اجرایی در یک جامعه در راستای بهبود کیفیت زندگی مردم آن جامعه است. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می‌تواند به ارزیابی سیاست‌ها، رتبه‌بندی مکان‌ها، تدوین راهبردهای مدیریت و برنامه‌ریزی در هر جامعه‌ای کمک کرده و دزک و اولویت‌بندی مسائل



شهریابا به عنوان اولین بحث این میزگرد می‌خواهیم این سوال را مطرح کنیم که بحث کیفیت زندگی از چه زمانی مطرح گردیده است و چه تعاریفی تاکنون از آن به عمل آمده است؟

غفاری: بحث کیفیت زندگی را می‌توان هم بحثی قدیمی و هم بحثی جدید دانست. این بحث هم جنبه دانشگاهی و آکادمیک دارد و هم جنبه مدیریتی و اجرایی؛ بنابراین از اهمیت ویژه‌ای خصوصاً برای دست‌اندرکاران اجرایی مدیریت شهری دارد تا میزان آن را در زندگی شهروندان خود سنجیده و به راهکارهای ارتقای آن بیندیشند. اگر سابقه تاریخی کیفیت زندگی را دنبال کنیم، می‌بینیم اولین جرقه‌ها در این زمینه توسط فلاسفه باستانی در غرب تحت عنوان لذت از زندگی مطرح و در فلسفه اسلامی تحت عنوان سعادت اسلامی بیان شده‌اند. ظهور علمی و سیستماتیک این بحث را در دوره جدید از نیمه دوم سده بیستم شاهد هستیم که به دلیل مشکلات پیش آمده برای جوامع انسانی در این دوره است. در این دوره به دلیل صنعتی شدن جوامع غربی و به تبع آن شهرنشینی گسترده، کیفیت زندگی افراد با مخاطره مواجه می‌شود و مشکلات فراوان اجتماعی و اقتصادی بوجود می‌آید. دلیل بروز این مشکلات، تعاریف به‌عمل آمده از توسعه در اوایل سده بیستم بود که آن را مترادف با رشد اقتصادی کرده بود و دیگر جنبه‌های توسعه نادیده گرفته شده بود؛ این رشد تکبعدی جوامع غربی مشکلات خاص خود را ایجاد کرد که لزوم پرداختن به دیگر ابعاد توسعه را هویدا کرد. از این زمان بود که مزمه‌های بهبود کیفیت زندگی در جوامع آغاز شد که باید در کنار رشد اقتصادی به آن نگرست؛ به گونه‌ای که بعداً بر اثر جرخش‌های نظری و مفهومی توسعه، بحث‌های توسعه پایدار اجتماعی قوت گرفت و باید آن را پورنگ‌تر از بحث‌های اقتصادی و رفاه جوامع دانست.

ایمانی: به عقیده من سه دلیل سیاسی، اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی باعث شده که بحث کیفیت زندگی و بهبود آن برای ساکنان شهرها مطرح شود و مدیران شهری دنیا توجه به آن ویژه‌ای کنند که به‌صورت خلاصه به این دلایل اشاره می‌کنم. از منظر سیاسی وقتی شما به سنجش و پایش اطلاعات کیفیت زندگی می‌پردازید، بی‌می‌برید که در رتبه‌بندی جهانی در این زمینه در کجا قرار دارید، مردم شما چه وضعیتی دارند و چگونه زندگی می‌کنند؛ آنگاه می‌توان برپایه این اطلاعات برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان شروع به سیاستگذاری کرد. از منظر سیاسی، سنجش کیفیت زندگی به دو دلیل برای مدیران شهری اهمیت دارد: دلیل اول، رعایت عدالت اجتماعی در تخصیص منابع به‌صورت یکسان به شهروندان است. با سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در محلات مختلف شهر، درصد برخورداری آنها از تسهیلات و خدمات شهری مشخص می‌شود و مدیران شهری در جهت بهبود این شاخص در محلات مختلف باید به تخصیص امکانات با توجه به عدالت اجتماعی توجه نمایند تا تمامی محلات و مناطق شهری به‌صورت یکسان ارتقا یابند. دلیل دوم، بهبود میزان مشروعیت مدیران شهری است. در جوامع دموکراتیک که مدیران شهری با رای مستقیم مردم انتخاب می‌شوند، مدیران شهری با بهبود شاخص‌های کیفیت زندگی شهروندان سعی می‌کنند که کارآمدی خود را به نمایش بگذارند که به تبع باعث افزایش مشروعیت آنها می‌گردد. در غیر این صورت، حربه‌ای در اختیار مخالفان خود قرار می‌دهند که مشروعیت آنها را زیر سوال می‌برد و آنها را محکوم می‌سازد؛ در این صورت مجدداً نخواهند توانست رأی مردم را جلب کنند و به ادامه مدیریت بپردازند.

از منظر اجتماعی-فرهنگی، اگر شهروندان شهری دریابند در جایی زندگی می‌کنند که کیفیت زندگی در

در همه دنیا افراد باید از حداقل درآمد، آب و هوای مناسب و فضای سبز، بهره‌مند و روابط همسایگی خوبی داشته باشند که برای سنجش کیفیت زندگی از چنین شاخص‌هایی که در جوامع مختلف انسانی مشترکند، استفاده می‌شود.

آن بالاست، احساس نعلق خاطر بیشتری به آن شهر پیدا می‌کنند و غرور و تعصب خاصی نسبت به آن شهر در آنها ایجاد می‌شود و به شهر خود افتخار می‌کنند؛ به گونه‌ای که شهروندان شهرهایی که هم‌اکنون از کیفیت زندگی بالایی برخوردارند، با پوشیدن تی‌شرت‌هایی که اسم شهرشان بر آن درج شده، شدت علاقه به شهر خود را به نمایش می‌گذارند.

از منظر اقتصادی که اهمیت بسیاری نیز دارد، کیفیت زندگی در بهبود رونق اقتصادی شهرها نقش مؤثری دارد. دنیای امروز برخلاف گذشته که محل رقابت کشورها و دولت‌ها بود، به محل رقابت شهرها در جذب منابع، افراد خلاق، سرمایه‌ها و دیگر امکانات تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که ریچارد فلوریدا در کتاب شهر و طبقه خلاق می‌گوید که هر چقدر آدم‌های خلاق در شهر شما بیشتر باشند، توسعه اقتصادی شهرتان بیشتر خواهد بود. این مباحث این مفهوم را القاء می‌کند که به هر میزانی در گزارش‌های بین‌المللی شاخص شهری کیفیت زندگی برای شهری بالاتر باشد، شانس اینکه در جذب منابع انسانی و سرمایه‌های برتر بین‌المللی موفق‌تر باشد، بیشتر است.

نقطه‌ی ۳: آب بهبود کیفیت زندگی را می‌توان اولین گام در جهت دستیابی به رفاه اجتماعی دانست؟

غفاری: رفاه یکی از زیر مجموعه‌های بحث کیفیت زندگی است؛ بنابراین نمی‌توان گفت که کیفیت زندگی اولین گام جهت نیل به رفاه است. کیفیت زندگی جنبه‌های مختلفی دارد که یکی از آنها رفاه است و با چندین شاخص مختلف سنجیده می‌شود. در ابتدای شکل‌گیری بحث رفاه که مربوط به اواخر سده ۱۸ میلادی و جامعه کشور صنعتی انگلستان بود، آنرا فقط با شاخص اقتصادی می‌سنجیدند. به مرور، بحث رفاه از تک‌شاخصی خارج و شاخص‌های متعددی برای آن تعریف شد و به حدی توسعه یافت که امروزه شاخص‌ها از کشوری به کشور دیگر و حتی از شهری به شهر دیگر متفاوت تعریف شده‌اند. مفاهیم کیفیت زندگی و رفاه، مباحث پویایی هستند که همپای رشد جوامع و در مقاطع مختلف زمانی، تعاریف و مفاهیم آنها تغییر یافته و رو به تکامل است و نمی‌توان آنها را در قالب تعریفی

یکسان برای تمام جوامع و در تمام ادوار دانست. **ایمنی:** نمی‌توان کیفیت زندگی و رفاه را مترادف یکدیگر دانست و از یک منظر به آنها نگریست. آنچه در غرب تحت عنوان بحث رفاه مورد توجه قرار گرفته، رفاه اقتصادی بوده است و به جنبه توسعه اجتماعی آن توجه نشده و برای رسیدن به این رفاه اقتصادی نظریه‌های مختلف به‌کار برده شده‌اند که در نهایت به دلیل عدم حصول نتیجه مطلوب به شکست انجامیده‌اند؛ زیرا توجهی به ابعاد توسعه اجتماعی در بحث رفاه نداشته‌اند. کیفیت زندگی همان‌گونه که دکتر غفاری بیان کردند، سازه‌ای چند بعدی و کثیرالوجه است که رفاه یکی از جنبه‌های آن است. هم‌اکنون در سطح بین‌المللی تا ۱۴۸ شاخص و زیرشاخص برای سنجش کیفیت زندگی تعریف شده که رفاه یکی از آنها است. کیفیت زندگی ابعاد گوناگونی مانند بعد زیست محیطی، حمل و نقل، اقتصادی، اجتماعی و ... دارد. مجموع این ابعاد برای سیاست‌گذاری در زمینه بهبود کیفیت زندگی مورد توجه قرار می‌گیرند. پس می‌توان گفت کیفیت زندگی، مفهومی ذهنی و نظری است که با ابعادی عملیاتی و اجرایی که رفاه یکی از این ابعاد است، محقق می‌شود. در دو دهه اخیر، برخلاف گذشته در حوزه مدیریت شهری، سیاست‌گذاری محلی در قالب حکومت محلی و مدیریت شهری مطرح شده که ابعاد اجتماعی آن پررنگ‌تر از دیگر ابعاد است.

نقطه‌ی ۴: آیا نگاه به بحث کیفیت زندگی در سیستم‌های مختلف سیاسی و حکومتی متفاوت است یا بحثی که در تمام دنیا با یک دید به آن می‌نگرند؟

ایمنی: هدف غایی هر ساختار حکومتی فراهم آوردن شرایط مطلوب برای زندگی شهروندانش است؛ حال فرقی نمی‌کند که این سیستم، سرمایه‌داری، کمونیستی یا اسلامی باشد. شرایط مطلوب کیفیت زندگی است که در همه سیستم‌های حکومتی یا اندکی تغییرات جزئی یکسان است و یک مفهوم مشترک را در ذهن ایجاد می‌کند.

ایمنی: تفاوت دوره کنونی با سده بیستم در این است که در سده بیست و یکم، رقابت‌های سیاسی و ایدئولوژیک به میزان چشمگیری کاهش پیدا کرده و کارآمدی در سیستم‌های مدیریت جایگزین آن شده و دولت‌ها به دنبال جذب سرمایه‌اند. برای جذب سرمایه باید به دنبال بهبود کیفیت زندگی شهری و شهروندان بود؛ به همین دلیل در تمام شهرهای دنیا تصویری از نحوه زندگی مردم به مدیران شهری ارائه می‌دهند تا بدانند کدام دسته از افراد شهر شاداب‌ترند و کدام دسته احساس شادابی کمتری دارند، کدام محله دسترسی مناسب‌تری به امکانات و خدمات دارد و کدام کمتر تا

بر پایه این اطلاعات بتوان به برنامه‌ریزی عادلانه برای اختصاص شهروندان با امکانات و تسهیلات شهری پرداخت. می‌توان گفت در جهان امروز، سیستم‌های مختلف حکومتی و ایدئولوژی‌های مختلف درباره بحث کیفیت زندگی تفاوت دیدگاه چندانی ندارند و همگی درصدد بهبود آن هستند.

تولید

چه شاخص‌هایی را می‌توانیم برای سنجش کیفیت زندگی به‌کار ببریم و آیا در دنیا استاندارد در این زمینه وجود دارد؟

امینی: در همه دنیا افراد باید از حداقل درآمد، آب و هوای مناسب و فضای سبز، بهره‌مند و روابط همسایگی خوبی داشته باشند و... که برای سنجش کیفیت زندگی از چنین شاخص‌هایی که در جوامع مختلف انسانی مشترکند، استفاده می‌شود و به‌طور کلی این شاخص‌ها در سه بعد سلامت، آموزش و امید به زندگی تعریف شده‌اند. ۶۰ درصد شاخص‌های در نظر گرفته شده در این زمینه در کشورهای مختلف یکسان است. تفاوت موجود در ۴۰ درصد باقی‌مانده است که تفاوت در این زمینه مربوط به نحوه تعیین شاخص‌ها و وزن هر شاخص است. در کشورهای توسعه‌یافته شاخص‌های

باید شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه را با توجه به شرایط کشور خود، هم در سطح ملی و هم در سطح محلی، بومی‌سازی و سپس از آنها استفاده کنیم

به‌منظر من، در کنار تعریف یک سلسله شاخص کلی و یکسان در سطح بین‌المللی برای سنجش کیفیت زندگی، شاخص‌های محلی نیز باید در ارزیابی کیفیت زندگی شهروندان در جوامع مختلف مد نظر قرار گیرند.

علامعلی: شاخص‌های کیفیت زندگی به‌منظر من باید کیفی باشند که نشأت گرفته از ماهیت خود کیفیت زندگی است که بحثی کیفی می‌باشد، اما شاخص‌های تعریف شده کنونی بر مبنای کمی و آماری تعریف شده‌اند و یک نوع تعالی مادی در اکثر آنها در نظر گرفته شده است؛ مثلاً برای سنجش اقتصاد خانواده از شاخص سرانه تولید ناخالص ملی استفاده می‌شود یا برای سنجش کیفیت زندگی خانوادگی، نرخ طلاق را می‌سنجند و در بحث امنیت شخصی نرخ بیکاری، به‌منظر من کیفیت زندگی بیشتر به ابعاد روحی و روانی افراد جامعه ارتباط دارد تا شاخص‌های فیزیکی و مادی؛ به‌عنوان مثال، در هر کشور از سیستم حمل و نقل همگانی خاصی ممکن است استفاده شود که استفاده و دسترسی مناسب به آن باعث ایجاد رضایتمندی افراد و در نتیجه ارتقای کیفیت زندگی آنها شود؛ در صورتی که در کشوری دیگر ممکن است این سیستم پاسخگو نباشد و باعث نارضایتی افراد شود؛ بنابراین به‌منظر من برای سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در جوامع مختلف در ابتدا باید آنها را بومی‌سازی کرد و سپس مبنای را برای سنجش آنها در نظر گرفت.

تولید

با تشکر از اعضای میزگرد که تاکنون با ما همراهی مناسبی داشته‌اند در این قسمت بحث خواهیم به تجربیات جهانی و ملی در زمینه سنجش کیفیت زندگی بپردازیم و از اسامید محترم نقاضاً داریم نظرات خود را در این زمینه بیان فرمایند.

غفاری: سابقاً سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در دنیا به اوایل دهه ۹۰ سده میلادی گذشته باز می‌گردد و شهر آکلند در این زمینه در دنیا پیشقدم است و از سال ۱۹۸۹ تاکنون گزارش‌های منظمی را از کیفیت زندگی در این شهر منتشر کرده است. در ایران در زمینه سنجش کیفیت زندگی شهری تاکنون کار چندان چشمگیری انجام نگرفته و تحقیقات انجام شده در حد پایان‌نامه‌های دانشجویی است که حداکثر در مقیاس یک شهر به بررسی سطح کیفیت زندگی پرداخته‌اند و نمی‌توان نتایج آن را به کل کشور تعمیم داد. اگر در بعد قوانین بخواهیم بحث کیفیت زندگی را پیگیری کنیم باید بگوییم که این بحث ابتدا در برنامه پنجم توسعه قبل از انقلاب به‌صورت فشرده دیده و در برنامه ششم توسعه، اهمیت بیشتری به آن داده و به‌صورت تفصیلی‌تر به آن پرداخته شد که متأسفانه این برنامه اجرا نگردید. پرداختن به مبحث ارتقای کیفیت زندگی در آن دوره

کیفیت زندگی و وزن آنها توسط شهروندان تعریف می‌شود؛ درحالی‌که در دیگر کشورها، حکومت‌ها در این‌باره دخالت می‌کنند و بسته به سطح توسعه یافتگی کشورها، این شاخص نیز متفاوت تعریف می‌شوند، یعنی در کشورهایی که از نظر کیفیت زندگی در سطح بالاتری قرار دارند از شاخص‌های ریزتر و دقیق‌تر استفاده می‌شود.

غفاری: با توجه به اینکه کیفیت زندگی ساخته‌ای اجتماعی است که بر مبنای شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محیطی و حتی بر اساس کنش‌های افراد جامعه شکل می‌گیرد و دلالت بر قابلیت‌هایی دارد که افراد چه به لحاظ ذهنی و چه عینی دارند، نمی‌توان برای آن شاخص‌های یکسانی را در سطح بین‌المللی تعریف و بر مبنای نتایج آماری سنجش این شاخص‌ها، جوامع را با هم‌دیگر مقایسه کرد؛ به‌عنوان مثال، تهران را نمی‌توان با شهرهای کشورهای توسعه‌یافته که شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی متفاوتی دارند، سنجید، بلکه صحیح‌تر اینست که شاخص‌های کیفیت زندگی را در سال‌های مختلف در تهران ارزیابی کرد.

باید سطوح پایین مدیریت شهری و روستایی یعنی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و حتی محلات و مناطق شهری در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌های شهری و روستایی دخیل و هر ساله موظف باشند با سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی و انتشار نتایج آن بپردازند و آن را در اختیار مقامات ملی قرار دهند

به این خاطر بود که حکومت وقت پی برده بود که پاشنه آشیل حکمرانی‌اش در حوزه اجتماعی است. آن حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و به همین سبب تصمیم گرفت که در این زمینه سرمایه‌گذاری کند تا تبعات منفی آن گریبانگیرش نشود که البته در این راه ناموفق بود. بعد از انقلاب، اولین بار در برنامه چهارم توسعه به بحث بهبود کیفیت زندگی اشاره شد. در این برنامه، فصل مستقل به ارتقای کیفیت زندگی اختصاص پیدا کرد که هم بحث‌های سیاستگذاری و مدیریتی در آن دیده شده بود و هم بحث‌های اجرایی مانند ارتقای سطح زندگی اقشار آسیب‌پذیر، کاهش نابرابری‌های شهری، سرمایه اجتماعی و سنجش و تحلیل آن و ...

ایمانی: در کشور ما سیاستی بنیادین و ملی در خصوص تدوین و تعریف شاخص‌های کیفیت زندگی و سنجش منظم آنها وجود ندارد. در تعریف، تدوین و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در دنیا ۳ دسته بازیگر اصلی وجود دارند. دسته اول مؤسسات بین‌المللی هستند که هر ساله در سطح جهانی به سنجش این شاخص‌ها اقدام و نتایج را منتشر می‌کنند. دسته دوم حکومت‌های ملی هستند که این شاخص‌ها را در سطح ملی سنجش و ارزیابی می‌کنند و نتایج آن را در اختیار نهادهای بین‌المللی قرار می‌دهند و دسته سوم دولت‌های محلی هستند که شوراهای اسلامی شهر و شهرداری‌ها را در بر می‌گیرد که با پایش و اندازه‌گیری شاخص‌های کیفیت در سطح شهر خود می‌پردازند. موفق‌ترین کشور در زمینه سنجش شاخص‌های کیفیت در دنیا کشور نیوزلند و خصوصاً شهر آکلند است. از سال ۱۹۹۹ دولت این کشور به‌صورت سالانه به سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی در ۸ شهر این کشور اقدام و نتایج آن را منتشر کرده است. مهم‌ترین محورهای این بررسی‌ها بحث‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی هستند. طبق نتایج منتشره از ارزیابی‌ها در سال ۲۰۱۰ حدود ۹۲ درصد از پاسخگویان، کیفیت زندگی خود را مثبت ارزیابی کرده‌اند که ۶۳ درصد از آنها گزینه خوب و ۲۹ درصد گزینه بسیار خوب را در این خصوص برگزیده‌اند. مهم‌ترین شاخص‌هایی که در این پژوهش

مورد سنجش قرار گرفته‌اند، عبارتند از پایداری شهری، امنیت شهری، مدیریت تنوع شهری، مدیریت سیاست مهاجرت و اقوات آن، پیوستگی، هماهنگی و یکپارچگی زیرساخت‌ها و خدمات شهری، محوریت اقتصادی و اجتماعی و مشارکت.

فواید پایش منظم سطح کیفیت زندگی در چهار زمینه است. اول مسئولان مدیریت شهری این شهرها از اطلاعات حاصل از نتایج این پایش‌ها در چانه‌زنی‌هایشان با دولت‌های ملی برای اختصاص منابع و امکانات بیشتر با شهر خود استفاده می‌کنند. دوم توجه به مسائل شهری و ارتقای سطح کیفیت زندگی مورد توجه مسئولان دولت‌های محلی قرار گرفته و از تمرکز بر سایر مسائل حاشیه‌ای می‌بریزند. سوم سیستم و ساختار یانبات و پاپشار مناسبی برای سنجش کیفیت زندگی شهری به‌وجود می‌آید که از توقف این روند جلوگیری خواهد کرد و چهارم این گزارش‌ها در سطح محلی اطلاعات مناسبی را برای مسئولان در سطح ملی فراهم می‌کند که شاخص‌های کیفیت زندگی در کل کشور و مناطق مختلف آن را به‌دست آورده و طبق آن برنامه‌ریزی صحیحی انجام دهند. متأسفانه ما در ایران شاخصی برای سنجش سطح کیفیت زندگی در کشور نداریم و از طرفی اگر بخواهیم از شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه استفاده کنیم، آمار و اطلاعات دقیق و مستندی برای سنجش این شاخص‌ها نداریم.

شوطیا:

با تشکر از مشارکت شما در بحث میزگرد تا این لحظه، خواهشمند است نظرات و پیشنهاد‌های خود در جهت بهبود کیفیت زندگی سطح زندگی در کشور را بیان کنید.

ایمانی: چهار پیشنهاد در زمینه بهبود سطح کیفیت زندگی در کشور دارم که اول باید شاخص‌های بین‌المللی در این زمینه را با توجه به شرایط کشور خود، هم در سطح ملی و هم در سطح محلی، بومی‌سازی و سپس از آنها استفاده کنیم. دوم باید متولی خاصی برای تعیین شاخص‌های کیفیت زندگی و سنجش مداوم آنها در کشور مشخص شود. به‌نظر من این متولی نه‌تنها باید یک کمیته بین‌دستگاهی، بلکه باید یک سازمان مستقل باشد تا بتواند کارایی مفید و اثربخشی داشته باشد. سوم اینکه شاخص‌های کیفیت زندگی باید به‌صورت منظم و متوالی در سطح ملی و محلی مورد سنجش قرار گیرند تا تفاوت آن در دوره‌های زمانی مختلف مشخص گردد و بالاخره اینکه از نتایج پایش سطح کیفیت زندگی باید در سیاستگذاری مدیران شهری استفاده گردد و نتایج این پایش‌ها ضمانت اجرایی داشته باشند و دستاوردهای آنها علاوه بر مدیریت شهری در نظام آموزشی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... کشور مورد استفاده قرار گیرد.

فقاری: یکی از مسائلی که باعث شده تا کیفیت سطح زندگی در کشور ما مورد پایش و سنجش قرار نگیرد، فقدان متولی مشخص و معین برای آن است؛ بنابراین باید سازمان خاص متولی این موضوع ایجاد شود تا به صورت تخصصی یا آن برخورد کند و چون بحث کیفیت زندگی، خصیصی چند وجهی دارد باید در این سازمان از متخصصان رشته‌های مختلف و متعدد برای تعریف شاخص‌های کیفیت زندگی و سنجش آنها استفاده کرد. پس از این مراحل باید به صورت جدی به دنبال بحث، سنجش و پایش شاخص‌ها در بازه‌های زمانی منظم باشیم.

ایمانی: در جمع‌بندی مباحث بیان شده باید بگویم که طرفدار محلی‌گرایی در مدیریت شهری هستیم؛ یعنی باید سطوح پایین مدیریت شهری و روستایی یعنی شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و حتی محلات و مناطق شهری در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های شهری و روستایی دخیل و هر ساله موظف باشند با سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی و انتشار نتایج آن بپردازند و آن را در اختیار مقامات ملی قرار دهند تا علاوه بر کیفیت زندگی در سطح ملی، این گزارش‌ها در سطح محلی نیز در دسترس قرار گیرند.

چون مدیریت شهری، سیستمی باز و مدام با محیط پیرامون خود در ارتباط است و بر آن تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد باید دائماً اطلاعات محیط اطراف را جمع‌آوری و پایش کرد تا نحوه تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از این محیط به درستی مدیریت شود. در غیر این صورت، تصمیمات مدیران شهری از تحولات روز جامعه دور خواهد بود و شکافی میان انتظارات مردم از عملکرد مدیریت شهری و عملکرد مورد نظر مدیران شهری به وجود خواهد آمد. نکته دومی که می‌خواهم به آن اشاره کنم، اینست که اگر دیدگاه بهبود کیفیت زندگی شهری شهروندان را در مدیریت شهری نپذیریم و ساختار مناسبی برای آن تعریف نکنیم، با این مسئله به صورت سلیقه‌ای برخورد خواهد شد و آنگاه به فردی که در رأس هرم مدیریت شهری قرار دارد، بستگی خواهد داشت این کار مدیریت خواهد شد؛ یعنی مدیری که به این مسئله اهمیت می‌دهد آن را تقویت می‌کند؛ در حالی که با تعویض مدیر، ممکن است دیدگاه‌ها در این زمینه تغییر کنند و عملاً هیچ فعالیتی در این خصوص انجام نشود؛ بنابراین با ایجاد ساختار مناسب در مدیریت شهری از این تلاطمات کاسته خواهد شد.

پیشنهاد سوم این است که برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان باید روی برخی افراد مؤثر در اجتماعات شهری تمرکز ویژه کنیم تا بتوانیم تصویری بهتر را از واقعیات جامعه شهری به دست آوریم. این بازیگران

کسانی هستند که تا به حال صدایشان کمتر شنیده شده است؛ در حالی که تأثیرگذاری آنها در محیط شهری بسیار زیاد است. برخی از این گروه‌ها عبارتند از زنان، اقلیت‌ها و مهاجران.

غلامعلی: به نظر من برای جا افتادن بحث ارتقای سطح کیفیت زندگی به آموزش مفاهیم و روش‌های آن به دست‌اندرکاران مدیریت شهری در کشور نیازمندیم که بدین منظور چهار سطح را می‌توان تعریف کرد: سطح اول، آموزشی تصمیم‌گیران مدیریت شهری یا شوراهای اسلامی شهرها است و سطح بعدی، بدنه مدیریت شهری، یعنی شهرداران و کارکنان شهرداری‌ها است. سطح سوم پیمانکارانند که به فعالیت‌های عمرانی و خدماتی در سطح شهرها می‌پردازند و بالاخره سطح چهارم شهروندان می‌باشند. برای هر کدام از سطوح نامبرده باید آموزش‌های متناسب را تهیه، تدوین و اجرا کرد. در میان گروه‌های مذکور، گروه اول با تصمیم‌گیران مدیریت شهری، یعنی اعضای شوراهای اسلامی شهر از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و باید بهای بیشتری به آن داده شود. در وضع کنونی، مهم‌ترین وظیفه شورای اسلامی شهرها نظارت بر عملکرد شهرداری‌ها است؛ در حالی که به‌سود کیفیت زندگی شهروندان و خدمات رسانی به آنها کاملاً در اختیار شهرداری‌ها نیست و دستگاه‌های دیگری در سطح شهرها نیز در این زمینه فعالیت می‌کنند. اگر شوراهای شهر بتوانند تمام دستگاه‌های خدمات‌رسان در سطح شهر را گرد هم آورند و با حفظ استقلال اداری آنها بر عملکردشان نظارت کنند، به نظر من عملکرد موفق‌تری خواهند داشت و سطح کیفیت زندگی را بهبود خواهند داد. ■

جستاری بر بازشناسی رویکردهای کیفیت زندگی در ساختار اجتماعات محلی

■ مریم اسمعیلیان، عضو هیات علمی
آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین



مقدمه

در پرتو نفوذ مفهوم کیفیت زندگی، رویکردی جدید در شهرسازی شکل گرفته است که معتقد است برنامه‌ریزی شهری باید به نیازهای روانی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی همچون رضایت، شادمانی، امنیت، مسکن با کیفیت بالا، دسترسی به خدمات، امیدهای اشتغال، هزیت اجتماعی، حس مکان و غیره علاوه بر اهداف کالبدی و کارکردی توجه داشته باشد. اصولاً کیفیت زندگی، واژه‌ای پیچیده، چندبعدی و کیفی در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک مقیاس جغرافیایی خاص (شهر، منطقه، محله، بخش) است که هم متکی به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم متکی به شاخص‌های عینی یا کمی است. مفهوم کیفیت زندگی شهری را می‌توان در یک برداشت جامع و کلی به صورت زیر تعریف کرد:

کیفیت زندگی شهری در برگیرنده ابعادی روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در بر می‌گیرد. در برخی موارد، رضایت‌های اجتماعی نیز نامیده می‌شود. همچنین، ابعادی محیطی که در برگیرنده مسجدهایی همچون مسکن، دسترسی

به خدمات و امنیت محیطی است. جنبه‌های دیگر در بر گیرنده توجه به فرصت‌های اجتماعی، امیدهای اشتغال، ثروت و اوقات فراغت است.

کیفیت زندگی شهری ممکن است احساس خوبی از ترکیب عوامل مرتبط با حس مکان با هویت مکان باشد. از قبیل خوانایی، خاطره جمعی و حس تعلق تاریخی. چیزی که در اینجا بسیار مهم است، ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که ما با محیط ساخته شده اطراف داریم؛ به عبارت دیگر، احساس ما واکنشی احساسی بین روان و فرم محیط و اجزای اصلی آن است. به طور کلی رویکرد کیفیت زندگی شهری تلاشی در جهت ایجاد شهر سالم و فراهم آوردن خدمات شهری مناسب و در دسترس برای همگان در چهارچوب پایداری است؛ بنابراین در یک شهر سالم با کیفیت زندگی بالا، شرایط کالبدی، اجتماعی و اقتصادی در جهت توانمندسازی ساکنان شهر برای اجرای نقش‌های زندگی و شکوفایی استعدادهایشان مهیا است. برخی این واژه را مترادف با رفاه می‌دانند. دیگران آن را بیانی از رفاه می‌دانند که به وسیله مقدار کالاهای عمومی و پراکنش آنها مشخص می‌شود.

واژه کیفیت زندگی بیشتر با محیط طبیعی و شرایط خارجی زندگی افراد از قبیل آلودگی، کیفیت مسکن، جنبه‌های زیبایی‌شناسانه، تراکم ترافیک، شیوع جرم و مانند اینها مرتبط است. این متغیرها تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر سطح رضای افراد از زندگی دارند؛ اما آنها فقط جنبه محدودی از مجموع رضایت‌هایی که ممکن است در فرایند زندگی ارزشمند باشد را در بر می‌گیرند.

با توجه با تعاریف بالا و همچنین اذعان به فقدان اجماع نظر در مورد تعریف کیفیت زندگی، می‌توان گفت که مفهوم کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری، بسیار نسبی و پویا و ابهام‌آور است و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه بسیار فرق می‌کند؛ به گونه‌ای که از تعاریف بالا بر می‌آید. کیفیت زندگی یک مفهوم عینی و ذهنی به صورت توأم است. در اینجا نیز با توجه به محوریت برنامه‌ریزی شهری نسبت به طراحی شهری و به منظور دوری جستن از افشناتش فکری و دستیابی به معیارها و شاخص‌های مناسب کیفیت زندگی شهری در عمل، ناچار از ارائه تعریفی جامع و مانع هستیم. بر این اساس شاید بتوان تعریف زیر از کیفیت زندگی شهری را مبنای مطالعه و استنتاج قرار داد:

مرکز مطالعات کیفیت زندگی در آمریکا در پژوهش‌های خود، ضمن توجه به وجه عینی و ذهنی کیفیت زندگی بر تعریفی از کیفیت زندگی تأکید می‌کند که هم سطح و هم عمق زندگی را می‌سنجد؛ به این معنا که ضمن توجه به وضعیت فرد از نظر ثروت مادی و بایگانه اجتماعی و سلامتی، معنایی که این شرایط برای فرد دارد و احساس خوب و رضایت از زندگی را نیز در بر می‌گیرد.

مفهوم کیفیت زندگی به مرور زمان و متناسب با شرایط خاص فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه دستخوش تحولاتی می‌شود. به طور کلی مفهوم کیفیت زندگی متأثر از مجموعه عواملی است که شالوده پویایی زندگی در یک جامعه شهری را تشکیل می‌دهند. اکثر محققان در مطالعات کیفیت زندگی آن را به دو بعد تقسیم کرده‌اند: یکی «بعد روانشناختی» و دیگری «بعد محیطی». در نهایت می‌توان گفت که در زمینه شاخص‌سازی کیفیت زندگی شهری ضمن توجه به شرایط و خصوصیات عینی زندگی شهروندان مانند کیفیت مسکن، کیفیت حمل و نقل و غیره، نوع نگاه و ذهنیت خاص آنان به این مفهوم نیز باید در نظر گرفته شود؛ بنابراین الزام در زمینه تدوین معیارهای کیفیت زندگی بر توجه توانان به بعد ذهنی و عینی کیفیت زندگی شهری استوار است.

کیفیت زندگی و برنامه‌ریزی شهری

شاید بتوان تأثیر مفاهیم کیفیت زندگی، رفاه اجتماعی و غیره

را در اصلاح و تکامل دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به لحاظ روش‌شناسی، نظریه‌پردازی، امکانات اجرایی و تحقق‌پذیری به صورت زیر خلاصه و جمع‌بندی کرد:

۱- در سال‌های اخیر، تحت تأثیر نگرش‌ها و تحولات جدید، مفاهیم کیفیت زندگی شهری، رفاه عمومی، عدالت اجتماعی هم از جهت نظری و هم از جهت عملی عنای بیشتری پیدا کرده و مباحث و موضوعات جدیدی را در عرصه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مطرح ساخته است که از جمله می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد: توسعه دانش و فنون طراحی شهری، برنامه‌ریزی برای احتیاجات کیفیت محیط سکونی، برنامه‌ریزی برای فضاهای فراغتی و تفریحی، برنامه‌ریزی برای فضاهای باز و سبز، برنامه‌ریزی برای توسعه فضاهای پیاده، تأمین و هدایت مشارکت مردم در برنامه‌ریزی و مدیریت.

سده نوزدهم زمانی پایان گرفت که بشر سرمست از تجربه نخستین دستاوردهای علمی تکنولوژیک و آثار آن بر زندگی‌اش دچار توهم علم باوری شد و تصور می‌کرد که سرانجام علم و فناوری توانسته است او را از دام رنج‌های عمیق زندگی برهاند. با چنین توهم خوشبینانه‌ای سده بیستم آغاز شد. شکی نیست که پیشرفت‌های شگفت‌انگیزی در عرصه زندگی مادی پدید آمده است. بهبود حیرت‌انگیز وضع بهداشت، ایمنی، تغذیه و رفاه و خدمات اجتماعی و دسترسی به کالا و از همه مهم‌تر، کارایی و اثربخشی فرایندهای تولید ثروت باعث شد که قشرهای وسیعی از جمعیت جهان با بهره‌گیری از این دستاوردها از دور باطل فقر و جهل خلاص شوند و سطح زندگی آنان به نحو چشمگیری بهبود یابد؛ ولی از نیمه دوم سده بیستم بحران آغاز شد و تا پایان سده شدت گرفت؛ به طوری که در آغاز سده بیست و یکم، نگرانی‌های جدی بروز کرد و این فکر اشاعه یافت که در ربع آخر سده، کیفیت زندگی و پایداری سیاره به طور جدی تزلزل کرده است.

رویکردهای کیفیت زندگی

کیفیت زندگی یک ارزشیابی ذهنی است و افراد خود بهترین قضاوت‌کنندگان راجع به کیفیت زندگی خود هستند، اما گاهی شرایطی وجود دارد که این قضاوت را برای فرد مشکل می‌سازد که در این موارد خاص افراد دیگر قادر خواهند بود این ارزیابی را انجام دهد. کیفیت زندگی یک ماهیت پویا و دینامیک و نه یک ماهیت ایستا است؛ به این معنا که یک فرایند وابسته به زمان بوده و تغییرات درونی و بیرونی در آن دخیل هستند.

کیفیت زندگی یک مفهوم چند بعدی است و باید از زوایا و ابعاد مختلفی سنجیده شود که این ابعاد، اجزای مرکزی چهارچوب پنداشتی تحقیقات کیفیت زندگی را تشکیل می‌دهند. از سیر تحولات مفهومی کیفیت زندگی

به عنوان نمونه می‌توان به «برنامه توسعه جکسونویل» (۱۹۶۷) اشاره کرد که در آن، کیفیت زندگی به عنوان یک «احساس بهتر بودن، شکوفایی، نتایج رضایت بخش از عوامل محیط بیرونی» تعریف شده است. در این تعریف از آنجا که بر اهمیت احساسات واقعی روابط بین فردی تأکید دارد، بر محیط بیرونی متمرکز است و نشانگر خلبه نگاه بیرونی به مفهوم کیفیت زندگی است. در مقابل، بنابر بررسی‌های فاهیه (۲۰۰۴) امروزه می‌توان سه رویکرد عمده به کیفیت زندگی را شناسایی کرد:

۱- رویکرد اول معتقد است که کیفیت زندگی به شرایط افراد بستگی دارد (نگرش خودنگر به کیفیت زندگی).

۲- رویکرد دوم کیفیت زندگی را یک مفهوم چند بُعدی می‌داند. این نگرش به توصیف حوزه‌های چندگانه کیفیت زندگی و همچنین تأثیر متقابل این حوزه دو یکدیگر می‌پردازد.

۳- سومین رویکرد نیز معتقد است که کیفیت زندگی به دو شاخص عینی و ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. جنبه ذهنی به افراد کمک می‌کند تا تعریفی از هویت، آرمان‌ها و جهت‌یابی زندگی‌شان ارائه کنند و این جنبه زمانی بالارزش است که با شرایط عینی زندگی همراه شود.

نگرش اول به کیفیت زندگی به دلیل محدودیت‌های متعدد آن، جای خود را به نگاه دوم، یعنی نگاه توأمان درونی و بیرونی داده است. این پرسش که انسان‌ها از زندگی در این جهان، چه پنداشت و برداشتی دارند و چگونه آنها را ارزیابی می‌کنند، در قالب مفهوم رضایت از زندگی قابل بررسی است.

«رضایت از زندگی» به تجربه شناختی برمی‌گردد که به عنوان اختلاف درک شده بین آرزوها و پیشرفت‌ها است. بر این اساس طیفی را تشکیل می‌دهد که از احساس خوشبختی تا محرومیت را در بر می‌گیرد. علاوه بر این، متغیری که بر رضایت‌مندی افراد تأثیرگذار است، میزان برخورداری آنها از سرمایه اجتماعی است که ریشه در روابط اجتماعی دارد.

پیرو نظریه «امیل دورکیم» رضایت افراد (که هسته اصلی کیفیت زندگی را نیز تشکیل می‌دهد)، تابع نوع، شدت و چگونگی رابطه اجتماعی آنهاست. رابطه اجتماعی می‌تواند از دو جهت بر میزان رضایت شهروندان از زندگی اثر گذارد:

- ۱- تأمین نیازهای عاطفی، شناختی و حتی مالی
 - ۲- مهار تمایلات افراد از آرزوهای بی‌پایان و ارضاء نشدنی آنها و کاهش احساس محرومیت نسبی آنان.
- افزادی که شبکه روابط اجتماعی گسترده‌ای دارند، از رضایت‌مندی بالاتری نیز برخوردارند. در واقع هرچه یک گروه اجتماعی در شبکه روابطی

خود شعاع اعتماد بیشتری داشته باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری نیز خواهد داشت. چنانچه یک گروه اجتماعی، پروتگرایم مثبتی نسبت به اعضای گروه‌های دیگر داشته باشد، شعاع اعتماد این گروه از حد داخلی آن نیز فراتر می‌رود. با این حال مفهوم کیفیت زندگی بر ابعاد دوگانه زندگی آدمی دلالت دارد:

- ۱- شرایط عینی جامعه
 - ۲- دریافت‌های ذهنی و شناختی تجربه‌های زندگی از سوی گروه‌های اجتماعی و افراد انسانی
- جنبه عینی زندگی به سهم خود به دو موضوع دلالت دارد:

- ۱- اوضاع و احوال محیط زیست آدمی همچون آلودگی محیط، مسکن، منابع مالی، تفریحات و مانند آن
- ۲- برخی مشخصات افراد جامعه همچون تندرستی، دستاوردهای آموزشی، انسجام خانوادگی، سلامت روانی و مانند آن. جنبه‌های ذهنی بر تجارب خوشایند و بدآیند زندگی فردی و حتی جمعی مانند سرخوردگی، احساس بیگانگی از جامعه و از خویش خویش، احساس رضایت از زندگی، اشتیاق‌های آدمی و ادراکات انسانی دلالت دارد (اشرف، ۱۳۸۰، ص ۵۷).

اگرچه ممکن است همبستگی میان این ابعاد چندان روشن نباشد؛ چرا که رابطه میان شرایط عینی جامعه با چگونگی ارزیابی آن از سوی افراد جامعه به دلیل فقدان رابطه خطی بین پدیده‌های اجتماعی از پیچیدگی‌ها جامعه‌شناسی است. اگر میزان انتظارات مردم با سرعت بیشتری از شرایط عینی زندگی رشد کند، ممکن است میزان رضایت آنان از زندگی نیز کاهش دهد.

برخورداری از کیفیت زندگی ضعیف می‌تواند روی ارتباطات خانوادگی نیز اثر گذارد. کیفیت زندگی ضعیف می‌تواند موجب به‌کارگیری مکانیسم‌های مقابله و سازگاری نامؤثر در افراد شده و متعاقباً موجب افزایش تنش در آنان گردد و افزایش تنش در ارتباط مستقیم با عوامل فیزیکی و جسمی بوده و می‌تواند شدت بیماری در افراد را افزایش دهد. بسیاری از محققان رابطه بین صفات فردی و کیفیت زندگی را مورد بررسی قرار داده و عواملی را شناسایی کرده‌اند. این عوامل شامل میزان شناخت از خود، تنش‌های متحمل شده، دستیابی به اهداف زندگی، روش‌های مقابله و میزان سازگاری می‌باشند. تلقی یا شناخت فرد از خود که شامل عواملی مانند مفید بودن، مولد بودن، تصور ذهنی از خود، ذوق و علاقه، نحوه نگرش نسبت به زندگی، درمان و آینده نگری تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی دارند.

- در پایان می‌توان گفت که به‌طور کلی، دو سنت کاملاً مجزا در خصوص تحقیقاتی که در رابطه با کیفیت زندگی انجام شده وجود دارد که شامل موارد زیر است:
- ۱- رویکرد اسکانه‌دیناویایی کیفیت زندگی: این

رویکرد در اکثر کشورهای اروپایی طرفدار داشته و توسط «جان درینوسکی» و «ریچارد تیشوس» به وجود آمده است. در این رویکرد بر شرایط عینی زندگی و مؤلفه‌های مرتبط با آن تأکید شده است.

۲- رویکرد آمریکایی: این رویکرد که در آن محققان بیشتر به تجارب ذهنی افراد از زندگیشان توجه کرده و بر معرف‌های ذهنی تأکید نموده‌اند. از اثرگذاران بر این رویکرد می‌توان به «دبلیو. آی. توماس» اشاره کرد. در این رویکرد رضایتمندی و خوشبختی به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی سنجش استفاده می‌شوند.

در کنار دو رویکرد بالا، رویکردهایی نیز وجود دارند که هم بر ابعاد ذهنی و هم بر ابعاد عینی تأکید می‌نمایند که از جمله می‌تواند به روش‌های اقتصادی و اجتماعی ارزیابی کیفیت زندگی اشاره کرد. «زاق» کیفیت زندگی را ترکیبی از شرایط عینی و ذهنی افراد و گروه‌ها تعریف می‌نماید. وی معتقد است که در ارزیابی کیفیت زندگی باید شرایط عینی زندگی افراد را با ارزیابی ذهنی آنها در خصوص شرایط زندگیشان به‌طور همزمان در نظر گرفت. رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تأیید است که چهار نوع دارد:

۱- رضایت نوع ۱: رضایت ناشی از داشتن و برخورداری از سوابد دوست داشتنی.

۲- رضایت نوع ۲: رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است.

۳- رضایت نوع ۳: رضایت ناشی از بودن که دلالت بر کنترل زندگی دارد.

۴- رضایت نوع ۴: رضایت ناشی از اقدام و عمل که بیشتر ناشی از زمان اوقات فراغت است.

اجتماعات محلی و کیفیت زندگی

ارزیابی تجارب حاصل از رویکردهای توسعه طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که به ندرت برای حل مسائل جوامع شهری و روستایی و به‌خصوص محله‌های فقیرنشین راه‌حل‌های پایدار ارائه می‌دهند؛ چرا که این انگوها معمولاً بر سنجش نیازها به وسیله برنامه‌ریزان در فرایندی از بالا به پایین مبتنی هستند. مروری بر طرح‌های توسعه شهری و روستایی در ایران نیز حاکی از غلبه الگوهای توسعه پیش گفته است. آثار سوء این نگرش موجب شده تا یک حرکت قابل توجه از رویکرد دولت محور و عرضه‌مدار به رویکرد اجتماع‌محور و تقاضامندار در برنامه‌های توسعه و به خصوص توسعه در اجتماعات محلی به وجود آید. این حرکت با خیزش رویکرد توسعه اجتماعی و توسعه پایدار در دهه ۱۹۹۰ شروع شد. چالش‌ها و تبعات پیش‌روی جهانی شدن در پیوند با آراه رویکردهای اجتماعی به توسعه باعث توجه به نقش بخش مردمی و ابعاد محلی توسعه شد و در

این میان، پژوهشگران و نظریه‌پردازان توسعه، مفاهیمی چون جامعه مدنی محلی، حاکمیت محلی، حکمرانی خوب و توسعه اجتماعات محلی را مطرح کردند. از این رو، رویکرد محلی‌گرایی و اجتماع محوری در سال‌های اخیر همه حوزه‌های توسعه را در نوردیده است. رویکرد اجتماعی و پایدار به توسعه بیش از همه بر نقش بخش داوطلبانه و مردمی، توسعه محلی و سازمان‌های اجتماع محور (CBOs) تأکید دارد. توسعه مبتنی بر سازمان‌های اجتماع محور فرایندی است که در آن گروه‌های اجتماعات محلی پیشقدم شده، سازماندهی و اقدام می‌کنند تا به علایق و اهداف مشترک از جمله دستیابی به رفاه اجتماعی، حل مسئله و خروج از وضعیت فقر دست یابند (فاریان و ایه، ۱۳۸۳: ۹).

به نظر «فولر» (۱۹۹۸) «سازمان‌های اجتماع محور» از «ظرفیت‌های نوآوری، پاسخگویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب» برخوردارند و این ویژگی‌ها، مزیت نسبی آنها در پیشبرد توسعه در سطح محلی می‌باشد. بی‌شک یکی از تأثیرات جهانی شدن، انتقال برخی از وظایف دولت، هم به سطوح بالاتر و هم به سطوح پایین‌تر است.

امروزه سازمان‌های بین‌المللی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تصمیمات دولت‌های ملی اهمیت بیشتری یافته‌اند. از طرف دیگر، برخی از وظایف دولت‌های ملی نیز به بدنه‌های اداری در سطوح پایین‌تر منطقه‌ای و محلی واگذار می‌شود و این سطوح اداری اغلب با نهادهای جامعه مدنی، داوطلبانه و مردمی (بخش سوم) که بر اساس آرای مردمی شکل می‌گیرند، ارتباط بیشتری دارند؛ بنابراین یکی از مزیت‌های مهم جهانی شدن، تقویت بخش سازمان‌های داوطلبانه، مردمی و جامعه مدنی است. می‌توان این عزیت را به منظور کاهش تأثیرات منفی جهانی شدن در زمینه گسترش بیکاری، فقر و نابرابری که منجر به افزایش مخاطرات در زمینه کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی مردم می‌شود، به کار گرفت. گیدنز در مثنی سیاسی راه سوم خود در برابر انگاره دولت رفاه، مفهوم رفاه مثبت را مطرح می‌کند. اصل راهبردی در سیاست رفاه مثبت، عبارت از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی در هر جا که ممکن باشد و نه ارائه مستقیم کمک اقتصادی است (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۲۸۶) یعنی به جای تقویت «دولت رفاه‌گستر»، او به «دولت سرمایه‌گذار اجتماعی» معتقد است.

در نقد رویکرد اقتصاد محور و دولت محور بر توسعه، «گیدنز» به نقل از «اکینز» می‌نویسد:

«در یک جبهه، علم‌گرایی، توسعه‌گرایی و دولت‌گرایی را می‌بینیم که توسط مؤسسات بزرگ با بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن و نهادهای سرمایه‌داری جهانی و قدرت دولت‌ها پشتیبانی می‌شوند. در جبهه دیگر،

مردماند که سی درصد آنها تا زمانی که پروژه مدرنیته مطرح است، هیچ بختی ندارند و هفتاد درصد دیگر که بسیاری شان در نگرانی آنها سهیم اند و این پروژه را از جهت اخلاقی، اجتماعی و زیست محیطی تحمل ناپذیر می دانند.

این نوع توسعه نمی تواند مبتنی بر سوسیالیسم دولتی به معنای اقتصاد از مرکز کنترل شده ای باشد، بلکه این نوع توسعه باید مبتنی بر تقویت اقدام های بازاندیشانه باشد؛ رویکردی که جنبش های اجتماعی و گروه های خودیاری محلی هم اکنون در سراسر جهان در برخورد با نیروهایی که زندگی شان را تغییر می دهند، به کار می برند.

این نوع توسعه به مسئله جلوگیری از خسارت به فرهنگ بومی و محیط زیست، سیاست زندگی، خودانگیزی و شمولیت اجتماعی توجه زیادی دارد. در تأیید این گفته گیدنز، می نرزدید تغییر کارکردهای اقتصادی و ناهمگونی و تنوع زندگی به خصوص در جوامع شهری در عصر حاضر از عوامل تشکیل دهنده برای بازاندیشی رویکردهای توسعه است. برای دستیابی کامل به اهداف برنامه ها و سیاست هایی که به نیازهای مختلف جوامع و چگونگی تأمین آنها مربوط است، به بسیج منابع و کنشگران جهت پشتیبانی از برنامه ها و مشارکت ساختارها و نظم دهندگان نیاز دارد. موضوعی که با طرح کنشگران محلی به عنوان سازمان دهندگان تغییر فعالیت ها با رویکرد از پایین به بالا و درونزا می باشد.

این رویکردها به منابع و کنشگران محلی به مثابه عاملان متکی است که به سوی مطالبه مجدد هویت خود و محل زندگی حرکت می کنند. اساس اندیشه های توسعه از پایین به بالا در سطح محلی، بر میزان اعتماد و همکاری در روابط اجتماعی و به بیان دیگر، میزان سرمایه اجتماعی بستگی دارد. بنابراین هر انگوری توسعه محلی که مبتنی بر رویکرد اجتماع محور باشد، راه را برای پایداری خواهد گشود که می تواند با توانمندسازی به مفهوم مقدرشدن اجتماعات محلی به رشد و بهبود کیفیت زندگی بپردازد. دیبا نازایان (۱۳۸۳) معتقد است که رویکرد اجتماع محور به توسعه سه ویژگی اصلی دارد که در جدول زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. مشارکت اجتماع محلی گروه های اجتماعات بر تصمیمات و منابع، از جمله منابع مالی، کنترل و اختیار دارند. اجتماعات در برنامه ریزی ها شرکت دارد و کوشش برای دخالت دادن نهادستان و افراد آسیب پذیر در فرآیند برنامه ریزی اصل مسلم در این رویکرد است. هدف های اصلی این فرآیند پاسخ دادن به نیازهای اولویت دار، اعتمادسازی، ایجاد مهارت های حل مسئله

و ظرفیت سازمانی و همچنین رواج دادن مالکیت و مراقبت از اموال محلی است.

۲. تقاضا محوری دستگاه های اجرایی سازمان اطلاعات بر طرفانه ای را به ویژه درباره منافع و هزینه های انتخاب ها و سطوح خدمات عرضه می کنند تا گروه های اجتماعات را قادر به گرفتن های آگاهانه نمایند. کارگزاری ها نیاز به شواهدی از وجود علاقه و تعهد در اجتماع از طریق کمک های نقدی و جنسی یا آغاز یا تکمیل وظایف سازمانی پیش از اجرا دارند؛ و کارگزاری ها از کنترل و اختیار اجتماع در خلال اجرا حمایت می کنند.

۳. ظرفیت سازمانی عبارت است از توانایی گروه های مردم برای کار با هم، اعتماد به یکدیگر، سازمان دادن تلاش های خود، حل مشکلات خود، بسیج منابع، حل اختلاف ها و همچنین تشکیل شبکه با دیگران برای تأثیر گذاشتن بر منابع و لیل به هدف های مشترک ظرفیت کافی دارند (نازایان و ایه، ۱۳۸۳: ۱۰).

نتیجه گیری

با توجه به مباحث گفته شده، به نوعی از عناصر سرمایه اجتماعی محسوب می شوند؛ لذا در بحث توسعه اجتماع محور از اهمیت بسزایی در برنامه ریزی سطوح کلان، میانی و خرد برخوردار است. در سطح میانی و کلان سرمایه اجتماعی موجب افزایش ظرفیت سازمانی محلی از طریق بسیج مردم و منابع، برای حل مسائل و تشکیل شبکه های گسترده اجتماعات گردد و می تواند با افزایش اعتماد نهادی بر کارایی اجرای برنامه ها و سیاست های توسعه تعیین کننده باشد. از طرف دیگر در سطح خرد سرمایه اجتماعی یا تسهیل همکاری ها و تشریک مساعی زمینه را برای ابتکار عدل برای غلبه بر مسائل و مشکلات اجتماع محلی فراهم کرده و به این ترتیب موجب افزایش کیفیت زندگی گردد. ■

منابع

احدیزاد، روشنی محسن، فرخنده مهدی، زیاری، کرامت اله (۱۳۸۹) «مدل سازی آسیب پذیری ساختمانی شهرها در برابر زلزله با استفاده از روش فرایند تحلیل سلسله مراتبی در محیط GIS، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱۹»

ایوب چری (۱۳۸۸) «برنامه ریزی بومی طراحی از تمرکز تا عمل»، ترجمه شهناز بورناصیری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری

ارسطو (۱۳۶۹) سیاست، ترجمه عنایت خوارزمی، انتشارات خوارزمی، تهران

ازغندی، علی رضا (۱۳۵۹) «تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران»، انتشارات سمت

استوتزل، ژان (۱۳۶۳) «روان شناسی اجتماعی»، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران

استفندیاری، منصور (۱۳۷۲) *شهرهای جدید و افزایش قابلیت شهرهای کنونی: مجموعه مقالات شهرهای جدید فرهنگی جدید در شهرنشینی* (جلد دوم)، اصفهان، انتشارات شرکت عمران شهرهای جدید چاپ اول.

اسماعیلی، مجید. (۱۳۸۳) *حیاتی نظری و عملی توسعه در مفهوم اسلامی بر اساس قرآن و روایات، فصلنامه اندیشه صادق، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۶-۷.*

اشرفی، احمد (۱۳۵۴) «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره اول، شماره ۲، خرداد ۱۳۵۴.

اشرفی، احمد (۱۳۸۰) «نگرشی در مفهوم کیفیت زندگی و اجزای آن»، فصلنامه مهندسی اجتماعی، شماره ۱۵، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران. اصغرپور، محمدجواد (۱۳۸۷) «نصمیم‌گیرترین چند معیار در انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم».

اطهاری، کمال (۱۳۶۹) *راهبردهای توسعه راهبردهای شهرسازی و شهرهای جدید، مجموعه مقالات شهرهای جدید، فرهنگی جدید در شهرنشینی، شرکت عمران شهرهای جدید چاپ اول.*

اطهاری، کمال (۱۳۷۰) «تفکر و اشتغال در ایران»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال پنجم، شماره ششم و هفتم، ۱۳۷۰.*

افتخاری اصغر (۱۳۸۲) *نمود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۱ و ۱۲.*

افروغ، عباد (۱۳۷۷) *فضا و مدیریت اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.* افشار نادری، کامران (۱۳۷۸) «از کاربوی تا مکان»، *مجله معمار شماره ۵، پاییز ۱۳۷۸.*

امکچی، حمیده (۱۳۸۳) *شهرهای میانی و نقش آنها در چهار چوب توسعه ملی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.*

اوکلی، پینر و مارسلان، دیوید (۱۳۷۰) *رهبرانهای مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، تهران، وزارت جهاد سازندگی.*

ابزدی، محمد سعید (۱۳۸۰) «بررسی تجارب مردم شهری در ایران با تأکید بر تحولات دو دهه اخیر»، *مجله وقت شهر، شماره ۳، صص ۲۳-۳۲، مؤسسه پژوهشی و انتشاراتی جم، تهران.*

ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۷۳) *بررسی آثار شهرسازی‌های تأسیس شده در ایران (۱۳۸۶-۱۳۷۴)*، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری وزارت کشور، تهران. ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۴) *بررسی جامعه*

شناسی عوامل مؤثر بر عملکرد شهرهای اسلامی شهر در توسعه محله‌ای، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

باربور، ایان (۱۳۷۴) *علم و دین، ترجمه خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.*

یانی مسعود امیر (۱۳۸۸) *معماری معاصر ایران، نشر هنر معماری سده، تهران.*

بحرینی، حسین (۱۳۷۸) *تحلیل فضاهای شهری، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.*

Alrige, Stephen, David Halpern, Sarah Fitzpatrick, (2002), *Social Capital: A Discussion Paper, Performance and Innovation Unit*, Amherst, Massachusetts, 01003, December 22, 2000.

Arefi, Mahyar (1999) «Non-Place and Placeless ness as Narratives of Loss», *Journal of Urban design*, vol.4, No.2, pp.43-47.

Asian Development Bank, (2000), *Social capital, local capacity building, and poverty red*, 2000.

Australian Institute of Family Studies, (2002), *Social capital: Empirical meaning and measurement validity*, Research Paper No. 27, June 2002.

Azapagic, A. (2002) *Life Cycle Assessment: A tool for identification of more sustainable products and processes* PP. 62-85. In: *Handbook of Green Chemistry and Technology* (eds J.Clark and D.Macquarrie) Blackwell Science, Oxford.

Barnard et al, (2000), *Inclusion and autism: is it working?* London: *National Autistic Society*, p.19.

Barnard et al, (2001), *Ignored or ineligible? The reality for adults with autism spectrum disorders*, London: National Autistic Society, p.16.

Barrers, A., et al., 2002, *Proposal and Application of a Sustainable Development Index, Ecological Indicators*, 2, pp.251-256.

Bate, Robert H. (1990) «Capital, Kinship and Conflict. The structuring of capital in kinship societies». In Ostrom, E. (2000) *Social Capital a fact or fundamental concept?* In Dasgupta, P. & Serageldin, I. (2000) *Social Capital, a Multifaceted Perspective*, Washington, D.C., the World Bank.

سنجه‌های کیفیت زندگی در پژوهش‌های شهری، رویکرد تحلیلی و بازساختی

■ امید آذری، کارشناس ارشد معماری دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران



مقدمه

از دهه ۱۹۳۰ به بعد محققان و صاحب‌نظران رشته‌های مختلف فکری و همچنین نهادهای بین‌المللی (مرکز توسعه سازمان ملل متحد) به منظور مقایسه و ارزیابی واحدهای مختلف جغرافیایی از نظر سطح کیفیت زندگی شهری، به تعریف مفاهیم و اجزای کیفیت زندگی پرداخته‌اند. کیفیت زندگی بنا به ماهیت چند رشته‌ای و چند بعدی خود، مفهومی چند بعدی با اجزاء و عناصر چندگانه و متفاوت است. بر این اساس یافتن یک مجموعه ویژگی‌های مشترک در ادبیات کیفیت زندگی تقریباً غیر ممکن است.

اگر چه مفهوم کیفیت زندگی جنبه شخصی دارد، ولی در افراد مختلف از عوامل یکسانی برخوردار است؛ به طور کلی برای سنجش و تعریف مفهوم کیفیت زندگی دو معیار ذهنی و عینی در نظر گرفته می‌شود. عامل ذهنی کیفیت زندگی غالباً با اصلاحاتی چون احساس رضایتمندی، رفاه و آسایش و خوشحالی توصیف می‌گردد و به طور کلی منظور از شاخص‌های ذهنی برداشت ذهنی و ارزشیایی تفاوت فردی از وضعیت زندگی شخصی است و مرتبط با فرایندهای درونی است. سنجش بر پایه معیارهای عینی ابتدایی و ناقص

پژوهش‌های انجام شده اهمیت وضعیت اقتصادی بر کیفیت زندگی را نشان داده است. در این زمینه از عوامل خاص و مرتبط با کیفیت زندگی می‌توان هزینه، درمان، میزان درآمد و وضعیت اشتغال را نام برد. عوامل پیشگفته را می‌توان مرتبط با میزان مفید بودن دانست که دارای تأثیر مثبت بر کیفیت زندگی هستند. تطابق شغلی می‌تواند بر کیفیت زندگی تأثیر بسزایی داشته باشد؛ به این معنی که تطابق مشخصه توان فرد جهت تغییر حرفه در صورت لزوم می‌باشد و می‌توان انتظار داشت که هر چه فرد از قابلیت انعطاف پذیری بیشتری در تغییر حرفه برخوردار باشد، امکان کسب کیفیت مطلوب زندگی برای او افزایش می‌یابد. به هر حال بحث کیفیت زندگی طی سندهای متعددی همیشه موضوع چالش برانگیزی بوده و متأثر از نوع جهانی افراد است. مولوی نیز می‌گوید:

اصل لذت از درون تان نوز برون
ایلهی دان جستن از قصر و حصون
آن یکی در کنج زندان مست و شاد
و آن یکی در باغ تلخ و نامراد

جدول ۱: شاخص‌های کیفیت زندگی

ردیف	محقق	خصوصیات و ویژگی‌های به کار گرفته شده
۱	Lui, 1976	۱- اقتصادی، ۲- سیاسی، ۳- محیطی، ۴- اجتماعی، ۵- بهداشتی و آموزشی
۲	Boyer and Savageau, 1981	۱- آب و هوا، ۲- مسکن، ۳- بهداشت عمومی و محیطی، ۴- جنایت، ۵- حمل و نقل، ۶- آموزش، ۷- هنر، ۸- تفریح، ۹- اقتصادی
۳	Blomquist et al. (1988); Stover and Leven (1992)	۱- میزان بارندگی، ۲- میزان رطوبت، ۳- درجه حرارت روزهای گرم، ۴- درجه حرارت روزهای سرد، ۵- سرعت باد، ۶- گرمای آفتاب، ۷- ساحل، ۸- جنایات وحشیانه، ۹- سرانه معلم به دانش آموز، ۱۰- نامه دید، ۱۱- مشارکت موثقی، ۱۲- تخلیه فاضلات، ۱۳- محل دفن زباله، ۱۴- مکان‌های با سرمایه بالا، ۱۵- مکان‌های برداشت ذخیره و دفع زباله
۴	Sufian, 1993	۱- ایمنی عمومی، ۲- هزینه غذا، ۳- فضای زندگی، ۴- استاندارد مسکن، ۵- ارتباطات، ۶- آموزش، ۷- سلامت عمومی، ۸- صلح و آموزش، ۹- جریان ترافیک، ۱۰- تمیزی هوا
۵	Human Dev. Index (UNDP, 1994)	۱- زندگی مورد انتظار، ۲- نرخ بسوادی بزرگسالان، ۳- متوسط قدرت خرید
۶	Physical QOL Index (ICQOL, 1996)	۱- مرگ و میر کودکان، ۲- زندگی مورد انتظار، ۳- نرخ بسوادی بزرگسالان
۷	Protassenko, 1997	۱- درآمد ماهانه هر فرد، ۲- توزیع درآمد، ۳- هزینه ماهانه غذا

منبع: Burc, Ulengin, ۱۹۹۹ و همکاران

مختلف را در یک شاخص و مقیاس واحد در خود دارد. در این مطالعه شاخص شرایط زندگی در هشت عرصه اصلی مسکن، سلامتی، قدرت خرید، فعالیت‌های فراغتی، تحرک، مشارکت اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی و فعالیت‌های زمان تعطیلی تعریف و مبنای تحلیل قرار گرفته است. از این رو بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل توسعه در رشته‌های مختلف، به نقد و ارزیابی هدف‌های رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای پیشرفته و صنعتی پرداختند و بر اولویت هدف‌های اجتماعی توسعه و کیفیت خدمات و کالاها و مناسب بودن آنها با نیازها و شرایط زندگی مردم تأکید ورزیدند (حاج یوسفی، ۱۳۸۰، ص ۳۰).

برخی از آنها بر توسعه انسانی، توسعه پایدار و پایداری تمرکز دارند و برخی دیگر بر نیکبودی عمومی (well being) برخی در سطح جامعه محلی مسئله کیفیت زندگی را بررسی می‌کنند و شماری دیگر در سطح ملی و بین‌المللی، از میان این شاخص‌ها، سه شاخص محبوبیت بیشتری یافته‌اند که عبارتند از:

می‌باشد؛ چرا که معیارهای بیولوژیکی و فیزیکی برای مدت طولانی‌تر نمی‌توانند بیانگر وضعیت زندگی فرد باشند. در «تحقیق استانبول» که رهیافتی چند بعدی به موضوع کیفیت زندگی بوده است، برای توصیف کیفیت زندگی شهری چهار «محیط کلیدی، محیط اجتماعی، محیط اقتصادی، ارتباطات و حمل و نقل» مبنای مطالعه قرار گرفته است. در مطالعه اندازه‌گیری «کیفیت زندگی در شهر آمستردام هلند» شاخص «شرایط زندگی» که به وسیله مؤسسه برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی Dutch طراحی شده، مورد استفاده قرار گرفته است. در این پیمایش مفهوم مشارکت در عرصه‌های مختلف به عنوان یک روش بویا به منظور درگیر کردن شهروندان در امور جامعه، محور و اساس مطالعات را تشکیل می‌دهد. از دیدگاه این مطالعه شاخص شرایط زندگی بهترین شاخصی بوده که می‌توانست در این اندازه‌گیری نقش مناسبی ایفا کند. به این دلیل که یک ابزار کنترلی واحد و یکپارچه است که ترکیبی از شاخص‌ها در عرصه‌های

GPI (Genuine Progress Indicator),
FISH (Fordham Index of Social Health),
HDI (Human Development Index).

این شاخص پیشرفت اجتماعی را در قالب ارزش پولی می‌سنجد که مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به این شرح است که در قالب جدول ۲ به آن پرداخته می‌شود.

در ادامه به تبیین این شاخص‌ها پرداخته می‌شود:
سازمان بازتعریف پیشرفت (GPI)

شاخص فوق ۱۸ مؤلفه دارد و برای نخستین بار توسط سازمان تعریف مجدد پیشرفت «ارائه شد. این شاخص هر سال بلزنگری می‌شود و در نسخه ۲۰۰۱ چنین آمده است:

مؤسسه نوآوری در سیاست اجتماعی (FISH)

این شاخص که توسط «مؤسسه نوآوری در سیاست اجتماعی» وابسته به دانشگاه فوردهام در دهه ۱۹۷۰ تهیه شده، هر ساله بروز می‌شود دولت آمریکا و برخی از ایالت‌ها از جمله ایالت کنکیکات آمریکا از آن بسیار استفاده می‌کنند. این شاخص از ۱۵ مؤلفه به شرح جدول ۳ ترکیب یافته است.

این شاخص با داده‌های مصرف شخصی شروع می‌شود ولی برخی از متغیرها از جمله توزیع درآمد را نیز در نظر دارد و در آخرین نسخه متغیر جدیدی چون ارزش کار در خانه و ارزش کار داوطلبانه به آن اضافه شده است و هزینه جنایت و آلودگی حذف شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این شاخص مؤلفه‌هایی مشترک با سازمان بازتعریف پیشرفت دارد و هر دو برای سنجش پیشرفت اجتماعی در سطح ملی و محله‌ای به کار می‌روند.

جدول ۲: شاخص‌های کیفیت زندگی بر اساس سازمان بازتعریف پیشرفت

ردیف	شاخص‌های کیفیت زندگی (Genuine Progress Indicator) GPI
۱	زیر ساخت عمومی
۲	وابستگی به دارائی‌های خارجی
۳	خدمات (بزرگراه‌ها، خیابان‌ها، پارک‌ها)
۴	هزینه تصادفات خودرو
۵	هزینه اشتغال نیمه وقت
۶	هزینه آلودگی صدا و نابسامانی خانواده
۷	طول عمر محصولات با دوام مصرفی
۸	تغییرات اوقات فراغت
۹	از بین بردن منابع
۱۰	کار بدون مزد (در خانه و داوطلبانه)
۱۱	قتل / جنایت
۱۲	مرگ و میر تصادفات بزرگراه‌ها ناشی از مصرف الکل / مواد مخدر
۱۳	بینکاری و اشتغال نیمه وقت
۱۴	نابرابری درآمد / توزیع درآمد
۱۵	فرو پاشی خانواده
۱۶	آلودگی
۱۷	مخارج دفاعی
۱۸	آسیب‌های زیست محیطی دراز مدت

جدول ۳: شاخص‌های کیفیت زندگی

شاخص‌های کیفیت زندگی از دیدگاه مؤسسه نوآوری در سیاست اجتماعی	
متوسط درآمد هفتگی	۱
بیکاری و اشتغال نیمه وقت	۲
نابرابری درآمد/ توزیع درآمد	۳
توزیع کوبین غذا (برای قشر آسیب پذیر)	۴
مسکن	۵
قتل / جنایت	۶
پوشش بیمه درمانی و بهداشتی	۷
مرگ و میر تصادف بزرگراه‌ها که در اثر مصرف الکل بوده است	۸
بیمه بهداشتی و درمانی کهنسالان	۹
شمار جوانانی که دبیرستان را ترک گفته اند	۱۰
خودکشی نوجوانان	۱۱
استفاده از مواد مخدر	۱۲
فقر کودکی/ کهنسال	۱۳
آزار کودکان	۱۴
مرگ و میر نوزادان	۱۵

شاخص‌شناسی بنیاد اقتصاد نوین (NEF)

در رتبه‌بندی EIU در سال ۲۰۰۵، ایران در میان ۱۱۱ کشور، در کیفیت زندگی بر اساس متغیرهای نه گانه، رتبه هشتاد و هشتم را کسب کرده است. مؤسسه بنیاد اقتصاد نوین^۶ که سازمانی غیرانتفاعی و فعال در زمینه بهبود کیفیت زندگی است، شاخصی به نام «شاخص سیاره خوشبخت» تدوین کرده است که در آن ترکیبی از «متغیرهای ذهنی و عینی» مورد سنجش قرار می‌گیرند. در گزارش سال ۲۰۰۵ این مؤسسه، مدلی ارائه شده که در آن «فرایند تبدیل منابع به کیفیت زندگی» این‌گونه تعریف می‌شود:

منابع سیاره‌ای به عنوان نهاده از طریق ده ابزار باید به بازده‌ای تبدیل شوند که چیزی نیست جز عمر طولانی و زندگی شاد برای مردم. این ابزار ده‌گانه عبارتند از:

- ۱- حکومت و حاکمیت
- ۲- جامعه محلی (مدیریت شهری)
- ۳- تکنولوژی
- ۴- بهداشت و درمان
- ۵- آموزش و پرورش

۶- خانواده

۷- ارزش‌ها

۸- اقتصاد

۹- اشتغال

۱۰- مصرف

سوال اساسی این است که آیا در جوامع موجود (و البته ایران) ابزار ده‌گانه فوق، منابع طبیعی جامعه را به گونه‌ای به خدمت گرفته‌اند که مردم زندگی شاد و خوبی داشته باشند یا نه؟ در پاسخ به این سوال، مؤسسه بنیاد اقتصاد نوین یا استفاده از شاخصی که بر مبنای همان مدل طراحی شده، کشورها را ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. در گزارش ۲۰۰۵ این مؤسسه، عنوان گزارش از «شاخص سیاره خوشبخت» به «شاخص سیاره بدبخت» تغییر یافته است. نویسندگان گزارش می‌گویند علت این تغییر نام آن است که طبق داده‌های موجود، هیچ کشوری نتوانسته در این زمینه عملکرد مناسبی داشته باشد. در همین گزارش، به رغم عنوان، همچنان از شاخص سیاره خوشبخت استفاده شده که بر مبنای فرمول زیر محاسبه شده است:

(رغابت از زندگی X امید به زندگی)

شاخص شماره خوشحالی آسیای اکتولوژیک

«رغابت از زندگی ضرب در امید به زندگی»

تقسیم بر «آسیب‌های اکولوژیک»

شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد این شاخص که در سال ۱۹۹۰ توسط سازمان ملل متحد ارائه شده است. هر ساله از طریق یک شاخص مرکب دستاورد کشورها را در توسعه انسانی می‌سنجد و بر اساس آن کشورها را درجه بندی می‌کند. بنیان نظری این شاخص اعلامیه جهانی حقوق بشر است که توسط سازمان ملل تنظیم شده است. این شاخص اخیراً از ترکیب سه فاکتور امید به زندگی، استاندارد زندگی مناسب و دانایی تشکیل شده است و در سال‌های اخیر چهار شاخص دیگر به شرح زیر به آن افزوده شده است که در جدول ۴ به آنها اشاره شده است.

شاخص توسعه انسانی پیش از حد مؤلفه را در بر دارد و تصویری متفاوت با سازمان بازتعریف پیشرفت و مؤسسه نوآوری در سیاست اجتماعی ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۰۲ مؤلفه‌های زیر در شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد گنجانده شده‌اند. در ادامه برخی از مقایسه‌ها در شاخص‌های توسعه انسانی در جهان اشاره می‌شود.

نشریه نیوزویک در تازه‌ترین گزارش خود به معرفی بهترین کشورهای جهان از نظر شاخص‌های مختلف زندگی کردن پرداخته. در بین ۱۰۰ کشور مورد مطالعه، «فنلاند» به عنوان بهترین کشور جهان برای زندگی کردن انتخاب شده است. در این رده‌بندی پس از فنلاند کشورهای «سوئیس، سوئد و استرالیا» در رده‌های دوم تا چهارم قرار گرفته‌اند. همچنین پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان یعنی چین و هند نیز به ترتیب در رده‌های ۵۹ و ۷۸ جای گرفته‌اند. رتبه کشورهای سنگاپور، مالزی و سریلانکا نیز به ترتیب ۲۰، ۲۷ و ۶۶ اعلام شده است. همسایه شرقی ایران یعنی پاکستان نیز که اخیراً با سیل

ویرانگری مواجه شده در رده‌های بهتر از ۸۹ قرار نگرفته است. در پایین جدول رده‌بندی نیز نام کشورهای مانند بوزکیناسو، نیجریه، کامرون، زامبیا، اوگاندا، موزامبیک، اتیوپی، تانزانیا، یمن، سنگال و ماداگاسکار مشاهده می‌شود. در رده‌بندی کشورهای جهان از نظر شاخص زندگی کردن ۵۵ بازار مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته است. همچنین در بخش‌های مختلف در بخش آموزش، فنلاند رتبه نخست را کسب کرده؛ در حالی که در بخش‌های بهداشت، کیفیت زندگی، شرایط سیاسی و پویایی اقتصادی به ترتیب کشورهای ژاپن، نروژ، سوئد و سنگاپور اول شده‌اند، اما در این رده‌بندی، ایران در میان ۱۰۰ کشور جهان در رتبه ۷۹ قرار گرفته است. در این رده‌بندی، ایران پایین‌تر از کشورهای مانند کاستاریکا، امارات متحده عربی، کویت، جامائیکا، ترکیه، اردن، آلبانی، چین، عمان، قزاقستان، کلمبیا، فیلیپین، تونس، آذربایجان، ونزوئلا، السالوادور، معبر، نیکاراگوئه، هندوراس و هند قرار گرفته است. همچنین رتبه ایران از کشورهایمانند آفریقای جنوبی، ویتنام، سوریه، پاکستان و کامرون بالاتر است. در بخش‌های مختلف رتبه ایران به این شرح اعلام شده است: آموزش ۵۵، بهداشت ۷۳، کیفیت زندگی ۵۹، شرایط سیاسی ۹۷ و پویایی اقتصادی ۸۰.

در زیر وضعیت برخی از کشورهای جهان از نظر شاخص زندگی کردن بررسی می‌شود:

۱- فنلاند: این کشور به عنوان بهترین کشور جهان برای زندگی انتخاب شده است. نمره مربوط به بخش‌های زیرساخت، محیط زیست و آموزش در این کشور از سایر کشورهای جهان بالاتر است. نرخ مواد در این کشور ۱۰۰ درصد بوده و سرانه رشد بهره‌وری در این کشور به ۳۴ هزار و ۹۰۰ دلار می‌رسد. بخش خدمات حدود ۶۵ درصد از تولید ناخالص داخلی فنلاند را تشکیل می‌دهد، در حالی که سهم صنایع تولیدی به حدود ۱۳ درصد می‌رسد. در این کشور ۱۶ روز طول می‌کشد تا شما بتوانید یک کار اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در فنلاند ۵/۵ درصد بوده و امید

جدول ۴- شاخص‌های کیفیت زندگی

شاخص توسعه جنسیتی	GDI (Gender Development Index)
معیار توانمندی جنسیتی	GEM (Gender Empowerment Measure)
شاخص فقر انسانی برای کشورهای توسعه یافته	HPI-2 (Human Poverty Index)
شاخص فقر انسانی برای کشورهای در حال توسعه	HPI-1 (Human Poverty Index)

مأخذ: نگارنده

جدول ۵: شاخص های کیفیت زندگی

ردیف	شاخص های اضافه شده
۱	انرژی و محیط زیست
۲	حفظ دستاوردها برای نسل های آینده
۳	بیکاری
۴	جریان کمک و سرمایه خصوصی و بانمی ها
۵	جریان کمک از کشورهای توسعه یافته
۶	ساختار تجارت
۷	تعهد بهداشتی: دسترسی به خدمات و منابع
۸	داشتن زندگی طولانی و سالم
۹	درآمد و فقر و شاخص فقر
۱۰	روندهای دموگرافیک
۱۱	رویارویی با چالش ها و بحران های جهانی بهداشت
۱۲	بقا: پیشرفت ها و شکست ها
۱۳	کسب دانایی
۱۴	تعهد به آموزش و پرورش
۱۵	سواد و میزان حضور در برنامه آموزش رسمی
۱۶	تکنولوژی: اشاعه و خلق
۱۷	دسترسی به منابع مورد نیاز جهت دستیابی به سطح شرافتمندانه ای از زندگی
۱۸	عملکرد اقتصادی
۱۹	اولویت های مخارج عمومی
۲۰	تامین امنیت و ایمنی شخصی
۲۱	پناهندگان و تسلیحات
۲۲	کسب برابری برای همه زنان و مردان
۲۳	شاخص توسعه جنسیتی
۲۴	معیار توانمند سازی جنسیتی
۲۵	نابرابری جنسیتی در آموزش و پرورش
۲۶	نابرابری جنسیتی در فعالیت اقتصادی
۲۷	مشارکت سیاسی زنان

رشد بهره‌وری در سوئیس ۴۱ هزار و ۷۰۰ دلار محاسبه شده است. بخش خدمات سهمی ۷۱ درصدی در تولید ناخالص داخلی سوئیس داشته، درحالی‌که سهم بخش صنایع تولیدی به ۱۶ درصد می‌رسد. در این کشور

زندگی در آن به ۷۲ سال می‌رسد. سوئیس: این کشور اروپایی از نظر وضعیت بهداشت، آموزش و کیفیت زندگی شرایط ایده‌آلی دارد. نرخ سواد در این کشور ۹۹ درصد است. سرانه

۲۰ روز طول می‌کشد تا بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدیدی را آغاز کنید. نرخ بیکاری و سن امید به زندگی در سوئیس به ترتیب ۲/۴ درصد و ۷۵ سال است.

۳- سوئد: سوئد سومین کشور جهان از نظر شرایط مناسب برای زندگی است. این کشور شاید واقعا از نظر شرایط اقتصادی رتبه نخست را نداشته باشد، اما مناسب‌ترین وضعیت را در زمینه‌های بهداشتی و آموزشی دارد؛ به طوری که نرخ سواد و امید به زندگی در آن به ترتیب ۹۹ درصد و ۷۲ سال می‌رسد. سرانه رشد بهره‌وری در سوئد ۳۶ هزار و ۸۰۰ دلار است. بخش خدمات در سوئد سهمی ۷۱ درصدی از تولید ناخالص داخلی این کشور دارد، در حالی که سهم بخش صنایع تولیدی از تولید ناخالص داخلی این کشور به ۱۱ درصد می‌رسد. در سوئد تنها ۱۵ روز طول می‌کشد تا شما بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در این کشور واقع در منطقه اسکندیناوی به ۹/۳ درصد می‌رسد.

۴- استرالیا: استرالیا با خدمات بهداشتی و آموزشی استاندارد در جهان شناخته شده است؛ به طوری که نرخ سواد در این کشور تقریباً ۱۰۰ درصد است. سرانه رشد بهره‌وری در این کشور ۳۸ هزار و ۸۰۰ دلار بوده و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی به ۶۸ درصد می‌رسد؛ این در حالی است که سهم بخش صنایع تولیدی ۱۷ درصد است. در استرالیا فقط ۲ روز طول می‌کشد تا شما بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در استرالیا تنها ۵/۲ درصد است.

۵- لوکزامبورگ: پنجمین کشور جهان از نظر کیفیت زندگی دارای بالاترین درآمد سرانه در میان کشورهای جهان است. این کشور همچنین از نظر وضعیت بهداشتی و کیفیت زندگی نمرات بالایی کسب کرده است. نرخ سواد در این کشور ۱۰۰ درصد بوده و سرانه رشد بهره‌وری در لوکزامبورگ به بیش از ۵۰ هزار و ۳۰۰ دلار می‌رسد. در حالی که سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی این کشور اروپایی حدود ۸۴ درصد است، سهم بخش صنایع تولیدی حدود ۱۴ درصد است. در این کشور ۲۴ روز طول می‌کشد تا بتوانید یک شغل جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در این کشور ۶/۸ درصد است.

۶- ژاپن: ژاپن به عنوان یک غول اقتصادی در آسیا از نرخ ۹۹ درصدی سواد خود لذت می‌برد. سرانه رشد بهره‌وری در این کشور رقم ۳۲ هزار و ۶۰۰ دلار بوده و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی به ۶۹/۳ درصد می‌رسد. در حالی که سهم بخش صنایع تولیدی حدود ۲۱ درصد است. در ژاپن ۲۳ روز زمان نیاز است تا بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در این کشور آسیایی فقط ۵/۶ درصد است.

۷- آمریکا: آمریکا یازدهمین کشور از نظر شاخص خوب زندگی کردن بوده و شرایط بومی اقتصادی، بهداشتی و آموزشی آن مناسب است. نرخ سواد در این کشور ۹۹ درصد بوده و سرانه رشد بهره‌وری در آمریکا به ۲۶ هزار و ۲۰۰ دلار می‌رسد. بخش خدمات سهم ۷۷ درصدی از تولید ناخالص داخلی آمریکا دارد، در حالی که سهم بخش صنایع تولیدی ۱۸/۲۶ درصد است. در این کشور ۶ روز طول می‌کشد تا شما بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در آمریکا به رقم ۴/۳ درصد نیز رسیده بود اما بحران مالی جهانی و تعدیل نیروهای گسترده در شرکت‌های آمریکایی طی ماه‌های اخیر باعث افزایش شدید این نرخ شده است. امید زندگی در این کشور حدود ۷۰ سال است.

۸- چین: این کشور از نظر اقتصادی، بهداشتی و آموزشی شرایط نسبتاً مناسبی دارد. نرخ سواد در این کشور ۹۱ درصد بوده و سرانه رشد بهره‌وری در آن به ۶ هزار و ۶۰۰ دلار می‌رسد. بخش خدمات سهم ۲۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی این کشور دارد، در حالی که سهم بخش صنایع تولیدی از تولید ناخالص داخلی چین بالغ بر ۲۶ درصد است. در چین ۳۷ روز طول می‌کشد تا بتوانید یک شغل جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در این کشور ۴۳/۳ درصد بوده و امید زندگی در آن ۶۶ سال است.

۹- پاکستان: در میان ۱۰۰ کشور مورد مطالعه پاکستان از نظر شاخص کیفیت زندگی در رده ۸۹ قرار گرفته است. نرخ سواد در این کشور ۵۰ درصد بوده و سرانه رشد بهره‌وری به ۲ هزار و ۶۰۰ دلار می‌رسد. سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی این کشور ۵۳ درصد و سهم بخش صنایع تولیدی ۳۴ درصد است. در این کشور ۲۰ روز طول می‌کشد تا یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. همسایه غربی هند دارای یکی از بالاترین نرخ‌های بیکاری در جهان است. نرخ بیکاری و امید به زندگی در این کشور به ترتیب ۱۵/۲ درصد و ۵۵ سال می‌رسد.

شاخص کیفیت زندگی که به صورت سالانه توسط مجله زندگی بین‌الملل بین ۱۹۴ کشور جهان ارزیابی و منتشر می‌شود، نشان می‌دهد کیفیت زندگی مردم ایران از نظر رتبه در مقایسه با دیگر کشورهای جهان از رتبه ۱۳۱ در سال ۲۰۰۱ به رتبه ۱۵۰ در سال ۲۰۱۰ میلادی کاهش پیدا کرده است.

در گزارش HDI ۲۰۰۲ نکات جالبی درباره پیشرفت‌های توسعه انسانی و چالش‌های ملی و جهانی آمده است که به آنها اشاره می‌شود.

«مشارکت و دموکراسی از دیدگاه نهادهای فوق»: مقایسه آمار ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۸ نشان می‌دهد که دستاورد

مهم سنده بیستم، پیشرفت در زمینه حقوق انسانی بوده است. در سال ۱۹۰۰ نیمی از مردم جهان تحت حکومت استعماری بودند و در هیچ کشوری شهروندان از حق رای برخوردار نبودند. امروز سه چهارم مردم جهان در رژیم دموکراتیک زندگی می‌کنند. از سال ۱۹۸۰ تاکنون، ۸۱ کشور در راه دموکراسی گام‌های مؤثری برداشته‌اند، ولی فقط ۲۷ کشور به دموکراسی کامل دست یافته‌اند. بسیاری از کشورهای دیگر یا به نظر نمی‌رسد که به سمت دموکراسی در حرکت باشند یا به رژیم‌های استبدادی بازگشته‌اند یا دچار ناآرامی‌های داخلی‌اند. حضور ۳۷ هزار سازمان مردم نهاد ثبت شده بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ که ۲۰ درصد رشد سالانه را نشان می‌دهد، نمایانگر رشد جنبش مدنی است که عرصه فعالیت سیاسی- اجتماعی و ملی و جهانی را دگرگون ساخته است، ولی هنوز ۵۱ کشور «کتوانسیون سازمان بین‌المللی کار» را در مورد آزادی تشکیل‌ها تصویب نکرده‌اند.

۱۶۵ کشور (۳۸ درصد جمعیت جهان) مطبوعات آزاد ندارند. در کشورهای در حال توسعه بین سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۶ شمار روزنامه‌های روزانه بیش از دو برابر شده و برای هر هزار نفر جمعیت به ۲۹ تا ۶۰ نسخه رسیده است. تلویزیون نیز رشدی معادل ۱۶ برابر داشته است؛ ولی در سال ۲۰۰۱، ۳۷ روزنامه نگار چین انجام وظیفه جان خود را از دست داده‌اند، ۱۱۸ نفر زندانی شده‌اند و به بیش از ۶۰۰ روزنامه‌نگار یا سازمان خبری حمله فیزیکی صورت گرفته است.

شمار کشورهایی که ۶ کتوانسیون اصلی حقوق بشر از جمله «کتوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی» و «کتوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» را امضا کرده‌اند از ۹۰ کشور به ۱۵۰ کشور رسیده است. در ۱۰ کشور جهان بیش از ۳۰ درصد اعضای پارلمان زن هستند؛ ولی فقط ۱۴ درصد از نمایندگان پارلمان‌های جهان زن هستند و در ۱۰ کشور هنوز هیچ زنی در مجلس حضور ندارد. در سازمان جهانی تجارت (WTO) اغلب تصمیم‌های کلیدی توسط قدرت‌های سیاسی اتخاذ می‌شود. مدیران اجرایی که نمایندگان کشورهای فرانسه، آلمان، ژاپن، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی، انگلستان و آمریکا هستند ۴۶ درصد حق رأی را در بانک جهانی و ۲۸ درصد حق رأی را در صندوق بین‌المللی پول دارند.

«عدالت اقتصادی»: ۵۲ کشور طی ۱۰ سال گذشته رشد منفی داشته‌اند. سهم مردمی که در فقر شدید به سر می‌برند، از ۲۹ درصد سال ۱۹۹۰ به ۲۳ درصد در سال ۱۹۹۹ کاهش یافته است. درآمد ۵ درصد ثروتمندترین مردم جهان ۱۱۴ برابر ۵ درصد فقیرترین است. طی دهه ۱۹۹۰، شمار افرادی که در صحرای آفریقا در فقر

شدید به سر می‌برند از ۲۴۲ میلیون به ۳۰۰ میلیون نفر رسیده است. در شرق آسیا و منطقه اقیانوس آرام در دهه ۱۹۹۰ درآمد سرانه سالانه ۵۷ درصد رشد داشته است و این رقم برای آسیای جنوبی ۳/۳ درصد بوده است. اروپای مرکزی و شرقی و کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق حدود ۴/۲ درصد و صحرای آفریقا ۰/۳ درصد کاهش رشد داشته‌اند. ۲۰ کشور صحرای آفریقا که نیمی از جمعیت منطقه را دارند، در مقایسه با ۱۹۹۰ فقیرتر شده‌اند و شمار کشورهای در همین منطقه که در مقایسه با ۱۹۷۵ فقیرتر شده‌اند به ۲۳ کشور می‌رسد. شمار کاربران اینترنت به بیش از ۵۰۰ میلیون نفر رسیده است که تا سال ۲۰۰۵ به ۱ میلیارد خواهد رسید. ۷۲ درصد از این کاربران در کشورهای پردرآمد به سر می‌برند که ۱۲ درصد جمعیت جهان را دارند و ۱۶۲ میلیون نفر آن در ایالات متحد هستند.

«بهداشت و آموزش»: برای ۹۳ کشور (۴۰ درصد جمعیت جهان) آمار بهداشت و آموزش موجود نیست. از هر ۶ کودک در جهان، ۱ کودک به مدرسه نمی‌رود. از ۱۹۹۰ به این سو، ۸۰۰ میلیون نفر به آب با کیفیت بهتر دسترسی یافته‌اند و برای ۷۵۰ میلیون نفر امکانات بهداشتی بهبود یافته است و در ۵۷ کشور که نیمی از جمعیت جهان را دارند، آمار گرسنگی به نصف رسیده است. اگر وضع به همین شکل ادامه یابد، تا بیش از ۱۳۰ سال دیگر، جهان از سر گرسنگی خلاص نخواهد شد. برخی از کشورهای در حال توسعه در مبارزه با بیماری ایدز موفق بوده‌اند. اوگاندا نرخ ابتلا به این بیماری را از ۱۴ درصد آغاز دهه ۱۹۹۰ به ۸ درصد در ۲۰۰۰ رسانده است، ولی تا پایان سال ۲۰۰۰ حدود ۲۲ میلیون نفر بر اثر ایدز جان خود را از دست داده‌اند. ۱۳ میلیون کودک، مادر یا پدر و مادر هر دو را بر اثر ایدز از دست داده‌اند و بیش از ۴۰ میلیون نفر ایدز دارند که ۹۰ درصد آنان در کشورهای در حال توسعه و ۷۵ درصد در صحرای آفریقا زندگی می‌کنند. بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰، نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال از ۹۶ کودک به ازای هر هزار نفر نوزادی که زنده متولد شده به ۵۶ کودک رسیده است، ولی هر روز بیش از ۳۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های قابل پیشگیری می‌میرند. هر ساله بیش از ۵۰۰ هزار زن بر اثر حاملگی و زایمان می‌میرند. در جهان میزان کودکانی که در سطح ابتدایی تحصیل می‌کنند، از ۸۰ درصد در سال ۱۹۹۰ به ۸۴ درصد در سال ۱۹۹۴ رسیده است. در ۵۱ کشور که ۴۱ درصد از جمعیت جهان را دارند، همه کودکان وارد مدرسه ابتدایی شده‌اند، ولی ۶۰ درصد از کودکانی که در جهان به مدرسه نمی‌روند، دختر هستند و از ۸۵۴ میلیون بزرگسال بیسواد، ۵۴۲ میلیون نفر زن هستند.

«صلح و امنیت»: دادگاه جنایی بین‌المللی که در آوریل

۲۰۰۲ ششمین کشور آن را تصویب کرد، ساختاری دائمی برای مبارزه با جرائم علیه بشریت است. دهه ۱۹۹۰ شاهد سقوط فاحش شمار مرگ و میر ناشی از درگیری‌های بین کشوری بود و فقط ۲۲۰ هزار نفر بر اثر تعارض‌های میان کشورها جان خود را از دست دادند. در دهه ۱۹۸۰ این رقم سه برابر بوده است، ولی در کشتارهای دسته جمعی در اروپا و آفریقا، در سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵، در بوسنی ۲۰۰ هزار نفر و در رواندا ۵۰۰ هزار نفر جان خود را از دست داده‌اند. این موضوع نشانه اوج گرفتن تعارضات درون کشوری است. در دهه ۱۹۹۰، حدود ۲/۶ میلیون نفر در جنگ‌های داخلی کشته شده‌اند. جهان با حادثه ۱۱ سپتامبر شاهد ظهور اشکال جدید تروریسم بوده است. در دهه ۱۹۹۰ شمار پناهندگانی که به دلیل درگیری‌ها از خانه خود رانده شده‌اند تا ۵۰ درصد بالا رفته است. نیمی از تمام کشته‌شدگان جنگ‌های داخلی کودکانند. شمار کودکان سرباز در جهان ۳۰۰ هزار نفر برآورد می‌شود. تحت فشار ۱۲۰۰ گروه و انجمن و تشکل مدنی در ۹۰ کشور، ۱۲۳ کشور عهدنامه منع مین‌گذاری را در سال ۱۹۹۷ امضا کرده‌اند، ولی کشورهای بزرگی چون چین و روسیه و ایالات متحد هنوز این عهد نامه را امضا نکرده‌اند.

نتیجه‌گیری

در هر حال می‌توان گفت که شاخص‌های کیفیت زندگی روز به روز در حال استحاله و دگرگونی است و بنا به بالا رفتن سطح انتشارات عمومی، میزان و نوع شاخص‌ها نیز در حال تغییر و دگرگونی می‌باشد؛ لذا UNDP به صورت کلی در برنامه‌های خود بر محورهای زیر تأکید دارد:

حکومت دموکراتیک و ایجاد ساختارها و فرایندهای دموکراتیک با این فرض که کاهش فقر بستگی دارد به این که مردم فقیر چقدر از قدرت سیاسی برخوردار باشند تا بتوانند برای پیشرفت اقتصادی خود فرصت‌هایی فراهم آورند. دموکراسی نظام حکومت و حاکمیتی است که می‌تواند از بروز تعارضات جلوگیری کرده و کیفیت زندگی پایدار را تضمین کند. با افزایش و گسترش حق انتخاب مردم درباره این که چگونه و توسط چه کسانی حکومت شوند، دموکراسی، فرایند توسعه انسانی و اصول مشارکت و پاسخگویی را به همراه می‌آورد.

به هر حال، توجه به معیارهای زیر لازم به نظر می‌رسد: فقرزدایی، پیشگیری و حل تعارض و مقابله با بحران (خشونت و مصائب طبیعی) جهت حفظ دستاوردهای توسعه، انرژی و محیط‌زیست، فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات به عنوان ابزاری توانمند برای مشارکت در بازارهای جهانی، بهبود پاسخگویی سیاسی، بهبود ارائه

خدمات اساسی، گسترش فرصت‌های توسعه محلی، مبارزه با آیدز.

به هر حال شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد تصویری متفاوت با سازمان بازتعریف پیشرفت و توسعه نوآوری در سیاست اجتماعی ارائه می‌دهد. طبق آمار سال ۲۰۰۰، کانادا، آمریکا، نروژ، استرالیا و ایسلند بالاترین رتبه را داشته‌اند. در سال ۲۰۰۱، ده کشور نخست در شاخص کیفیت زندگی UNDP به ترتیب نروژ، سوئد، کانادا، بلژیک، آمریکا، ایسلند، هلند، ژاپن و فنلاند بوده‌اند و سوئیس در رتبه یازدهم قرار می‌گیرد. فرانسه، انگلستان، اتریش و لوکزامبورگ رتبه‌های بعدی را دارند. شبکه خبرگزاری (CNN) در ارزیابی که در سال ۲۰۰۲ انجام داده است، بهترین کشورهای جهان را برای زندگی به ترتیب نروژ، سوئد و کانادا اعلام کرده است. دفتر برنامه‌ریزی انسانی سازمان ملل، توسعه را مترادف با کیفیت زندگی تلقی می‌کند و بر این اعتقادند که هرگاه شرایط زندگی مردم و جوامع در ابعاد مورد بحث بهبود یابد، کیفیت زندگی حاصل خواهد شد. به هر حال چهار شاخص پیشگفته، هر یک تصویری خاص زندگی از کیفیت زندگی در کشورها و جهان ارائه می‌دهند؛ زیرا هر یک درباره اینکه کیفیت زندگی از چه عواملی ترکیب یافته، مفروضات متفاوتی دارند. تا ۲۰ سال قبل جرم و جنایت، مرگ و میر نوزادان، استفاده از مواد مخدر و الکل همبستگی بالایی با GNP و GDP داشت، ولی با رشد GDP آمار این آسیب‌ها پایین آمد، ولی امروزه دیگر چنین نیست. در اقتصاد دیجیتال و در شرایط نوین جهانی، بسیاری از آسیب‌های اجتماعی معلول تعامل پیچیده ترکیبی از متغیرها و شرایط است و نه صرفاً معلول وضعیت که GNP یا GDP معرف آن است. ■

پی‌نوشت‌ها

- 1-Living Condition Index (LCI)
- 2-Superfund site
- 3-Redefining Progress Organization

منابع

- آق‌نظری، حسن (۱۳۸۶) توسعه سرمایه انسانی بر اساس آموزه‌های اسلام و تأثیر آن بر توسعه انسانی، فصلنامه تخصصی اسلامی، شماره ۲۶.
- احمدی حدید، ا.، بهروز و علی صادقی (۱۳۸۶) توسعه انسانی هدف توسعه هزاره، روزنامه ایران، مورخ ۱۳۸۶/۰۹/۲۹.
- بحرینی، سید حسین (۱۳۸۷) ایجاد فرهنگ یاد پس از آن در سهم‌سازی، انتشارات دانشگاه تهران.
- بری، جان (۱۳۸۰) محیط زیست و نظریه اجتماعی،

ترجمه حسن بویان و نیره توکل، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.

نتانی، ای بین و همکاران (۱۳۸۲) *نامه‌های مکتوب*، ترجمه ترجمه مصطفی بهزادفر، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

بوزران، باری (۱۳۷۸) *مردم‌نویسیها و رهبران*، ترجمه پژوهشگاه مطالعات راهبردی، تهران.

بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۱) *طراحی شهری در کشور ایران*، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

بیکر، ویس (۱۳۸۲) *معماری و سرمایه اجتماعی*، ترجمه دفتر میند جهادی الوانی و محمد رضا ربیعی، انتشارات سازمان مدیریت، تهران.

بیللی بادی، محمدحسین، رحیمی ساجودی، حسین (۱۳۸۲) *نظریه‌های شهر و برنامه‌ریزی*، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.

بایگ، سدریک (۱۳۸۹) *شهرهای پایدار در کشورهای در حال توسعه*، ترجمه ناصر محم‌نژاد، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.

جب من، دینود (۱۳۸۲) *فرهنگ معمالات بر مکتب*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهری و توسعه شهرها، تهران.

حاج یوسفی علی (۱۳۸۱) *کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی*، فصلنامه *مذکره‌های اجتماعی*، شماره ۸، دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی، تهران.

حاج یوسفی علی (۱۳۸۱) *حالیته‌شنی شهری و فرایند تحول آن (قبل از انقلاب اسلامی)*، فصلنامه *میت*، شهری، سال سوم، شماره هشتم، صص ۲۵-۱۲.

حافظ نیا محمد (۱۳۸۲) *روشنی اجتماعی در علوم انسانی*، انتشارات سمت.

حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۸۲) *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران انتشارات سمت.

حیبی، محسن (۱۳۸۲) *چگونگی الگوی شهری و تجدید سازمان استخوان بندی محله*، نشریه *هنرمندی*، شماره ۱۳.

حیبی، محمدحسین (۱۳۷۷) *بررسی الزامات اقتصادی اجتماعی اسکان کوشش‌های جنوب تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

حسینیان، فرخ و دیگران (۱۳۶۳) *شهرشنی در ایران*، تهران، آگاه.

حکمت نیا، موناوی، موسوی، میر نجف (۱۳۸۱) *تحلیل تاریخی از مشارکت شهروندان در اداره امور شهرهای ایران*، فصلنامه *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۸۰.

دانشپور، زهره (۱۳۸۲) *برنامه ریزی راهبردی و برنامه*

ریزی اختیار راهبردی، فصلنامه *مدیریت شهری*، شماره ۱۲، تابستان، کاشان (۱۳۸۱) طرحی شهری و آلودگی محروان در نظام هدایت، فصلنامه *مدیریت شهری*، شماره ۹.

رحیم پور ارغندی، حسن (۱۳۷۵) *نقد نظریات محلیات*، ترجمه سیدسید، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

ردگلیفت، مایکل (۱۳۶۳) *توسعه پایدار*، حسن کور، تهران، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، اول.

رضایی، مجید (۱۳۸۲) *امانات‌های حکومتی*، مدیریت به عدم مشروعیت، نامه مفید، شماره ۳۵، تهران، دانشگاه مفید، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲.

رضوی آل هاشم، بهزاد (۱۳۸۸) *مشارکت مدنی و ادبیته محله کوایی با تأکید بر شهر تهران*، تهران و ارتباطات شبکه زندگی شهری *انجمن مطالعات مطالعات محلات تهران*، جشنواره *براهبردها*، تهران، مؤسسه نشر شهر.

رضویان، محمد تقی (۱۳۸۱) *جهت‌گیری‌های شهری*، انتشارات پیوند نو.

رفعیان، مجتبی (۱۳۸۱) *یازغولید فضاهای شهری*، همایش توسعه و توسعه یافتگی شهر تهران.

زاهدی اصل، مجید (۱۳۸۱) *شمس زاده انجمناس*، تهران، نشر دانشگاه علامه طباطبایی.

زاهدی، شمس السادات و علامه‌ای نجفی (۱۳۸۹) *مسائل پایداری کشاورزی در ایران*، محله *جمله سنجی ایران*، شماره ۲، صص ۷۳-۱۰۶.

سام بند، بیت (۱۳۸۹) *بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در سیاست‌های شهری کلانشهر تهران بر پایه الگوی مناسب*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده مدیریت و اقتصاد.

سایت، آشوری (۱۳۷۵) *راهبردهای توسعه و روش‌های*، نشر ترجمه بهنام شاهپوری، تهران، وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

سریع القلم، محمود (۱۳۷۱) *سنت، مدرنیسم و فرهنگ توسعه*، ماهنامه *مطالعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۶۱ و ۶۲.

سعید نیا احمد (۱۳۸۲) *مجموعه کتاب سبز تهران*، مدیریت شهری، جلد *یازدهم*، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.

سعید نیا، احمد (۱۳۷۸) *طرح حای توسعه شهری مشکلات و راهبردها*، ماهنامه *شهرسازی*، شماره ۸.

سعیدی، عباس (۱۳۷۷) *توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی*، نشریه *مسکن و انقلاب*، شماره ۲، صص ۱۶-۲۲.

سلطان زاده، حسین (۱۳۶۷) *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر*

بر شهرداری تهران، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

سن، آمازیا (۱۳۸۱) *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه رحیم محمودی، تهران، دانستار.

سیف الدین، فریادک (۱۳۸۳) *آموزشهای تجربه‌محور و برنامه ۴۸*، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.

شاه حسینی، ماهر و (۱۳۸۲) *مطالعه و بررسی نقش سرمایه اجتماعی در عملکرد مجموعه‌های اعتباری کمرش زبان در جبهه*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

سخن زین الدین، حسین (۱۳۸۰) *مداخله در بافت‌های شهری و مسئله مشارکت*، مجله هفت شهر، شماره ۴، صص ۲۷-۲۸، توسعه پژوهشی و انتشاراتی جو، تهران.

سخن، محمد (۱۳۸۱) *فرایند شکل‌گیری و تک‌گویی سکونتگاه‌های خودرود*، پیرامون تهران، فصل نامه هفت شهر، سال سوم، شماره هفتم، سازمان عمران و بهسازی شهری سال ۱۳۸۱، دانشگاه تهران.

سخن، محمد تقی (۱۳۸۳) *جامعه‌شناسی شهری*، چاپ دوم، شرکت سهامی انتشار، تهران.

شرکت، سعید (۱۳۸۲) *راهبردهای توسعه پایدار اقتصادی*، همایش راهبردهای توسعه پایدار در بخش‌های اجرایی کشور، صص ۱۲۲-۱۲۴.

شیر، اسماعیل (۱۳۸۰) *مفاهیمی بر مبنای پیاده‌ریزی شهری*، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

شیر، اسماعیل (۱۳۸۸) *مقیاسه‌های تهران*، با معیارهای یک محله پایدار از نظر گاه‌شهرسازی، مجموعه مقالات همایش توسعه پایدار مخریج ۲، تهران، طرح نو.

صمدی، فریور (۱۳۸۲) *تحولات دیدگاهی در مواجهه با بافت‌های کهن شهری*، مجله هفت شهر، شماره ۱۲، دوره جدید، ۶۶-۵۸، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.

صدری، فریور (۱۳۸۰) *مداخله در بافت‌های شهری و مسئله مشارکت*، مجله هفت شهر، شماره ۴، صص ۲۷-۲۸.

صرافی، مظفر (۱۳۷۹) *شهر پایدار چیست؟* فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، صص ۳۳-۳۴.

صرافی، مظفر (۱۳۷۷) *تمرکززدایی کلاس‌شهرهای کشورهای جنوب (اداره‌ها)*، معماری و شهرسازی، شماره ۲۸ و ۲۹.

صرافی، مظفر (۱۳۷۸) *مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری*، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، سال اول، انتشارات شهرداریها.

صرافی، مظفر (۱۳۸۱) *ویژگی‌های حاشیه‌نشینی*، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هفتم، صص ۴۱-

صفوی، سیدعلی (۱۳۸۳) *برنامه‌ریزی پایتخت‌ها*، قرن هفتم جهانی شدن، ماهنامه شهرداریها.

صفوی، سیدعلی (۱۳۸۸) *بهره‌وری در طراحی شهری*، ارائه سخنرانی در همایش وزارت مسکن و شهرسازی تبریز.

ضرابی، اصغر و بهروز لاری (۱۳۸۰) *توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه*، تهران، مجله *آموزش جغرافیا*، شماره ۵۹.

طالب، مهدی (۱۳۵۸) *امین‌بخش‌ها*، انتشارات اسان قدس رضوی.

طالبی، حسن (۱۳۷۶) *توسعه پایدار با تکیه بر سرمایه انسانی*، مجموعه مقالات *کنفرانس آموزش عالی دانشگاه شهید بهشتی*.

خزرجی، محمد مهدی، اکبری، رضا (۱۳۸۷) *ملاحظات شهرسازی در سطحی آسیب‌پذیری شهرها*، از ژورنال (مطالعه موروثی) منطقه تهران، نشریه *مطرف‌های*، شماره ۳۲.

عسکری طباطبائی، اسدالله (۱۳۸۱) *بررسی اجمالی از بدایع بافت‌های پیرامونی و با حاشیه‌نشینی در ایران*، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هفتم، صص ۱۰۲-۱۰۰.

عظیمی، ناصر (۱۳۸۱) *پوشش شهرنشینی مبتنی نظام شهری*، انتشارات نیکا، تهران، ۱۳۸۱.

عفتی، مجید (۱۳۷۱) *سوررسی عوامل مؤثر در مشارکت روستاییان در طرح‌های توسعه روستایی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.

علم الهدی، حبیب (۱۳۸۷) *نظریه اسلامی تعلیم و تربیت*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.

علوی تبار، علیرضا (۱۳۷۹) *بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرداریها*، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور، تهران.

عزیزی، طهماسب (۱۳۸۶) *اصول و مبانی استراتژی مدیریت پایدار در مدیریت پسماند ایران*، فصلنامه مدیریت پسماند، شماره ۸، انتشارات سازمان شهرداریها و دهانهای کشور.

عزیزپور، علیرضا (۱۳۸۰) *اصول مدیریت شهری*، نشر آفرینش، تهران.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *پایانه‌های نظریه اجتماعی*، ترجمه مؤسسه جهتی، تشریح، تهران.

کلینی، یعقوب (۱۳۶۵) *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، شماره ۱۳۶۵، ج ۱.

کوش، گوئن (۱۳۷۶) *شاخص‌شناسی در توسعه پایدار*، تهران، شرکت چاپ و نشر بارگانی.

کای، دازام (۱۳۷۱) *توسعه مشارکتی چشم‌اندازها*، از تجربه توسعه های روستایی، ترجمه عصمت قائم

Bin Wu.(2003). *Sustainable development in rural china farmer innovation and self organization in marginal areas* Routledge Curzon Taylor & Francis Group, London and New York.

Boud, John and Corner, Lynne, 2004, *Quality of life and Older People*, London, Open University Press. Bourdieu, P.(1983) «Forms of Capital». In Richards, J.C (ed) Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education, New York: Green Wood Press.

Bourdieu, Pierre (1997), *The Forms of Capital, Available now:* http://www.viet-studies.org/Bourdieu_capital.htm (2005).

Chiras, D.D. (2003) *Environmental Science: Creating a Sustainable Future* Jones and Bartlett Publishers, Sudbury, MA

Cohen, D. and Prossak, L. (2001) *In good company: How Social Capital Make Organizations Work* In Villanova & Josa, (2003) Social Capital as a Managerial Phenomenon, Department of Industrial Engineering and Management, Tampere University of Technology.

Coleman, J.S. (1988) *Social Capital in the Creation of Human Capital*, American Journal of Sociology.

Coleman, J.S., Doyle, W.J., (1988) *Social ties and susceptibility to the common cold*, in social CAPITAL». In Dekker, P. & uslaner, E.M. (Eds) (2001) Social Capital and Participation in Everyday life, Rutledge.

Commission on Global Governance (1997) *Our Global Neighbourhood*, Oxford University Press, Oxford.

Conyers, Diana. (1984). *Social Planning: Institute of development studies*, University Of Sussex, Brighton.

تقایی، روستا، توسعه، شماره ۴
گریفین، کیت و تری مک کنلی، (۱۳۷۷) توسعه
انسان، دیدگاه و راهبردها، ترجمه غلامرضا خواجه پور،
ناشر وداد.

گریفین، کیت و مک کنلی، نسری (۱۳۷۵) معنای
استراتژی توسعه، ترجمه غلامرضا خواجه پور، تهران،
مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

گوارش، نظامه عمران و رفاه، جنبه‌های تئوریک شهری
(۱۳۵۰)، مدیریت و بهداشت و رفاه اجتماعی سازمان
برنامه و بودجه، ۱۳۵۰، به نقل از فصلنامه، سال سوم،
شماره هشتم.

گلکار، کورش و جلال آزادی (۱۳۸۶) راهبردهای توسعه
شهر چیست؟ نشر نشریه شهرنگار، شماره ۳۰، صفحه
۵۹-۶۸.

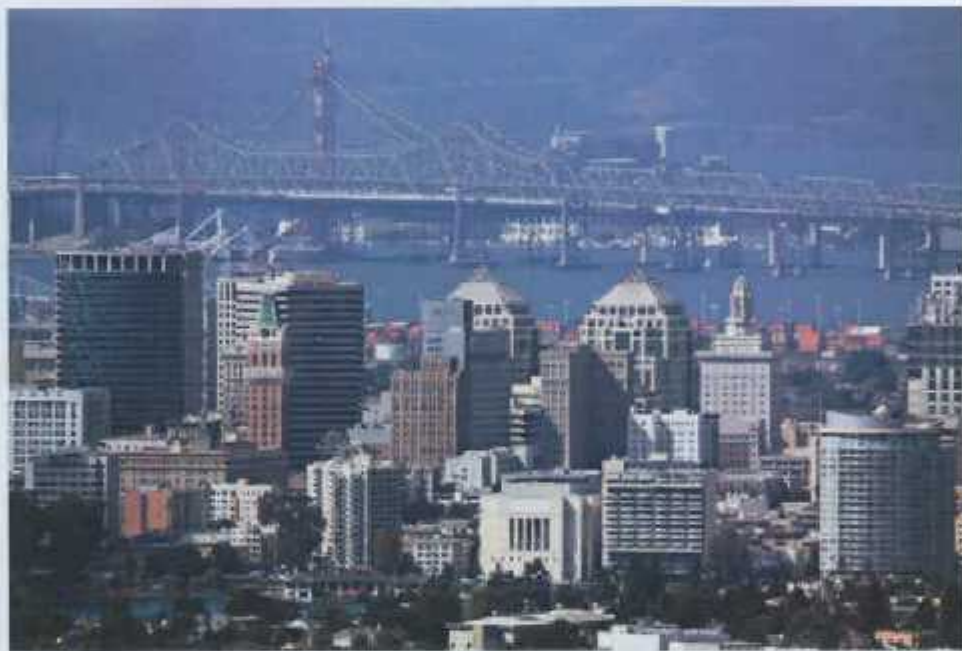
لینچ، کوین (۱۳۷۸) بررسی شکاف هویت شهری، ترجمه
سید حسن رحیمی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
لینچ، کوین (۱۳۸۱) معنای شهر، ترجمه مرتضی
مزمینی، چاپ پنجم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ
دانشگاه تهران.

مارک هوبز، باول (۱۳۷۲) عصر اینترنت و توسعه،
ترجمه سعیده محمدی، تهران، مؤسسه چاپ و
انتشارات وزارت امور خارجه.

ماکارو، دیوید (۱۳۷۸) رفاه اجتماعی، ساختار و
عملکرد، ترجمه محمد تقی جعفریان و فریده رحیمی،
تهران، دانشگاه علوم پزشکی.

برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی ایران و طرح‌های پژوهشی جهانی در حوزه کیفیت زندگی

■ دکتر زهرا سادات منصوری، عضو هیأت علمی آموزشکده فنی و حرفه‌ای سمد
دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین



مقدمه

در تحقیق مفصلی که توسط کمیته بحران جمعیت در یکصد شهر بزرگ جهان با عنوان «سنجش سطح زندگی در شهرهای بزرگ جهان» انجام شده است؛ تأکید اصلی بر شاخص‌های اجتماعی سنجش سطح زندگی و امنیت و معده‌های تازه آن بوده است. شاخص‌های کمیته در این بررسی عبارت بوده است از امنیت عمومی، هزینه‌های تعدیه، فضای مسکونی، ارتباطات، آموزش عمومی، بهداشت همگانی، آرامش عمومی، حمل و نقل شهری و هوای سالم.

در عین حال، توجه به محلات شهری به عنوان مناطقی که مآخذ شکل‌گیری شکل‌های آسانی به‌شمار می‌روند، لازم است تا انتظارات لازم به مقوله کیفیت زندگی در محلات مورد توجه قرار گیرد. چنانچه محله به عنوان نهاد واحدهای همسایگی، یا مفهوم اجتماع و اجتماع محلی قربت زیادی دارد؛ به طوری که پژوهشگران متعددی آنها را تقریباً به یک معنی به‌کار می‌برند. این در

واژه به‌دلیل برخورداری از ماهیت پیچیده، خود موجب برخی ابهام‌هایی می‌شوند که اغلب نمایز بین آنها چندان هم روشن نیست. از یک طرف، اجتماع در برگیرنده ارتباط یا ترکیبی از عقاید، شرایط، اولویت‌ها، مناسبات و علائق مشترک است.

از طرف دیگر، شبکه‌های ارتباطی که افراد یک اجتماع را به یکدیگر پیوند می‌دهند، ممکن است در مکان به عنوان محل زندگی نیز ریشه داشته باشند. اجتماعات مذهبی و قومی به واسطه فرهنگ و نظام عقاید محدود می‌شوند و اجتماعات حرفه‌ای و دیگر اجتماعات به واسطه علائق، شرایط یا اولویت‌های مشترک به هم پیوند می‌خورند. در هر دو مورد نیز اجتماع ممکن است کم و بیش به واسطه نهادهای محلی همانند نهادهای اجتماعی یا سازمان‌هایی چون انجمن‌ها و جمعیت‌های حرفه‌ای شکل بگیرند. گرچه اجتماعات محلی متکی بر مکان هستند، ولی آنها به‌عنوان تقسیمات فرعی از سرزمین به لحاظ جغرافیایی مدنظر نیستند. به بیان دیگر، آنها

واحدهایی هستند که در آن برخی از مجموعه‌های ارتباطات همچون پیوندهای اجتماعی (خانوادگی، خویشاوندی، دوستی، همسایگی، پیوندهای کارکردی) مانند ارتباطات در تولید، مصرف و جابه‌جایی کالاها و خدمات، پیوندهای فرهنگی (مانند پیوند در مذهب، سنت یا هویت قومی) یا پیوندهای اقتصادی (مانند ارتباط در پایگاه اقتصادی یا سبک زندگی) تمرکز می‌یابند در اجتماع محلی یا اجتماع علائق، وجود برخی از اشکال ارتباط اشتراکی و جمعی در میان افراد آن مهم است. خواه چنین پیوندی مکان محور باشد یا نه و همین موضوع است که امکان هویت گروهی و عمل جمعی را فراهم می‌آورد (جباری، ۱۳۷۶، ص ۳).

بر این اساس لازم است تا کیفیت زندگی در سطوح محلی نیز مورد توجه قرار داده شود؛ چنانچه در مطالعاتی با عنوان «سلامت اقتصادی» که روی ۱۸۸۸ نفر از افراد ۱۸ سال به بالا در پنج محله در ناحیه «گراند تراورس آمریکا» انجام شد، مؤلفه‌هایی چون «اشغال، دستمزد، مسکن مناسب و ویژگی‌های محیط اجتماعی مانند حمایت از خانواده، کودکان، فقرا و کهنسالان و زیرساخت حمل و نقل» مبنای تحلیل قرار گرفته است. از افراد نمونه که سعی شد نمونه‌ای معرف هر محله باشد، تلفظی سؤال می‌شد که در مورد هر مؤلفه، جامعه محلی خود را توصیف کرده و ویژگی‌های آن را رتبه‌بندی کنند. در این مطالعه شاخص کیفیت زندگی، مؤلفه‌های امنیت عمومی، محیط زیست طبیعی، حمل و نقل و زیرساخت، بهداشت، دولت و نظام سیاسی، هنرهای اخلاقی و مدنی، آموزش و پرورش، اقتصاد، فرهنگ و تفریحات و محیط اجتماعی را در بر می‌گرفت. در ساختار مراقبت‌های بهداشتی امروزی، استفاده از کیفیت زندگی به عنوان یک معیاری به منظور اختصاص دادن منابع مراقبت‌های بهداشتی بیان شده است. توزیع این منابع بر پایه پیش‌بینی کیفیت زندگی گمراه‌کننده است؛ لذا به دلیل اینکه استفاده از روش‌های علمی برای ارزیابی کیفیت زندگی در مراحل اولیه آن است، معیار استاندارد خوبی برای ارزیابی وجود ندارد. احتیاط در به‌کارگیری معیارهای کیفیت زندگی به منظور اختصاص دادن منابع مراقبت‌های بهداشتی ضروری است. در ارزیابی محققان باید به سئوالات زیر پاسخ دهند:

۱- آنچه کسی کیفیت زندگی را ارزیابی می‌کند؟
۲- کجا و چه زمانی باید کیفیت زندگی را ارزیابی کرد؟

۳- تا چه هدفی اطلاعات جمع‌آوری شده‌اند؟
۴- آیا ابزار ارزیابی قابل اعتماد، معتبر و حساس است؟
در علوم پزشکی، اندازه‌گیری کیفیت زندگی کاربردهای زیر را دارد:

- ۱- تعیین کارایی درمان‌های مختلف
- ۲- ارزیابی خدمات بهداشتی و اولویت‌بندی آنها

۲- سیاست‌گذاری و تخصیص منابع
۴- بهبود روابط پزشک و بیمار با افزایش درک متقابل از بیماری و درمان آن
۵- پژوهش آنچه اخیراً در علوم پزشکی مورد استقبال قرار گرفته است، به‌عنوان بررسی کیفیت زندگی گروه‌های خاصی از بیماران کاربرد دارد.

«نحوه اندازه‌گیری کیفیت زندگی» در علوم مختلف متفاوت است؛ به عنوان مثال، روانشناسان از شاخصی به نام «مقیاس رضایت از زندگی» به وفور استفاده می‌کنند. این مقیاس توسط «داینر» تهیه شده که پرسشنامه کوتاهی مشتمل بر پنج سؤال است که بیانگر نوع نگاه متخصصان این حوزه به بحث کیفیت زندگی است. هر یک از سئوالات، طیفی از امتیازات کاملاً مخالف، مخالف، نسبتاً مخالف، نظری ندارم، نسبتاً موافق، موافق و کاملاً موافق را شامل می‌شود. این سئوالات عبارتند از:

- ۱- زندگی من در بیشتر جنبه‌ها با ایده‌آل‌هایم تطبیق دارد.

۲- شرایط زندگی‌ام عالی است.

۳- تا اینجا چیزهایی را که در زندگی خواسته‌ام، به دست آورده‌ام.

۴- اگر می‌توانستم در زندگی به عقب برگردم، تقریباً هیچ چیز را عوض نمی‌کردم.

«هوارد هالمن» (۱۹۹۸) در تعریف محله معتقد است که یک محله سرزمین محدودی در درون ناحیه شهری بزرگ‌تر است؛ جایی که افراد در آن سکونت دارند و یا هم تعامل اجتماعی برقرار می‌کنند. در این مفهوم محله، واحدهای زنده هویت‌یابی و کنش‌گری هستند که تعیین جنبه‌های متعدد آن همراه با تعریف عملیاتی به برنامه‌ریزی توسعه یاری می‌رساند. درک محله به عنوان واحدی اجتماعی اغلب «کنش اجتماع محوره» را مشروعیت می‌بخشد. از این رو جوانب مختلف محله که شامل جنبه‌های آموزشی (مدارس)، سازمانی (مراکز اجتماع محلی)، تجاری (فروشگاه‌ها)، یا مدیریتی (خدمات عمومی) نیز مولدان حیات اجتماعی می‌گردند. تمام مؤلفه‌های مورد نظر فوق در سطوح محله‌ای می‌تواند بهبودبخش کیفیت زندگی باشد. بر این اساس از آن به عنوان «راهبرد توسعه محلی» استفاده شده است.

بر همین اساس بوده است که شاخص کیفیت زندگی در «انترپرایز کانادا» به عنوان استراتژی توسعه محلی و ابزاری برای بررسی مستمر شرایط زندگی و کار ساکنان انترپرایز مورد استفاده قرار گرفته است. مهم‌ترین مؤلفه‌های این شاخص را شاخص‌های اجتماعی (کودکان تحت پوشش انجمن حمایت از کودکان، فهرست‌های انتظار متقاضیان مسکن دولتی و غیره)، بهداشتی (توزادان کم وزن هنگام تولد)، اقتصادی (شمار بیکاران، شاغلان و ورشکسته‌ها)، زیست‌محیطی (تعداد ساعتی که کیفیت

جدول ۱: شاخص‌های کیفیت زندگی

تعداد متغیرها	شاخص‌ها و معیارها	عرصه‌ها
۱	نوع مالکیت	مسکن
۱	نوع ساختمان‌ها	
۱	تعداد اتاق‌ها	
۱	مساحت اتاق	
۱	سال ساخت	
۱۳	تعداد علامت‌های جسمی - روانی	بهداشت یا سلامتی
۳	تعداد بیماری‌های خطرناک و جدی	
۱۴	تعداد دیگر بیماری‌ها	
۴	تعداد تجهیزات و لوازم محاله	قدرت خرید
۳	تعداد وسایل سرگرمی	
۸	تعداد سرگرمی‌ها	فعالیت‌های فراغتی
۱۳	تعداد فعالیت‌های تفریحی	
۱۱	عضویت سازمانی	
۱	مالکیت اتومبیل	تحریک
۱	بلیط فصلی برای راه‌آهن	
۱	مشارکت فعال در فعالیت‌های سازمانی	مشارکت اجتماعی
۱۷	کار داوطلبانه	
۶	جدایی اجتماعی	
۱	تعداد زمان‌های ورزشی در طول هفته	فعالیت‌های ورزشی
۶	تعداد ورزش‌ها	
۱	سفر در تعطیلات در طول سال گذشته	تعطیلات
۱	سفر تعطیلات به کشور خارجی	
۲	تعداد روزهای تعطیل	
۱۱۰ متغیر	۲۳ شاخص	۸ عرصه

ماخذ: یگی، شینز، یورون بولهارو، ۲۰۰۰

محققان و نهادهای مختلف بین‌المللی به منظور تعریف کیفیت زندگی شهری و تدوین معیارها و شاخص‌های آن، برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی، شاخص‌ها در دو گروه شاخص‌های ذهنی و عینی طبقه‌بندی شدند. شاخص‌های عینی بیشتر در سطوح کشوری، شهری و

هوا مناسب نیست، پسماندهای آلاینده محیط زیست) تشکیل می‌دهند.

در مطالعه‌ای با عنوان «ارزیابی کیفیت زندگی شهری در سنگاپور» که در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۷ انجام گرفته است، پس از اذعان به تلاش‌ها و کوشش‌های

واحدهای همسایگی مفید و سودمند هستند. دانشمندانی همچون «آبراهام مازلو» در سال ۱۹۵۲ و مک کل در سال ۱۹۷۵ استفاده از شاخص‌های عینی به منظور اندازه‌گیری کیفیت زندگی را با توجه به نیازهای اساسی انسان در زندگی مانند غذا، پناهگاه و نیازهای سطوح بالاتر مانند تعالی و آرامش پیشنهاد کرده‌اند. از طرف دیگر، شاخص‌های ذهنی بیشتر در سطح فردی به کار برده شده‌اند و بیانگر سطح رضای فرد از زندگی و اینکه چه انتظاری از زندگی دارد، می‌باشد؛ بنابراین شاخص‌های ذهنی بیشتر بیانگر مفهوم تجارب ذهنی، درونی و شخصی فرد از زندگی هستند. این دو دسته شاخص‌ها با یکدیگر رابطه متقابل درونی دارند.

متغیرهای کیفیت زندگی در دو بُعد عینی و ذهنی طبقه‌بندی می‌شوند. متغیرهای عینی متغیرهایی هستند قابل سنجش و مربوط به محیط و شرایط زندگی که خود در دو بعد فردی و اجتماعی قابل دسته‌بندی‌اند. مهم‌ترین متغیرهای عینی به این شرح‌اند:

۱- «الف) بُعد فردی»: این بُعد شامل متغیرهایی است که رابطه فرد را با شرایط خاصی زندگی فرد، از جمله امکانات لازم برای برخورداری از زندگی سالم و راحت تعریف می‌کنند. مهم‌ترین این شرایط به شرح زیرند:

- ۱- «رفاه مادی»: داشتن شغل و درآمد مناسب
- ۲- «تغذیه مناسب»: پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میان تغذیه نامناسب سال‌های اول زندگی، به ویژه تا دو سالگی و تحریکاتی که در این سن مغز دریافت می‌کند، با رشد ذهنی و از آن مهم‌تر کسب مهارت‌های اساسی، به ویژه مهارت دست و پنجه نرم کردن با مشکلات زندگی، رابطه‌ای قوی وجود دارد. می‌گویند کمبود چنین مهارت‌هایی بیش از سیگار و کلسرول باعث مرگ ناشی از سکه قلبی و سکه مغزی شده است. بر پایه این پژوهش‌ها فراهم آوردن شرایط برای تغذیه مناسب نوزادان و کودکان مهم‌ترین وظیفه دولت است، زیرا اینان سرمایه‌های انسانی آینده، در جوامعی هستند که در آن مسائل بیش از پیش پیچیده و فنی می‌شوند و فرد، بدون مهارت‌های لازم، نمی‌تواند زندگی خود را اداره کند.

۳- «مسکن مناسب و راحت»

۴- «زندگی در محیطی سالم»: محیطی برای زندگی سالم است که شرایط زیر را داشته باشد: هوای سالم، آب سالم، زیبایی، دسترسی به طبیعت

۵- «وجود امنیت فیزیکی»: نبود جرم و جنایت و خشونت و کنترل آن با قوانین مناسب و تضمین اجرای این قوانین از طریق نظام قضایی و انتظامی سالم و کارآمد

۶- «سلامتی»

۷- «دسترسی به خدمات باکیفیت»: از جمله آموزش و بهداشت و درمان و خدمات عمومی از جمله حمل و

نقل عمومی، تلفن، آب، برق، خدمات فرهنگی، امکانات تفریحی (و به تازگی دسترسی به اینترنت پرسرعت و وسایل ارتباطی مدرن) و دسترسی به امکانات ورزشی. ب) «بُعد اجتماعی»: انسان ذاتاً موجودی اجتماعی است و زندگی‌اش در رابطه با کسانی معنا می‌یابد که در سطوح مختلف با او در ارتباطند. بُعد اجتماعی شامل شرایطی است که رابطه فرد را با دیگران در خانواده و در سازمان‌هایی که در آن کار می‌کند یا عضویت دارد و در جامعه (در رابطه با حکومت و دولت) تعریف می‌کند. مهم‌ترین این متغیرها عبارتند از:

۱- «زندگی خانوادگی سالم و راحت»: به نظر می‌رسد در دریای توفان‌خیز عصر حاضر، خانواده بهترین لنگرگاهی باشد که تا به امروز بشر ایجاد کرده است. کمک به افراد در کسب مهارت‌های لازم برای مدیریت پیچیده مسائل به شدت غامض شونده خانواده‌های امروزی، وظیفه راهبردی دولت‌هاست.

۲- «زندگی سازمانی سالم و پربار»: به معنای کار در سازمانی که تعادل میان کار-زندگی را برهم نزند. ما بهترین و پربارترین ساعات روزمان (به طور معمول از ۸ یا ۹ صبح تا ۲ یا ۵ بعد از ظهر) و بهترین سال‌های عمرمان (به طور معمول از ۲۳-۲۵ سالگی تا ۵۳-۵۵ سالگی) را در اختیار سازمان‌هایی قرار می‌دهیم که در آن کار می‌کنیم. یعنی با ارزش‌ترین بخش عمرمان. پرسش مهم این است که سازمان‌ها یا آن چه می‌کنند؟

۳- «جامعه محلی و کیفیت روابط»: روابطی که در جامعه جریان دارد، رابطه با همسایگان، با اهل محل و کسب و کارهایی که از آنها خرید می‌کنیم و دوستان و آشنایان و میزان صمیمیت و اعتماد متقابل بین فرد و آنانی که سرمایه اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهند.

۴- «امنیت سیاسی»: تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی فرد، از جمله آزادی بیان و برخورداری از حقوقی چون حق توسعه و پیشرفت، حق ارتباط، حق اطلاع، حق انتخاب غذا و لباس، حق شاد زیستن

۵- «امنیت اقتصادی و اجتماعی»

۶- «فضای عمومی ملی»: فضای عمومی کشوری که هویت ملی فرد به آن تعلق دارد و جایگاه و اعتبار آن کشور در جامعه بین‌الملل و جامعه جهانی. زندگی در جامعه‌ای امن، باثبات، دارای آینده‌ای مطمئن و نویدبخش و دارای نظام حکومتی که دغدغه‌اش بهبود مستمر کیفیت زندگی مردم باشد.

با استناد به مطالعات آمده در فصل حاضر، می‌توان گفت که همه شاخص‌ها و معیارهای اجتماعی و اقتصادی کیفیت زندگی شهری ارزش محورند و هیچ شاخصی نمی‌تواند تمام عناصر مهم و به هم مرتبطی که کیفیت زندگی حتی در محله‌ای کوچک را رقم می‌زند در برگیرد. حتی اگر ابزاری کامل و جامع برای سنجش

جدول ۲: شاخص‌های کیفیت زندگی شهری و متغیرهای اصلی تشکیل دهنده آنها

زیر شاخص‌ها	شاخص‌ها	زمینه اصلی
۱- میزان شناخت همسایه ها، ۲- میزان روابط با همسایه ها، ۳- میزان دلتالت همسایه‌ها در امور یکدیگر	کیفیت روابط همسایگی	اجتماعی
۱- فضاهای جرم خیز، ۲- بزهکاری، ۳- ایجاد مزاحمت از طرف جوانان	کیفیت امنیت اجتماعی	
۱- تمایل به مشارکت در کارهای عمرانی، ۳- مشارکت در تصمیم‌های مدنی و سنی محله	کیفیت مشارکت اجتماعی	
۱- حساس تعلق خاطر به محله، ۲- رضایت نسبی از محله	کیفیت میزان رضایت از محله	
	در صد بانوادی (زنان و مردان)	
۱- متوسط قیمت زمین در سطح محلات (میانگین کاربوری‌های مسکونی و تجاری)	متوسط قیمت زمین	اقتصادی
۱- میزان پس انداز ماهانه	میانگین درآمد	
۱- خصوصی، ۲- دولتی	نوع مالکیت	
۱- عمر ساختمان، ۳- مصالح، ۳- رضایت از فضای داخلی واحد مسکونی	کیفیت واحد مسکونی از نظر شهرنشاندن	کالبدی
۱- نوساز، ۲- قابل نگهداری، ۳- تعمیری، ۴- تخریبی	کیفیت واحد مسکونی از نظر بزه‌شناسان	
۱- وجود این فضاها در سطح محلات، ۲- نحوه دسترسی به این فضاها	دسترسی به فضای سبز و فضاهای باز	
۱- دسترسی به مراکز آموزشی، ۲- دسترسی به مراکز خرید روزانه و هنرکی، ۳- دسترسی به مراکز درمانی	دسترسی به خدمات و تسهیلات شهری	دسترسی به خدمات، تسهیلات و تجهیزات شهری
	میزان رضایت کلی نسبت به دسترسی امکانات رفاهی	
۱- دسترسی به ایستگاههای اتوبوس، ۲- کارایی سیستم حمل و نقل عمومی	دسترسی به حمل نقل عمومی	
	دسترسی سواره به واحدهای مسکونی	حمل و نقل عمومی
۱- روشنایی در شب، ۲- کسب‌وکاری	کیفیت خیابان ها، کوچه ها و معابر	
۱- نحوه جمع‌آوری زباله، ۲- آبهای سطحی، ۳- برآورد آلودگی آب	کیفیت دفع فاضلاب و زباله	

مآخذ: کوکی، ۱۳۸۲.



کیفیت زندگی وجود می‌داشت و تمام متغیرها و مؤلفه‌ها را دربر می‌گرفت، نمی‌توانست تضمینی برای تقویت احساس خوشبختی مردم و یا احساس کیفیت زندگی قلمداد شود.

در چنین وضعیتی است که دو مفهوم استاندارد زندگی و «کیفیت زندگی» در برابر هم قرار می‌گیرند. در ادامه به تبیین مفهومی هر یک به اختصار پرداخته می‌شود.

استاندارد زندگی و کیفیت زندگی

«استاندارد زندگی» معرف پیشرفت‌هایی می‌شود که بیشتر ماهیت اقتصادی دارند و با مؤلفه‌های اقتصادی سنجیده می‌شوند. از جمله تولید ناخالص داخلی سرانه که معرف ارزش پولی همه کالاها و خدماتی است که در داخل کشور تولید می‌شوند. تولید ناخالص سرانه اولین شاخص پیشرفت اجتماعی و کیفیت زندگی به شمار می‌آید و انتقادگران بر این باور هستند که تولید ناخالص ملی چون میان «هزینه - منفعت»، «مطلوب - نامطلوب» و «عالمیت های مولد - آسیب رسان» تمایز قائل نمی‌شود، نمی‌تواند معرف کیفیت زندگی باشد. این شاخص از سال ۱۹۴۰ معرفی شده و در ادبیات اقتصادی جایگاه ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین ایراداتی که بر آن وارد است، بی‌توجهی به ارزش‌های مالی و غیر مالی فعالیت‌هایی که در برابر آن مردمی دریافت نمی‌شود، مانند کار در خانه

توسط زن یا مرد و کار مجانی برای دیگران» می‌باشد. طبق محاسبات برنامه توسعه انسانی (UNDP) در سال ۱۹۹۵، کارهای داوطلبانه و کارهایی که ماهیت مراقبتی داشته‌اند (مراقبت از اعضای خانواده، مراقبت از نیازمندان جامعه محلی و امثال آن) در جهان رقمی حدود ۶ تریلیون دلار برآورد شده است. در همان سال، کل تولید ناخالص داخلی جهانی ۲۴ تریلیون دلار بوده است. هیزل هندرسون از مدافعان رهیافت‌های اقتصاد نوین و از مخالفان پارادیم سنتی اقتصادی، خودش ارزش کار بدون مزد را در مورد فعالیت‌هایی چون مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در خانواده، تولید غذا برای خانواده و جامعه محلی، خانه‌داری، خدمات داوطلبانه در محله، ساخت و ساز و تعمیراتی که فرد خودش انجام می‌دهد و امثال آن را محاسبه و چنین برآورد می‌کند که این نوع فعالیت‌ها در کشورهای OECD^۲ حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی و در کشورهای در حال توسعه ۶۰ تا ۶۵ درصد از تولید ناخالص و خالص داخلی را تشکیل می‌دهند، ولی در محاسبات این رقم گم شده است. در محاسبه تولید ناخالص داخلی از مهم‌ترین عوامل تولید که امروزه اهمیت دارند و مقوله‌های نرم‌افزاری غفلت شده است، از جمله دانایی، سرمایه فکری، سرمایه انسانی، مدیریت درست تنوع فرهنگی و مدیریت درست تنوع زیست بومی، سرمایه‌گذاری در ایجاد زیرساخت و تشکیل

سرمایه انسانی مانند آموزش و بهداشت و توسعه و پرورش کودک و R&D و هر آنچه که برای ایجاد بنیان دانایی لازم است و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت زندگی اثر می‌گذرانند. این عوامل به عنوان دارایی محسوب نمی‌شوند.

البته در شاخص جدید ثروت که بانک جهانی در سال ۱۹۹۵ معرفی کرده است، جهت گیری به این سمت مشاهده می‌شود.

منتقدان می‌گویند که نه این فرصت‌ها درست است و نه توسعه اقتصادی به معنای خاص آن به بهبود کیفیت زندگی مردم انجامیده است. مردم در کشورهای توسعه یافته به رفاه اقتصادی دست یافته‌اند، ولی احساس نمی‌کنند زندگی‌شان از کیفیت مطلوبی برخوردار است. پس رشد تولید ناخالص داخلی که معیار رشد اقتصادی است، نمی‌تواند معیار بهبود کیفیت زندگی مردم تلقی شود. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد میزان بالای مصرف منابع طبیعی (منبع همبسته رشد اقتصادی) سطح و کیفیت زندگی مردم را بهبود بخشیده است و این در حالی است که می‌توان بدون مصرف اضافی، زندگی خوبی برای مردم فراهم آورد. برای حل این مشکل، شاخص‌های دیگری تدوین شد که متغیرهای اجتماعی را نیز در بر می‌گرفت. [GPI] یا ۱۸ متغیر، از آن جمله است. این شاخص با افزودن متغیرهایی چون بیکاری و اشتغال نیمه وقت نا مرگ و میر در تصادفات و آلودگی و هزینه‌های نظامی، سعی کرده است ضعف نگاه اقتصادی را جبران کند. شاخص [FISH] نیز در دهه ۱۹۷۰ تدوین شد و با ۱۶ متغیر، بیشتر به بهداشت اجتماعی توجه دارد. یا [HDI] که شاخص توسعه انسانی است و با نگاهی جامع سعی دارد به همه ابعاد کیفیت زندگی از جمله ابعاد اجتماعی - سیاسی، توجه کند. این شاخص دو شاخص فرعی نیز دارد به نام شاخص توسعه جنسیتی که وضعیت زنان را در جامعه می‌سنجد و شاخص فقر انسانی.

[HPI] شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۷۵ توسط «محبوب‌الحق» طراحی شد و از آن سال تاکنون هر ساله توسط برنامه توسعه سازمان ملل (UNDP) وضعیت کشورها را مورد سنجش قرار داده و آنان را رتبه‌بندی می‌کند. در شهرهای آمریکا و کانادا و اروپا نیز شاخص‌هایی برای سنجش کیفیت زندگی شهری وجود دارد.

اما مؤسسه EIU نیز شاخصی با نام شاخص کیفیت زندگی تدوین کرده که در سال ۲۰۰۵ بر اساس ۹ متغیر لبر که بیشتر از نوع شرایط عینی است، ۱۱۱ کشور از جمله ایران را مورد سنجش و رتبه‌بندی قرار داده است. رفاه مادی که با GDP^۱ سزانه و PPP^۲ (قدرت برابری قیمت) سنجیده می‌شود.

امید به زندگی به سال

اهمیت و ثبات سیاسی

زندگی خانوادگی: نسبت طلاق به آرای هر ۱۰۰۰

نفر جمعیت

زندگی اجتماعی: میزان حضور در تشکلاتها و محافل

اجتماعی و مکان‌های مذهبی

آب و هوا و جغرافیا: مطلوب بودن آب و هوا بر

حسب گرما و سرما

اهمیت شغلی: میزان بیکاری

آزادی‌های سیاسی و مدنی

نابرابری جنسیتی: نسبت درآمد متوسط زنان به مردان
سرمایه زیست محیطی، تنوع زیست بومی و تنوع فرهنگی مهم‌ترین سرمایه هر کشور و در نهایت سرمایه جامعه بشری را تشکیل می‌دهند و به مراتب از منابع طبیعی از جمله نفت و معال با ارزش‌ترند. تنوع زیستی در بردارنده کد اخلاقیاتی بنیادین همه موجودات زنده است و تنوع فرهنگی منبع مشترک و خزانه عمومی اخلاقی، آداب و رسوم، زبان‌ها، هنر و به طور کلی از حافظه جمعی جامعه انسانی است که طی اعصار به انسان‌ها در تطبیق و بقا در کنج‌های زیست‌بومی بسیار متفاوت کمک کرده است. مهم‌ترین این مفروضات به این شرحند:

۱- انسان موجودی است اقتصادی که با منطبق اقتصادی زندگی می‌کند.

۲- معادلات اقتصادی حکم می‌کند که انسان رقابت جو و پیشینه ساز باشد.

۳- اگر شرایط اقتصادی مطلوبی فراهم آید، کیفیت زندگی خود به خود بهبود خواهد یافت، چون در اقتصاد شکوفا و پیشرفته، نیازهای اصلی انسان تأمین خواهد شد.

تجربه وجودی و مطالعات علمی نشان داده که رابطه میان پیشرفت اقتصادی و کیفیت زندگی رابطه‌ای خطی نیست تا نقطه‌ای این در همسو و هم جهت حرکت می‌کنند و آن نقطه‌ای است که حداقل شرایط مطلوب مادی برای زیست انسان فراهم شده باشد. ولی از آن به بعد دیگر نمی‌توان انتظار داشت که تأمین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک کند. انسان برخلاف فرم اقتصاددانان کلاسیک، موجودی است چند وجهی و پیچیده و منطبق اقتصادی بسیاری از رفتارهای او را تبیین نخواهد کرد. در پاسخ به این انتقادات، شاخص‌های دیگری پدید آمد که اغلب آنها را شاخص کیفیت زندگی می‌نامند. این شاخص‌ها، نه تنها به شرایط مادی و عینی، بلکه به عوامل غیرمادی و ذهنی چون نرخ جنایات، آمار طلاق و وضعیت خانواده و امثال آن هم توجه دارند. این شاخص‌ها از لحاظ کانون

تمرکز و افق جغرافیایی با یکدیگر تفاوت دارند.

برنامه‌های توسعه (قبل و بعد از انقلاب) و مقوله کیفیت زندگی

رضا امیدی و غلامرضا غفاری تحلیلی از برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب ارائه کرده‌اند که در آن به نوعی تعریف سیاست‌گذاران از مفهوم کیفیت زندگی در دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. نحوه و مکانیزم تنظیم برنامه به شدت بر کیفیت برنامه‌ریزی تأثیر می‌گذارد. تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه در سال‌های مختلف به خوبی منعکس‌کننده دیدگاه‌های سیاست‌گذاران در دوره‌های مختلف است. در مواجهه با هر برنامه‌ای از ۳ منظر می‌توان به مسئله نگاه کرد: مکانیزم تنظیم برنامه، تحلیل محتوای برنامه و ارزیابی عملکرد برنامه (در ۳ سطح انتظارات کارشناسان و عموم جمعیت هدف و تأثیر واقعی آن).

مشکلی که برنامه‌های توسعه‌ای ایران چه قبل و بعد از انقلاب (منتهای برنامه چهارم توسعه) دارند این است که برای هیچ کدامشان نمی‌توان مبنای نظری خاصی پیدا کرد.

۱- برنامه اول قبل از انقلاب: اولین برنامه به سال ۱۳۲۶ برمی‌گردد. این برنامه در داخل کشور توسط شورای اقتصاد تنظیم شد و آن شامل یکسری از پروژه‌هایی می‌شد که تصور می‌شد اجرای آنها باعث پیشرفت کشور می‌شود. پروژه‌هایی مانند حمل و نقل عمومی، ارتباطات و مخابرات و... ولی اجراکنندگان آن به لحاظ منابع مالی با مشکل مواجه شدند. به همین دلیل در همان سال از یک شرکت خارجی خواسته شد که برنامه‌ها را در ۳ حالت متفاوت دسته بندی کرده تا با توجه به منابع مالی موجود پروژه‌ها را اجرایی کند. برنامه عمرانی ۱ (۳۴-۱۳۲۷) با توجه به ساختار جمعیتی و بافت نیروی کار که بیشتر روستائین بودند مبتنی بر توسعه کشاورزی بود. بیشتر اعتبارات در آن زمان نیز برای تأمین و گسترش منابع آب صرف شد. در بخش آموزش، اولویت با آموزش‌های کوتاه‌مدت مرتبط با کشاورزی بود. به لحاظ اجتماعی نیز ۲۵ درصد اعتبارات برای احداث خانه‌های ارزان (اسکان عشایر) صرف شد. در این زمان بهداشت به معنای مواجهه با بیماری‌های واگیردار و همه‌گیر در مناطق خاص بود. بودجه برنامه اول با پول نفت تنظیم شده بود، ولی از آنجا که صنعت نفت در این زمان ملی شد فقط ۳۰ درصد منابع بودجه تحقق یافت؛ بنابراین بیشترین آسیب به حوزه اجتماعی وارد شد، اما اتفاقات مهمی خارج از دوران برنامه رخ داد که می‌توان به مواردی چون راه‌اندازی سازمان بیمه اجتماعی کارکنان و کارگران برای اولین بار در دولت مصدق و همچنین انتقال زمین‌های سلطنتی به دولت برای توزیع بین کشاورزان اشاره کرد.

۲- برنامه دوم قبل از انقلاب: در برنامه عمرانی ۲ ساله دوم (۴۱-۱۳۳۴) هم سیاست‌های کلی کمی تغییر کرد و هم بانک جهانی با در نظر گرفتن اولویت‌های خود کمک‌های مالی به دولت وقت ارائه داد. راه، سد، بهره‌برداری از معادن، پروژه‌های آبیاری و غیره بعد از کودتا، جزء مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی بود که حجم سرمایه‌گذاری را به این سمت افزایش داد. اولویت‌ها بر اساس عزیمت نسبی مناطق صورت گرفت. وضعیت آموزش تغییر نکرد. رویدادهای مهمی که همزمان با برنامه دوم توسعه قبل از انقلاب رخ داد شامل افزایش درآمد نفت و افزایش وام‌ها، بازنگری برنامه و رشد ۲۸ درصدی اعتبارات بود، اما همزمان با این رویدادهایی چون تورم بالا، گسترش بیکاری، رکود اقتصادی، اعتراضات کارگران و کارمندان و انقلابی در عراق رخ داد و دولتی با حمایت احزاب مارکسیستی روی کار آمد. در انقلاب سال ۱۹۵۸ عراق توسط عبدالکریم قاسم نگاه کنترلی یا ابزاری-سیاسی از مقوله رفاه مطرح شد. این مسئله در بازنگری‌های برنامه‌های توسعه ایران بسیار تأثیرگذار بود که بازتاب آن را در برنامه سوم می‌توان مشاهده کرد.

۳- برنامه سوم قبل از انقلاب: نگرانی‌هایی که از گسترش دیدگاه‌های کمونیستی در ایران و انگوربداری از کودتای کمونیستی عراق وجود داشت، باعث شد که تغییراتی در برنامه سوم صورت بگیرد. در نتیجه اولین برنامه جامع اقتصادی کشور (۴۶-۱۳۲۱) تنظیم شد. این برنامه توسط «مؤسسه مشاوره اقتصادی هاروارد» تنظیم شد. تنظیم این برنامه همزمان با روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا بود و برنامه بر مقوله‌های اجتماعی و مشارکت‌های مدنی تأکید داشت، اما بر اساس اسناد موجود، شاه به این برنامه انتقاداتی وارد می‌کند و می‌گوید که از آنجا که سازمان ملی فقط در اختیار دول قدرتمند است، بنابراین دولت‌های ضعیف باید برای حفاظت از خود فکری کنند؛ بنابراین تأکید می‌کند که رویکرد منابع باید به سمت مسائل نظامی پیش برود. در نتیجه منابع نظامی از برنامه خارج شده و به صورت محرمانه پیگیری شد. از ویژگی‌های مهمی که همزمان با اجرای این برنامه رخ داد، عدم ثبات رشد اقتصادی، تورم، افزایش بیکاری و کاهش فعالیت‌های بخش خصوصی بود. اولویت‌ها از توسعه کشاورزی به توسعه صنعتی تغییر کرد. در بخش آموزش و بهداشت عمومی، سپاه دانش و سپاه بهداشت راه‌اندازی شد. در این دوره بود که نابرابری‌هایی بین شهر و روستا ایجاد شد. مقوله‌هایی مثل آب‌شرب و بهداشت روستاها مورد توجه قرار گرفت. با توجه به نگاه سیاسی حاکم بر برنامه سوم قبل از انقلاب (ترس از انقلاب مارکسیستی و فشار آمریکا بر مسائل حقوق بشری در ایران) باعث شد فرمان ۶ ماده‌ای انقلاب سفید

خارج از چارچوب و منابع از پیش تعیین شده در برنامه ارائه و اجرا شود. کل منابع پیش‌بینی شده برای برنامه عمرانی ۵ ساله سوم قبل از انقلاب ۲۵ میلیارد تومان بود.

۴- برنامه چهارم قبل از انقلاب: برنامه چهارم (۵۱-۱۳۲۷) اولین برنامه‌های است که توسط خود ایرانی‌ها نوشته شد. در این برنامه همچنان رشد اقتصادی جزء اولویت‌ها بود. کنترل جمعیت اهمیت پیدا کرد. تعیین اولویت‌های برنامه با تأکید بر سرمایه‌گذاری صنعتی و کشاورزی بود. برای اولین بار راهبرد اقتصادی با رویکرد جایگزینی واردات تعیین شد. دو این دوره به توزیع عادلانه‌تر درآمد به نفع روستاییان توجه شد. همچنین کم‌کم قرار شد ۲ بخش آموزش و درمان به بخش خصوصی واگذار شود. برای اولین بار فصلی برای رفاه اجتماعی تدوین شد و فعالیت‌های رفاهی که تا پیش از این به عهده سازمان‌های غیردولتی بود، ساماندهی شده و دولت متولی بخشی از آن شد. اما اجرایی شدن این بخش، به برنامه‌های بعدی توسعه موکول شد. در این زمان با این پیش‌فرض که طولانی شدن دوره‌های آموزش فشار را از بازار کار می‌کاهد، بر گسترش آموزش تأکید شد. این سیاست بعد از انقلاب هم در برنامه‌ها باقی ماند. البته نباید پیامدهای بد اجتماعی این برنامه مانند حاشیه نشینی و مهاجرت بی‌رویه را نادیده گرفت. میانگین رشد اقتصادی ۱۲ درصد و میزان بیکاری و تورم ۶ درصد بود. این رقم بیکاری پایین‌ترین رقمی است که در تاریخ ۶۰ ساله برنامه نویسی به آن دست یافتیم.

۵- برنامه پنجم قبل از انقلاب: برنامه عمرانی ۵ ساله پنجم (۵۶-۱۳۵۲)، اولین برنامه‌های است که رشد اقتصادی در اولویت اول آن بود. توجه به اهداف اجتماعی با هدف کاهش تأثیرات رشد اقتصادی بود. نابرابری، فقر و حاشیه‌نشینی حاصل از مدرنیزاسیون باعث شد، مسائل اجتماعی مورد توجه قرار گیرد؛ به‌طور مثال، اگر در برنامه قبلی بهداشت را به بخش خصوصی واگذار کرده بودند در این برنامه قرار بر این شد که نقش بیشتری به دولت در امر درمان داده شود. برای اولین بار بحث کیفیت زندگی در ارتباط با مقوله‌های محیط زیستی و معناری و شهرسازی و آلودگی‌های صنعتی به صورت کاملاً شکلی وارد برنامه توسعه شد. برنامه تأمین اجتماعی شامل چند برنامه اصلی (مشکل از تأمین اجتماعی و بیمه کارگران و کارکنان و کشاورزان) و ۲ برنامه تبعی (با محوریت آموزش عمومی و مشارکت‌های عمومی) بود، اما جهشی که در قیمت نفت در این دوره صورت گرفت باعث شد بازنگری غیر کارشناسی در برنامه صورت بگیرد. شاه، سازمان برنامه و بودجه را وادار کرد تا هر آنچه از درآمد نفتی به دست آورده در برنامه بگنجاند. در این دوره برخلاف تأکیدی که بر

خودکفایی شده بود، حجم عظیمی از کالاها وارد کشور شد. به اعتقاد برخی کارشناسان، این مسئله از جمله دلایلی است که زمینه‌های بروز انقلاب را فراهم کرده است. تغییرات عمده‌ای که پس از بازنگری برنامه توسعه انجام شد شامل دو اولویت قرار گرفتن مسائل اقتصادی (بنادر، راه، سیمان و آهن)، کاهش سهم اعتباری امور اجتماعی و فاصله گرفتن از راهبرد جایگزینی واردات می‌شد.

۶- برنامه ششم قبل از انقلاب: برای تدوین برنامه عمرانی هشتم (۶۱-۱۳۵۷) ۳۶ کمیته تشکیل شد؛ کمیته‌هایی که مستقیماً با مسائل اجتماعی در ارتباط بودند: کمیته کودکان، جوانان و ورزش، بانوان، کیفیت زندگی، تأمین اجتماعی کارکنان و غیره، ولی با وجود این همچنان اولویت‌های اساسی برنامه مربوط به ظرفیت بنادر و راه‌های ارتباطی، سیمان، تورم و نیروی انسانی بود. برای اولین بار فصل مجزایی به حفاظت محیط زیست اختصاص پیدا کرد، اما بر اساس تبصره ۱۱ آن محیط زیست تا حبابی اهمیت پیدا می‌کرد که مانع رشد اقتصادی نشود. در میان برنامه‌ها، برنامه ششم جامع‌ترین نگاه را نسبت به مقوله کیفیت زندگی داشته است؛ به‌طوری که در آن به مقوله فرهنگ و حمایت از فرهنگ بومی، اهمیت خانواده در جامعه و غیره توجه شده است.

۷- برنامه‌های بعد از انقلاب: برنامه اول غیرمصوب: اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب که به برنامه غیرمصوب معروف است در فاصله سال‌های ۶۶-۱۳۶۲ تدوین شد. در آن زمان به‌دلیل شرایط جنگ و فشارهای اقتصادی این برنامه به تصویب نرسید. مشخصه این دوره نقد سیاست‌های رشدمحور قبل از انقلاب، خودکفایی مبتنی بر کشاورزی به‌منظور توسعه، ندادن جنگ، پذیرش برخی مؤلفه‌های تعدیل اقتصادی (محدود کردن خدمات رفاهی دولت، کاهش تدریجی مقدار یارانه‌ها، عدم استخدام و اصلاح تشکیلات دولت) بود.

۸- برنامه اول بعد از انقلاب: اولین برنامه توسعه که بعد از انقلاب در سال ۶۸ تصویب شد، به برنامه سازندگی معروف شد. سیاست‌های کلی این برنامه بیشتر به دنبال تعدیل ساختارهای اقتصادی و بازسازی و رشد اقتصادی بود. اولویت برنامه‌ریزان رشد اقتصادی به‌جای توزیع درآمدها بود. به اعتقاد کارشناسان در این برنامه راهبرد مشخصی وجود ندارد و آن صرفاً یک برنامه اقتصادی است. بازسازی، رشد اقتصادی، کاهش وابستگی، اصلاح الگوی مصرف، عدالت اجتماعی و توجه به کاهش سطح پوشش خدمات دولتی در بخش آموزش، مشخصه اصلی این برنامه است. اما در خلال این سال‌ها تهاجم عراق به کویت و افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش سهم صادرات ایران در اوپک

جدول ۳. معیارها و زیرمعیارهای اصلی سنجش کیفیت زندگی

ردیف	شاخص‌ها	متغیرها
۱	اجتماعی	- امنیت و رفاه اجتماعی - فضاهای گذران اوقات فراغت - فضاهای پیاده - فضاهای باز و سبز - آموزش - مشارکت اجتماعی - فرهنگ و تاریخ
۲	زیبایی‌شناختی (ادراکی و روانی)	- حس راحتی - درگیر شدن منفعل یا فعال با فضا - نفوذ پذیری - تنوع و گوناگونی - جوانایی
۳	اقتصادی	- هزینه خوراک - قدرت خرید - رضایت شغلی - درآمد سرانه (دستمزد) - فقر - هزینه فرصت - بیکاری
۴	کالبدی	- کیفیت مسکن - ارزش مسکن - چیدمان ساختمان‌ها (دائمی‌بندی بافت)
۵	ارتباطی و حمل و نقل	- وسایل ارتباطات - وسایل حمل و نقل عمومی - سطح سرویس - رضایت از سفرهای درون‌شهری - حجم ترافیک - تعداد تصادفات

شرایط نظام بین‌الملل بود. سازمان‌های بین‌المللی معمولاً با شرایطی چون بازار آزاد، گسترش خصوصی‌سازی، کاهش یارانه‌ها، حذف تعرفه‌های گمرکی و غیره وام در

باعث می‌شود، اوضاع مالی وضعیت مناسبی پیدا کند. سیاستمداران برای برقراری ارتباط با دنیا از بانک‌های جهانی وام دریافت کردند و این به معنای پذیرفتن

اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند.

۹- برنامه دوم بعد از انقلاب: در برنامه دوم توسعه (۷۸-۱۳۷۴) تأکید بر سیاست تعدیل بود. در این زمان همچنان سیاست‌های رشد با محوریت برنامه‌های کشاورزی تنظیم می‌شد و برنامه‌هایی چون هدفمندسازی یارانه‌ها و پرداخت‌های انتقالی، گسترش بیمه‌های مسکنی و غیره پیگیری می‌شد. از مجموع مؤلفه‌های درون برنامه به جز یک مؤلفه کنترل جمعیت، بقیه مؤلفه‌ها اقتصادی است. رویدادهای عمده این دوره بحران ارزی، تورم بالا (۴۹ درصدی) و ناکارآمدی نظام اداری در اجرای سیاست‌های حمایتی، عقب نشینی دولت از سیاست تعدیل به سوی سیاست کثرت و احیای جنبش اصلاح طلبی است.

۱۰- برنامه سوم بعد از انقلاب: در برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب (۸۳-۱۳۷۹) مهم‌ترین چالش‌های پیش رو کمبود منابع، جایگاه بین‌المللی و مسئله هرم سنی جمعیت بود. متغیرهای اصلی این برنامه رشد اقتصادی، کاهش تورم و بیکاری بود. توجه به حقوق شهروندی و گسترش مشارکت مردم در قالب نهادهای مدنی، توجه به تأمین اجتماعی و اشتغال به‌عنوان امور فرابخشی از جمله مسائلی است که در این دوره مورد توجه قرار گرفت. در این دوره بود که وزارت رفاه و تأمین اجتماعی شکل گرفت.

۱۰- برنامه چهارم بعد از انقلاب: حاصلت تنظیم برنامه چهارم متفاوت از برنامه‌های دیگر بود. این برنامه در قالب یک سند چشم‌انداز ۲۰ ساله تنظیم شد. این سند در قالب ۴ برنامه تنظیم شده است که برای دولت‌های وقت، مأموریت‌ها و حاصلت‌هایی در نظر گرفته است: به‌عنوان مثال، مأموریت دولت قبلی که می‌بایست متولی اجرای برنامه چهارم می‌بود، رشد پایدار اقتصادی و دانایی محور بوده ولی در عمل سازمانی مانند مدیریت و برنامه‌ریزی را حذف کرد و در نهایت دولت آن را نه اجرا کرد و نه برنامه دیگری جایگزین آن کرد.

شاخص‌های عینی و ذهنی در کیفیت زندگی

دسته اندازه‌گیری کیفیت زندگی نیز در علوم مختلف متفاوت می‌باشد؛ به عنوان مثال، روان‌شناسان از شاخصی به نام مقیاس رضایت از زندگی (به وفور استفاده می‌کنند. این مقیاس که توسط فاینر تهیه شده است، پرستنامه کوتاهی مشتمل بر ۵ سوال است که بیانگر نوع نگاه متخصصان این حوزه به بحث کیفیت زندگی است. هر یک از سئوالات طیفی رتبه‌ای از امتیازات از کاملاً مخالف، مخالف، نسبتاً مخالف، نظری ندارم، نسبتاً موافق، موافق و کاملاً موافق را شامل می‌شود. این سئوالات عبارتند از:

۱- زندگی من در بیشتر جنبه‌ها با ایده‌آل‌ها هم تطبیق دارد.

۲- شرایط زندگی‌ام عالی است.

۳- زندگی‌ام راضی‌همم.

۴- تا اینجا چیزهایی را که در زندگی‌ام خواسته‌ام، به دست آورده‌ام.

۵- اگر می‌توانستم در زندگی به عقب برگردم، تقریباً هیچ چیز را عوض نمی‌کردم.

می‌توان از شاخص‌های عینی و ذهنی به صورت ترکیبی استفاده کرد؛ هر چند که اکثر شاخص‌ها ذهنی بوده؛ یعنی نظر خود شهروندان پرسیده شده است و فقط ۴ شاخص (قیمت زمین، درصد پاسوادی، مالکیت خصوصی و نظر پژوهشگر نسبت کیفیت اینه) عینی بوده است، ولی می‌توان از روش ترکیبی (عینی و ذهنی) استفاده کرد. مثلاً می‌توان از جدول زیر استفاده کرد که فقط یک نمونه فرضی است.

روش آنتروپی: در روش آنتروپی برای سنجش فرضی مؤلفه‌های مورد نظر سنجش فرایند زیر طی شده است. برای استفاده از تکنیک آنتروپی در وزن‌دهی ابتدا مقدار نماد E_j را با استفاده از رابطه ۱ محاسبه می‌کنیم.

رابطه ۱:

$$E_j = s\{P_1, P_2, \dots, P_n\} = -k \sum_{i=1}^n [P_i \cdot \ln P_i]$$

به گونه‌ای که K یک ثابت مثبت می‌باشد. پس از آن مقدار مشخص P را به ازای هر I و J با استفاده از رابطه ۲ مورد محاسبه قرار می‌دهیم.

رابطه ۲:

$$P_{ij} = \frac{f_{ij}}{\sum_{i=1}^n f_{ij}}; \forall i, j$$

و برای E_j مجموعه P_{ij} مطابق با رابطه (۳) داریم:

رابطه ۳:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^n [P_{ij} \cdot \ln P_{ij}]; \forall j$$

به گونه‌ای که:

رابطه ۴:

$$k = \frac{1}{\ln m}$$

پس از آن درجه انحراف اطلاعات ایجاد شده که با D_j به ازای شاخص I_j از رابطه (۵) محاسبه می‌گردد:

رابطه ۵:

$$d_j = 1 - E_j; \forall j$$

برای محاسبه اوزان (W) از شاخص‌های موجود نهایتاً

از رابطه (۷) استفاده می‌کنیم (به ازای تمامی A_i)
رابطه ۶:

$$W_i = \frac{d_i}{\sum_{j=1}^n d_j} \quad \forall j$$

«روش SAW»: روش تصمیم‌گیری چند معیاره saw به عنوان یکی از ساده‌ترین و در عین حال پرکاربردترین روش‌های در سنجش و تعیین سلسله مراتب تصمیم‌گیری است (Olson, 2001). این شیوه برای نخستین بار در سال‌های جنگ جهانی با هدف بهینه‌سازی‌های عملیاتی مورد استفاده قرار گرفت (Evans, 1984). از آن زمان تا به حال این روش در علوم مختلف به ویژه علوم اجتماعی (مدیریت و تحقیق در عملیات) به گسترده مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه روش saw به دلیل سادگی و ضریب خطای کم آن به طور گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد (Hwang, 1981) از جمله در علوم طبیعی (Gershon, 1983; Gershon, 1981) و علوم شهری (Voogd, 1983) با هدف بهینه‌سازی و نیز تعیین سلسله مراتب در ابعاد مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ارتباط با سنجش کیفیت زندگی نیز به کارگیری روش‌های تحلیل چند معیاره SAW به منظور تعیین سلسله مراتب برخورداری شهروندان از شاخص‌های رفاه و استانداردهای زندگی، یکی از بهترین شیوه‌های تعیین محرومیت در سطح شهر می‌باشد (Ulengin, 2001). در این روش با مشخص بودن بردار w که بردار وزن‌های شاخص‌ها می‌باشند با انتخاب گزینه مناسب A^* با استفاده از رابطه ۱ پرداخته می‌شود.

رابطه ۱:

$$A^* = \left\{ A_i \mid \max_i \frac{\sum_j w_j r_{ij}}{\sum_j w_j} \right\}$$

چنانچه باشد داریم:

رابطه ۲:

$$A^* = \left\{ A_i \mid \max_i \sum_j w_j r_{ij} \right\}$$

نتیجه‌گیری

کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی و پیچیده است. ولی در عین حال قابل تعریف و قابل سنجیدگی است. با رهیافتی میان رشته‌ای می‌توان آن را تعریف کرد و برایش مدل مفهومی ساخت و براساس آن مدل آن را سنجید. حتی می‌توان خیلی ساده به سراغ مردم رفت و

از آنها پرسید درباره زندگی چه احساسی دارند و آیا از زندگی لذت می‌برند یا نه؟ کیفیت زندگی بیش از هر چیز امری است نسبی و برای تعریف و سنجش آن معیار مطلق و جامع و جهان شمولی وجود ندارد که در همه جا مصداق داشته باشد. مفهومی است که به شدت متأثر از زمان و مکان است. عوامل مؤثر بر آن، بسته به دوره زمانی و مکان جغرافیایی و شرایط فرهنگی تغییر می‌کنند. مؤلفه‌های کیفیت زندگی بر اساس ارزش‌های فردی و اجتماعی و ملی تعریف می‌شوند. شکی نیست که واقعیت‌ها و شرایط عینی جامعه و وضعیت مادی زندگی فرد نیز در آن نقشی تعیین‌کننده دارند، اما باید توجه کرد که انسان موجودی است که بر اساس تصویر ذهنی خود از واقعیت (نه خود واقعیت) زندگی می‌کند و رفتارش متأثر از برداشت‌های ذهنی و درکی است که از واقعیت دارد و این برداشت‌ها و ادراکات، الزاماً با واقعیت انطباق ندارند. افزون بر آن، تصویر ذهنی برداشت هر فرد درباره واقعیتی معین یا دیگری تفاوت دارد. بر این اساس می‌توان گفت که:

۱. برداشت ما از شرایط عینی و واقعیت‌های زندگی است که احساس‌مان را درباره زندگی و کیفیت زندگی شکل می‌دهد. پس این شخص است که باید احساس کند کیفیت زندگی‌اش مطلوب است یا نه
۲. برداشت افراد در این باره با یکدیگر یکسان نیست. بر این اساس شاید بتوان نتیجه گرفت که میان ارزیابی جوانان از واقعیت‌های زندگی و مطلوبیت کیفیت زندگی و از آن مهم‌تر معیارهایی که برای ارزیابی زندگی خود دارند، با آنچه پدران، مادران، حاکمان و مسئولان جامعه دارند، تفاوت وجود دارد و این شکاف، مدام رو به گسترش بوده و عمیق‌تر خواهد شد.

۳. کیفیت زندگی محصول تاریخی ساختار نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است و نمی‌توان آنرا مجزای از ساختارهای فوق تحلیل و تبیین کرد. شاخص‌ها باید متناسب با ویژگی‌های ملی و محلی و محله‌ای تنظیم شوند تا برای شهروند معمولی معنادار گردند و منشأ عملی شوند که برای بهبود وضع موجود، از عهده‌اش بر می‌آید. این گونه برنامه‌ریزی مشارکت فعال را به وجود می‌آورد؛ چنانچه برای مثال، هرچند نرخ جنایت با عدم امنیت در سطح ملی مهم و جانب است، ولی شهروند معمولی برای کاهش آن کاری نمی‌تواند بکند. ولی اگر نرخ جنایت یا ناامنی در محله یا در شهر مطرح شود، می‌تواند به اقدام مؤثر شهروندان آن شهر و محله منجر گردد. از آنجا که مسائل و مشکلات اجتماعات شهری و روستایی به دلیل پیچیدگی و تنوع آن ایجاب می‌کند که برنامه‌های توسعه در این زمینه همراه با مشارکت، تقاضا و ابتکار ساکنان اجتماع محلی صورت گیرد که البته اعتماد اجتماعی پیش‌شرط آن

محبوب می‌شود. حکومت‌های محلی و ملی نیز به دلیل برخورداری از منابع ساختاری در این زمینه نقش تعیین کننده دارند. چرا که حکومت‌ها با کارکرد تسهیل‌گری قادر هستند بسترهای لازم را برای رشد و گسترش فعالیت‌های سازمان‌های اجتماع محور مهیا کرده و آن را به فرایند پایداری تبدیل کنند. ■

پی‌نوشت‌ها

- 1-United Nation Development Programe
- 2-Organization for Economic Co Opreation and Development
- 3-Human Development Index
- 4-Economist Intelligence Unit
- 5-Gross Domestic Products
- 6-Purchasing Power Parity
- 7-life satisfaction scale

منابع:

بیوان، پرویز (۱۳۷۴) الونکشنی در تهران. مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۸۸-۸۷، ۹۱-۹۲

تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی: ابعاد، معنوسازی و توسعه، ترجمه آنتون جاکوبز و حسین بیوان، تهران: شهزاده

تاج‌بخش، کیان، هفتی، مراد، کوهستانی، ژاک، مسعود (۱۳۸۲) بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تأمین اجتماعی در ایران، مؤسسه آموزش عالی پژوهش تأمین اجتماعی، گزارش شماره ۱۰۷

تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، تهران: شهزاده

توفارو، مایکل (۱۳۸۱) توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، تهران: ۱۳۶۶

توفارو، مایکل (۱۳۶۴) سرمایه اجتماعی: مبانی و روش‌ها، ترجمه عباس عزت‌الملکانی، تهران: سازمان برنامه و بودجه

الچادز، پرویز و یاترینیا، لمدالت (۱۳۸۳) نقش سرمایه اجتماعی در توسعه منطقه و کشورها، ترجمه گروه دبیرخانه خبرگزاری فارس، شماره خبر ۸۳-۵۳۱۰۰۰۶

جاکوبز، حسین (۱۳۸۴) مرکز و مراکز سرمایه‌های نوآرنگ آمریکا، ترجمه حسنرضا یوسفی و آرزو الملاحطینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

جباری، حبیب (۱۳۷۶) گزارش جامع‌شناختی به جایگاه مردم در بهسازی نواحی شهری، مجموعه مقالات همایش تخصصی نواحی شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، سازمان ملی زمین و مسکن، صص ۱۶۰-۱۶۶، تهران

رکن‌الدین، انتحاری، عبدالرضا و محسن اقبالی هیر

(۱۳۸۶) سطح بندی پایداری توسعه روستایی، مطالعه موردی بخش هیر، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۱، صص ۳۱-۴۴.

زهنما، محمد رحیم (۱۳۸۸) برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها، نشر دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.

زاهد زاهدانی، سعید (۱۳۵۵) بررسی گروهی از خانه‌سازان شهر تهران و نظریه اجتماعی به خاسته‌شنی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

زاهد، شمس السادات و غلامعلی نجفی (۱۳۸۵) سطر مفهومی توسعه پایدار، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۹، صص ۶۹-۷۶.

زاهدی اهل، محمد (۱۳۷۷) مبانی ساختاری اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

Bowles, Samuel and Herbert, Gintis (2000), *Social Capital and Community Governance*, Department of Economics University of Massachusetts

Brass, Daniel J. and Giuseppe Labianca (2002), *Social Capital, the Social Ledger and Social Resource Management*, Department of Management and Organization Smuel College of Business Administration, The Pennsylvania State University.

Bryden, J., et al., 2002, Rural Development Indicators and Diversity in the European Union, pp.1-15.

Campbell, A., Converse, P. & Rodgers, W., 1976, *The quality of American life*, New York: Russell Sage

جستاری بر مفهوم شناسی و روش شناسی بهداشت، ایمنی و محیط زیست

■ محمدرضا بهاروند،

رئیس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

مقدمه

بهداشت و ایمنی قبل از ایجاد تشکیلات نظام یافته امروز در دنیا تحت عنوان HSE^۱ در صنایع مختلف، با سابقه‌های حدود دو سده تحت یک واحد فعالیت داشته و وظایف آنها از یکدیگر غیرقابل تفکیک بوده است. در این میان، بهداشت حرفه‌ای بخش مهمی از سلامت کارکنان را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که با ارائه خدمات کاملاً فنی و با کنترل عوامل زیان‌آور محیط کار از شیوع بیماری در کارکنان پیشگیری نموده و با ایجاد محیط‌های کاری سالم، ریسک‌پذیری فرد و محیط را در بروز خطر به حداقل ممکن کاهش می‌دهد (تقدیسی، ۱۳۸۵، ص ۲).

خدمات تخصصی سلامت کار در ساختار HSE

سلامت کار^۲ به لحاظ تقویت مباحث پیشگیرانه در صنعت در ساختار HSE در نقشی ویژه انجام وظیفه می‌کند. بهداشت کار یا مهندسی بهداشت در ساختار HSE شامل تمامی خدمات بهداشت محیط، بهداشت تغذیه کارکنان و بهداشت حرفه‌ای داخل محیط‌های کاری می‌باشد. مهندسی بهداشت کار همانند دیگر علوم برای ارائه خدمات خود به فراخور نیاز صنعت نیازمند بهره‌گیری از تخصص‌های مختلف از قبیل شیمی، فیزیک، آمار، اپیدمیولوژی (واگیرشناسی)، فیزیولوژی، سم‌شناسی، آناتومی، طب صنعتی، تغذیه، توانبخشی و غیره است؛ بنابراین باید پس از بررسی تمامی جوانب کار و قبل از شروع به کار اصلی خود هماهنگی‌های لازم با بخش‌های مورد نیاز را انجام و از برقراری این هماهنگی اطمینان حاصل نمایند (تقدیسی، ۱۳۸۵، ص ۲).

فعالیت‌های بهداشت حرفه‌ای

اگر هم سلامت کارکنان و محیط کار تفکیک ناپذیر بوده و تأثیر متقابل روی همدیگر دارند و شامل محیط، تغذیه و دیگر عوامل نیز می‌شود، اما بخشی از فعالیت‌های بهداشت حرفه‌ای عبارتند از:
۱- شناسایی، اندازه‌گیری، ارزیابی و کنترل خطرات بهداشتی (عوامل زیان‌آور محیط کار) شامل:

الف- عوامل زیان‌آور فیزیکی

ب- عوامل زیان‌آور شیمیایی

ج- عوامل زیان‌آور بیولوژیکی

د- عوامل زیان‌آور اورگانیسمی

عوامل زیان‌آور مکانیکی

۲- پیشگیری از وقوع بیماری‌های ناشی از کار شاغلان و اطمینان از سلامت آنها

۳- پیشگیری از وقوع حوادث، آسیب‌ها و حفاظت کارکنان (تقدیسی، ۱۳۸۵، ص ۲)

تفکر حاکم بر هر سیستم مدیریتی، فاصله زمانی دستیابی به اهداف آن مدیریت را مشخص خواهد نمود. مؤسسات بین‌المللی تجارب و پیشینه خود را در زمینه HSE بررسی نموده و به نتایج شگفتی در این زمینه دست یافته‌اند. این مؤسسات با بررسی طرز تفکر و باور حاکم بر نظام مدیریتی HSE در زمان‌های مختلف، علل کنترل یا عدم کنترل مؤثر مخاطرات را در صنعت ریشه‌یابی نموده‌اند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که:

حتی اگر در سازمان‌ها عناصر چرخه مدیریت مستقر شده، ولی تغییراتی در فرهنگ حاکم بر سازمان ایجاد نشده باشد، موضوع به منزله عدم استقرار بهینه نظام مدیریت HSE است. «بهداشت، ایمنی و محیط زیست»، سیستمی است که به صورت یکپارچه و با همگرایی و چپش هم‌افزای نیروهای انسانی، امکانات و تجهیزات، سعی در ایجاد محیطی سالم، دلپذیر، پائشاد و به دور از حادثه، خسارت و ضایعات دارد. در واقع سیستم مدیریت HSE بخشی از سیستم مدیریت کل جاری در یک سازمان است (فرشاد و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۶).
HSE از سه کلمه بهداشت (health)، ایمنی (safety) و محیط زیست (environment) تشکیل شده است. دنیای امروز دنیای رقابت است.



نمودار ۱. مدل رایج HSE ms

ماخذ: فرشاد و دیگران، ۱۳۸۵

نرخ سریع تحولات تکنولوژیک و تغییر در انگوهای مصروف و نیازهای بازار و بالا رفتن انتظارات جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی سازمان‌ها در عرصه رقابت را روز به روز تنگ‌تر می‌کند. شرط بقا در چنین محیطی، برخورداری از مزیت‌های رقابتی در سازمان است. تحقق اهداف سازمان در حوزه رقابت‌پذیری، پرداختن به موضوعات ایمنی، بهداشت و محیط زیست را به یکی از اولویت‌های سازمان‌ها در تجارت امروز تبدیل نموده است. فاکتورهای رقابت‌پذیری سازمان عبارتند از:

۱- توجه به نیروی انسانی به عنوان اصلی‌ترین سرمایه سازمان
۲- بهبود فرایندهای کاری در راستای تولید و عملیات بهره‌وری

۳- توجه به موضوعات زیست محیطی برای تحقق توسعه پایدار
بر این اساس می‌توان گفت:

الف- ایمنی: تعریف ایمنی عبارت است از میزان درجه دور بودن از خطر، واژه (Hazard) که در تعریف علمی ایمنی آمده است، در واقع شرایطی است که از پتانسیل آسیب‌رسانی به کارکنان، تجهیزات و ساختمان‌ها، از بین بردن مواد یا کاهش کارایی در اجرای یک وظیفه از پیش تعیین شده برخوردار است. هنگامی که مخاطرات محیطی وجود دارد، امکان وقوع آثار منفی یاد شده وجود خواهد داشت. کلمه (Danger) گویای قرار گرفتن در معرض مخاطرات محیطی است؛ به این ترتیب، ایمنی متضاد Danger است و در صدد حذف خطرات بالقوه موجود در محیط کار می‌باشد. ایمنی به طور صد در صد و مطلق وجود ندارد.

ب- عوامل اصلی در مدیریت ایمنی: این عوامل عبارتند از برنامه‌ریزی ایمنی، سازماندهی ایمنی و فعالیت‌های آن، هدایت برنامه‌های ایمنی و کنترل عملکردها و نتایج حاصله

ج- بهداشت: بهداشت به معنای مصون داشتن کارکنان از بیماری و منام نگهداشتن وضعیت جسمانی و روانی آنهاست. ایمنی به معنای محافظت کارکنان از آسیب‌های ناشی از حوادث کاری است. این عوامل حیاتی اهمیت است؛ زیرا کارکنانی که از سلامتی برخوردارند و در محیطی ایمن کار می‌کنند، تمریناتی ترند. به این دلیل، مدیران آینده‌نگر، حامی برنامه‌های پیشرفت بهداشت و ایمنی هستند.

شواهد عینی موجود حاکی از این است که به بهداشت محیط و ایمنی مدارس توجه کامل مبذول نشده است و ۷۰ درصد مدارس کشور از وضعیت بهداشتی مناسب برخوردار نیستند (صالح پور کردی، ۱۳۸۸، ص ۲).

بهداشت و ایمنی قبل از ایجاد تشکیلات نظام یافته امروز در دنیا تحت عنوان HSE در صنایع مختلف با

سابقه‌ای حدود دو سده تحت یک واحد فعالیت داشته و وظایف آنها از یکدیگر غیرقابل تفکیک بوده است. در این میان بهداشت حرفه‌ای بخش مهمی از سلامت کارکنان را تشکیل می‌دهد؛ به طوری که با ارائه خدمات کاملاً فنی و با کنترل عوامل زیان‌آور محیط کار از وقوع بیماری در کارکنان پیشگیری نموده با ایجاد محیط‌های کاری سالم، خطری‌پذیری فرد و محیط را در پرور خطر به حداقل ممکن کاهش می‌دهد (تقدیسی، ۱۳۸۵، ص ۲).

شاخص‌های HSE

۱- Fatality Lost - FTL

حادثه‌ای ناشی از کار که منجر به مرگ شود.

۲- Lost Time Incident - LTI

حادثه اتلاف وقت یا هر حادثه ناشی از کار که باعث شود شخص حادثه‌دیده به مدت یک شیفت کاری، تمام یا بیش از یک روز در محل کار خود حاضر نباشد که معادل یک LTI است.

۳- Medical Treatment Only - MTO

هرگونه جراحت ناشی از کار که فرد حادثه‌دیده به پزشک مراجعه می‌کند یا به عبارت دیگر، حادثه‌دیده پس از معاینه توسط پزشک به محل کار خود باز می‌گردد و فعالیت عادی روزانه خود را ادامه می‌دهد.

۴- Restricted Work Transfer Case - RWIC

حادثه‌ای که بر اثر آن فرد حادثه‌دیده نمی‌تواند کار روزانه خود را انجام بدهد، ولی کارهای سبک به وی محول می‌شود؛ به عنوان مثال، کارگر سکو به دلیل ضرب‌دیدگی انگشت مدنی کار اپراتوری را دیو را انجام می‌دهد.

۵- Total Recordable Incidents - RCRD

تمامی حوادث قابل گزارش می‌باشد.

برنامه‌ریزی در HSE

برنامه‌ریزی در یکی از مفاهیم اساسی در HSE تعریف برنامه و برنامه‌ریزی است، این دو تعریف در خیلی از پروژه‌ها نقش بسزایی دارند.

۱- برنامه: برنامه‌ها مجموعه‌هایی از اهداف، خط مشی‌ها، روش‌های انجام کار، دستورالعمل‌ها، اقدامات ویژه، گام‌هایی که باید برداشته شوند، منابع مورد نیاز و دیگر عناصر لازم برای اجرای یک عمل شناخته شده و معلوم هستند. برنامه‌ها به گونه معمول و یا بودجه و اعتبار، پشتیبانی می‌شوند.

۲- برنامه‌ریزی: برنامه‌ریزی یعنی انتخاب هدف‌های درست و سپس انتخاب مسیر، راه و وسیله یا روش درست و مناسب برای تأمین این اهداف؛ هر دو جنبه برنامه‌ریزی در فرایند مدیریت HSE اهمیت حیاتی دارند. گاهی برنامه‌ریزی در واقع به آن دسته از اقداماتی

انطلاق می‌شود که مشتمل بر پیش‌بینی اهداف و اقدامات لازم برای رویارویی با تغییرات و مواجه شدن با عوامل نامطمئن، از طریق تنظیم عملیات آینده است.

سلامت و ایمنی به عنوان یک فرآیند

۱- **فرآیند:** عبارت است از آنچه ورودی‌ها را به خروجی‌ها تبدیل می‌کند.

۲- **سلامتی:** بنا به تعریف سازمان بهداشت جهانی، عبارت است از نه تنها دوری از بیماری جسمی و ناخوشی، بلکه سلامتی روحی روانی و فکری و خوب بودن در تمام ابعاد آن.

۳- **ایمنی:** یعنی پرهیز از هر اتفاق ناگهانی که سلامتی را به مخاطره می‌اندازد.

۴- **محیط زیست:** یعنی تقید در کارها، به نحوی که کمترین آسیب و زیان را برای محیط زیست به وجود آوریم.

فرآیند HSE دارای ورودی‌هایی است که خروجی آن، سلامتی، ایمنی و حفظ محیط زیست است که خود بر فرآیند مدیریت و کنترل پروژه تأثیر می‌گذارد؛ به نحوی که افراد در مسیر انجام کارها، سالم‌ترین و ایمن‌ترین روش را انتخاب نمایند که ورودی‌ها و خروجی‌های آن در جدول ۲ آمده است.

در بررسی سیستمی، بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست از طریق در نظر گرفتن کل تفکر به‌عنوان مجموعه‌ای به هم پیوسته می‌باشد؛ بدین‌گونه که هر یک از اجزاء در ارتباط با دیگر اجزاء به هم مرتبط معنا می‌شود. تفکر سیستمیک به ما کمک می‌کند تا به ریشه مشکلات بیندیشیم. اگر رودخانه‌ای آلوده باشد، سعی نمی‌کنیم آلودگی آنجا را برطرف کنیم، بلکه در مسیر آن بالا می‌رویم تا سرچشمه را از آلودگی پاک کنیم. HSE به عنوان یک کل دارای مؤلفه‌های مختلف است که هفت از هر یک از این مؤلفه‌ها و عناصر موجب نادیده گرفتن مبانی اصولی در سیستم می‌شود. البته آنچه به‌عنوان یک محور اساسی و جان‌مایه نظام بهداشت، ایمنی و محیط زیست و به مثابه روحی که در جسم و پیکره

صنعت به آن حیات و جان می‌بخشد، ارتباط و تأثیر متقابل این مؤلفه‌ها بر یکدیگر است. فلسفه HSE در صنعت توسعه پایدار و کرامت انسان از طریق نگاهی سیستماتیک و مرتبط با عوامل مختلف بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست صنعت در زندگی انسان است. این فلسفه و نگرش، راهبرد به حداقل رساندن آثار نامطلوب صنعت بر محیط و افزایش آثار مطلوب آنها با تأمین ایمنی همه‌جانبه تمامی کارکنان و همکاران سازمان، تجهیزات و تأسیسات، به صفر رساندن حوادث و آسیب‌ها از طریق حذف شرایط ناایمن و ارتقای سلامت افراد ایمنی و محیط‌زیست در تمامی سطوح سازمان و حفاظت از محیط‌زیست به‌عنوان سرمایه بشریت را دنبال می‌کند. مقوله‌های بهداشت، ایمنی و محیط زیست به‌طور جداگانه طی سال‌های متعددی در صنعت مطرح بوده است، اما نگاه امروز نگاهی نو، سیستماتیک و همه جانبه تحت یک مدیریت واحد می‌باشد. استقرار نظام مدیریت HSE در راستای تأمین اهداف قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور نیز قرار دارد. در ماده ۸۵ این قانون آمده است:

دولت موظف است ظرف مدت ۶ ماه پس از تصویب این قانون، لایحه حفظ و ارتقای سلامت آحاد جامعه و کاهش مخاطرات تحریک‌کننده سلامتی را مشتمل بر نکات ذیل، تهیه و جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه کند:

- کاهش حوادث حمل و نقل از طریق شناسایی مناطق و محورهای حادثه‌خیز جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی و کاهش مناطق مذکور به میزان ۵۰ درصد تا پایان برنامه چهارم

- تأکید بر رعایت اصول ایمنی و مقررات راهنمایی و رانندگی - بهبود طرح ایمنی وسایط نقلیه موتوری و اعمال استانداردهای مهندسی انسانی و ایمنی لازم

- کاهش مخاطرات تهدیدکننده سلامتی در محیط کار، آلاینده‌های هوا، آب، خاک، محصولات کشاورزی و دامی و تعریف مصدق، میزان و نحوه تعیین و وصول عوارض و جرائم جبرانی و چگونگی منابع حاصله (تقدیسی، ۱۳۸۵، ص ۲).

جدول ۱. خدمات تخصصی بهداشت در ساختار HSE

اساساً واژه سلامت در سه سطح زیر تعریف شده است:

سطح ۱: بهداشت کار^۱

سطح ۲: طب کار^۲

سطح ۳: خدمات پرستاری و توان‌بخشی مرتبط با کار^۳

سطح یک به لحاظ تقویت نمودن مباحث پیشگیرانه در صنعت، در ساختار HSE انجام وظیفه می‌کنند. بهداشت کار یا مهندسی بهداشت در ساختار HSE شامل کلیه خدمات بهداشت محیط، بهداشت تغذیه کارکنان و بهداشت حرفه‌ای داخل محیط‌های کاری صنعت نفت می‌باشد.

جدول ۲. ورودی‌ها و خروجی‌های سیستم

ورودی‌ها	خروجی‌ها
۱. تمهیدات فنی صحیح	
۲. برنامه زمان‌بندی به هنگام و پرهیز از تعجیل	
۳. تأمین به موقع و کافی وسایل حفاظت فردی	۱. تعداد حوادث واقع شده و بخیر گذشته پرسنل
۴. تأمین ماشین آلات کافی و سالم	۲. شدت حوادث واقع شده بر افراد
۵. تأمین ابزار کافی و سالم	۳. روزهایی از دست رفته در اثر حوادث و بیماری
۶. آموزش، تکرش و رفتارهای سالم و آموختن افراد	۴. هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم درمان و جایگزینی فرد حادثه دید
۷. انضباط و انضباط کارگاهی	۵. بیماری‌های شایع شده در بین افراد
۸. انجام بازبینی‌های فنی و آمیسی لازم و مداوم	۶. علاقه به کار و روحیه پرسنل
۹. به‌کارگیری کارگران متخصص و ماهر	۷. تعداد حوادث واقع شده و بخیر گذشته برای تجهیزات
۱۰. ارائه آموزش‌ها و توجیهات گزینی به کارگران	۸. هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحویل شده در اثر تخریب ماشین آلات
۱۱. حفظ بهداشت عمومی، فردی، روانی و محیطی	۹. هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحویل شده در اثر تخریب ابزار
۱۲. ارائه خدمات پزشکی و بهداشتی	۱۰. میزان سوخت و انرژی مصرفی
۱۳. جمع‌آوری و دفع به موقع زباله و قاتلاب	۱۱. میزان آسیب‌های وارده به محیط زیست
۱۴. توجه به سلامت زیست محیطی مواد	
۱۵. پهناسازی محیط و کاهش اختلالات	

مدیریت در HSE

سیستم‌های مدیریت HSE عموماً از عناصر کلیدی مشابه و مشترکی برخوردارند که در زیر به موارد آن اشاره شده است:

۱. رهبری و تعهد (اعتماد): مدیریت باید رهبری و تعهد عملی، قوی و مشارکت در مسائلی بهداشت، ایمنی و محیط زیست را نشان داده و اثبات نماید. همچنین باید منابع ضروری جهت دستیابی به اهداف HSE را فراهم کند. اساس سیستم مدیریت HSE رهبری و تعهد مدیریت و آمادگی او به منظور فراهم نمودن منابع مورد نیاز جهت دستیابی به اهداف HSE می‌باشد.

۲. خط مشی و اهداف راهبردی: هر سازمانی می‌تواند یک خط‌مشی جامع HSE یا خط‌مشی جداگانه برای هر یک از بخش‌های بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست داشته باشد. پذیرفتن، توسعه و حمایت فعال و تأیید خط‌مشی از سوی بالاترین مقام و تهیه آن به صورت قابل فهم و اطلاع‌رسانی آن به تمامی گروه‌های ذینفع بسیار حائز اهمیت است.

۳. سازماندهی، منابع و مستندسازی: سازمان باید نقش‌ها، مسئولیت‌ها و توانایی‌های تک تک افراد را جهت ایفای نقش خود در بهبود عملکرد HSE تعریف، مستند و اطلاع‌رسانی نماید.

۴. ارزیابی و مدیریت ریسک: به طور مداوم سازمان باید ریسک‌های مرتبط با HSE را ارزیابی کند. همچنین باید به منظور شناسایی خطرات خاص، ارزیابی و کنترل ریسک‌ها تا سطح قابل قبول، فرآیندها و فعالیت‌ها را ارزیابی کند. سازمان باید برای ارزیابی و مدیریت ریسک‌های مرتبط با HSE، روش‌های اجرایی ایجاد کند.

۵. طرح‌ریزی: ملاحظات HSE باید بخش

جدایی‌ناپذیر تمام جنبه‌های طرح‌ریزی و تغییر در طراحی، توسعه، خرید و حمل و نقل محصولات و خدمات باشد. سازمان باید برای تمام برنامه‌های کاری، طرحی برای دستیابی به اهداف HSE و معیارهای اجرایی آن ارائه نماید.

۶. اجرا، ثبت و پایش: این عنصر مشخص می‌کند که باید فعالیت‌ها چگونه انجام شوند و چگونه اقدامات اصلاحی در زمان مورد نیاز در راستای بهبود مستمر اعمال گردند.

۷. ممیزی و بازنگری: ممیزی و بازنگری باید به منظور تأیید اجرا و اثربخشی سیستم مدیریت HSE و تناسب آن با الزامات سیستم صورت گیرد (فرشاد و دیگران، ۱۳۸۵: ۷).

همچنین در متن قانون برنامه پنجم آمده است که: ماده ۱۹۲- به منظور کاهش عوامل آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست کلیه واحدهای بزرگ تولیدی، صنعتی، عمرانی، خدماتی و زیربنایی موظفند:

الف- طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ تولیدی، خدماتی و عمرانی خود را پیش از اجرا و در مرحله انجام مطالعات امکان‌سنجی و مکان‌یابی براساس ضوابط مصوب شورای عالی حفاظت محیط زیست مورد ارزیابی اثرات زیست محیطی قرار دهند.

ب- رعایت نتیجه ارزیابی‌ها توسط مجریان طرح‌ها و پروژه‌ها الزامی است.

ج- نسبت به نمونه‌برداری و اندازه‌گیری آلودگی و تخریب زیست محیطی خود اقدام و نتیجه را در چهارچوب خوداظهاری به سازمان حفاظت محیط

زیست ارائه نمایند. واحدهایی که قابلیت و ضرورت نصب و راهاندازی سامانه (سیستم) پایش لحظه‌ای و مداوم را دارند باید تا پایان سال سوم برنامه، نسبت به نصب و راهاندازی سامانه (سیستم) های مذکور اقدام نمایند. متخلفان مشمول ماده (۳۰) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ می‌شوند.

ج - مشخصات فنی خود را به نحوی بهبود دهند که با ضوابط و استانداردهای محیط زیست و کاهش آلودگی و تخریب منابع پایه بالاخص منابع طبیعی و آب تطبیق یابد.

بصره ۱- دولت مکلف است ارزش اقتصادی منابع زیست محیطی و جداول و حساب‌های مربوطه را در حساب‌های ملی محاسبه و ملحوظ نماید.

بصره ۲- معاونت مکلف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌های مرتبط به منظور برآورد ارزش‌های اقتصادی منابع طبیعی و زیست محیطی و هزینه‌های ناشی از آلودگی و تخریب محیط زیست در فرآیند توسعه و محاسبه آن در حساب‌های ملی، نسبت به تنظیم دستورالعمل‌های محاسبه ارزش‌ها و هزینه‌های موارد دارای اولویت از قبیل: جنگل، آب، خاک، انرژی، تنوع زیستی و آلودگی‌های زیست محیطی در نقاط حساس اقدام و در مراجع ذی‌ربط به تصویب برساند. ارزش‌ها و هزینه‌هایی که دستورالعمل آنها به تصویب رسیده، در امکان‌سنجی طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در نظر گرفته خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در دنیای پر رقابت امروز بسیاری از شرکت‌ها پی برده‌اند که باید مدیریت HSE را جز جدایی‌ناپذیر و ضروری سازمان خود قرار داده و به آنها همان قدر اهمیت و بها دهند که به دیگر مدیریت‌های سازمان می‌دهند. هدف نهایی در سیستم مدیریت HSE محافظت از افراد، جامعه، اموال و محیط‌زیست می‌باشد. ملاحظه همزمان موضوعات بهداشت، ایمنی و محیط‌زیست، علاوه بر حذف فعالیت‌های موازی به دلیل ایجاد تعادل فنی و اقتصادی سبب سهولت در افزایش بهره‌وری و توسعه پایداری نیز می‌گردد. پیشگیری از بروز صدمات و حوادث بهداشتی، ایمنی و محیط زیست در راستای توسعه پایدار و افزایش بهره‌وری با در نظر گرفتن سلامت و ایمنی افراد مستلزم وجود ساختار سیستم مدیریت HSE است. آنچه در رابطه با کار بدون حادثه بیان می‌شود، حاکی از وجود ابعاد مشترک بسیاری بین این دو است. از طرف دیگر، سلامتی و ایمنی از جوهری اختصاصی برخوردارند که سطح سواد، آگاهی‌ها، باورها و اعتقادات در آن تأثیر گذارند؛ لذا خدمات ارائه شده در این راستا باید بر ابعاد زیر استوار باشد:

۱. تناسب: مناسب بودن خدمات با در نظر گرفتن دانش روز و مطابق با نیازها

۲. دسترسی: سهولت دسترسی به خدمات سلامت و ایمنی در زمانی که افراد به آن نیاز دارند بسیار مهم است.

۳. تداوم: برای ارائه خدمت مورد نیاز کارگاه بین ارائه کنندگان خدمت و سازمان‌های مختلف در طول زمان گوناومی هماهنگی به عمل می‌آید.

۴. مؤثر: مؤثر بودن یعنی با توجه به دانش روز، به نحو لازم بدون اشتباه ارائه شود.

۵. بازدهی: برنامه‌ها و روش‌های اجرایی، با حداقل هزینه باید نتایج مطلوبی در برداشته باشند.

۶. احترام: احترام و توجه به مجریان و صاحبان فرآیندها به نحوی که در تصمیم‌گیری‌های مربوط به HSE مشارکت داشته باشند.

۷. به موقع: پیشنهادها و مداخلات باید به موقع ارائه شوند.

۸. کارآیی: پیشنهادها و مداخلات، توان بالقوه برآوردن نیاز عملیات اجرایی را داشته باشد. ■

پی‌نوشت‌ها:

- 1-Health Safety Environment
- 2-Occupational health
- 3-Occupational hygiene
- 4-Occupational medicine
- 5-Occupational Health Nursing

منابع

- ۱- محمد حسین تقدیسی، مدیریت بهداشت، ایمنی و محیط زیست (HSE) رویکردی خلاق در توسعه پایدار، سلامت کنونی، شماره ۳، ۱۳۸۵
- ۲- دایوری، پرویز، دستورالعمل اجرایی مدارس مروج سلامت در جمهوری اسلامی ایران، گمین نامه بهداشت محیط، مدارس، ۱۳۸۹.
- ۳- فرشاد، علی اصغر، خسروی، یحیی، علیزاده، سید شمس الدین، نقش سیستم مدیریت HSE در بهبود عملکرد بهداشت، ایمنی و محیط زیست سازمان‌ها و توسعه پایدار (مطالعه موردی)، فصلنامه سلامت ایران، دوره شماره
- ۴- نصیری، پروین، عباسپور، مجید، محمودی، محمود، بابایی اصغر، ارزیابی آلودگی صدا در مدارس بخش مرکزی شهرستان کرج، مجله علوم و تکنولوژی محیط زیست، زمستان ۱۳۸۲، شماره ۲۷.
- ۵- صالح پور دهکردی، زهرا، یغمایی فرید، اکبرزاده باغبان خنیرضا، حسین زاده صفیه، بررسی وضعیت بهداشت و ایمنی محیط قیریکو مدارس ابتدایی دولتی شهر کرد در سال ۱۳۸۸، مجله علوم بهداشت، بهار ۱۳۸۹، شماره ۹.

بررسی میزان مشارکت مردم در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی، منطقه ۶ شهر تهران)

■ عباس موسی نژاد، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری اردانشگاه علوم و تحقیقات تهران
■ محمد جواد موسی نژاد، کارشناس ارشد سیاستگذاری عمومی و مطالعات ایران از دانشگاه تهران



مقدمه

مدیریت شهری مبحثی است که با ظهور شهرهای نوین و افزایش پیچیدگی‌های زندگی شهری شکل جدیدی به خود گرفته است. در سال‌های اخیر در کشورهای اروپایی این باور مطرح شده است که مدل‌های حکمرانی عینی بر دستور و کنترل و از بالا به پایین، دیگر کاربرد چندانی ندارند یا دست‌کم فاقد کارایی پیشین هستند. این موضوع به‌ویژه زمانی مشهود است که دستورالعمل رقابت بین همستگی اجتماعی و شهری با هم ادغام شده‌اند و گروه‌ها و سازمان‌های بورشماري با یکدیگر همکاری می‌کنند؛ بنابراین، برای اداره امور عمومی شهری دو پارادایم وجود دارد. در پارادایم نخست که حکومت نام دارد، شهرداری مسئولیت تمام امور را به عهده دارد. این نهاد موظف

است که تمام خدمات را برای مصرف جامعه مدنی یا شهروندان فراهم کند (ایمانی جاجرمی و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۹). در پارادایم دوم که حکمرانی نام دارد، مسئولیت اداره عمومی میان سه نهاد حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقسیم شده است که هر سه مورد از لوازم توسعه انسانی به شمار می‌روند؛ ضمن آنکه هر سه بخش مذکور در تعامل با یکدیگر قرار دارند؛ به‌گونه‌ای که ضعف و قدرت بیش از حد یکی از آنها تعادل اجتماعی را برهم خواهد زد؛ لذا ایجاد ارتباط و تعادل لازم و تفکیک وظایف هر یک از این سه بخش امکان بهتر زیستن را در یک جامعه مطلوب فراهم خواهد کرد. با توجه به مدل حکمرانی شهری خوب، ساکنان مناطق مختلف شهری، از شهروند انفعالی به شهروند فعال و مسئولیت‌پذیر تبدیل می‌شوند. حکومت نه تنها

باید به شهروندان خود گوش فرا دهد، بلکه باید آنها را به طور فعال در تمام مراحل سیاستگذاری دخالت دهد. فلسفه این کار این است که با شکل‌گیری چنین قضایی، از شهروندان انتظار می‌رود که در مدیریت زندگی‌شان مسئولیت‌پذیر باشند و اقدامات لازم را برای بهبود اوضاع انجام دهند. حکمرانی شهری با ابتکار عمل سیاست از پایین به بالا و شبکه‌های خودسازمانی، رویکردهای قدیمی سلسله مراتبی، از بالا به پایین و بوروکراسی را کم‌رنگ و ناکارآمد کرده است و مرزهای بین سازمانی موجود در ساختار دولتی همگی نقوذپذیر شده‌اند. محیط شهری پیچیده، پویا و متنوع مستلزم ظرفیت بالایی مدیریت است که به نظر می‌رسد حکمرانی شهری خوب قابلیت فراهم کردن آن را دارد.

ویژگی‌های حکمرانی شهری خوب عبارتند از مشارکت جویی، پایداری یا تداوم‌پذیری، حق و اختیار تصمیم‌گیری، عدالت، کارآمدی و اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی، مشارکت جویی و امنیت، این هنجارها و اصول دارای وابستگی متقابل‌اند و همدیگر را تقویت می‌کنند. در این پژوهش، روی ویژگی مشارکت جویی تمرکز خواهیم کرد تا میزان آن در مدیریت شهری تهران (مطالعه موردی: شهرداری منطقه ۶ تهران) سنجیده شود تا ضمن بررسی نقاط ضعف و کاستی‌های شهرداری در مورد شاخصه مذکور، بستری برای مدیریت شهری مطلوب بر اساس حکمرانی شهری خوب در آینده فراهم شود. مشارکت شهروندان در امور مدیریتی شهر اصل اساسی حکمرانی خوب است. دسترسی به اطلاعات برای مشارکت و حکمرانی خوب ضروری و مهم است. قوانین و سیاست‌های عمومی باید به صورت قابل پیش بینی و شفاف به کار برده شوند. مقامات [اداری] انتصابی و منتخب و دیگر مقامات مسئول دولتی، نیازمند معیارهای بالایی از انسجام و هماهنگی شخصی و شغلی‌اند. از این رو، مشارکت شهروندان، عاملی مهم در ترویج و بهبود اصل حکمرانی خوب شهری است. امروزه با توجه گسترش و رشد شهرها و افزایش جمعیت آنها، شهرها با مسائل و مشکلات جدیدی روبه‌رو هستند. مدیریت شهر و دستگاه‌های اداره‌کننده شهر نمی‌توانند بدون همکاری مردم گامی بردارند. در واقع می‌توان این‌طور گفت: که حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است. در صورتی که مردم شهر نخواهند یا نتوانند برای کمک به اداره امور شهر گام بردارند، احتمال اینکه مدیریت شهر نتواند مسائل حادی که شهر با آنها روبه‌روست را حل کند، بسیار است. موضوع مشارکت مردم در اداره امور شهرها در قالب نظریه حکمرانی خوب شهری و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آن مطرح شده است. در واقع می‌توان گفت یکی از جنبه‌های مهم نظریه حکمرانی

خوب شهری همان بعد مشارکت است؛ چرا که اصل و بنیان نظریه مذکور بر حکومتی مردمی استوار است؛ یعنی حکومتی که مردم، اداره امور را بر عهده خواهند داشت. بنابراین حضور و مشارکت مردم در اداره امور از اصول بدیهی و اولیه تحقق این نظریه و شاید گام اول برای رسیدن به حکمرانی خوب شهری باشد. در این صورت مشارکت نه تنها یکی از ویژگی‌های حکمرانی خوب شهری بلکه گام اول جهت تحقق آن محسوب می‌گردد. بدلیل اهمیت بحث مشارکت در راستای تحقق حکمرانی خوب شهری، پژوهش حاضر این موضوع را مورد نظر خود قرار داده است تا بتواند با بحثی مسووط از لحاظ تئوریک و به‌صورت عملی، مساله مشارکت را در یکی از مناطق ۲۲ گانه شهر تهران بررسی کند.

مشارکت جویی

اصل و اساس مشارکت‌جویی از قبول این نکته ناشی می‌شود که مردم مرکز توسعه به‌شمار می‌روند، مردم علاوه بر اینکه از منتفع شوندگان نهایی توسعه هستند، عوامل و مؤلفه اصلی آن نیز می‌باشند. از این منظر، مردم به‌وسیله گروه‌ها یا انجمن‌هایی نظیر: اتحادیه‌های تجاری، اتاق‌های بازرگانی، سازمان‌های غیردولتی، احزاب سیاسی یا به شکل انفرادی نظیر نامه‌نگاری یا روزنامه‌ها، حضور در گفتگوهای رادیو و تلویزیونی و رای‌دهی اقدام به مشارکت می‌نمایند. در هر صورت روند توسعه نیازمند دسترسی مردم به نهادهایی است تا با مشارکت در آنها به این روند سرعت بخشند.

در فرهنگ‌ها و ساختارهای قدیمی بوروکراتیک، مدیریت متمرکز است و مشارکت مردمی در حداقل درجه قرار دارد. اما در مباحث مدیریتی جدید به این نکته توجه می‌شود که بوروکراسی‌ها به گونه‌ای اصلاح شوند تا روند مشارکت را تسهیل کرده و به بهترین شکل به انجام رسانند. نگرش حکمرانی خوب پیگیر اجرای این روند است. مشارکت جویی با پاسخگویی نیز ارتباط می‌یابد. در بخش سیاسی و در دموکراسی‌های یا نظام نمایندگی که شهروندان در جریان انتخابات دولتی مشارکت می‌نمایند، در نهایت مقامات رسمی باید به انتخاب‌کنندگان پاسخگو باشند. در بخش اقتصادی اکثر نظام‌های اقتصادی می‌توان مزایای رفیافت‌های مشارکت‌جویی را ملاحظه کرد. این مزایا شامل بهبود در اجرا، پایداری سیاست‌ها، برنامه‌ها، پروژه‌ها و پشتیبانی از آنها می‌باشد.

در سطح عامه مردم، از مشارکت جویی اینگونه تعبیر می‌شود که ساختارهای دولتی به حد کافی انعطاف‌پذیر باشند که به حقوق بگیران خدمت کنند و با استفاده از این فرصت به بهبود، طراحی و اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های عمومی بپردازند. در سطحی متفاوت در

جدول ۱- مفاهیم و تعداد کلی سئوالات هر مفهوم

مفاهیم	تعداد سئوالات شهروندان	تعداد سئوالات مدیران
حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری	۱۰	۶
کمک و تأمین مالی هزینه‌های اجرای طرح‌های شهرداری	۳	—
تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری)	۵	۴
انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری	۲	۲
حضور در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی برگزارشده از طرف شهرداری در مراسم مختلف	۸	۲
فعالیت مردم در سازمان‌های غیردولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری	۸	۵
برقراری ارتباط با مسئولان و کارشناسان مدیریت شهری	۹	—
علاقه‌مندی به کسب اخبار مدیریت شهری	۳	۳

(پرایس واتر‌هاوس، ۱۹۹۲).

اظهارهای عملی برای تحقق اصل مشارکت جویی شامل موارد زیر است:

۱- ترویج و ارتقای دموکراسی‌های محلی قوی از طریق انتخابات آزاد و عادلانه شهری و فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکتی

۲- برقراری اقتدار حقوقی و قانونی برای مشارکت مؤثر جامعه مدنی از طریق سازوکارهایی نظیر شوراهای توسعه و کمیته‌های مشورتی محلی [منطقه‌ای]

۳- ترویج و ارتقای اخلاق پاسخگویی و مسئولیت شهری در میان شهروندان از طریق سازوکارهایی نظیر گروه‌های «نگهبان شهر»

۴- استفاده از سازوکارهایی نظیر تحقیقات و نظرسنجی‌های عمومی، جلسات شهرداری، تریبون‌ها [جلسات بحث و تبادل نظر] عمومی، مشورت و نظرسنجی در شهر و توسعه راهبرد مشارکتی از جمله گروه‌های تحقیق و بررسی موضوعات خاص

۵- پذیرش و تعهد به همه پرسش و مراجعه به

حوزه جد فاصل بین ادارات عمومی و بخش خصوصی، مشارکت جویی به عنوان عاملی مفید برای تقویت اقتصاد و اجرای اقتصاد ملی محاسبه می‌گردد.

مشارکت جویی توسط ادارات دولتی در مسائل اقتصادی، علاوه بر اینکه بخش خصوصی را تحت پوشش قرار می‌دهد فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی را نیز شامل می‌گردد که در سال‌های اخیر افزایش یافته‌اند.

در واقع عناصر جامعه مدنی بدیلی را ایجاد می‌نمایند که انرژی شهروندان خصوصی را به سمت و سوی مناسب و صحیح هدایت می‌کند. این شهروندان می‌توانند با شناسایی منافع ملت و بسیج افکار عمومی به حمایت از این منافع و سازماندهی علمی در جهت انجام آنها مشارکت نمایند.

همراهی این عناصر با مؤسسان سازمان‌های غیردولتی می‌تواند برای دولت‌ها هم پیمانی مناسب جهت تقویت مشارکت در سطح اجتماع و تشویق زهافت و باین به بالا در توسعه اجتماعی و اقتصادی فراهم نماید

آرای عمومی درباره انتخاب‌های مهم توسعه شهری
(www.unhabitat.org)

در نهایت می‌توان گفت که حکمرانی شهری خوب فرآیندی است که بر اساس آن کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی مدیریت شهری از یک طرف و نهادهای غیررسمی جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد. مشارکت نهادهای غیررسمی جامعه مدنی و تقویت عرصه عمومی در مدیریت شهری می‌تواند به سازگاری منافع گوناگون و در نهایت منجر به توسعه شهر گردد.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای سنجش وضعیت مشارکت مردم در مدیریت شهری تهران برای نمونه، یک منطقه از شهر تهران (منطقه ۶) را انتخاب نموده و اقدام به توزیع پرسشنامه در دو سطح (یکی سطح مدیران شهرداری و دیگری شهروندان) کردیم.

برای سنجش میزان مشارکت مردم در مدیریت شهری منطقه ۶ شهرداری تهران از ۸ مفهوم زیر استفاده کردیم: حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری

سپرداخت و تأمین مالی هزینه‌های اجرای طرح‌های شهرداری

تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری)

انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری

حضور در فعالیت‌های فرهنگی برگزارشده از طرف شهرداری در مراسم‌های مختلف

فعالیت مردم در سازمان‌های غیر دولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری

برقراری ارتباط با مسئولان و کارشناسان مدیریت شهری

علاقه‌مندی به کسب آجبار مدیریت شهری جدول ۱ تعداد سئوال‌ات مرتبط با مفاهیم بالا را برای پرسشنامه‌های شهروندان و مدیران نشان می‌دهد.

۱- حضور مردم در انتخابات و مشارکت در تعیین اهداف مدیریت شهری

۱-۱- از دید شهروندان

الف) شرکت در انتخابات

انتخابات نمونه بارز مشارکت است، به عبارتی دیگر مهم‌ترین راه برای درک چگونگی مشارکت مردم، نگاه به انتخابات می‌باشد. به همین دلیل، آن را در قالب اولین و دومین سؤال آوردیم.

۴۳/۳ درصد از شهروندان پاسخ دادند که در آخرین

انتخابات شورای شهر شرکت داشتند. همچنین ۳۷/۵ درصد پاسخ دادند که در آخرین انتخابات شورایاری محله شرکت کردند.

ب) حضور مردم در جلسات شورا به‌عنوان تماشاچی نشان‌دهنده علاقه مردم به مباحث شهر خود است. از طرف دیگر این حضور موجب ارتباط نزدیک میان شهروندان و مسئولان می‌شود. ۴۸/۳ درصد از شهروندان به‌عنوان تماشاچی در جلسات شورای شهر شرکت کردند. همچنین ۲۵ درصد از شهروندان به‌عنوان تماشاچی در جلسات شرکت کردند.

اینکه شهروندان به چه دلیل در جلسات شورا شرکت کردند و یا در این جلسات شرکت نداشتند موضوع مهمی در ارزیابی وضعیت مشارکت مردم می‌باشد. به همین دلیل سئوال‌ات بعدی پرسشنامه را به این امر اختصاص دادیم. ۳۰ درصد از شهروندان در پاسخ به این سؤال گفتند که دلیل اصلی شرکت در جلسات شورای شهر دعوت درستان، ۳۵ درصد دلیل اصلی شرکت را ارائه نظرات، ۳۰ درصد ملاقات با اعضای شورای شهر، و ۳۰ درصد درک مسائل شهری ذکر کردند.

۲۰ درصد شهروندان علت عدم شرکت در جلسات شورا را نداشتن وقت، ۱۵ درصد نداشتن اجازه ورود، ۳۵ درصد عدم اطلاع از زمان و مکان جلسه و ۳۰ درصد دلیل حضور نداشتن خود را نتیجه نداشتن شرکت، مطرح کردند.

پاسخ‌های شهروندان به سوال فوق نشان می‌دهد که بیشترین علت عدم حضور در جلسات شورا، نداشتن اطلاع از زمان و مکان برگزاری جلسات است. بدین ترتیب، شورای شهر باید جهت حضور بیشتر شهروندان در جلسات تدبیری بیندیشد. اطلاع‌رسانی به موقع و شفاف در مورد زمان و مکان برگزاری جلسات می‌تواند اولین گام در این راستا باشد.

ج) ارائه نظرات به مسئولان شهری

موضوع دیگر این است که آیا شهروندان نظرات خود را در مورد مسائل شهری به اطلاع مسئولان می‌رسانند؟ ارائه نظرات نمونه مشارکت داوطلبانه شهروندان است که ناشی از حسن مسئولیت آنان است.

۴۹/۲ درصد شهروندان پاسخ دادند که در یک سال گذشته نظرات خود در مورد مسائل شهری را به اطلاع مسئولان رساندند. از این تعداد، ۲۲/۵ درصد از طریق تلفن، ۲۵/۸ درصد از طریق حکایت، ۷/۵ درصد از طریق رایانه، نظرات خود در مورد مسائل شهری را به اطلاع مسئولان رساندند.

پاسخ به سئوال‌ات فوق نشان می‌دهد که نیمی از شهروندان در یک سال گذشته با ارائه نظرات خود

به مدیران شهری به نوعی در فرآیند مدیریت شهری شرکت داشتند. اینکه تا چه حد مدیران شهری به این نظرات توجه و عمل کردند به صورت دقیق مشخص نیست. آنچه مهم است مشارکت خودجوش شهروندان است که در صورت تداوم موجب فشار بر مسئولان می‌شود تا به نظرات آنان توجه بیشتری مبذول شود.

۱-۲ از دید مدیران

۱۵ درصد مدیران معتقدند مردم این منطقه در حد خیلی زیاد، ۲۰ درصد معتقدند زیاد و ۶۵ درصد معتقدند که مردم این منطقه تا حدودی در انتخابات شورایی محله شرکت می‌کنند.

در مورد شرکت مردم در جلسات شورای شهر، ۶۵ درصد مدیران اعتقاد دارند که مردم به‌عنوان تماشاچی شرکت می‌کنند و ۳۵ درصد مدیران گفتند مردم شرکت نمی‌کنند.

۸۵ درصد مدیران پاسخ دادند که مردم نظرات خود را به مسئولان انتقال دادند و ۱۵ درصد معتقدند چنین کاری صورت نگرفته است. ۸۵ درصد مدیرانی که به عنوان قبل پاسخ بله دادند، گفتند که مردم از طریق ارتباط تلفنی و ۱۵ درصد گفتند از طریق مکاتبه، بیشتر نظرات خود را به اطلاع مسئولان رساندند، اما در مورد علت اصلی حضور فعال نیافتن مردم برای حل مشکلات شهری، مدیران معتقدند که مردم برای حل مشکلات شهری مشارکت نمی‌کنند. در سؤال بعدی، این موضوع را با ذکر دلایلی چند از مدیران پرسیدیم.

در پاسخ به این سؤال، ۳۵ درصد مدیران، نداشتن حوصله، ۲۰ درصد نداشتن وقت کافی، ۱۵ درصد اختصاص این‌گونه فعالیت‌ها را به مدیران و ۱۵ درصد هم می‌فایده بودن تلاش‌ها را عامل مشارکت نکردن مردم در حل مسائل شهری دانستند.

با نگاهی به نتایج سئوالات بالا می‌بینیم که مدیران شهرداری عقیده دارند که مردم تا حد زیادی در فعالیت‌های حل مشکلات شهری مشارکت دارند. به نظر آنها اصلی‌ترین وسیله تماس با شهرداری تلفن و بعد مکاتبه بوده‌است. از نظر مدیران شهروندانی که مشارکت ندارند به دلیل بی‌حوصلگی و کمبود وقت است و آنهایی مشارکت خواهند داشت که احساس کنند تلاششان نتیجه بخش است.

بنابراین برعکس شهروندان، مدیران شهرداری منطقه ۶ وضعیت حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند.

۲- پرداخت و تأمین مالی هزینه‌های اجرایی طرح‌های شهرداری

۱-۲ از دید شهروندان

پرداخت به‌موقع عوارض شهرداری و همچنین کمک‌های مالی داوطلبانه مردم به شهرداری می‌تواند در اجرای بهتر طرح‌های شهری مؤثر باشد.

۷۰ درصد شهروندان پرداخت به‌موقع عوارض را موجب بهبودی فعالیت شهرداری می‌دانند، اما ۳۰ درصد شهروندان به این موضوع اعتقاد ندارند.

۳۴/۳ درصد عوارض منزل، ۳۴/۲ درصد عوارض محل کار، ۵ درصد عوارض معابر عمومی را به موقع پرداخت کردند.

در مورد عوارض، ۳۷/۵ درصد شهروندان پاسخ دادند که عوارض منزل، ۳۵/۸ درصد عوارض محل کار، ۱۲/۵ درصد عوارض معابر عمومی و ۱۴/۲ درصد پاسخ دادند که سایر موارد شامل حال آنها شده است.

با توجه به نتایج کسب شده از سئوالات فوق مشخص است که شهروندان نسبت به پرداخت عوارض شهری نظری مثبت دارند و ادعا می‌کنند که به موقع آنها را می‌پردازند.

۳- تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری)

۱-۳ از دید شهروندان

مسئله حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری به‌صورت تأمین نیروی انسانی نمونه‌ای از مشارکت مردم در اداره امور شهری است. در مورد انگیزه حضور مردم در حل مسائل شهری، ۶۲/۵ درصد شهروندان معتقدند آنگاه که احساس کنند تلاششان نتیجه بخش است، ۲۰ درصد گفتند به‌دلیل انجام وظایف مذهبی، ۶ درصد گفتند به‌دلیل انجام تکالیف شهروندی و ۱۵ درصد گفتند با انگیزه پاداش، مردم در این فعالیت‌ها حاضر می‌شوند. ۳۰ درصد شهروندان تاکنون به‌صورت داوطلب در ایجاد پارک به شهرداری کمک کردند و ۷۰ درصد از آنها در این فعالیت‌ها شرکت نداشتند. ۳۱/۷ درصد شهروندان تاکنون افراد واجد شرایطی را برای کمک به شهرداری معرفی کردند. ۳۰ درصد پاسخگویان تاکنون به‌صورت داوطلب در ایجاد معابر عمومی شرکت داشتند و ۶۸/۳ درصد دیگر شرکت نداشتند.

۳۱/۷ درصد پاسخ‌دهندگان با مأموران آتش‌نشانی به‌صورت داوطلب همکاری کردند؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری) در شهرداری منطقه ۶ نامناسب ارزیابی شده است.

۲-۳ از دید مدیران

بر اساس پاسخ مدیران، کمک حضوری شهروندان در انجام طرح‌های شهرداری همچون ایجاد فضای سبز و تأمین امنیت کاملاً متوسط است؛ بنابراین از دید مدیران

شهرداری وضعیت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری) در شهرداری منطقه ۶ کاملاً بینابین قرار دارد و آنها تمایل مردم را دقیقاً متوسط ارزیابی کرده‌اند.

۴- انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری

۴-۱- از دید شهروندان

۲۵ درصد شهروندان در صورت داشتن اعتراض به عملکرد مدیریت شهری به شهرداری منطقه، ۵۷/۵ درصد به شوراییاری محله و ۱۷/۵ درصد به شهرداری مرکز مراجعه می‌کنند. شهروندان عقیده دارند که در صورت نیاز، انتقاد و نظارت خواهند داشت و اولین گزینه آنها برای این کار جلسات شوراییاری‌های محله است. به بیان دیگر، اکثر شهروندان وضعیت انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند.

۴-۲- از دید مدیران

از دید ۵۰ درصد مدیران، مردم در صورت داشتن انتقاد به شهرداری منطقه، از دید ۳۰ درصد آنها، مردم به شوراییاری محله و از دید ۲۰ درصد، مردم به شهرداری مرکز مراجعه می‌کنند. همه مدیران معتقدند چنین موردی تاکنون وجود داشته است. پاسخ مدیران نشان می‌دهد که آنها عقیده دارند شهروندان در صورت لزوم انتقاد می‌کنند و با مراجعه به مراجع مرتبط در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری حضور دارند. از دید مدیران بیشترین مراجعه شهروندان برای شکایت به شهرداری مرکز است. در هر صورت مدیران از دید خود، وضعیت انتقاد و حضور شهروندان در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند.

۵- حضور شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی برگزارشده از طرف شهرداری

۵-۱- از دید شهروندان

حضور مردم در برنامه‌های فرهنگی که در فرهنگسرا برگزار می‌شود نمونه‌ای از مشارکت مردم در فعالیت‌های فرهنگی محسوب می‌شود. ۴۷/۵ درصد شهروندان در برنامه‌های فرهنگسرا شرکت کردند و ۲/۵ درصد آنها نیز شرکت نکردند. خانه‌های فرهنگ نیز به دلیل اینکه کوچک‌ترین و در عین حال بهترین مکان برای برقراری ارتباط بین شهروندان یک محله است می‌تواند سهمی مؤثر در نهادینه‌سازی مشارکت مردمی داشته باشند. ۲۱/۷ درصد شهروندان معتقدند که وجود خانه فرهنگ می‌تواند در افزایش مشارکت مردم در مدیریت شهری مؤثر باشد. ۱۱/۷ درصد شهروندان

خیلی زیاد، ۴۰/۸ درصد زیاد، ۳۸/۲ درصد تا حدودی و ۹/۲ شهروندان کم با برگزاری مراسم مذهبی و تفریحی از سوی شهرداری موافقت؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت حضور شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی برگزارشده از طرف شهرداری در مراسم مختلف در شهرداری منطقه مناسب است.

۵-۲- از دید مدیران

۲۵ درصد مدیران معتقدند مردم در برگزاری مسابقات فرهنگی زیاد شرکت می‌کنند، ۵۵ درصد نیز پاسخ دادند که مردم تا حدودی در آن شرکت می‌کنند. ۲۰ درصد مدیران معتقدند مردم خیلی زیاد با برگزاری مراسم موافقت، ۵۵ درصد پاسخ دادند که مردم زیاد با آن موافقت و ۱۵ درصد مدیران گفتند مردم تا حدودی با برگزاری مراسم موافقت دارند؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت حضور شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی برگزارشده از طرف شهرداری در مراسم مختلف در شهرداری منطقه مناسب است. نگاهی به نتایج این دو سؤال نشان می‌دهد که مدیران شهرداری ادعا دارند که مشارکت مردم در مراسم و مسابقات برگزارشده از سوی شهرداری مناسب است؛ بنابراین مدیران وضعیت حضور شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی برگزارشده از طرف شهرداری در مراسم مختلف را مناسب ارزیابی می‌کنند.

۶- فعالیت مردم در سازمان‌های غیر دولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری

۶-۱- از دید شهروندان

الف) حضور در سازمان یا تشکل غیردولتی: امروزه NGOها نقش بسیار مهمی در فرایند نهادی‌سازی مشارکت مردم در اداره امور شهر ایفاء می‌کنند. وجود این تشکل‌ها باعث می‌شود شهرداری در انجام فعالیت‌های خود بهتر عمل کند و به نظرات بخش غیردولتی گوش فرزند. ۴۵/۸ شهروندان در سازمان یا تشکل غیردولتی که در زمینه مدیریت شهری فعالیت می‌کنند عضو هستند. ۵۸/۳ درصد شهروندان تاکنون در همایش یا کارگاهی در مورد مدیریت شهری شرکت داشتند. ۴۱/۷ درصد شهروندان زیاد، ۴۲/۵ درصد تا حدودی و ۱۵/۸ درصد از آنها کم، وجود تشکل‌های غیردولتی را لازم می‌دانند.

ب) شرکت در همایش یا کارگاه مربوط به مدیریت شهری: حضور داوطلبانه مردم در کارگاه یا همایش در مورد مدیریت شهری می‌تواند نشان‌دهنده اشتیاق شهروندان نسبت به درگیر شدن در امور شهری دانسته شود. ۵۸/۳ درصد شهروندان تاکنون در همایش یا کارگاهی در مورد مدیریت شهری شرکت داشتند. از نظر ۶۰ درصد شهروندان، برگزاری همایش یا کارگاه می‌تواند منجر به افزایش مشارکت مردم در امور مدیریت شهری

گردد. ۵۳/۳ درصد شهروندان در همایش یا کارگاهی که در مورد نظارت شهروندی برگزار شده شرکت کرده‌اند. نتایج این سئوالات نشان می‌دهند که تمایل مردم به شرکت در همایش‌ها و کارگاه‌های مدیریت شهری و نظارت و نیز حضور در سازمان‌های غیردولتی زیاد است و شهروندان آنها را ترجیح می‌دهند. میانگین سئوالات بالا ۹۵۶۳/۱ است که از ۵/۱ (یعنی برابری پاسخ‌های بله و خیر) کمتر است. منفی بودن حد بالا و پایین نشان می‌دهد که این کمتر بودن با ۹۹٪ اطمینان معنی‌دار است. یعنی مردم اکثرآ جواب بله را انتخاب کرده‌اند. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت فعالیت مردم در سازمان‌های غیردولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ مناسب ارزیابی شده است.

۶-۲- از دید مدیران

۵۸ درصد مدیران، وجود تشکلهای غیردولتی را خیلی لازم و ۱۵ درصد از آنها وجود آنها را زیاد لازم دانستند. نگاهی به نتایج سئوالات نشان می‌دهد که اولاً مدیران شهرداری نگاه مثبتی به سازمان‌های غیر دولتی فعال در زمینه مسائل شهری دارند و ثانیاً بر حضور مردم در این فعالیت‌ها اذعان دارند. بنابراین مدیران وضعیت فعالیت مردم در سازمان‌های غیردولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ را مناسب ارزیابی می‌کنند.

۷- برقراری ارتباط با مسئولان و کارشناسان مدیریت شهری

۷-۱- از دید شهروندان

الف) آشنایی با سامانه‌های ۱۳۷ و ۱۸۸ شهرداری تهران برای ارتباط تلفنی، به شهروندان این امکان را داده است تا برای انتقاد، شکایت، اظهار نظر و تشویق برابری این مطالب را با شهرداری در میان گذارند. استقبال شهروندان از این مسئله می‌تواند مسئله مهمی در مشارکت مردمی باشد.

۵۳/۳ درصد شهروندان با سامانه ۱۳۷ شهرداری تهران آشنایی دارند و ۲۶/۷ درصد شهروندان از آن اطلاعی ندارند. ۴۸/۳ درصد از شهروندانی که به پرسش قبلی پاسخ بلی دادند، در سال جاری از طریق سامانه ۱۳۷ انتقاد یا شکایتی را مطرح کردند. ۵۴/۲ درصد شهروندانی که از طریق این سامانه شکایتی مطرح کردند، از نتیجه حاصله ابراز رضایت کردند. همچنین ۵۴/۲ درصد شهروندان با سامانه ۱۸۸ شهرداری تهران آشنایی دارند و ۲۵/۸ درصد شهروندان از آن اطلاعی ندارند. ۵۸/۳ درصد از شهروندانی که به پرسش قبلی پاسخ بلی دادند، در سال جاری از طریق سامانه ۱۸۸ انتقاد یا شکایتی را مطرح کردند. ۵۶/۷ درصد شهروندانی که از

طریق این سامانه شکایتی مطرح کردند از نتیجه حاصله ابراز رضایت کردند.

ب) حضور شهروندان در دیدارهای عمومی شهردار متعلقه یا مرکز

۵۰/۸ درصد شهروندان تاکنون در دیدارهای عمومی که شهردار داشته، شرکت کردند. از میان شهروندان شرکت کننده در دیدارهای عمومی، ۴۹/۲ درصد آنها در این دیدارها خواسته یا شکایتی را مطرح کردند و ۴۱/۸ درصد آنها از نتیجه حاصله ابراز رضایت کردند. نتایج سئوالات بالا نشان می‌دهند که اکثر مردم با سامانه ۱۳۷، سامانه ۱۸۸ و نیز امکان حضور در دیدارهای عمومی یا شهردار منطقه آشنا هستند و از این مجاری برای برقراری ارتباط با شهرداری استفاده می‌کنند. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت برقراری ارتباط با مسئولان و کارشناسان مدیریت شهری از طرف شهروندان از دید خود شهروندان مناسب ارزیابی شده است.

۸- علاقه‌مندی شهروندان به کسب اخبار مدیریت شهری

۸-۱- از دید شهروندان

الف) میزان علاقه‌مندی شهروندان به کسب خبر و اطلاعات در مورد قوانین و آیین‌نامه‌های شهری یکی از ملزومات اصلی مشارکت، داشتن اطلاعات در مورد قوانین می‌باشد. جریان آزاد اطلاعات جریانی دو طرفه است؛ بدین معنا که باید مسئولان شهرداری به صورتی شفاف اطلاع‌رسانی کنند و در طرف مقابل شهروندانی قرار دارند که برای مشارکت بیشتر و بهتر در امور شهری نیازمند داشتن اطلاعات کامل هستند. ۶۳/۳ درصد شهروندان به کسب خبر و اطلاعات در مورد قوانین و آیین‌نامه‌های شهری علاقه‌مند هستند.

ب) مجاری کسب خبر: پس از اینکه از میزان علاقه‌مندی شهروندان به کسب اخبار آگاهی یافتیم این مسئله که چگونه شهروندان به این اطلاعات دسترسی پیدا می‌کنند، به ذهن متبادر می‌شود. برای تداوم جریان آزاد اطلاعات لازم است تا شهرداری با در نظر گرفتن این مورد به اطلاع‌رسانی شفاف‌تر عمل کند. ۴۴/۲ درصد شهروندان از طریق اینترنت، ۳۴/۲ درصد شهروندان از طریق صدا و سیما، ۵/۸ درصد شهروندان از طریق افراد و ۶/۷ درصد شهروندان از طریق اطلاعیه، اطلاعات در مورد قوانین و آیین‌نامه‌های شهری را کسب می‌کنند. نتایج سئوالات بالا نشان می‌دهد که عمده مردم علاقه‌مند به کسب اطلاعات در مورد قوانین شهری هستند و این اطلاعات را بیشتر از طریق روزنامه و اینترنت کسب می‌کنند؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت

مدیران	شهروندان	پرسش های تحقیق
مناسب	نامناسب	حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری
—	مناسب	کمک و تأمین مالی هزینه های اجرای طرح های شهرداری
مناسب	نامناسب	تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت های شهری)
مناسب	مناسب	انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت های شهرداری و مدیریت شهری
مناسب	مناسب	حضور در فعالیت های فرهنگی و ورزشی برگزار شده از طرف شهرداری در مراسم مختلف
مناسب	مناسب	فعالیت مردم در سازمان های غیر دولتی و همایش ها در زمینه مدیریت شهری
—	مناسب	برقراری ارتباط با مسئولان و کارشناسان مدیریت شهری
—	مناسب	علاقه مندی به کسب اخبار مدیریت شهری
۱۲/۵۵		نمره کلی مردم به شهرداری
نسبتاً مناسب		سئوال اصلی تحقیق وضعیت مشارکت اجتماعی مردم در مدیریت شهری تهران (شهرداری منطقه ۶ تهران)

مدیریت شهری تهران (شهرداری منطقه ۶ تهران) تا میزان نسبتاً بالایی مناسب و قابل قبول است.

نتیجه گیری

در این پژوهش سعی بر آن بود تا وضعیت مشارکت شهروندان را در مدیریت شهری تهران (منطقه ۶ شهرداری تهران) مورد بررسی قرار دهیم. سئوال اصلی فراوری ما، چگونگی وضعیت مشارکت مردم در مدیریت شهری تهران بوده و فرضیه با پاسخی که برای آن در نظر گرفتیم این بود که وضعیت مشارکت مردم در مدیریت شهری تهران مناسب است. سئوال پرسشنامه های شهروندان طوری طراحی شده اند که دلیل انجام دادن یا ندادن را از شخص پرسش شونده می پرسند. نگاهی به نتایج این سئوال نشان می دهد که تعامل مردم به حضور در فعالیت های انتخاباتی شهری و مشارکت در تعیین اهداف کمتر از متوسط (متوسط رو به پایین) می باشد. بر اساس نتایج سئوالات بالا عمده ترین دلیل شرکت مردم در این گونه فعالیت ها دعوت دوستان بوده است و عمده ترین دلیل عدم شرکت بی اطلاعی از

علاقه مندی شهروندان به کسب اخبار مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ مناسب ارزیابی شده است.

۸-۲- از دید مدیران

نگاهی به نتایج این سئوالات نشان می دهد که مدیران شهرداری ادعا می کنند اولاً اطلاعات و اخبار را بیشتر از طریق روزنامه، اطلاعیه ها و صدا و سیما در اختیار مردم قرار می دهند و ثانیاً مکانیسم های مشارکت بیشتر مردم در شهرداری طراحی شده است.

جمع بندی و پاسخ به پرسش اصلی تحقیق

جدول ۲ نتایج سئوالات تحقیق را هم از دید مدیران و هم از دید شهروندان نشان می دهد.

خلاصه نتایج پرسش های تحقیق

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می کنید به جز ۲ مورد شهروندان بقیه موارد را مناسب تشخیص داده اند. مدیران نیز همه مواردی را که از آنها پرسش شده بود، مناسب ارزیابی کرده اند. از مجموع نتایج به دست آمده نتیجه می گیریم وضعیت مشارکت اجتماعی مردم در

زمان و مکان جلسات بوده است. همچنین مردم اصلی عدم مشارکت فعال در حل مشکلات محله را وقت نداشتن و سپس بی‌نایده دانستن تلاش‌هایشان می‌دانند. مدیران شهرداری عقیده دارند که مردم تا حد زیادی در فعالیت‌های حل مشکلات شهری مشارکت دارند. به نظر آنها اصلی‌ترین وسیله تماس با شهرداری تلفن و بعد مکاتبه بوده است. از نظر مدیران شهروندانی که مشارکت ندارند به دلیل بی‌حوصلگی و کمبود وقت است و آنها هم مشارکت خواهند داشت که احساس کنند تلاششان نتیجه بخش است؛ بنابراین برعکس شهروندان، مدیران شهرداری منطقه ۶ وضعیت حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت حضور در انتخابات و مشارکت فعال مردم در تعیین اهداف و مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ نامناسب است. در مورد نظرات شهروندان عقیده دارند که در صورت نیاز انتقاد و نظارت خواهند داشت و اولین گزینه آنها برای این کار جلسات شورایی‌های محله است. به بیان دیگر اکثر شهروندان وضعیت انتقاد و حضور در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند. پاسخ مدیران نشان می‌دهد که آنها عقیده دارند شهروندان در صورت لزوم انتقاد می‌کنند و با مراجعه به مراجع مرتبط در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری حضور دارند. از دید مدیران بیشترین مراجعه شهروندان برای شکایت به شهرداری مرکز است. در هر صورت مدیران از دید خود، وضعیت انتقاد و حضور شهروندان در امور نظارتی در رابطه با فعالیت‌های شهرداری و مدیریت شهری را مناسب ارزیابی می‌کنند. در مورد مشارکت در پرداخت هزینه‌های مالی با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت پرداخت و تأمین مالی هزینه‌های اجرایی طرح‌های شهرداری از طرف شهروندان در شهرداری منطقه ۶ از دید خود شهروندان مناسب ارزیابی شده است.

در مورد مشارکت در تأمین نیروی انسانی مورد نیاز با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری) در شهرداری منطقه ۶ نامناسب ارزیابی شده است. از دید مدیران شهرداری نیز وضعیت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای انجام طرح‌ها (حضور داوطلبانه مردم در فعالیت‌های شهری) در شهرداری منطقه ۶ کاملاً بی‌تابین قرار دارد و آنها تعادل مردم را دقیقاً متوسط ارزیابی کرده‌اند.

بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت حضور شهروندان در فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی برگزار شده از طرف شهرداری در مراسم مختلف در شهرداری

منطقه مناسب است. نگاهی به نتایج این سئوال‌ها نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت علاقه‌مندی شهروندان به گسب اخبار مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ مناسب ارزیابی شده است.

مدیران شهرداری ادعا دارند اولاً اطلاعات و اخبار را بیشتر از طریق روزنامه، اطلاعیه‌ها و صدا و سیما در اختیار مردم قرار می‌دهند و ثانیاً مکانیسم‌های مشارکت بیشتر مردم در شهرداری طراحی شده است.

در مورد حضور مردم در سازمان‌های غیر دولتی با اطمینان ۹۹ درصد وضعیت فعالیت مردم در سازمان‌های غیر دولتی و همایش‌ها در زمینه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۶ مناسب ارزیابی شده است. مدیران در مورد مشارکت مردم در مدیریت شهری معتقد بودند که شهروندانی مشارکت خواهند داشت که بدانند تلاششان نتیجه بخش خواهد بود. پژوهش حاضر پس از انجام این مطالعه میدانی به این نتیجه رسید که وضعیت مشارکت مردم در مدیریت شهری تهران (منطقه ۶) نسبتاً مناسب است. ارائه مناسب فعالیت‌ها و خدمات از سوی شهرداری، انتشار اخبار و تا حد ممکن داشتن شفافیت در عملکرد مدیریتی از سوی شهرداری این منطقه موجب شده که مردم نیز در فرآیند مدیریت شهری این منطقه دخالت کنند و بدین ترتیب فعالیت و عملکرد شهرداری منطقه ۶ شهر تهران می‌تواند الگویی باشد برای دیگر سازمان‌های ذخیل در مدیریت شهری تا با بهره‌گیری از تجربیات موفق شهرداری این منطقه، بتوانند وضعیت مشارکت مردم را در مدیریت شهری بهبود بخشند.

منظماً فعالیت‌ها و خدمات مناسب ارائه شده از سوی شهرداری منطقه ۶ دلیل اصلی وضعیت نسبتاً مناسب مشارکت شهروندان این منطقه می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1-Sustainability
- 2-Subsidiarity
- 3-equity
- 4-efficiency

منابع:

- ۱- ایحانی جاجرمی، حسین و دیگران مدیریت شهری پایدار بررسی چهارب مشارکتی شهرداریها و شوراهای اسلامی ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۱.
- 2- The Regulation of Private Monopoly in Developing Countries, Waterhouse, London, April 1994.
- 3- www.unhabitat.org

در گفت‌وگویی با دکتر محمدحسین پاپلی یزدی:

نقش مهم شهرداری‌ها در بهبود رفاه اجتماعی

دکتر محمدحسین پاپلی یزدی، استاذ بازنشسته دانشگاه تربیت مدرس، مدیرمسئول فصلنامه اقلیم، عضو هیئت تحریریه مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان و مجله CEMOTI فرانسه است. وی به‌عنوان پژوهشگر نمونه سال ۲۲۷۷ و برنده جایزه کتاب سال برای تألیف کتاب «کوچ‌نشینی در شمال خراسان» می‌باشد. از جمله تألیفات او ۲۲ کتاب به زبان فارسی، ۱۶ کتاب به زبان فرانسه و بیش از ۷۰ مقاله می‌باشد. با توجه به مطالعات و پژوهش‌های ایشان در خصوص مردم‌شناسی و علوم انسانی در اقوام و ملی مختلف، گفت‌وگویی با ایشان انجام گرفته است که توجه علاقه‌مندان را به آن جلب می‌نمایم:

است. تأمین امنیت به عهده شهرداری نیست، به عهده نیروهای امنیتی و سپاه ارتش و نیروی انتظامی است. اما شهرداری‌ها بستر ساز امنیت هستند. نقشه و طرح شهری، عدم وجود فضاهای رها شده، فضای سبز حساب شده، معابر، پل‌ها، زیرگذرهای روشن و استاندارد، تأسیسات شهری مناسب و... بستر ساز امنیت هستند. اگر شهرداری‌ها درست کار کنند، حاشیه‌نشینی محدود می‌شود. بافت‌های فرسوده شهری، ساختمان‌های رها شده در بافت شهر کاهش می‌یابد. حاشیه‌نشینی، بافت فرسوده و رها شده، همه در کاهش امنیت نقش دارند. بنابراین شهرداری‌ها در اولین شاخص رفاه اجتماعی و آسایش یعنی امنیت سهم بسوایی دارند. دومین شاخص رفاه اجتماعی، بهداشت و سلامت است. شهرداری‌ها بستر ساز سلامت جسمی و روانی مردم هستند. جمع‌آوری، حمل و نقل و دفع صحیح پسماندها، تیزی و زیبایی معابر، سالم بودن کف پیاده‌روها و معابر، کنترل آسفالته‌های ساختمانی‌ها و سد معبر، همه در سلامتی جسمی افراد جامعه نقش دارد. ایجاد شاخص‌های شهر سالم، شهر سالمندان، شهر کودکان، شهر معلولان، شهر زنان، شهر زیست محیطی، شهر خلاق و... موجب ارتقای رفاه فردی و اجتماعی می‌گردد. اجرایی کردن این امور همه جزء وظایف شهرداری‌ها است. یکی از ساده‌ترین شاخص‌های رفاه اجتماعی در شهرها مسئله رنگ و نمای ساختمان‌ها است. رنگ بندی ساختمان‌ها و تأسیسات شهری تأثیر بسیار زیادی در سلامتی روحی و روانی افراد و جامعه دارد. خود مسئله رنگ یک شاخص رفاه اجتماعی است. رنگ‌بندی و نمای

توضیح: منظور از رفاه اجتماعی به لحاظ احراز تعریف و مفهوم و پیشینه تاریخی چیست؟

رفاه اجتماعی اصطلاح جدیدی است. در گذشته به جای رفاه کلمه آسایش و خوشبختی را به‌کار می‌بردند. البته آسایش و خوشبختی مفاهیمی فراتر از رفاه دارد. دو خواهر حدوداً هم سن خودم (۶۵-۶۰ ساله) را می‌شناسم. هر دو بیش از ۲۰ سال ازدواج کرده‌اند. یکی با مردی میلیاردی ازدواج کرد و یکی با آدمی با درآمد متوسط. اولی همه وسایل رفاه را دارد ولی همیشه می‌گوید آسایش ندارم، خوشبخت نیستم. دومی یک بیستم اولی امکانات ندارد ولی همیشه خدا را شکر می‌کند و می‌گوید آسایش دارم. بنابراین در فرهنگ عامه مردم رفاه به معنی آسایش نیست. امروز وقتی می‌گوئیم رفاه، منظور داشتن امکانات است. جامعه هم ممکن است در رفاه باشد، ولی در آسایش نباشد. رفاه بیشتر بعد مادی دارد و آسایش و خوشبختی هر دو بعد مادی و معنوی را در بر دارد. ممکن است اجتماعی با امکانات رفاهی کمتر از اجتماعی دیگر بیشتر احساس آسایش و خوشبختی و شادابی کند. مفهوم رفاه در هر جامعه و طبقه دستگاه‌ها و مسئولان را متفاوت می‌کند.

توضیح: رسالت شهرداری‌ها را در رابطه با ارتقاء شاخص‌های رفاه اجتماعی شرح دهید.

شهرداری‌ها، به‌خصوص شهرداری‌های کلان شهرها و شهرهای متوسط نقش مهمی در ارتقای شاخص‌های رفاه اجتماعی دارند. مهم‌ترین شاخص رفاه امنیت



یکی از عمده‌ترین راهکارهای افزایش کیفیت زندگی و ارتقای رفاه اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و مشارکت مردمی است

شهرها از جمله اهواز، کرج و زاهدان در جهت منفی حرکت کرده‌اند.

تورلیا: ما توجه به اینکه جنبه‌های در حوزه شغلی و رشته دانشگاهی خود سفرهای بسیاری را تجربه نموده‌اید، کدام کشور آسیایی را از نظر کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی بهتر دیدید؟ اگر تجارب مفیدی در این کشورها مدنظر دارید که می‌تواند برای کشور ما مفید باشد بیان کنید.

در بین کشورهای آسیایی، ژاپن، کره جنوبی، تایوان، مالزی، سنگاپور و امارات متحده عربی نمونه‌اند. هند به سرعت در حال پیشرفت است. بخش‌هایی از چین در حال پیشرفت است. ولی مناطق عقب مانده زیادی هنوز در چین وجود دارد. چین رفاه اجتماعی بخش‌های مهمی از جمعیت را فدای توسعه کلی کشور کرده است. توسعه شهری چین نمی‌تواند الگوی مناسبی برای ما باشد. ■

ساختارها جزء وظایف شهرداری‌هاست. این مختصر، بیانگر صدها عاملی است که شهرداری‌ها به عهده دارند. عواملی که هر یک می‌تواند شاخص رفاه اجتماعی باشد همچنین یکی از عمده‌ترین راهکارهای افزایش کیفیت زندگی و ارتقای رفاه اجتماعی، رعایت حقوق شهروندی و مشارکت مردمی است. جذب سرمایه‌های بخش خصوصی و ارتقای شاخص‌های فرهنگی و ایجاد فضای سبز مناسب و سایر شاخص‌های تدوین شده توسط شهرداری‌ها موجب ارتقای کیفیت زندگی مردم می‌شود.

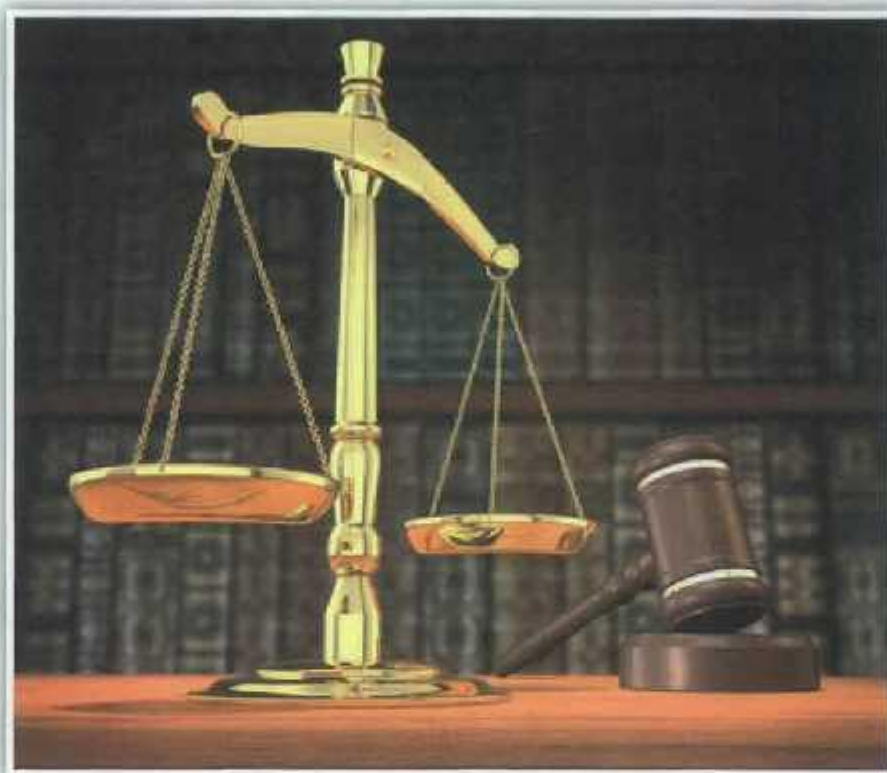
تورلیا: به نظر شما کدامیک از شهرهای ایران به مقوله کیفیت زندگی و رفاه زندگی بیشتر و بهتر پرداخته است؟

در مسافرت‌هایی که من در سال‌های اخیر به شهرهای عمده کشور انجام داده‌ام، فکر می‌کنم از نظر کیفیت و رفاه زندگی اصفهان در رأس کلان‌شهرهای کشور قرار دارد. مشهد در حال از دست دادن برخی شاخص‌هاست. از جمله در سال‌های اخیر بخشی از باغ‌های شهر خشک‌کننده شده و تغیر کاربری داده شده است. پدیده‌ای که مقدمه آلودگی هوا و گرفتاری‌های بعدی است. در میان شهرهای متوسط، یزد در رأس قرار می‌گیرد. بجنورد و بیرجند شرایط مناسبی دارند. کرمانشاه و همدان تلاش‌های گسترده‌ای داشته‌اند. اما بسیاری از

قانون نوسازی و عمران شهری

(مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ با اصلاحات)

■ محمد طولایی، کارشناس ارشد مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی



مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداری‌ها است و شهرداری‌ها در اجرای وظایف مذکور مکلف به تهیه برنامه‌های اساسی و نقشه‌های جامع هستند.

ماده ۲ - در شهر تهران از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور تعیین و اعلام کند، بر تمامی اراضی و ساختمان‌ها و مستحدثات واقع در محدوده قانونی شهر عوارض خاص سالانه به مائده پنج در هزار بهای آنها که طبق مقررات این قانون تعیین خواهد شد، برقرار می‌شود.

شهرداری‌ها مکلفند بر اساس مقررات این قانون، عوارض مذکور را وصول کنند و منحصرأ به مصرف نوسازی و عمران شهری برسانند. مصرف وجوه حاصل از اجرای این قانون در غیر موارد مصرح در این قانون در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولت خواهد بود.

نبره ۱ - ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض مذکور و ترتیب تعیین نسی از قیمت ملک که در هر شهر با توجه به مقتضیات و شرایط خاص

منابع درآمدی شهرداری‌ها به لحاظ مستمر بودن به در دسته پایدار و ناپایدار تقسیم می‌شوند. منابع ناپایدار بیشتر به صورت فروش تراکم ساختمانی، تخلفات ساختمانی، تثبیت تجاری و ... هستند و منابع درآمد پایدار بیشتر شامل دریافت عوارضی همچون نوسازی و توسعه عمران، مشاغل، خودرو، کالاهای و خدمات را دربرمی‌گیرند که در تعیین بودجه سال، درآمدهای حاصل از این نوع عوارض نیز در نظر گرفته می‌شود. در این شماره از ماهنامه به قانون نوسازی و عمران شهری پرداخته می‌شود. این قانون شامل ۳۶ ماده است که با توجه به تعداد صفحات این بخش، سعی می‌شود ۱۶ ماده در این شماره و بقیه در شماره بعدی چاپ شود.

ماده ۱ - نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندی‌های شهری و احداث، اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارک‌ها، پارکینگ‌ها (توقفگاه) و میدان‌ها و حفظ و نگهداری پارک‌ها و باغ‌های عمومی و تأمین سایر تأسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و

اقتصادی ماحذ دریافت عوارض قرار می‌گیرد. به موجب آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت کشور تنظیم می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، تعیین و اجرا خواهد شد.

تبصره ۲ - در شهر تهران، عوارض املاک مؤدیانی که مجموع عوارض هر یک از آنان در سال تا مبلغ یک هزار و پانصد ریال باشد، بخشوده می‌شود و در سایر شهرها نیز انجمن‌های شهر می‌توانند با تأیید وزارت کشور، تمام یا قسمتی از عوارض املاک همه مؤدیانی را که مجموع عوارض هر یک از آنان طبق مقررات این قانون در سال تا مبلغ یک هزار و پانصد ریال باشد، یا توجه به مقتضیات خاص اقتصادی شهر یا انتشار آگهی مشمول بخشودگی قرار دهند.

تبصره ۳ - در شهر تهران از اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور اجرای مقررات این ماده را اعلام می‌کند، عوارض سطح شهر و سایر عوارض دریافتی از اراضی و ساختمان‌های شهری ملغی می‌شود.

تبصره ۴ - علاوه بر عوارض مذکور در ماده ۲ حق مرغوبیت و هر نوع درآمد دیگری که بر اثر اجرای این قانون تحصیل شود، متحصراً به مصرف نوسازی و عمران شهری خواهد رسید.

تبصره ۵ - برای تأمین هزینه‌های اداری و وصول عوارض موضوع این ماده و تجهیز کادر فنی و اداری جهت اجرای این قانون شهرداری‌ها می‌توانند حداکثر تا میزان ده درصد درآمد وصولی موضوع این قانون را طبق بودجه‌ای که به تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور خواهد رسید، به مصرف برسانند و مصرف بیش از این میزان از درآمد حاصل از اجرای این قانون به هیچ وجه مجاز نیست.

تبصره ۶ - شهرداری‌ها می‌توانند در عملیات نوسازی از محل درآمد ماده ۲ این قانون رقمی به ساختمان دبستان اختصاص دهند.

ماده ۳ - در مورد عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمان‌هایی که در اجرای این قانون در هر یک از شهرها ملغی می‌گردد، بقایای مطالبات شهرداری غیرقابل توافق و بخشودگی است و در صورت بروز اختلاف در اصل عوارض طبق ماده ۷۷ قانون شهرداری‌ها عمل خواهد شد، ولی هرگاه مؤدیان مذکور طرف یکسال از تاریخ اجرای این قانون به شهرداری مراجعه و نسبت به پرداخت اصل بدهی خود در هر مرحله که باشد، نقداً اقدام کنند یا قرار تقسیط حداکثر سه ساله یا منظور نمودن سود صدی شش از تاریخ تقسیط یا شهرداری بگذرانند از پرداخت زیان دیگر گردد و جرایم متعلقه معاف خواهند بود.

تبصره ۱ - در مورد مؤدیانی که بقایای بدهی آنان

بابت عوارض سطح شهر و اراضی و ساختمان‌ها و مستحدثات بیش از پانزده هزار ریال باشد، قرار تقسیط یا اخذ وثیقه و تنظیم سند رسمی به عمل می‌آید.

تبصره ۲ - شهرداری مکلف است حداکثر ظرف پانزده روز بعد از مراجعه مؤدی میزان بدهی او را روشن و با دریافت مطالبات خود نقداً یا با قرار تقسیط به ترتیب فوق مفصلاً حساب صادر کند.

ماده ۴ - بهای اراضی، ساختمان‌ها و مستحدثات مذکور در ماده ۲ این قانون بر مبنای ممیزی شهرداری تعیین و اعلام خواهد شد و شهرداری‌های مشمول ماده ۲ مکلفند حداکثر ظرف دو سال از تاریخ شروع ممیزی‌های مذکور را با رعایت ضوابط زیر به عمل آورند و مادام که ممیزی به عمل نیامده، بهایی که از طرف مالک، مالکان، قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنها بر اساس این ضوابط تعیین و اعلام می‌گردد، ملاک عمل محسوب خواهد شد.

بهای اراضی طبق قیمت مقطوعی خواهد بود که به وسیله وزارت کشور و وزارت دارایی با کسب اطلاع از مراجع محلی، تعیین و به تصویب هیئت وزیران رسیده باشد و بهای ساختمان‌ها و مستحدثات بر اساس ضوابطی خواهد بود که وزارتخانه‌های کشور و آبادانی و مسکن تعیین نموده و به تصویب هیئت وزیران رسیده باشد.

تبصره ۱ - در مورد کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مؤسسات صنعتی، اقتصادی و علمی، فقط قیمت زمین و ساختمان ملاک پرداخت عوارض قرار خواهد گرفت.

تبصره ۲ - در مناطقی از محدوده شهر که آب مشروب لوله‌کشی و برق یا یکی از آنها در دسترس ساکنان آن منطقه گذارده نشده باشد، بابت هر یک از آنها که تأمین نشده ۲۵ درصد از عوارض مقرره کسر می‌گردد، ولی زمین‌های بایر واقع در آن مناطق مشمول این بخشودگی نخواهند شد.

تبصره ۳ - مالکان و متصرفان املاک مکلفند در ممیزی اراضی، ساختمان‌ها و مستحدثات با مأموران ممیزی همکاری کنند و هرگاه از انجام این تکلیف خودداری کنند، مأموران ممیزی در مورد اراضی بایر یا بدون حصار با تشخیص علی‌الرأس و در مورد ساختمان‌ها، باغ‌ها و اراضی محصور با اعلام کتبی قبلی و حضور نماینده دادستان وارد ملک شده و اوراق ممیزی را تنظیم خواهند نمود.

تبصره ۴ - ضوابط مذکور در این ماده برای تقویم زمین یا ساختمان باید ساده، مشخص و روشن باشد.

ماده ۵ - محلوله قانونی هر شهر و همچنین ضوابط مذکور در ماده ۴ توسط شهرداری به طرق مقتضی جهت اطلاع عموم اعلام خواهد شد و در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون مالکان زمین‌ها و ساختمان‌ها

و مستحقات واقع در محدوده شهر یا قائم مقام با نمایندگان قانونی آنان مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ اعلام شهرداری مشخصات کامل ملک را با تعیین بها به تفکیک هر قطعه ملک به ترتیب مقرر در ماده ۴ کتابچه شهرداری اعلام دارند و هرگاه در مهلت مقرر نسبت به اعلام بها اقدام نکنند، عوارض متعلقه برای مدت تأخیر به در برابر افزایش خواهد یافت.

ماده ۶ - هرگاه پس از اعلام ضوابط طبق ماده ۵ و قطعیتم ممیزی معلوم شود که بهای اعلام شده از طرف مالک با قائم مقام یا نماینده قانونی او کمتر از هفتاد درصد (۷۰ درصد) قیمت ملک بر طبق ماده ۴ این قانون است، مابه التفاوت عوارض از تاریخ برقراری تا تاریخ قطعیتم ممیزی به در برابر افزایش خواهد یافت.

ماده ۷ - شهرداری باید پایان ممیزی هر منطقه را به وسیله نشر آگهی در جراید کثیرالانتشار و الصاق آن در معابر عمومی و وسایل مقتضی دیگر به اطلاع مالکان آن منطقه برساند و به علاوه، نتیجه ممیزی هر ملک را به وسیله پست به مالک اطلاع دهد. مؤدیان عوارض نیز می توانند به مراجع مربوط که در آگهی مذکور تعیین خواهد شد، مراجعه و از نتیجه ممیزی اطلاع حاصل نمایند و در صورتی که نسبت به ممیزی ملک خود اعتراض داشته باشند، می توانند ظرف چهار ماه از تاریخ نشر آگهی در جراید، دلایل و مدارک اعتراض خود را به کمیسیون رسیدگی مذکور در ماده ۸ این قانون تسلیم دارند و در صورت عدم اعتراض، ممیزی قطعی خواهد بود.

ماده ۸ - اعتراضات راجع به ممیزی در مورد اختلاف مساحت اراضی و مستحقات و محل وقوع ملک و تطبیق مشخصات ملک با ضوابط موضوع ماده ۴ اعلام شده از طرف شهرداری در شهرهای مشمول ماده ۲ این قانون و همچنین رسیدگی به اعتراضات راجع به ارزیابی املاک و حقوق کسب و پیشه و میزان آن مربوط به اجرای طرح های نوسازی و اصلاح و توسعه معابر در تمامی شهرداری های کشور در کمیسیون مرکب از سه نفر افراد محلی بصیر و مطلع در تقویم املاک که یک نفر آن از طرف انجمن شهر و یک نفر از طرف رئیس دادگاه شهرستان و یک نفر از طرف وزارت کشور تعیین می شود، به عمل خواهد آمد. تصمیم اکثریت اعضا کمیسیون در این مورد قطعی و لازم الاجرا است و رسیدگی به سایر اختلافات ناشی از اجرای این قانون، منحصراً در صلاحیت کمیسیون رفع اختلاف موضوع ماده ۷۷ قانون شهرداری می باشد.

تبصره ۱ - تشریفات رسیدگی و پرداخت حق الزحمه اعضای کمیسیون طبق آیین نامه ای که به تصویب وزارت کشور خواهد رسید، مشخص می شود. وزارت کشور تعداد کمیسیون های رسیدگی و کمیسیون های رفع

اختلاف را در هر شهرداری با توجه به وسعت شهر و میزان اعتراضات تعیین می کند.

تبصره ۲ - قبول اعتراض مؤدی راجع به ممیزی در کمیسیون ماده ۸ موکول به آن است که عوارض ملک خود را بر اساس اعلام بهایی که خود مالک طبق ماده ۴ نموده است، بپردازد و رونوشت یا فتوکپی قبض پرداخت را به ضمیمه برگ اعتراض به دفتر شهرداری برای ارسال به کمیسیون تسلیم کند؛ مگر اینکه بهای اعلام شده از طرف مالک مشمول حد نصاب بخشودگی باشد.

ماده ۹ - ممیزی هایی که طبق مقررات این قانون از طرف شهرداری بعمل آید، تا پنج سال ملاک وصول عوارض خواهد بود؛ مگر اینکه طرف این مدت تغییرات کلی در اعیان ملک داده شود؛ به نحوی که قیمت آن را بیش از پنجاه درصد افزایش یا کاهش دهد که در این صورت مؤدی مکلف است مراتب را به شهرداری اعلام نماید و میزان افزایش یا کاهش قیمت بر اساس مقررات این قانون، تعیین و از سال بعد، ملاک وصول خواهد شد. شهرداری های مشمول این قانون مکلفند هر پنج سال یکبار، ممیزی عمومی را تجدید کنند و هرگاه در پایان مدت پنج سال تجدید ممیزی به عمل نیامده باشد، ممیزی قبلی تا اعلام نتیجه ممیزی جدید معتبر خواهد بود.

ماده ۱۰ - عوارض هر سال در اول فروردین ماه آن سال تحقق می یابد و باید حداکثر تا پایان همان سال به شهرداری پرداخت گردد.

تبصره ۱ - از عوارض مؤدیانی که ظرف مدت مذکور عوارض متعلق به هر ملک را بپردازند، ده درصد عوارض آن سال به عنوان جایزه منظور و کسر خواهد شد.

تبصره ۲ - ساختمان های اساسی که به جای ساختمان های کهنه و قدیمی نوسازی و تجدید بنا شوند، به مدت سه سال از تاریخ اتمام بنای مشخص شده در پروانه ساختمان، از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود.

تبصره ۳ - بهای اعیانی پارکینگ های اختصاصی در هر ساختمان در احتساب عوارض منظور نخواهد شد.

ماده ۱۱ - نسبت به اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی باشند یا باغ شهری به آنها اطلاق شود، در صورتی که تا یکسال بعد از پایان مهلت مقرر در ماده ۵ مالکان یا قائم مقام یا نمایندگان قانونی آنان، مشخصات و بهای ملک خود را به شهرداری اعلام نکنند، شهرداری های مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند این گونه املاک را به تصرف درآورده و به قائم مقامی مالک از طریق مزایده و با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری و بر اساس قیمت منطقه ای به فروش برسانند و مطالبات خود را به انضمام جرایم و هزینه های متعلقه به اضافه ۵ درصد قیمت ملک به سود برنامه نوسازی از

محل بهای ملک برداشت کنند و مابقی را در حساب سپرده ثابت شهرداری در بانک نگهداری کنند تا در صورت مراجعه مالکان یا نمایندگان قانونی آنان در مقابل اخذ رسید به آنها بپردازند. هرگاه طرف ده سال مالک ملک یا نمایندگان قانونی آنان مراجعه نمایند، وجوه مذکور به حساب درآمد نوسازی منظور خواهد شد.

تبصره ۱- هرگاه مالکیت ملک محل اختلاف باشد مدت ۱۰ سال مذکور در این ماده از تاریخ صدور حکم نهایی مبنی بر رفع اختلاف شروع می‌شود.

تبصره ۲- ساختمان اساسی مذکور در این قانون به ساختمانی اطلاق می‌گردد که ارزش آن براساس ضوابط مندرج در ماده ۴ این قانون برابر حداقل بیست درصد بهای کل زمین باشد. مرجع رسیدگی به اختلاف حاصله در این مورد کمیسیون مذکور در ماده ۸ این قانون است. تبصره ۳- شهرداری مکلف است وضع املاک مشمول این ماده را قبل از انتشار آگهی مزایده باحضور نماینده دادستان شهرستان صورت‌مجلس کند.

تبصره ۴- در صورتی که مالکان این گونه اراضی قبل از انتقال قطعی ملک مشخصات بهای ملک خود را به شهرداری اعلام دارند و عوارض و جرایم مربوط را نقداً بپردازند عملیات شهرداری در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف خواهد شد.

ماده ۱۲- شهرداری‌های مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ انقضای مهلت مقرر در ماده ۱۰، مشخصات مؤدیانی را که نسبت به پرداخت عوارض املاک خود اقدام نکرده‌اند، به مؤسسات برق و گاز تسلیم کنند و مؤسسات مذکور مکلفند با اعلام مهلت دو ماهه به مؤدی، هرگاه مطالبات شهرداری تا انقضای مهلت وصول نشود، نسبت به قطع برق و گاز محل سکونت ملکی او اقدام کنند.

تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده به‌وسیله وزارت کشور و وزارت آب و برق تنظیم و پس از تصویب هیئت دولت به‌مورد اجرا گذارده می‌شود.

ماده ۱۳- در هر مورد که عوارض یا حق مرغوبیت موضوع این قانون به یک ملک تعلق گیرد و قطعی گردد، علاوه بر مالک که مسئول پرداخت است، عین ملک وسیله تأمین مطالبات شهرداری بوده و شهرداری مکلف است در صورتی که مالک عوارض یا حق مرغوبیت را ظرف مهلت‌های مقرر با رعایت آیین‌نامه مذکور در تبصره ۱ ماده ۲ بپردازد یا صدور اجرائیه نسبت به وصول طلب خود از مالک یا استیفای آن از عین ملک اقدام کند.

تبصره ۱- ادارات و دوایر اجرای ثبت، بنا به تفاضلی شهرداری، مکلف به صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی لازم

الاجرا هستند.

تبصره ۲- در قبال اجرائیه‌های صادره مربوط به این ماده بازداشت شخص مؤدی مجاز نیست.

ماده ۱۴- مؤدیانی که تا پایان هر سال عوارض مقرر در این قانون را نپردازند، از آغاز سال بعد ملزم به پرداخت صدی ۹ زیان دیرکرد در سال به نسبت مدت تأخیر خواهند بود و شهرداری مکلف است پس از پایان شش ماه اول سال بعد، طبق مقررات ماده ۱۳ این قانون نسبت به استیفای مطالبات خود اقدام کند.

ماده ۱۵- شهرداری‌های مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند با راهنمایی وزارت کشور، برنامه عملیات نوسازی و عمران و اصلاحات شهر را برای مدت پنج سال بر اساس نقشه جامع شهر و در صورتی که فاقد نقشه جامع باشند، بر اساس احتیاجات ضروری شهر و با رعایت اولویت آنها در حدود منابع مالی مقرر در این قانون و سایر امکانات مالی شهرداری تنظیم کرده و پس از تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور، طرح‌های مربوط را بر اساس آن اجرا کنند.

ماده ۱۶- شهرداری‌ها مکلفند برای هر یک از طرح‌های نوسازی و عمران و ایجاد تأسیسات شهری و توسعه و احداث و اصلاح معابر بدون نقشه کاملی تهیه و سپس توسط هیئت‌های ارزیابی، فهرست جامعی حاوی مقدار مساحت و تعداد اشجار و میزان حق ریشه هر ملک که در معرض عملیات قرار می‌گیرد و تصرف می‌شود، با تعیین بهای هر یک از آنها بر اساس ماده ۱۸ این قانون و همچنین میزان مرغوبیتی که مالک مکلف به پرداخت آن می‌باشد و در صورت امکان نام مالک و شماره پلاک ملک تنظیم نموده و ضمن تأمین اعتبار کافی برای تصویب انجمن شهر فرستاده و پس از تصویب انجمن برای تأیید به وزارت کشور ارسال دارند.

تبصره ۱- شهرداری مکلف است به محض شروع عملیات نقشه‌کشی و ارزیابی، مراتب را در جرایم کثیرالانتشار و یا الصاق آگهی در محل به اطلاع عموم برساند.

تبصره ۲- نحوه تشکیل هیئت‌های ارزیابی و طرز اعلام طرح‌های مصوب و تعیین مدت قبول اعتراضات و ترتیب رسیدگی به آنها، طبق آیین‌نامه‌ای که به‌وسیله وزارت کشور تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید، معین می‌گردد.

تبصره ۳- هیئت‌های ارزیابی و همچنین کمیسیون رسیدگی موضوع ماده ۸ این قانون مکلفند در ارزیابی و اعلام نظر نسبت به بهای املاکی که مشمول پرداخت حق کسب و پیشه می‌باشند، مقررات تبصره ماده ۲۷ این قانون را رعایت کنند. ■

مفهوم‌شناسی مبانی و ادبیات مالی اقتصاد بهای خدمات شهرداری در رویکرد تحلیلی مؤلفه‌های تکوینی و ابعاد نظری^۱

■ سید مناف هاشمی، دکتر در برنامه‌ریزی شهری،
عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی



مقدمه و ابعاد نظری موضوع

رابطه میان پرداخت و خدمت ارائه شده در شهرداری، از دید پوشش هزینه تمام شده خدمت می‌تواند بسیار متفاوت باشد. دست‌کم بخشی از این تفاوت را از دید نظری می‌توان در جایی که هدف پیشینه کردن کارایی تخصیصی است، توجیه کرد. کالاهای خالص عمومی^۲ باید رایگان عرضه شوند؛ به دلیل آنکه در این گونه موارد نمی‌توان افراد را از برخورداری از این خدمات بازداشت و همواره کسانی خواهند بود که از مزایای سواری مجانی^۳ بهره‌مند شوند، اما برخلاف کالاهای خالص عمومی، کالاهای خالص خصوصی، هم در مصرف رقابتی^۴ و هم می‌توان کسانی را که هزینه آن را می‌پردازند از افرادی که آن را نمی‌پردازند، جدا کرد. در

این‌باره اگر قرار باشد کارایی تخصیصی حفظ شود بهای خدمات باید دربردارنده هزینه آن باشد، شمار اندکی از خدمات شهرداری در زمره کالاهای خالص عمومی قرار می‌گیرد، اغلب این خدمات به صورت آمیزهای از کالای عمومی و خصوصی هستند و خدمات پیش‌گفته دارای آثار خارجی^۵ مثبت یا از خصصت کالای ارزشمند^۶ برخوردارند. این ویژگی‌ها فقط پرداخت یارانه را برای بخشی از بهای خدمات را توجیه می‌کند. درباره خدماتی که موجب آثار خارجی یا سرریز^۷ می‌شوند، مبلغ یارانه باید به صورت مستقیم به ارزش ریالی مربوط شود که از مصرف خدمات به دست کسی نصیب دیگران می‌شود. به همین ترتیب، درباره کالاهای ارزشمند^۸ ارزش یارانه باید متناسب با تفاضل ارزش واقعی کالا و ارزش‌گذاری

کالا توسط مصرف‌کننده، نزدیک‌ترین باشد.

این ملاحظات نظری این نکته را روشن می‌سازد که برای مبلغ یارانه‌ای که برای حمایت از ارائه خدمات شهرداری پرداخت می‌شود باید حد و مرزی قائل شد. این ملاحظات نظری همچنین پرداخت یارانه را از دید تأمین تخصیص کارآمد منابع، جدا از مسائل برابری منتهی بر توانایی پرداخت، توجیه می‌کند. تعیین مبلغ یارانه‌ای که برای پیشینه کردن کارایی تخصیصی باید پرداخت شود، مسئله‌ای عملی است، اما در عمل محاسبه ارزش پولی آثار خارجی مثبت و کالاهای ارزشمند دشوار است. هرچند که نسبت یارانه‌ای که به هر خدمت باید تعلق گیرد، جای تردید دارد، اما این نکته روشن است که تعرفه‌هایی را می‌توان برای بیشتر خدمات شهرداری وضع کرد. بدین ترتیب با بازگشت به نظریه اقتصادی، می‌توان نتیجه گرفت که شهرداری‌ها باید برای بیشتر خدمات خود تعرفه وضع کنند. بر این تعرفه‌ها مبتنی بر معیار هزینه نهایی درازمدت باشد با این همه چنین به نظر می‌رسد که در کشورهای پیشرفته، نظریه اقتصادی، در شیوه به‌کارگیری تعرفه‌ها تأثیر کمی داشته است. دو مفهوم مختلف در زمینه وضع تعرفه خدمات مطرح است. این دو مفهوم در زیر تشریح خواهد شد.

وضع تعرفه در رابطه با هزینه‌ها

نظریه قیمت‌گذاری در بخش عمومی توصیه می‌کند که قیمت‌ها برابر با هزینه نهایی درازمدت تعیین شود (یعنی بر پایه افزایش سرمایه لازم در درازمدت به اضافه هزینه‌های کنونی) تا کارایی تخصیصی به دست آید. این قاعده قیمت‌گذاری، محصول به دست آمده از منابع مولد معین را پیشینه می‌سازد و همچنین با توزیع آن محصول (بر پایه تمایل به پرداخت هزینه‌های اضافی تولید آن محصول) همخوان است. بنا به تعریف، این قاعده رفاه اقتصادی را نیز پیشینه می‌کند. فاصله گرفتن از این قاعده، زمانی مجاز است که با ظرفیت اضافی روبه‌رو باشیم؛ یعنی در جایی که تقاضای محصول کمتر از عرضه آن است. در این گونه موارد قیمت‌ها باید با هزینه نهایی کوتاه‌مدت (فقط هزینه‌های کنونی) برابر باشد، اما ایراد این روش آنست که اگر اضافه ظرفیت دائمی باشد، نمی‌توان بعد از فرسودگی اقتصادی تأسیسات موجود، آن را با تأسیسات جدید جایگزین کرد. تعرفه بهینه در بخشی، هم جزء ثابت (برای جریان هزینه‌های سرمایه‌ای) و هم جزء متغیر (برای جریان هزینه‌های جاری) دارد. این شیوه برای قیمت‌گذاری خدمات عمومی^۱ در شهرها بسیار مناسب است و از آن راه می‌توان میان هزینه‌های تأمین تقاضای خدمات در زمان پیشینه مصرف^۲ و در دوره‌هایی که مصرف پیشینه نیست، جدایی قائل شد.

با این حال باید توجه کرد که قیمت‌گذاری بر پایه هزینه نهایی، هم از دید نظری و هم از دید عملی ایراد دارد. مدتهاست اقتصاددانان دریافته‌اند که قیمت‌گذاری بر پایه هزینه نهایی به دلیل نبود اطلاعات لازم، تنها یکی از اشکال ناقص قیمت‌گذاری است (Bird, 1976). اطلاعات هزینه‌ای شهرداری‌ها اغلب منابع و مصارف وجوه را نشان می‌دهند و هزینه‌های کنونی و هزینه‌های جایگزینی یا هزینه‌های فرصت را منعکس نمی‌کنند. محاسبه هزینه استهلاک به قیمت دفتری دارایی‌ها در شرایط تورمی و همچنین کاربرد روش خطی فرسودگی که موجب کمتر نشان دادن هزینه‌ها در سال‌های اولیه می‌شود، برداشته مشکل می‌آزاید. هزینه‌های بالاسری، یک کاسه کردن هزینه وام‌ها، استفاده از روش‌های به اصطلاح «حسابداری خلاق» و دیگر کارهای دلخواه موجب می‌شود که نتوان بر پایه حساب‌های شهرداری به هزینه اقتصادی خدمات پی برد.

گذشته از این، اگر قرار باشد قیمت‌گذاری بر پایه هزینه نهایی، تخصیص منابع را به شیوه بهینه نخست تضمین نماید، باید روابط متقابل دوسویه میان کالاها و خدمات جانشین و مکمل (مانند مسکن عمومی و خصوصی دربارہ کالاهای جانشین و راندا و خودروها دربارہ کالاهای مکمل) و تأثیر تغییرات قیمت‌ها بر درآمد‌های واقعی و از آن راه بر تقاضا برای کالاها و خدمات نیز در نظر گرفته شود (Feldstein, 1972 and Bradford, 1970). با توجه به نکات بالا امروزه دریافته‌اند که قیمت‌گذاری بر پایه هزینه‌ها قاعده کارآمدی نیست، بلکه فقط روشی برای جبران هزینه‌ها و این شیوه فقط یک مفهوم است؛ نه سیاست قیمت‌گذاری، آرمان کارایی که در قیمت‌گذاری بر پایه هزینه نهایی دنبال می‌شود، فقط در الگوهای مکانیکی ریاضی می‌تواند به کار آید. در این الگوها، عاملان اقتصادی به صورتی برنامه‌ریزی شده‌اند که در درون اقتصاد رقابتی و در چهارچوب قواعد مطلوبیت و هزینه‌ای که به خوبی تعریف شده‌اند، کار می‌کنند. روشن است این وضعیت درباره خدمات شهرداری که در آن تعرفه خدمات از راه فرایند سیاسی - دیوانسالاری تعیین می‌شوند، مصداق ندارد.

ارتباط تعرفه‌ها با منافع

شناسایی و تخمین ارزش منافع به دست آمده از خدمات شهرداری، حتی از تعیین هزینه واقعی اقتصادی این خدمات دشوارتر است. شناسایی و اندازه‌گیری محصول، مصرف و منافع دریافت شده، بسیار دشوار است. محصول همیشه با مصرف یکسان نیست؛ برای نمونه، می‌توان از اضافه ظرفیت مدرسی یاد کرد که با کاهش شمار شاگردان خود روبه‌رو هستند. سیاستمداران

و دیوانسالاران، ممکن است ارزش خدمات ارائه شده را بیش از واقع ارزیابی کنند. همچنین پیش از مصرف برخی از خدمات به دست افراد، نمی‌توان سودهای حاصل از آنها را برآورد کرد (برای نمونه، خدمات اطلاعاتی که در کتابخانه‌های همگانی ارائه می‌شود). همچنین منافع خالص یا منافع ناخالص تفاوت دارد؛ به عنوان نمونه، در برآورد منافع خالص حاصل از بهره‌برداری از تأسیسات ورزشی، باید هزینه رفت‌وآمد به اضافه هزینه ساعات از دست رفته در رخت‌وآورد را از منافع ناخالص کسر کرد. دریاچه کالاهای همگانی مانند روشنایی گذرگاه‌ها، دفع پسماند و برقراری نظم و قانون با مسئله سواری مجانی رویه‌رو می‌شویم.

تعرفه‌ها و ارائه جمعی خدمات^{۱۱}

بسیاری از هواداران کازیرد بیشتر بیهای خدمات، این تعرفه‌ها را در عمل بدیلی برای کار جمعی می‌بینند. آنها تعرفه‌ها را بازتاب نیروهای بازار آزاد می‌دانند و آن را بخشی از راهبرد محدود کردن مرزهای دولت می‌پندارند (Harris and Seldon, 1978). این ستاریو، پیامد منطقی پافشاری فزاینده بر کارایی اقتصادی و پیشبرد آن تا مرز حذف کامل بسترهای نهادی، قانونی و لیبرال دموکراتیک (آزادخواه - مردمی) حکومت محلی است. در این معنی، این رویکردی بسیار تنگ‌نظرانه از حکومت محلی است و آن را بنیان واکنش یک تنظیم‌گر به مسائل برآمده از شکست بازار کاهش می‌دهد. به موجب این رویکرد، شکست دولت احتمالاً مهم‌تر از شکست بازار است. این دیدگاه، بازار آزاد را با ارائه خدمات به دست دولت به گونه‌ای می‌سنجد که از دید روش‌شناسی معتبر نیست و خروجی شرکت‌های نوین بخش خصوصی را از تکاپوی اقتصادی به دلیل ناکارایی‌های بازار که برآمده از هزینه‌های مبادله^{۱۲} است، نادیده می‌گیرد. سنجش معتبر از دید روش‌شناسی، عبارتست از سنجش میان عرضه خدمات توسط دولت یا عرضه همان خدمات به دست شرکت‌های بخش خصوصی. با این همه باید این نکته را پذیرفت که شکست بازار، مسئله‌ای جدی است که خود برآمده از شکست انتخاب جمعی^{۱۳} است.

در سطح ملی، بخش بزرگی از توزیع مجدد درآمدها از راه ارائه خدمات صورت می‌گیرد و نکته دیگر این است که تعهد پرداخت مالیات به تناسب بهره‌مندی از خدمات شهری تغییر نمی‌کند؛ از این رو چنین نتیجه‌گیری می‌شود که برخی از گروه‌ها در محدوده فعالیت شهرداری‌ها (و حکومت‌های محلی به طور اعم) انگیزه پیدا می‌کنند تا مصرف خود را از خدعانی که به سود آنهاست، افزایش دهند. این گروه‌ها به خوبی می‌دانند که تأمین مالی عرضه این خدمات، از راه افزایش مالیات‌هایی انجام خواهد گرفت که جامعه شهری متکفل

پرداخت آنهاست؛ بنابراین در شیوه تأمین مالی جمعی خدمات از راه مالیات، انگیزه‌ای درونی برای گسترش خدمات و بخش مجدد آن نهفته است. در اینجا است که گرفتن تعرفه خدمات از بهره‌مندان (حتی اگر از دید نظری ناقص باشد) نقش نهفته‌ای پیدا می‌کند. در هر حال باید توجه داشت که وضع تعرفه خدمات روشن مؤثری برای دستیابی به صرفه‌جویی و دستیابی به کارایی نیست. تأثیر فوری گرفتن بیهای خدمات، توزیع مجدد درآمد به صورت نقدی (اگر تقاضای تغییر باقی بماند) یا به شکل جتسی (اگر تقاضا کاهش یابد) یا آمیزه‌ای از دو حالت خواهد بود. نمی‌توان کارایی را یکباره بهبود بخشید. افزون بر این، برقرار کردن تعرفه برای خدمات، می‌تواند فقط به شکل‌گیری مجدد ائتلاف‌های توزیعی^{۱۴} بینجامد. این ائتلاف‌ها به طور عمدتاً به همان صورتی رخ می‌دهد که تغییر در وضعیت بازار می‌تواند به توزیع مجدد قدرت و نفوذ شرکت‌ها بینجامد بدون آنکه آنها را از میان بردارد. به زبان ساده‌تر، نظریه انتخاب عمومی نتوانسته سیاست و کار قیمت‌گذاری خدمات را در چهارچوب تحلیل خود وارد سازد. این نظریه فقط تا جایی پیش می‌رود که تفهیم کند وضع تعرفه برای خدماتی که پیش‌تر رایگان عرضه می‌شدند، موجب خرید رأی یا تشویق گسترش خدمات نمی‌شود. این باور بسیار ساده‌انگارانه است که بتوان تعرفه‌هایی را برقرار کرد که از دید کارایی تخصیصی، اثر مثبت داشته باشند و به بهبود در خور توجه کارایی بینجامند. مدل نیکانن (Niskanen) دریاچه آفریش امپراتوری دیوانسالار، این نکته را آشکار می‌سازد که اگر تعرفه‌ای که از مصرف‌کننده خدمات دریافت می‌شود توانایی دیوانسالاری را در گرفتن بخشی از وانت اقتصادی که محصول آن به وجود می‌آورد، کاهش ندهد، نمی‌توان استدلال کرد که تعرفه موجب افزایش کارایی می‌شود. تعرفه آزمایی که مورد نظر مدیران شهرداری است، بر توانایی شهرداری، برای تولید بیش از اندازه خدمات شهری به هزینه گزاف، تأثیری نخواهد داشت؛ به ویژه آنکه وضع تعرفه موجب کاهش تقاضای خدمات شهری نخواهد شد و به همین سبب، درآمد اختصاصی اضافی (به معنای بیش از درآمد به دست آمده از مالیات) را برای شهرداری تأمین خواهد کرد و همین کار می‌تواند انگیزه‌ای برای گسترش خدمات شود. وضع تعرفه‌های گران و زورگوبانه از دید عرضه‌کنندگان خدمات بیشتر، پذیرفتنی است؛ زیرا دیوانسالاران مشاغل یا پیشرفت‌های آتی خود را به مخاطره نمی‌اندازند. شاید وضع تعرفه‌ها بر پایه مالکیت مستغلات شهری به همین دلیل باشد. از این رو استفاده گسترده‌تر از تعرفه‌های خدمات شهری، باید از جهت بهبود منافع گروه‌های مسلط نیز ارزیابی شود (ونگر، ۱۹۹۱).

چنین به نظر می‌رسد که تلقین نظریه‌های هزینه‌های مبادله^{۱۵} و ائتلاف‌های نوزیعی^{۱۶} در چهارچوب نظریه انتخاب عمومی^{۱۷} ابزار یکپارچه و جامعی را برای تلقین تأثیرات سمت عرضه و سمت تقاضا ایجاد کند. تعرفه‌هایی که به قصد افزایش کارایی تخصیصی وضع می‌شوند، ممکن است توسط کسانی که آن را اداره می‌کنند، دست‌کاری شوند از این طریق، آنان مطلوبیت دیوانسالاران را به حداکثر می‌رسانند و منافع ائتلاف‌های نوزیعی را تعیین می‌کنند.

کسب عدالت از راه معافیت‌ها و تخفیف‌ها

هر چند تعرفه برای کسب کارایی اقتصادی به کار می‌رود، اما لازم است با مفهوم عدالت نیز سازگار باشد. به ویژه این مسئله از دید توانایی پرداخت اهمیت دارد. به زبان ساده، تعرفه خدمات شهرداری، می‌تواند کسانی را که درآمد پایینی دارند و از عهده پرداخت تعرفه‌های وضع شده بر نمی‌آیند در وضعیت دشواری قرار دهد. از این رو دادن معافیت‌ها و تخفیف لازم به گروه‌های آسیب‌پذیر، جزء جدایی‌ناپذیر تعیین تعرفه‌هاست. از این روش دو هدف نامسازگار کارایی و عدالت تا اندازه‌ای برآورده می‌شود. دو شکل اصلی برای معافیت و تخفیف وجود دارد:

- معافیت‌ها و تخفیف‌های جمعی^{۱۸}

- معافیت‌ها و تخفیف‌های موردی

روش‌های دیگر وضع بهای خدمات شهری

گرفتن بهای خدمات شهری باید کارکردهای بسیار گوناگونی داشته باشد و تنها در خدمت کارایی تخصیصی نباشد. این کارکردها عبارتند از: افزایش درآمد؛ پوشش هزینه‌ها؛ برآورده کردن نیاز هدف‌های مالی یا نرخ بازده مورد نیاز برای دارایی‌ها؛ کنترل بهره‌مندی بی‌رویه از خدمات شهری و هدفمند کردن یارانه‌ها و تعقیب هدف عدالت.

تعرفه‌ها اغلب بر پایه هزینه‌های حسابداری وضع می‌شوند که در گفتارهای پیش، دویزه، نارسایی‌های آن بحث شد. انتخاب‌هایی که در این زمینه وجود دارد به شرح زیر است:

۱. وضع تعرفه برپایه هزینه‌های متغیر که تمام یا بخشی از هزینه‌های جاری خدمت معین را پوشش می‌دهد.
۲. وضع تعرفه بر پایه پوشش بخشی از هزینه‌های بالاسری که تمام هزینه‌های جاری و نستی از هزینه‌های ثابت را پوشش می‌دهد.
۳. وضع تعرفه با منظور کردن تمام هزینه‌های ثابت و متغیر

باید توجه داشت که این معیارهای حسابداری برای هزینه‌ها، معیارهای هزینه اقتصادی نیستند. دیگر قواعد

وضع تعرفه برای خدمات شهری که کم و بیش بر پایه منافع حاصل از خدمات قرار دارند (که هزینه آنها) عبارتند از:

۱. تعرفه‌های متداول در شهرهای دیگر بدون دو نظر گرفتن تفاوت در هزینه‌ها و گروه مشتریان

۲. تعرفه‌هایی که جهت گیری آنها به سمت تقاضا است و با بازگشت به بدیل‌هایی موجود در بخش خصوصی تعیین می‌شود.

هر یک از روش‌های بالا را می‌توان به تنهایی یا با هم برای تعیین تعرفه خدمات شهری به کار برد.

- رویکرد توزیع منافع: برپایه نظریه اقتصادی، خدمات را برحسب درجه شکست بازار در نتیجه وجود آثار خارجی و اثرات سرریز در مصرف و تولید رده‌بندی می‌کند. خدماتی که منافع آن فقط نصیب جامعه شهری می‌شود (کالای خالص عمومی)، به صورت مستقیم یا یارانه تأمین مالی شده و خدماتی که تنها منافع آن به بهره‌وران تعلق می‌گیرد، به صورت مستقیم با تعرفه دریافتی از مصرف‌کننده، تأمین مالی می‌شود. نمونه مورد نخست عبارتست از کالاهای عمومی که بازشناسی بهره‌وران آن دشوار است و کاربرد آن به دست یک شخص یا مصرف دیگران منافع ندارد، مانند روشنایی گذرگاه‌ها، گسردآوری زیاده و پسماندهای شهری و نمونه مورد دوم، عبارتست از کالاهای خصوصی که مصرف همزمان آن به دست دو نفر ناممکن است و مصرف یکی با مصرف دیگری منافات دارد، مانند بهره‌برداری از زمین ورزشی و رونوشت‌برداری از کتاب‌ها و اسناد کتابخانه برای مصرف شخصی. با یک محاسبه سرانگشتی می‌توان گفت خدماتی که سود آنها به جامعه بیش از سود استفاده‌کنندگان آن است، یارانه‌ای معادل ۷۵ درصد دریافت خواهند کرد. به همین ترتیب، خدماتی که سود آنها برای استفاده‌کننده بیشتر از جامعه است، یارانه‌ای برابر ۲۵ درصد دریافت خواهند کرد و به خدماتی که یکسان به جامعه و استفاده‌کننده سود می‌رسانند، یارانه‌ای به میزان ۵۰ درصد تعلق خواهد گرفت (اسمیت، ۱۹۸۶).

- رویکرد طبه‌بندی خدمات: از آنجا که این رویکرد از پایه مبتنی بر تحلیل میانگین اجتماعی است و خدمات را به نیازهای اساسی، «حمایتی» و «امکانات رفاهی» یا «تسهیلات» رده‌بندی می‌کند، به روش اول شایسته دارد. تمام خدماتی که در رده نیازهای اساسی قرار می‌گیرند (مانند مراقبت‌های اجتماعی) از محل مالیات‌ها تأمین مالی می‌شوند؛ از این رو در نقطه مصرف رایگان عرضه می‌شوند.

- ضابطه پرداخت یارانه بر پایه تشخیص^{۱۹}: در اینجا قاعده این است که برای هر خدمتی، تعرفه کامل وضع شود، مگر آن که دلیل خوبی برای عکس این کار در

دست باشد. این رویکرد مبتنی بر پیش فرضی نه سود وضع تعرفه است؛ از این رو پرداخت بارانه، فقط بر پایه تشخیص صورت می‌گیرد.

- رویکرد استانداردهای حداقل: در این رویکرد، مالیات‌بندی برای تأمین مالی حداقل سطح خدماتی که به صورت جمعی تعیین شده به کار می‌رود؛ بنابراین تعرفه‌ها بنا بر تشخیص برای تأمین مالی افزایش عرضه خدمات به پیش از استانداردهای حداقل استفاده می‌شود.

- رویکرد خدمات اساسی و غیربنیادین: خدمات مختلف یا اجزای آنها را می‌توان به عنوان خدمات اساسی (رایگان عرضه می‌شود) و غیربنیادین (همه هزینه آن دریافت می‌شود) رده‌بندی کرد. در این رویکرد فرض می‌شود که اجزایی از خدمات هستند که جزء ضروری آن خدمت به شمار می‌روند و اجزای دیگر ضروری نیستند. این دیدگاه هر چند جای تردید دارد، اما دولت بریتانیا درباره خدمات کتابخانه‌های همگانی، آن را توصیه کرده بود (Baily, 2000).

- رویکرد خدمات ارزش افزوده به سفارش مشتری: در اینجا تعرفه فقط زمانی گرفته می‌شود که استفاده‌کنندگان از خدمات شهری، یا تشخیص خود، سطح و ترکیب خدمات را سفارش دهند؛ به گونه‌ای دیگر می‌توان گفت یا شهرداری‌ها درباره عرضه خدمات قدرت انحصاری نداشته باشند یا از این قدرت انحصاری برای محدود کردن عرضه خدمات استفاده نکنند.

این رویکرد از آن جهت با رویکردهای دیگر تفاوت دارد که در آن نه تعریف استانداردهای حداقل ضروری است، نه تعیین خدمات اساسی و بنیادین و نه ارزیابی هم‌ترازی منطقی که نصیب فرد و جامعه می‌شود. بیلی (Baily, 1999) باور دارد، هیچ یک از رویکردهای پنجگانه‌ای که پیشتر بحث شدند، بر پایه یک فلسفه منسجم، درباره نقش تعرفه‌ها در ارائه خدمات حکومت‌های محلی، قرار ندارند. در رویکردهای پیش‌گفته، تصمیمات مربوط به عرضه و تأمین مالی به صورت مستقل از یکدیگر دیده می‌شوند، نه به صورت بخشی از فرایند یکپارچه تصمیم‌گیری. اقتصاددانان در توصیه‌های خود به دولت، باید به شکست‌های بازار توجه کرده و همچنین شکست‌های دولت را نیز در نظر آورند.

اقتصاددانان نمایی دارند که نقش حرفه‌ای خود را در فرایند حکومت، به صورت نقش کارشناسان جدا از سیاست، ارزش داورانه، و دیگر عوامل ذهنی و هنجاری قلمداد کنند. اما نلسن (Nelson, 1987)، استدلال می‌کند که با وجود ادعای اقتصاددانان مبتنی بر بی‌طرفی، آنان هواداران متعصب کارایی هستند و باید این واقعیت را بپذیرند. از این‌رو، قاعده‌ای که اقتصاددانان برای وضع تعرفه خدمات پیشنهاد می‌کنند

و ناظر به بهبود کارایی است، باید با فلسفه گسترده‌تر ارائه خدمت، چهارچوب‌های نهادی و همچنین با ویژگی رفتاری خدمت‌دهندگان معمولی داشته باشد. باید انحرافات را که برآمده از شکست دولت است بازشناسند و ساختارهای انگیزشی جبرانی برای آن تعیین کنند.

پرسش اساسی این است که کدام روش‌شناسی جدایی خدماتی (یا بخشی از خدمات) را که باید برای برآورده ساختن نیازهای جمعی عرضه شود و خدمات اضافی را که به سفارش افراد عرضه می‌شود، تعیین می‌کند. این موضوع، از یک سو، یک مسئله سیاسی است و از دیگر سو یک مسئله مدیریتی. تصور اینکه می‌توان به سادگی همه خدمات را بررسی کرد و آنها را در دو دسته ارزش افزوده سفارشی (تعرفه قابل دریافت) و سایر خدمات (که تعرفه از آنها گرفته نمی‌شود) قرار داد، نادرست است. مدیران نقش اداره‌کننده و توسعه‌ای را ایفا می‌کنند. نقش دوم، به مشخصات خدمات عرضه شده و همچنین به مسئله تأمین مالی آنها مربوط می‌شود. به گونه‌ای دیگر می‌توان گفت نامتمرکز کردن مسئولیت بودجه‌ای، باید با تفویض اختیار برای افزایش درآمد از راه ارائه خدمات جدید همراه باشد. البته باید مدیران بتوانند ضرورت خدمات نوین را با توجه به هدف‌های هر یک توجیه کنند. این تحولات باید:

- تحویل خدمات را بهبود دهد و استفاده از خدمات نوین را تشویق کند و آن را محدود نسازد.

- از به‌کارگیری تبعیض علیه گروه‌های اولویت‌دار پرهیز کند.

- از کم‌رنگ کردن ویژگی‌های خدمات یا تغییر هدف‌های آنان دوری کند.

- همواره از اجبار برای پرداخت تعرفه یا مستثنی کردن کسانی که در گذشته از خدمات بهره می‌برده‌اند، به دلیل تغییر ترتیبات تأمین مالی، به دور باشد.

اقتصاد بهای خدمات شهرداری

کمک دولت به شهرداری می‌تواند به صورت کمک عمومی (نامشروط، غیرانتخابی) یا به صورت کمک مشخص (مشروط یا انتخابی) باشد. کمک عمومی برای تأمین مالی انواع خدماتی که شهرداری ارائه می‌دهد به کار می‌رود. از این رو این کمک‌ها نامشروط نامیده می‌شوند. کمک بدون عوض مشخص، برای تأمین خدمات مشخص یا پروژه معین پرداخت می‌شود و فقط در مورد همان خدمت یا پروژه هزینه‌کردنی است. به همین دلیل این نوع کمک‌ها را مشروط، انتخابی یا «تخصیص یافته» نیز می‌گویند. در جایی که دولت بخواهد شهرداری را به ارائه خدمات مورد نظر خود یا انجام پروژه‌های اولویت‌دار مجبور کند، به کمک‌های

دولت دریافت خواهد کرد. کمک بدون عوض همگانی نیز مانند کمک مشخص، می‌تواند سقف معین یا نامحدود داشته باشد. کمک‌های بدون عوض همگانی را می‌توان برای محدود کردن مالیات محلی، به ویژه در وضعیتی که شهرداری متکی بر یک مالیات واحد غیرتصادفی است، که به بخش کمی از ساکنان شهر تعلق می‌گیرد، به کار برد. پرداخت کمک به صورت همگانی این امکان را به شهرداری می‌دهد که در تخصیص منابع خود میان مصارف گوناگون آزادی عمل بیشتری داشته باشد.

کمک‌های دولت، از راه افزایش درآمد واقعی شهروندان (اثر درآمدی) یا از راه کاهش قیمت نسبی خدمات شهرداری (اثر جانشینی)، موجب افزایش خدمات شهرداری می‌شود. در هر حالت شهروندان بر پایه درآمد خود و کشش‌های قیمتی تقاضا رفتار خواهند کرد؛ زیرا با اعطای کمک، درآمد واقعی افزایش می‌یابد و تقاضای بیشتری برای کالاها و خدمات بخش خصوصی پدید خواهد آمد؛ البته این کار زمانی رخ می‌دهد که اثر

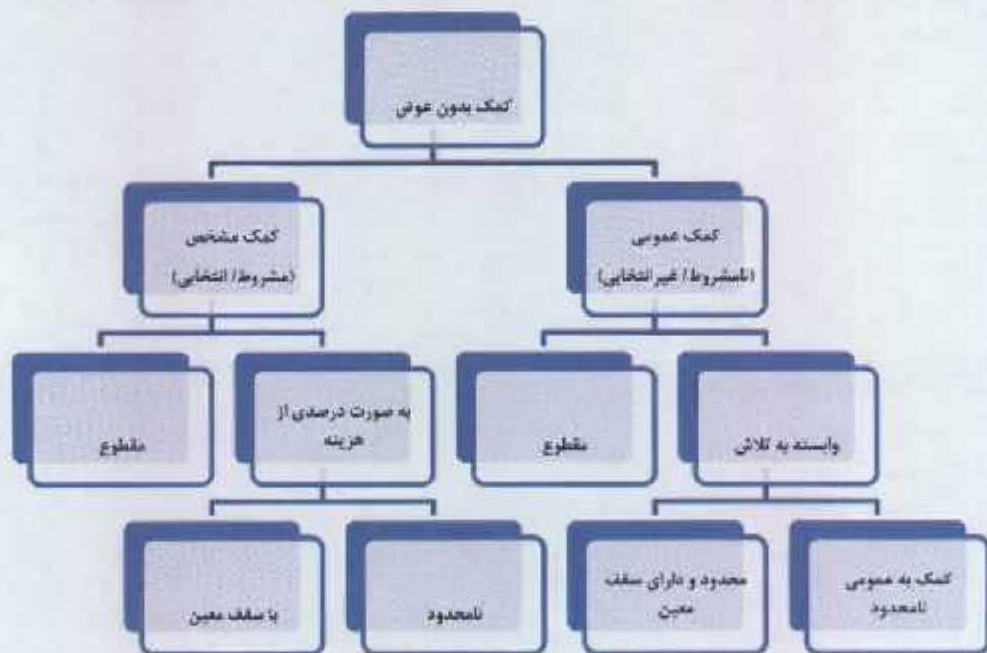
انتخابی متوسل می‌شود. این کمک‌ها برای دستیابی به یک یا چند هدف زیر پرداخت می‌شوند:

- برای تأمین مالی خدماتی که شهرداری از سوی دولت تأمین می‌کند.

- به منظور تشویق تأمین خدماتی که اثرات سرریز در خور توجهی دارند.

- برای تأمین مالی خدمات مورد نظر دولت مرکزی، با رعایت استانداردهای لازم (این گونه یاری را «کمک حمایتی دولت به درآمد شهرداری» می‌نامند).

این گونه کمک‌ها برای دستیابی به عدالت افقی و عمودی، از راه طرح‌های برابرسازی مالی داده می‌شود. عدالت افقی بر این پایه استوار است که باید با کسانی که وضعیت یکسانی دارند، رفتاری همانند صورت گیرد. عدالت عمودی نیز به این معناست که با کسانی که در گروه‌های درآمدی متفاوتی جای دارند، برپایه توان پرداخت آنها رفتار شود. به عبارت دیگر پس از ارائه کمک دولت، وضعیت افراد فقیرتر بیش از افراد توانگر



نمودار شماره ۱۱، گونه‌شناسی کمک بدون عوض دولت به مقامات محلی؛ ماخذ: هانتس، ۱۳۹۱.

بهبود یابد. کمک مشخص را می‌توان به صورت مبلغ مقطوع یا درصدی از هزینه شهرداری پرداخت کرد. در این حالت کمک مالی می‌تواند سقف معین یا نامحدود داشته باشد. به این صورت کمک‌های همگانی می‌تواند به صورت مقطوع یا وابسته به میزان تلاش مالیاتی شهرداری باشد. در این صورت، هر چه درآمد مالیاتی شهرداری بیشتر باشد، کمک بدون عوض بیشتری از

بهبود یابد. کمک مشخص را می‌توان به صورت مبلغ مقطوع یا درصدی از هزینه شهرداری پرداخت کرد. در این حالت کمک مالی می‌تواند سقف معین یا نامحدود داشته باشد. به این صورت کمک‌های همگانی می‌تواند به صورت مقطوع یا وابسته به میزان تلاش مالیاتی شهرداری باشد. در این صورت، هر چه درآمد مالیاتی شهرداری بیشتر باشد، کمک بدون عوض بیشتری از



ترجیحات کامل رأی‌دهنده منفرد را بازتاب می‌کند. پرداخت کمک مقطوع به شهرداری بدان معناست که به طور نامستقیم این مبلغ به رأی‌دهنده میانی پرداخت شده است. در هر دو حال این رأی‌دهنده است که درباره تخصیص این مبلغ میان محصولات بخش همگانی (خدمات شهری) و خصوصی تصمیم خواهد گرفت. گفتنی است که هرگاه کمک دولت وابسته به سطح تلاش باشد (خواه این کمک همگانی باشد یا مشخص)، پیش‌بینی این مدل متفاوت خواهد بود. در این حالت رأی‌دهنده میانی هر چه بیشتر روی محصولات شهرداری هزینه کند، کمک بلاعوض بیشتری به شهرداری تعلق خواهد گرفت. کمک مشخص و نامحدودی که به صورت درصدی از هزینه شهرداری پرداخت می‌شود، بیش از کمک بدون عوض مشخص مقطوع، موجب افزایش هزینه بر خدمات مشمول کمک می‌شود. این تحلیل به پیروی از روش Jackson and Brown (1990), King (1954) و Callisand Jones انجام می‌گیرد.

به طور کلی انتظار می‌رود کمک بلاعوض دولت به شهرداری موجب افزایش مخارج شهرداری بر خدمات شهری یا موجب کاهش مالیات محلی شود. با فرض پایایی دیگر عوامل، چند برآیند از نظریه کمک بلاعوض به دست می‌آید:

- نخست آنکه کمک عمومی مقطوع و کمک مشخص مقطوع اثر یکسانی بر مخارج شهرداری خواهند داشت. به دلیل آنکه این دو، فقط اثر درآمدی دارند

- افزایش مستقیم خالص^{۲۷}: در جایی رخ می‌دهد که کمک (خواه همگانی یا مشخص)، مخارج خدماتی را تأمین کند؛ به طوری که اگر این کمک‌ها وجود نمی‌داشتند، آن خدمات نیز عرضه نمی‌شدند.

- افزایش غیرمستقیم خالص^{۲۸}: زمانی رخ می‌دهد که کمک مشخص، موجب افزایش مخارج شهرداری در زمینه خدماتی جز خدمت مورد نظر شود که می‌توان آن را پیامد ناخواسته کمک بلاعوض مشخص دانست.

- جایه‌جایی^{۲۹}: زمانی رخ می‌دهد که به جای آنکه کمک موجب کاهش مالیات شهرداری در زمان حال یا آینده شود، صرف هزینه برای خدمات دیگر شود. کمک‌های بلاعوض عمومی را می‌توان برای کاهش مالیات محلی، به ویژه در جایی که شهرداری بر یک مالیات واحد متکی است، به کار برد که اثر آن غیرتضاعدی است و شامل حال تمامی ساکنان شهر نمی‌شود.

اگر اثر افزایش خالص مستقیم، کمتر از ۱۰۰ درصد و بیش از صفر درصد باشد، آمیزه‌ای از هر سه حالت بالا امکان‌پذیر خواهد بود. از این رو روشن است که اگر دولت مرکزی به شهرداری‌ها کمک بدون عوض بدهد، نمی‌تواند مطمئن باشد که این کمک صرف خدمات شهری مورد نظر دولت خواهد شد. در پیش‌بینی این انگیزی نئوکلاسیک، خواه یک کمک بلاعوض مقطوع به رأی‌دهنده میانی^{۳۰} یا به شهرداری محل سکونت او پرداخت شود، تعبیری به وجود نخواهد آمد. این بدان سبب است که فرض می‌شود تصمیمات شهرداری

حرم آنکه کمک‌های بلاعوض نامحدودی که به صورت درصدی از هزینه شهرداری پرداخت می‌شوند، در مقایسه با کمک هم‌ترازی که به صورت مقطوع پرداخت می‌شود، تأثیر بیشتری بر مخارج شهرداری خواهند داشت؛ زیرا این‌گونه کمک‌ها، هم اثر جانبی و هم اثر درآمدی دارند.

سوم آنکه اثر کمک‌های عمومی مقطوع بر مخارج شهرداری، مانند اثر افزایش درآمد جامعه بر مخارج شهرداری است.

آید. کمک بیشتر دولت مرکزی می‌تواند به حسابدهی کم محلی و قدرت کمتر شهرداری در زمینه به کارگیری تشخیص‌های سیاستی مستقل بینجامد. سرانجام باید توجه داشت که اقتصاددانان نئوکلاسیک چنین استدلال می‌کنند که آزمون حقیقی حسابدهی محلی از راه آزادی انتخاب در چهارچوب نظام بازار رقابتی صورت می‌گیرد نه از راه مصرف اجباری خدمات شهرداری و پرداخت اجباری هزینه آن. ■

پی‌نوشت‌ها

- 1- Pure Public Goods
- 2 - Free Riders
- 3-Rival
- 4 - Externalities
- 5 - Merit Goods
- 6 - Spillover
- 7 - Merit Goods
- 8 - Public Utility
- 9 - Peak
- 10-Collective Provision of Services
- 11-Transaction Costs
- 12 - Public Choice
- 13 - Distributional Coalitions
- 14 - Transaction Costs
- 15 - Distributional Coalitions
- 16 - Public Choice
- 17-Categorical
- 18 - Subsidy-By-Default
- 19 - Customized Value-Added
- 20 - Direct net Additionally
- 21 - Indirect net Additionally
- 22 - Displacement
- 23 - Median

منابع:

هاشمی، سید مضاف (۱۳۹۱) جایگاه درآمدهای پایدار در تحقق توسعه پایدار شهری در کلانشهرهای ایران، مطالعه موردی کلانشهر تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گفته شد، باید توجه کرد که دستگاه پرداخت کمک، اغلب هدف‌های چندگانه و گاه ناسازگاری را دنبال می‌کند که در میان آنها، هدف افزایش مخارج شهرداری می‌تواند کمترین اولویت را داشته باشد. با وجود توجیح اقتصاددانان برای همخوانی تصمیمات مربوط به مخارج شهرداری و سطوح مالیات محلی (برای بهبود کارایی تخصیصی)، احتمال ندارد که تغییرات سطوح مالیات محلی از سالی به سال دیگر، فقط بازتابی از مخارج شهرداری باشد. این مقصود، فقط زمانی قابل دستیابی است که کمک بلاعوض به صورت کامل از میان رفته باشد. اگر از هدف یکسان‌سازی مخارج سرانه شهرداری‌ها در کل چشم‌پوشیم (یا چنین کاری برحسب کل مخارج شهرداری‌ها ناچیز باشد)، این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید کمک بلاعوض پرداخت شود. در این صورت کمک‌های بلاعوض مشخص، همچنان کارکرد خواهد داشت و این کمک‌ها موجب گسترش خدمات معین، برای خشی کردن شکست بازار خواهد شد. به جز این مورد، تنها توجیه برای پرداخت کمک بدون عوض دولت آن است که این کمک‌ها در گذشته همواره پرداخت می‌شده‌اند و مالیات محلی به عنوان تنها منبع تأمین مالی انواع خدمات شهرداری کافی نیست و این خود، گویای آنست که راه حل حسابدهی محلی نه در شکل کمک بدون عوض بلکه در شکل مالیات‌بندی محلی نهفته است.

تأمین مالی کامل هزینه‌های شهرداری از راه مالیات محلی موجب پراکنجتن حسابدهی محلی به خاطر خود آن خواهد بود؛ زیرا در این صورت تضایفه شکست بازار و اثر سرریز نادیده گرفته می‌شود. این کار به قیمت نادیده گرفتن استانداردهای پذیرفتنی از دید اجتماعی برای خدمات همگانی در تمام بخش‌های کشور نیز تمام خواهد شد. گفتنی است که اگر نسبت کمک بلاعوض به مالیات‌های محلی به میزان درخور توجهی بالا باشد، مسئله حسابدهی زیر سؤال می‌رود. همچنین نباید میان اعطای کمک بیشتر دولت با دستیابی به برابری بیشتر در مخارج سرانه نیازها و منابع، آشفتگی پدید

اثر صادرات نفتی و غیرنفتی بر رشد اقتصادی

■ علی اکبر گل محمدی، کارشناس مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی



مقدمه

امروزه صادرات به عنوان یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی در افزایش تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی مطرح می‌شود و از آنجا که بازرگانی کشور طی سال‌های برنامه‌های اول تا سوم توسعه، مسیر پر فراز و نشیبی را طی کرده است، این موضوع که صادرات نفتی برای رشد اقتصادی متناسب‌تر است یا صادرات غیر نفتی، بسیار درخور اهمیت و توجه شده است؛ بنابراین در این تحقیق به مقایسه آثار این دو بر رشد اقتصادی پرداخته‌ایم. به همین دلیل در ابتدا اثر صادرات نفتی روی رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده، سپس پیامدهای کلان بی‌ثباتی صادراتی را بیان کرده، در ادامه پس از بیان علت به کارگیری صادرات غیرنفتی، راهکارها و برنامه‌ریزی توسعه صادرات غیرنفتی را آورده و در نهایت، پس از بررسی راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی در ایران، به نتیجه‌گیری از تحقیق پرداخته‌ایم.

صادرات نفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی

به طور کلی، یکی از مهم‌ترین مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم، تک محصولی بودن و وابستگی اقتصاد آنها به صدور مواد خام و اولیه است که آثاری منفی را بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی به جا گذاشته است. از آنجا که بخش بزرگی از درآمدهای ارزی این کشورها فقط یا صدور

یک یا چند قلم مواد خام و اولیه به دست می‌آید، در برابر ناملایمات و فشارهای خارجی، ساختاری بسیار ضعیف و شکننده (حداقل در بلند مدت) دارند و بدیهی است که در چنین شرایطی، هرگونه نوسان غیرعادی که در قیمت کالا یا کالاهایی که منابع اصلی درآمد این کشورها را تشکیل می‌دهند، به وجود آید، آثار پرآمنه‌ای بر ساختار اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی آنها به جا خواهد گذاشت؛ به عنوان مثال، تحقق نیافتن درآمدهای از قبل پیش‌بینی شده می‌تواند قسمتی از برنامه‌های توسعه را تعطیل کند و در عمل، اقتصاد از رسیدن به نرخ رشد مورد نظر ناگام بماند. در چنین شرایطی، بی‌ثباتی صادرات نفت با رشد اقتصادی رابطه‌ای منفی پیدا می‌کند. از سوی دیگر، ممکن است در شرایطی این رابطه مثبت گردد. هرگاه عامل بی‌ثباتی به شرایط نامطمئن منجر و سبب کاهش مصرف و در مقابل افزایش پس‌انداز و سرمایه‌گذاری شود، نتیجه آن رشد اقتصادی است. همچنین افزایش درآمدهای نفتی بیش از مقادیر پیش‌بینی شده (که روند پائین تعریف می‌شود) نیز ممکن است نتایج متفاوتی به دنبال داشته باشد. مزاد درآمدهای ایجاد شده می‌تواند به افزایش توان اقتصادی کشور منجر شود و به طرح‌ها و برنامه‌هایی اختصاص پیدا کند که به توسعه بیشتر کشور بینجامد و از سوی دیگر، ممکن است کشور را به دام برنامه‌های بلند پروازانه گرفتار کند و سبب نامتدالی‌های اقتصادی نظیر

کسری بودجه، کسری تواز پرداخت‌ها، کسری بازرگانی خارجی و حتی شکاف سرمایه‌گذاری پس‌انداز شود.

پیامدهای کلان بی‌ثباتی صادراتی

بر اساس نظریه‌های تجارت بین‌الملل، کشورهای در حال توسعه به دلیل برخورداری از مزیت‌های نسبی و فراوانی نهاده‌های تولیدی از تخصص‌های اولیه اقتصادی بهره‌مند می‌شوند. همچنین، وفور نهاده‌های تولیدی در این کشورها، ورود سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را بیشتر می‌کند. در همین حال، برخی از اقتصاددانان توسعه تخصص‌گرایی بین‌المللی^۱ را به دلیل وابستگی شدید اقتصاد به کالاهای صادراتی مورد انتقاد قرار می‌دهند. این گروه معتقدند که تخصص‌گرایی بین‌المللی در صدور کالا برای یک کشور منجر به وابستگی شدید اقتصاد آن کشور به درآمدهای صادراتی و به دلیل غیرقابل پیش‌بینی بودن قیمت کالاهای صادراتی، در صورت نوسانات شدید قیمت، درآمدهای صادراتی نیز دستخوش بی‌ثباتی می‌شوند که بر کل اقتصاد اثر منفی خواهد گذاشت. به عبارت دیگر، در کشورهای در حال توسعه، صادرات به عنوان یک نهاده‌ی تولیدی (مواد اولیه و واسطه‌ای) رفتار می‌کند؛ زیرا در اغلب این کشورها، سهم اعظم واردات را کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که به عنوان یک نهاده تولیدی استفاده می‌شود، تشکیل می‌دهند و چون منابع تأمین مالی این نوع واردات از محل درآمدهای صادراتی است؛ لذا بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی منجر به اختلال در واردات این نوع از نهاده‌های تولیدی می‌شود و به دنبال آن، رشد اقتصادی را متأثر می‌کند.

تغییرپذیری و نوسانات قیمت، به نوسانات کلان اقتصادی، بی‌ثباتی درآمد ملی و ایجاد شکاف میان مزیت‌های بالقوه و مؤثر ناشی از تخصص‌گرایی بین‌المللی منجر می‌شود. در نظریه‌های سستی توسعه اقتصادی، بر پیامدهای منفی بی‌ثباتی کلان اقتصادی تأکید فراوانی شده است. براساس نظریه میردال (۱۹۵۸)^۲ بی‌ثباتی قیمت محصولات صادراتی در شرایطی که قیمت به سمت پایین چسبیده باشد، منجر به تورم در اقتصاد می‌شود. در این شرایط، کسری بودجه چرخه معکوبی از خود نشان می‌دهد که واکنش بهینه در جهت تعادل اقتصادی است و به دلیل وجود اثر چرخ دنده‌ای^۳، میان کسری بودجه و بی‌ثباتی درآمدهای صادراتی رابطه مثبتی مشاهده می‌شود. براساس نظریه نورکس (۱۹۶۲)^۴ و قبل از آن کینز (۱۹۳۸) بی‌ثباتی کلان اقتصادی به نااطمینانی در اقتصاد می‌انجامد که بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و پیشرفت‌های تکنولوژیکی آثار منفی خواهد گذاشت. در این رابطه، کینز معتقد است که نااطمینانی زمانی رخ می‌دهد که هیچ پایه علمی

برای پیش‌بینی نوسانات احتمالی وجود نداشته باشد؛ البته پیشرفت‌های اخیر در انیفات خطرپذیری، این امکان را فراهم آورده تا از محاسبات آن در این رابطه استفاده شود. چنین تفکراتی در معالعات بعدی از سوی هیرشمن (۱۹۵۸)^۵ و فریدمن (۵۷-۱۹۵۴)^۶ مبتنی بر رویکردهای مختلف به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. هیرشمن دریافت که نوسانات درآمدهای صادراتی در کوتاه مدت به طور قابل توجهی واردات کالاهای ساخته شده را کاهش می‌دهد، که به نفع صنایع تولید داخلی خواهد بود. این منفعت، ناشی از آثار رخدادهای مثبت راهبرد جانشین واردات^۷ بر رشد اقتصادی است. فریدمن در این رابطه اشاره می‌کند که براساس نظریه درآمد دایمی، بی‌ثباتی درآمدی منجر به افزایش نرخ پس‌انداز می‌شود؛ لذا آزادسازی بازار کالاهای اولیه، سهم درآمدهای صادراتی را از بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی منتقل می‌کند. به همین دلیل است که فرضیه درآمد دایمی فریدمن یکی از محورهای اصلی در مباحث مدیریت خطرپذیری محسوب می‌شود.

علت به کارگیری صادرات غیرنفتی

بر اساس تحقیقاتی که کنفرانس توسعه و تجارت سازمان ملل (آنکتاد) انجام داده است؛ طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ شاخص قیمت مواد خام اولیه، یعنی منبع اصلی درآمد کشورهای جهان سوم، به طور چشمگیری کاهش یافت و این مسئله تعدادی از آنها را ناگزیر به بازرگانی در ساختار اقتصادی خود کرد تا نوعی در صادرات خود به وجود آورند. برای نمونه، می‌توان به کشور مائزی اشاره کرد که تا ۱۵ سال پیش، منابع درآمدی محدودی داشت و بخش اصلی نیازهای خود را فقط از طریق صدور نفت خام، فلز و کائوچو تأمین می‌کرد، اما الهام گرفتن از موفقیت‌های اقتصادی - تجاری کشورهایمانند سنگاپور، تایوان، کره، هنگ‌کنگ و حتی تایلند، به ویژه در زمینه توسعه صادرات، این کشور را نیز به تنظیم راهکار درازمدت توسعه صنعتی و تنوع بخشیدن به منابع درآمد ارزی خود ترغیب کرد؛ به گونه‌ای که موفق شد طی یک دوره هفت‌ساله ارزش صادرات غیرنفتی خود را از ۲۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۹ به حدود ۷۴ میلیارد ریال در سال ۱۹۹۵ میلادی افزایش دهد. موفقیت‌های اقتصادی این کشورها طی دو دهه اخیر به خوبی ثابت کرد که رشد و توسعه صادرات را باید یکی از مهم‌ترین نیروهای محرکه توسعه اقتصادی هر کشور و کلید رهایی از بسیاری از وابستگی‌ها دانست.

طی دو دهه اخیر، اتخاذ راهبرد بروزرنگر و توسعه صادرات، به ویژه در دسته‌ای از کشورهای جنوب شرقی آسیا نظیر کره جنوبی، تایلند و اندونزی، اهمیت صادرات را به عنوان یک منبع مهم تأمین ارز و موتور

رشد اقتصادی آشکار کرد. معجزه کشورهای جنوب شرقی آسیا می‌تواند به عنوان راهکارهای مهم برای برنامه‌ریزی رشد اقتصادی سایر کشورها محسوب شود، اما ترکیب کالاهای صادراتی از اهمیت دیگری برخوردار است. به اعتقاد آگاهان مسائل اقتصادی، اتکا به درآمدهای حاصل از صدور نفت خام، از چند دهه پیش مانع از آن شده که مسئولان برنامه‌ریز، برای ایجاد تنوع درآمد ارزی و توسعه صادرات کشور به نحو اساسی چاره اندیشی کنند.

کشور ما به علت افزایش شدید جمعیت، کاهش ذخایر نفتی، نزول تدریجی بازده چاه‌ها، بالا رفتن هزینه استخراج، اطمینان نداشتن به آینده بازار جهانی، تغییرات قیمت نفت، ترمیم خسارت‌های حاصل از جنگ هشت‌ساله عراق علیه ایران، بازسازی اقتصاد و افزایش تعهدات برای بازسازی، توسعه و تغذیه جمعیت جوان، به اورژانسی نیازمند خواهد بود. در نتیجه، راهی جز تأکید بیشتر بر صادرات غیرنفتی در پیش ندارد. بخش وسیعی از صنایع ایران با فرسودگی ماشین‌آلات و فناوری روبرو است و به بازسازی و فناوری‌های جانشین نیاز دارد. از این گذشته، روند افزایش مصرف داخلی به حدی است که تداوم صادرات نفت را در آینده با تردید جدی مواجه می‌کند که بنا بر پیش‌بینی‌ها، در صورت تداوم رشد فعلی مصرف داخلی، طی ۱۲ سال آینده صادرات نفت به صفر خواهد رسید.

مجموعه عوامل مورد اشاره، آشکار می‌کند که برای رسیدن به اقتصاد بدون نفت باید راهبرد توسعه ملی و صادراتی کشور را بازنگری کرد و حضور اقتصادی ایران را در بازارهای جهانی افزایش داد. بدون در نظر گرفتن موارد یاد شده با نگاهی گذرا می‌توان دریافت که ایران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۳ هجری شمسی (به جز سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳) مقارن با ملی شدن صنعت نفت و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های صحیح، حمایت از تولیدات کشور و تشویق مردم به خرید کالاهای داخلی، پیوسته با کسری بودجه مواجه بوده است. متأسفانه بودجه کشور همواره بر صادرات هرچه بیشتر نفت اتکا داشته تا بتواند پاسخگوی وارداتی باشد که بیشتر حاصل پیشرفت نکردن کشور از نظر فناوری بوده است. اقتصاد کشور ما به دلیل اتکا به نفت خام، اقتصادی تک محصولی دارد که برای رهایی از این تنگنا باید عوامل بنیادی جامعه را برای تنوع بخشی به صادرات غیرنفتی به کار گرفت.

بر اساس آمار به دست آمده، طی چند دهه اخیر توجه به رشد و توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی در ایران فقط زمانی قوت گرفته که صادرات نفت خام و درآمدهای حاصل از فروش آن به گونه‌ای دستخوش رکود یا کاهش شده و فقط به دنبال بروز چنین شرایط

بحرانی، برای رشد و توسعه صادرات غیرنفتی تلاش شده است.

راهکارها و برنامه‌ریزی توسعه صادرات غیرنفتی

بخش خصوصی با همه تجارب و ظرفیت‌هایش باید پا به عرصه عمل گذارد و با عزم جدی وارد بازار صادرات کالا و خدمات شود. بدیهی است که باید با استفاده از ساختارهای سنتی و در عین حال، بهره‌گیری از فناوری مدرن بازرگانی و شرایط موجود، جایگاه صادرات غیرنفتی را ارتقا بخشید. در این راستا، کسب اطلاعات تجاری، تبادل هیأت‌های بازرگانی، انتشار جرمه‌های اطلاعاتی، تشکیل کلاس‌های آموزشی و برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی و بازرگانی در داخل و خارج از کشور، عوامل مهمی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. تربیت متخصصان در رشته‌هایی مانند بانکداری بین‌المللی، کالوشناسی بیمه حمل و نقل، کارگزاری، بازاریابی و مدیریت مالی نیز از راهکارهایی هستند که ابزارهای ضروری برای صادرات غیرنفتی را تقویت خواهند کرد. تبلیغات در این رشته باید از فناوری روز بهره‌برد و از استمرار برخوردار باشد؛ زیرا معرفی و تبلیغات مؤثر، زمینه‌های مناسبی را برای گسترش صادرات خدمات و کالاهای غیرنفتی فراهم می‌کند.

نیروی محرکه اصلی در هر حرکت اقتصادی، درآمد حاصل از آن حرکت است تا پس از پوشش هزینه‌ها، سود مورد انتظار معقولی به بار آورد. نرخ خرید ارز حاصل از صادرات، نقش بسزایی در رشد صادرات غیرنفتی دارد؛ بنابراین نرخ آن باید به گونه‌ای تعیین شود که وقتی صادرکننده، ارز حاصل از صادرات را به ریال تبدیل کرد، ضمن پوشش هزینه‌های انجام شده برای صدور کالا، سود معقولی را در مقایسه با سایر بخش‌ها به دست آورد. بیشتر کشورهای در حال توسعه برای تشویق صادرکنندگان، از سیاست‌هایی نظیر بوقراری نرخ بالاتر برای ارز حاصل از صادرات و نرخ معمول به علاوه جایزه یا امتیازاتی برای ارز حاصل از صادرات، در راستای توسعه صادرات استفاده می‌کنند. کاهش دیوانسالاری اداری و تدوین بخشنامه‌های صحیح نیز موجب تقویت صادرات می‌شود.

برای افزایش صادرات لازم است تا سیاست تجارت خارجی تقویت و مذاکراتی برای فراهم آوردن زمینه‌های انعقاد قراردادهای مشترک و توسعه صادرات و دستیابی به توازن نسبی در مبادلات خارجی انجام شود. همچنین در این راستا اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی هماهنگ با سیاست‌های تجاری و صادراتی، استفاده صحیح از نظام ارزی و سیاست‌های ارزی مناسب، تعیین نرخ ارز قابل قبول، بهره‌برداری کامل از سیاست‌های مکمل نظیر

سیاست‌های گمرکی، بازاریابی، اعتبار مناسب، توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در توسعه صادرات و توجه لازم به فناوری نوین اطلاعات ضرورت دارد.

راهبرد توسعه صادرات غیرنفتی در ایران

از دیرباز، انگیزه‌ها و منابع صادرات همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده و بعضی از نظرات آنان حتی با توجه به قدمت ابزار، هنوز هم تازگی خود را حفظ کرده است؛ به عنوان مثال، نظریات اندیشمند بزرگ علم اقتصاد «جان استوارت میل» که با نقل قول و الهام از «دیوید ریکاردو» در سده نوزدهم ارائه شده و به طور خلاصه شامل موارد زیر است:

• به وسیله صادرات، یک کشور قادر به وارد کردن کالاهایی خواهد شد که خود نمی‌تواند تولید کند.
• با توسعه صادرات، نیروهای مولد جهانی در مکان‌ها و بخش‌هایی به کار گرفته می‌شوند که از کارایی و بهره‌وری بیشتری برخوردار باشند و در نتیجه تولید جهانی به حداکثر میزان رشد می‌یابد.
• توسعه صادرات طبیعتاً موجب کاهش قیمت‌ها می‌شود و در نهایت مصرف‌کنندگان از آن منتفع خواهند شد.

• گسترش و تشویق صادرات عاملی است که موجب سازماندهی تولید برای بازارهای بزرگتر و در نتیجه، روش‌های تولیدی مناسب‌تر و کم هزینه‌تر به دلیل فشرده‌گی رقابت در آن بازارها، به کار گرفته می‌شوند.

• حقیقت این است که تولید بیشتر در یک مکان به هر روشی که باشد، در افزایش موجودی نیروهای مولد جهان مؤثر واقع می‌شود. یک ملت ممکن است در سطح اشباع احتیاجات خود با عقب‌افتاده باشد؛ لذا منابع داخلی ممکن است بیکار یا راکد نگه داشته شده باشند. گشایش باب تجارت و توسعه صادرات، علاوه بر آنکه باعث می‌شود مردم با کالاهای جدیدی آشنا شوند، باعث ایجاد انگیزه برای بسج نیروهای هنوز توسعه نیافته ایشان (به وسیله نوعی انقلاب صنعتی) نیز خواهد شد. این عامل موجب ارضای بیشتر نیازها و خلق آرزوهای جدید می‌گردد که در نهایت انگیزه‌ای برای کار و تلاش بیشتر و دستیابی به پس‌انداز و انباشت سرمایه بیشتر برای آینده خواهد شد؛ بنابراین توسعه صادرات موجب افزایش درآمد و اشتغال می‌شود و به علت صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس یا بهبود روش‌های تولیدی، کارایی و بهره‌وری عوامل تولید ارتقا خواهد یافت و چنانچه ظرفیت‌های استفاده نشده تولیدی یا اشتغال ناخس در کشورهای در حال توسعه وجود داشته باشد (که عملاً وجود دارد)، افزایش تولید و صادرات نه تنها قیمت‌های داخلی را افزایش نمی‌دهد، بلکه افزایش کارایی، صرفه‌جویی‌های مقیاس و بهبود تکنیک‌های

تولید، میزان تولید داخلی را (حتی با داده‌های ثابت) گسترش و قیمت‌های کالاهای تولید شده در داخل کشور را کاهش می‌دهد.

در این فراگرد، اگر فقط اشتغال کامل عوامل تولید در جریات توسعه اقتصادی حادث شود، رشد بیشتر تولید محصولات صادراتی ممکن است موجب افزایش قیمت‌های عوامل تولید (دستمزد، بهره و اجاره) به علت مهاجرت داخلی بین صنایع شود. در این مراحل باید توجه داشت که فشار حاصله برای افزایش قیمت کالاهای صادراتی را می‌توان با واردات کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای برطرف کرد و حتی قیمت‌های داخلی را متناسب با شرایط کاهش داد.

از دیدگاه کلان‌کینزی می‌توان به «اثر کینزی» صادرات اشاره کرد. بر اساس نظریه کینز، چون صادرات جزئی از تقاضای کل اقتصاد است، افزایش آن علاوه بر تأثیر مستقیم، از طریق ضربت شتاب، یک اثر غیرمستقیم بر تولید داخلی خواهد گذاشته. دومین اثر صادرات بر رشد اقتصادی می‌تواند ناشی از رشد منابع ارزی باشد. با گسترش سریع صادرات، محدودیت‌های ارزی برای رشد اقتصادی کاهش می‌یابد یا رفع می‌شود که این عامل مهمی برای تسریع در رشد کشورهای در حال توسعه است.

اثر دیگر صادرات بر رشد سریع‌تر اقتصادی را می‌توان از طریق اثر نوکلاسیکی تفسیر کرد. وی معتقد است که رشد سریع‌تر اقتصادی همراه با رشد سریع‌تر تغییرات فناوری است. بر اساس این دیدگاه، رشد سریع صادرات به چهار دلیل با افزایش بهره‌وری همراه خواهد شد:

اول- در مرحله گذار به اقتصاد باز، منابع از بخش‌های غیررقابتی و کم بازده که بر اساس سیاست‌های مبتنی بر نگاه به درون ایجاد شده بودند، به بخش‌های پربازده جدید التأسیس بر مبنای نگاه به بیرون انتقال می‌یابند.

دوم- تجربه توسعه نشان داده است که فعالیت‌های تولیدی صادراتی بازدهی بیشتری دارند؛ چرا که این گونه فعالیت‌ها بر اثر فشار رقابتی بازار جهانی از لحاظ فناوری بهنگام می‌شوند و در رقابت با باواری جهانی موقعیت خود را حفظ می‌کنند.

سوم- فعالیت‌های صادراتی اثر مستقیم بر افزایش بهره‌وری سایر فعالیت‌های تولیدی مرتبط با واحدهای صادراتی دارند؛ زیرا صادرات زمینه انتقال فناوری بین‌المللی را به درون اقتصاد ملی و در درجه اول به واحدهای تغذیه‌کننده واحدهای صادراتی فراهم کرده و فناوری روز را به خدمت این واحدها در می‌آورد.

چهارم- نظام رقابتی شدید، مورد نیاز توسعه صادرات، موجب فشار به آن گونه واحدهای تولیدی می‌شود که کالاهای خود را به بازار داخلی عرضه می‌کنند. در نظام رقابتی برون‌گرا این واحدها از دو جهت تحت فشار

قرار خواهند گرفت. از یک سو باید در مقابل واحدهای تولیدی صادراتی کارا شوند و از سوی دیگر در مقابل کالاهای وارداتی رقیب قرار می‌گیرند. در چنین شرایط و اوضاع و احوالی، این گونه واحدها برای جلوگیری از اضمحلال خود، راهی جز افزایش بهره‌وری و بهنگام سازی خود با دانش روز ندارند.

در این راستا و با توجه به اهمیت موضوع، در چند دهه اخیر مضامین و سیاست‌های متنوعی در راستای افزایش توان رقابتی کشور در راستای توسعه صادرات انجام شده است که در بین اقتصاددانان مجموعه برنامه‌هایی که در راستای این مهم مورد توجه قرار می‌گیرد به راهبردهای توسعه صادرات غیرنفتی شهرت دارند.

بر اساس آمارهای رسمی، میزان صادرات غیرنفتی کشور در نیمه نخست سال ۸۹ با رشد ۵۷/۸ درصدی صادرات غیرنفتی کشور، معادل کل سال ۸۳ رشد داشت که بیانگر عزم جدی مسئولان برای رهایی از وابستگی به صادرات نفت و برنامه‌ریزی برای اقتی روشن‌تر در عرصه صادرات غیرنفتی است. بر اساس ارزیابی‌های انجام شده در صورت تداوم رشد صادرات غیرنفتی این میزان در سال جاری نزدیک به ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود.

بدون تردید برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله باید برنامه‌ریزی دقیقی در خصوص تعیین اهداف و راهکارهای دستیابی به آنها صورت گیرد. این در حالی است که برای تعیین هدف، علاوه بر برنامه‌ریزی، دقت و زمان باید صرف شود. از سوی دیگر پیش از پایان چشم‌انداز ۲۰ ساله باید به برابری صادرات غیرنفتی با صادرات نفتی دست یابیم و این مهم باید به عنوان یک هدف والا سرلوحه کار مسئولان قرار گیرد.

با توجه به اهداف چشم‌انداز، راهبردهای توسعه تجارت، الزامات و روش‌شناسی مناسب، راهکارهای جدید توسعه صادرات غیرنفتی، با نگاهی نو به فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، زیرساخت‌های مورد نیاز توسعه صادرات، توجه به امکانات و محدودیت‌های موجود، ساماندهی و تسهیل بهبود و نوسازی فرآیندهای اجرایی در توسعه صادرات غیرنفتی، بهینه‌سازی زنجیره‌های محصولات و خدمات برای افزایش صادرات، آزادسازی تجارت جهانی (جهانی‌سازی) با نگاهی نو به توانمندی تولید صادرات‌گرا، از موضوعات مهمی است که ما را در ارتقای میزان صادرات غیرنفتی کشور یاری می‌کند.

ذکر این نکته ضروری است که مسائلی چون بهره‌وری پایین و بالا بودن هزینه‌های مالی تولید، چالش‌های رقابتی، الزامات قانونی محدودیت‌ها در روند صادرات، تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. در حالی که مشوق‌ها، مزیت‌های بالقوه و بالفعل در صادرات، الزامات فنی و تکنولوژیکی کشور را در مسیر رسیدن به اهداف

صادراتی قرار می‌دهد.

همچنین چگونگی ایجاد جریان اطلاعات روزآمد با نگاهی به تحولات جهانی در حوزه تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مهارت‌های فنی و تخصصی مورد نیاز صادرات، مدیریت ریسک در صادرات غیرنفتی و شناسایی علمی احتمالات، صدور خدمات فنی و مهندسی فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو، ما را در پی‌موردن مسیر رشد پایدار در سایه توسعه صادرات نفتی یاری می‌رساند.

از سوی دیگر چگونگی بهره‌گیری از ابزارها و روش‌ها، فناوری‌های نوین، زمینه‌سازی تحول آفرین در فرآیند صدور کالا و خدمات، یکپارچه‌سازی و هماهنگی سیاست‌ها و راهبردهای سایر بخش‌های اقتصادی کشور با راهبردهای توسعه صادرات و چگونگی مهارت‌تجارت، میادلات غیررسمی و بررسی عوامل مؤثر بر آن، از جمله تثبیت نرخ ارز (گرانی صادرات و ارزانی واردات) و تأثیر احتمالی منفی اجرای ناقص طرح مالیات بر ارزش افزوده از محورهای دستیابی به اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله است.

در سال‌های گذشته، کشورهایی همچون چین، سنگاپور و مالزی در عرصه صادرات غیرنفتی بسیار موفق عمل کرده‌اند. برنامه صادراتی مالزی تا ۲۰۱۲ میلادی نمونه‌ای است که در آن ۱۰ تا ۱۵ هزار دلار سرانه صادراتی را هدف گرفته است و این اشاره به آن است که کشور ما نیز می‌تواند تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور (سال ۱۳۹۳) به سرانه صادرات ۵۰۰ تا یک هزار دلار دست یابد.

به اعتقاد برخی کارشناسان بازرگانی، در حالی که بازار بزرگ آسیای میانه و قفقاز به روی ایران باز شده است، اما متأسفانه هنوز نتوانسته‌ایم از این بازارها به نحو شایسته‌ای بهره‌گیریم.

صادرات غیرنفتی ایران به این کشورها از ۶۸۱ میلیون دلار در سال ۷۴ به ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۸۳ کاهش یافت. سهم ایران از این بازار اکنون فقط ۲/۵ درصد است؛ در حالی که سهم اتحادیه اروپا از بازار قفقاز ۳۶ درصد و سهم روسیه از بازارهای آسیای میانه ۳۲ درصد، سهم ترکیه ۸ درصد و آمریکا ۶ درصد است.

بر اساس گزارش‌های رسمی در سال ۲۰۰۵ میلادی ارزش تجارت جهانی، معادل ۱۰ تریلیون دلار بود که سهم ایران با احتساب صادرات نفتی ۰/۶۵ درصد و بدون نفت ۰/۱ درصد بوده است و این زنگ هشدار برای توجه جدی به صادرات غیرنفتی یا تکیه بر برنامه‌ریزی‌های منسجم است.

برای رسیدن به اهداف بلندمدت در توسعه صادرات غیرنفتی با بررسی و کنکاش دقیق فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی اقتصاد ایران در حوزه جهانی

شدن، می‌توان به رفع محدودیت‌ها و ضعف‌های موجود در زیرساخت‌های اقتصادی کشور و مرتبط با صادرات پرداخت و حوزه‌های مختلفی چون حمل و نقل، پایانه‌ها، دسته‌بندی، راه‌های ریلی، جاده‌ای، هوایی، دریایی مورد کالبد شکافی قرار گیرد تا با ضعف‌ها و محدودیت‌ها آشنا شویم و نسبت به رفع آنها اقدام کنیم. از سوی دیگر، لازمه بازاریابی مناسب در بازارهای هدف، علاوه بر بهره‌مندی از تبلیغات و بسته‌بندی اثرگذار، دانستن کانال‌های رقابت‌پذیر در بازار جهانی است.

باید با توجه به آزادسازی تجارت جهانی، گرایش به تولید صادرات گرا، مهارت‌های لازم برای صادرات موفق از بسته‌بندی تا تبلیغات با در نظر گرفتن مزیت‌های اقتصاد ایران در چارچوب برنامه‌های توسعه و چشم‌انداز ۲۰ ساله راهبردهای صادراتی کشور در کنار راهبردهای تجارت تهیه و تنظیم شود؛ زیرا نمی‌توان بدون داشتن راهبرد تجاری و برنامه از صادرات بهره قابل توجه برد. هرگونه تناقض در سیاست‌ها و حتی راهبردها در حوزه وزارتخانه‌ها به نوسازی و تحول در اقتصاد ایران لطمه می‌زند؛ بنابراین ضروری است تا در حوزه یکپارچه‌سازی و با توجه به اینکه محاسبه مشوق‌های صادراتی باید دقیق و به نفع صادرات و جهت تشویق این بخش باشند، نرخ‌های صادراتی واقعی تنظیم شوند تا همه ارقام و آمار صادرات روزآمد و بهینه باشند و صادرکنندگان نیز مشوق‌های خود را به نرخ واقعی و روز دریافت کنند.

موافقت با ورود موقت کالا به سهولت تولید و در نتیجه صادرات می‌انجامد و باید ترتیبی اتخاذ شود که با درخواست‌های ورود موقت به طور سریع موافقت گردد.

برای تشویق صادرات مجدد نیز باید علاوه بر پرداخت جوایز متداول صادراتی صادراتی حداقل نیم تا یک درصد جوایز بیشتر به این‌گونه صادرکنندگان اعطاء شود و استفاده از فناوری‌های جدید خصوصاً تجارت الکترونیک در بازرگانی داخلی و خارجی به مبرورتهای جبهش در کشور توسعه یابد.

نتیجه‌گیری

بی‌شک نوسانات و بی‌ثباتی در صادرات نفت به عنوان یکی از عوامل مهم در فقدان ثبات پایدار در اقتصاد کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت مطرح است. این مسئله در مورد ایران نیز به عنوان یکی از کشورهای مهم صادرکننده نفت مصداق خواهد داشت. از آنجا که قسمت اعظم صادرات ایران را محصولات اولیه نظیر نفت خام و مواد اولیه تشکیل می‌دهد و از طرف دیگر وابسته بودن اقتصاد ایران به درآمدهای صادراتی این

گونه مواد، سبب می‌شود در صورت روبه‌رو شدن با نوسانات غیرقابل انتظار و زودگذر در درآمدهای حاصل از این مواد مانند تغییر قیمت آنها، بخش‌های اقتصادی تحت تأثیر قرار گیرند، صادرات غیرنفتی برای مصون ماندن از این مشکل بسیار حائز اهمیت می‌شود. به همین دلیل باید عوامل بنیادی جامعه برای تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی به کار گرفته شود. ■

پی‌نوشت‌ها

1. International Specialization
2. Myrdal(1958)
3. Ratcher Effect
4. Nurkes(1962)
5. Hirschman(1958)
6. Friedman(1954)
7. Import Substitution Strategy

منابع

- ابریمنی، حمید و محسنی، رضا (زمستان ۱۳۸۱)، «نوسانات صادرات نفتی و رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۳.
- شاکری، عباس (زمستان ۱۳۸۳)، «عوامل تعیین‌کننده صادرات غیرنفتی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۱.
- گکسری، ریحانه، اقبالی، خلیصا و حلائی، حمیدرضا (۱۳۸۴)، «بی‌ثباتی صادرات نفت و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفدهم، شماره ۲۲.
- محنت پور، یوسف و خاکپور، حسین (۱۳۸۴)، «ارزیابی میزان صادرات غیرنفتی و اثر آن بر رشد اقتصادی در ایران: یک تحلیل تجربی»، مجله اقتصادی نامی، فرزاد (زمستان ۱۳۸۸)، «بررسی اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر صادرات غیرنفتی»، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۰.
- موشمند، محمود، دانش‌نیا، محمد، عبداللهی، زهرا و اسکندری پور، زهرا (اسفند ۱۳۸۹)، «عوامل مؤثر بر صادرات غیرنفتی در ایران» مجله دانش‌م‌ر توسعه، سال هفدهم، شماره ۳۶.

تراز فرو کاسته‌ی زندگی در پایتخت



■ عباس جلالی

چنان بود که بر زندگی مردم ایران، به ویژه شهرنشینان تأثیری شگرف نهاد؛ مانند بارش برف بسیار سنگین پایتخت در سوم دیماه ۱۳۲۷ که فقط درشکه‌های دو



تصویر ۱

اسیه می‌توانستند آدم‌ها را جابه‌جا کنند؛ چندانکه این انحصار، کرایه‌ی آنها را از دو ریال به پنج ریال افزایش داده بود. در دهم بهمن‌ماه ۱۳۲۸ سیلی بنیان‌کن، زاهدان را که سال پیش باز هم طعمه‌ی سیل شده بود، شست و برد و ۱۵۰ خانه را ویران کرد و ۱۰۰۰ کشته بر جای گذاشت و زمبندزهی سوم بهمن همین سال در تنگگان بوشهر، این آبادی را آوار و باشندگان را کشتار کرد. روزنامه‌ی اطلاعات به تاریخ ۱۵ فروردین ۱۳۲۹ خبر شگفتی را گزارش کرده که نشان از شدت سرما دارد و آن یخ بستن دریای خزر و احتمالاً زوبدها در بندر انزلی (پهلوی) به ستبرای ۴ متر ۱۲ که احتمالاً عدد ۴۰ سانتیمتر می‌تواند باشد؛ زیرا این ستبرای هم برای گذر پیادگان از روی یخ دریا پذیرفتنی است. در گزارش آمده، کسانی که برای خرید ماهی به بندر انزلی رفته بودند، پیاده از روی یخ دریا به قومن بازگشته‌اند. در دهم خرداد همین

پیشزمینه‌ی سند

برای نشان دادن تراز کیفیت زندگی هر شهر در هر بازه‌ی زمانی، بهداشت همگانی و پیامد آن، امید به زندگی، از سازه‌های مهم به‌شمار می‌آیند. تا پیش از انقلاب صنعتی، بسیاری از شهرهای بزرگ جهان چون پاریس و لندن در شرایط بهداشتی و زیست نامسال و نابسامانی بسر می‌بردند و این شرایط دامن اکثریت فرودست جامعه را گرفته بود. در انقلاب صنعتی، بهبود شیوه‌های زندگی و بهداشت، رفته‌رفته جوامع شهری را به سوی بهداشتی‌تر پیش راند، اما در کشورهای غیرصنعتی، شرایط همچنان ناگوار باقی ماند. دشواری‌های سیاسی و اقتصادی، مانع بزرگ دگرگونی‌های اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی بود؛ چندانکه برای بسیاری از آنها حتی تا میانه‌های سده‌ی بیستم، شرایط تغییری نکرده بود. شرایط زیستمانی در تهران روزگار ناصری (۱۲۶۲-۱۳۱۳ ق) استغبار بود و خیزش مشروطه بر پا شده بود تا مگر زندگی را حتی در پایتخت سامان کند. کودتای ۱۲۹۹ خ، سرآغاز رشدی شد که در پارهای زمینه‌ها چندان پایدار نمی‌نمود. به هر روی، همین دگرگونی‌ها، زمینه را برای تغییری گسترده، اما نه چندان عمیق فراهم ساخت. آغاز جنگ دوم جهانی و فروپاشی سلطنت پهلوی یکم (۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خ) و تبعید رضاشاه، همه‌ی آن تغییرات را مسکوت گذاشت. چندانکه سیاست‌زدگی بر همه‌ی کارها چیره گشت و پهلوی دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ خ) و دولت‌های روزگار او را در خود بیچید. تراز زیست اجتماعی و کیفیت زندگی فرو کاسته شد.

بر پایه‌ی خبری از روزنامه‌ی اطلاعات به تاریخ سی‌ام شهریور ۱۳۲۵، پایتخت ایران ۶ هزار مسلول بستری شدنش داشته است. از دیگر سو در سال‌های ۱۳۲۷، ۲۸ و ۲۹ خورشیدی، رخدادهای طبیعی و آب‌وهوایی و ریزش‌های سنگین برف (تصویر یکم) و یخبندان‌ها

۶ شهریور - عباس خلیلی، سردبیر پیشین مجله‌ی بلدیه و مدیر روزنامه‌ی اقدام به نیابت ریاست عمومی اتحاد اسلام انتخاب شد. امروز مسلمان ایران، افغانستان، پاکستان و شوروی به عهده‌ی ایشان قرار گرفت.

۸ شهریور - سیل مدهشی در سراب جاری شد. خسارات و تلفات زیادی بر جای گذازه.

۱۵ شهریور - دولت اعلامیه‌ی برقراری روابط سیاسی با دولت عربستان سعودی را منتشر کرد. به موجب این اعلامیه، زیارت مکه برای ایرانیان آزاد شد.

۱۶ مهر - زلزله شدیدی در مشهد، قوجان، بجنورد، شیروان، باجگیران، درجز [درگز] و کلات نادر رخ داد. سی و یک روستا ویران شد و ۱۰۰۰ نفر کشته و مجروح شدند.

۱۵ آذر - مهندس مهدی بازرگان به ریاست دانشکده فنی انتخاب شد.

۱۵ بهمن - بعد از ظهر امروز اجتماع عظیمی از اعضای حزب توده‌ی ایران به مناسبت سالروز وفات دکتر اوانی بر سر قبر او تشکیل یافت و در این اجتماع سخنانی ایراد گردید.

۱۵ بهمن - ناصر فخرآرایی خبرنگار روزنامه‌ی پرچم پس از شلیک چند تیر به شاه با گلوله‌ی محافظ کشته شد. شاه از این سوءقصد، جان سالم به در برد. بیدرنگ در تهران حکومت نظامی برقرار گردید. حزب توده غیرقانونی اعلام شد.

بررسی سند

سند پیش رو ← (اصل سند) گزارشی است از روزنامه‌ی اطلاعات به تاریخ بیست و هشتم دیماه ۱۳۲۷ خورشیدی. گزارشی با این تیتراژ آغاز می‌شود: «حصه، دفتری و ابله تهران را تهدید می‌کنند» و در زیر تیتراژ آمده: «اکنون هنگامی است که صنف مهندسی ارتش خدمت مؤثری بدفع تهران انجام دهنده آنچه این وضعیت اسفبار را در پایتخت پیش آورده، بی‌گمان در دیگر شهرهای بزرگ آن روزگار نیز تهدیدی جدی بوده است. در مشهد و زاهدان سیلرزه، در سنگان زلزله‌زده و در سرما و یخبندان شدید و پر نم گیلان شرایط و کیفیت زندگی می‌توانست به مراتب بدتر از شهرهای دیگر شده باشد. می‌باید عوامل زیست و زیستگاهی آن روزگار را به خاطر آورد.

خانه با کرسی زغالی، بخاری هیزمی، بخاری تپاله سوز گرم می‌شد. چراغ‌های نفتی گرمابخش، همچون والور، علام‌الدین [= در گفتار مردم آلا دین] نیز چندان شناخته نبود یا عرضی چندانی نداشت تا بهای چراغ‌ها را پایین بیاورد و همگان بهره‌مند شوند. دستگاه‌های برقی گرمایشی که از سیخ و بن وجود خارجی نداشت. سرما در خانه‌ها چنان بود که هر شخصی قانون و رنجور



تصویر ۲ - رختشویی در جوی آب گذرها

ساله، سیلی ویرانگر در بازه‌ی زمانی دو ساعته، شهر مشهد را در خود فرو برد. هزار خانه را ویران کرد و در همان روز نخست ۵۰ جسد از آب گرفته شد. همه‌ی این رخدادها هزینه‌های سنگین بر گرده‌ی جوامع شهری در راه رشد می‌گذاشت. حال نگاهی به رخدادهای سال سند (۱۳۲۷ خ) جوین شرایط زیستگاهی کشور را بهتر نشان خواهد داد.

رخدادهای سال سند

۲۰ فروردین - شهر زاهدان دچار سیل مدهش گردید و بیش از ۱۵۰ خانه ویران شد.

۲۶ فروردین - لایحه‌ی منع کشت تریاک با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد.

۱ اردیبهشت - هیأت وزیران برای اینکه، مستغلات و اراضی واقع در حوزه‌ی تهران عوارض تعیین کرد.

۱۹ اردیبهشت - لایحه‌ی تشکیل مجلس سنا و لایحه‌ی استقلال شهرداری‌ها به مجلس داده شد.

۲۰ خرداد - تظاهرات شدیدی علیه زمامداری هزیر در شهرستان‌های قم، مشهد، اصفهان، قزوین و زاهدان و تظاهرات گال، عکس‌هایی از آیت‌الله کاشانی را در دست داشتند.

۳۰ خرداد - دکتر سلام‌الله جاوید، وزیر کشور فرقه دموکرات آذربایجان و شبستری، رئیس مجلس فرقه به موجب رأی دادگاه زمان جنگ به دو سال زندان محکوم شدند.

۳۱ تیرماه - ارتباط تلفنی بین تهران و لندن برقرار شد.

حصه، دیفتوری و آبله تهران را تهدید می کند

اکنون هنگامی است که صنف مهندسی ارتش خدمت مؤثری بطبق طهران انجام دهد.

امروز نگاهما فقط متوجه صنف مهندسی است که هم وسایل لازم، هم نفرات کافی و هم مهارت و تجربه دارد. در دوره سلطنت اعلیحضرت فقیه و در همین سالهای اخیر هم چند دفعه طهران دست توسل بطرف صنف مهندسی و وسایل موتوروی ارتش دراز کرد و این صنف خدمات مهمی انجام داد.

اکنون نیز تنها باین وسیله است که می توان طهران را از این وضع نامطلوب نجات داد. خدمتی که این صنف انجام میدهد تنها بطبق افراد غیر نظامی بلکه همه کسانی که در طهران سکونت دارند از نظامی و غیر نظامی از این عمل بهره مند میگردند چون اگر شفا نکرده دانه شیخ این امراض وسعتر گردد خزانده سربازها و افسران نیز در خطر خواهند بود و همه اهالی شهر در معرض تهدید مرض قرار خواهند گرفت.

این تذکره تمککات افکار و نظریات عموم اهالی طهران است که بوسیله نامه و تلقین و مذاکره شفاهی بما رسیده و اینکه در روزنامه منمکس میگردند و انتظار داریم مورد توجه قرار گیرد.

در این چند روز از طرف دستگاههای ارتش وسایلی بکار افتاده و اقداماتی شده ولی ایها کافی نیست باید اقدام کامل و جامعی بعمل آید که مخصوصاً معاینه و مجاری آب جنوب شهر کاملاً از برف پاک شود و قابل عبور آب گردد.

۱۳۲۸/۱۱/۱۰

سیل زاهدان و زلزله کنگان

در این هفته دو حادثه تکرار در کشور روی داده است که جریان آن خلق گزارشهایی که باذکره رسیده بود باستحقاق خوانندگان گرامی رسید بکنی حمله سیل زاهدان میباشند که این سیل عظیم قسمت زیادی از شهر را فرا گرفت و خانههای بسیاری از ساکنین را ویرانه ساخت و دیگری وقوع زلزله شدیدی در کنگان نطقه دور افتاده جنوب در نزدیکی خلیج فارس از جمله و تویع بوشهر است که در این منطقه هم خانههای مردم خراب و جسمی زیر آوار ماندند و تلف گردیدند. تلفات این خبر اسباب خوشحوشی گردید زیرا میزان تلفاتی که در گزارشهای رسمی دیده بود، مخاره حضوری، در تلگراف استانداری فارس، فرمانداری بوشهر، رئیس تلگرافخانه سخن وجود داشت میزان تلفات تا جزئی و بالغت تقر هم رسید در صورتیکه پس از رسیدگی در محل واقعه که بوسیله موابیما رفتند و مطالعات بیشتر نمودند معلوم شد تفاوت فاحشی بین رقم دیروز با امروز وجود دارد که این اشتهاد و تفاوت بزرگ آینه تلقینی از نبودن وسیله تحقیق و رسیدگی بوده و روی گزارش شدن کشتی است که از آن محل خود را پس از چند روز به بوشهر رسانیدند. در مراحل گزارش دیروز با امروز تناقض فاحشی دارد و آخرین خبر رسمی که بوسیله سند کل ارتش بدست آمده تلفات در کنگان را در حدود ۳۰ نفر دانسته اند.

نودهایی انبوه برف اکنون قریب سه هفته است که اکثر مجاری آب را مسدود نموده و صدها هزار نفر از سکنه طهران را گرفتار می آید ساخته و تمام حوضها و آب انبار که اکثر آنها شکست و خورده شده و بکنی بی آب است و مردم با وحشت زیادی مخصوصاً در نقاط جنوبی شهر با سطل به تهیه آب می پردازند و اغلب از آبهای راکد و متعفن استفاده می کنند این وضع که مولود نابای و کمیابی آب است مسبب امراض متعدد شده و تعداد زیادی از اهالی شهر را گرفتار حصه و دیفتوری و امراضی نظر آن نموده است.

کسانی که هفتهها است برای نوشتن هم آبی جز آب راکد و بدبو و کوده بهزواران گوه میگرد در دسترس خود ندارند جای تعجب نیست اگر باامراض گوناگون دچار شوند.

این دورنمایی از وضع جنوب شهر طهران است که صدها هزار نفر جمعیت دارد و اکنون بوضع تشرابوری گرفتار شده و گسرن خانههای است که بیمار در آن نباشد وضع موا هم طوری نیست که بتوان امید داشت امروز و فردا برفها آب شود و مجاری آب تمیز و قابل استفاده گردد.

از طرف دیگر بطوری که اطلاع دادیم مرض آبله بطور سری و عمومی در شهر شایع شده و جمع زیادی از خرد و بزرگ را مبتلا ساخته است و متأسفانه مردم برای کوبیدن آبله با آنکه وسایلی آن فراهم میباشد استقبال زیادی نکرده و اطفال خود را در معرض خطر قرار می دهند.

نتیجه آنکه امروز از یک طرف حصه و تیفوئید و امراض مشابه آن و از طرف دیگر مرض خطرناک آبله اهالی طهران را تهدید می کند اقتضای فعلی نیز موبد بر علت شده و چون مردم از بیم سرما بیشتر اوقات خود را در اطراف و پهلوئی بکدیگر میگردانند زمینه برای سرایت این امراض مساعدتر می باشد و باید اطلاع مؤثری تدبیر شد.

چه باید کرد؟

این سؤالی است که همه از بکدیگر میکنند. این خلاصت استقامت همه جا دیده میشود. همه گس میدانند تا وقتی برف خیزانها و مجاری آب پاک نشود نمیتوان آب منازل مخصوصاً محلات جنوب شهر رساند و تا وقتی مردم جز آب آورده بکثافت چیزی ندارند این امراض مهلک و سری روز بروز بیشتر توسعه میابد و بر تعداد مبتلایان و تلفات افزوده میگردد.

برای حل این مشکل فقط یک راه بنظر میرسد و آن این است که صنف مهندسی پادگان طهران با کمک وسایل نقلیه موتوروی ارتش شروع بکار کند مجاری آب را از برف پاک کند. اقدام اساسی و اصلی را برای مبارزه با این امراض و این وضع خطرناک بردارد.

۴۷۷
اخبار
اجتماعی

اصل سند

است و گاه حسگرهایی دارد که خود آب را روان می کند یا می بندد. وضعیت آب رسانی آن روزگار برای اکنونیان حتی قابل تصور هم نیست. آب از دهانهی کاریزهای چند دهگانه به درون جویها و نهلهای رو باز و گلین وارد می شد (تصویر دوم) که همهی کثافتات و فضولات معابر و خانهها نیز در آن سرازیر بود. (طهران قدیم، جعفر شهری، ج ۱، ص ۱۵۶)

البته منبع آب اصلی شهر «آب کرج» نام داشت (تصویر سوم، آب کرج) که - مجرای بازسازی شدهی آن اکنون در بلوار کشاورز بهجا مانده است. برای درک بیشتر وضعیت آب رسانی آن روزگار می باید کتاب پیشگفته را خواند تا دانست چگونه آلودگیهای بیماریزا با هدایت نوک، بیل میرابها از خانههای به

در برابر بیماری تاب نمی آورد و از پای در می آمد. در سند می خوانیم که «نودههای انبوه برف اکنون قریب سه هفته است که اکثر مجاری آب را مسدود نموده» این برفها بهجا ماندهی همان ریزش سنگین سوم دیماه بوده که بر زمین مانده و شدت سرما اجازهی آب شدن را نمی داده است] و صدها هزار نفر از سکنه طهران را گرفتار می آید کرده است. ۱۹ واپسین جمله بیش از پیش شگفت می نماید بی آبی کشیدن صدها نفر آن هم در فصل زمستان! سخن اینست که ما امروزه از موهبتی به نام آب لوله کشی برخورداریم که به دور از هر گونه سرما و گرما، بلندی و آلودگی در هر زمانی که بخواهیم، آب پاکیزه را به طبقات بسیار بالایی برجها و بلند مرتبهها می رساند. آن هم آب سرد و گرم با شیرهایی که اهرمی



تصویر ۲- آب کرج

آن فراهم می‌باشد، استقبال زیادی نکرده و اطفال خود را در معرض خطر قرار می‌دهند! نتیجه آنکه امروز از یک طرف، حصه و تیفونید و امراض مشابهی آن و از طرف دیگر، مرض خطرناک آبله اهالی تهران را تهدید می‌کند... و باید علاج مؤثری اندیشید. چه باید کرد؟ نویسنده ناامید از هر طرح و برنامه از سوی مدیریت شهری که سرپرستی آن با حسام‌الدین دولت‌آبادی (۱۲۸۲-۱۳۶۴ خ) شهردار تهران (از بهمن ۱۳۲۶ تا اسفند ۱۳۲۸) بود، می‌گوید که برای حل این اشکال فقط یک راه به نظر می‌رسد... صنف مهندسی پادگان تهران، [که] با کمک وسایل نقلیه‌ی موتورزی ارتش شروع به کار کند. مجاری آب از برف پاک‌کنند و قدم اساسی و اصلی را برای مبارزه با این امراض و این وضع خطرناک بردارد... نگاه‌ها فقط متوجه صنف مهندسی است که هم وسایل لازم، هم نفرات کافی و هم مهارت و تجربه دارد... ■

منابع:

- ۱) *المجلات ۱۰ ساله، مؤسسه اطلاعات و شرکت ایرانچاپ، چاپ سوم ۱۳۸۷.*
- ۲) *شهری، جعفر؛ طهران قدیم، ج ۱، انتشارات معین، ۱۳۸۱.*
- ۳) *عائلی، باقر؛ روزنامه تاریخ ایران، ج ۲، نشر نامک، چاپ هفتم، ۱۳۸۴.*
- ۴) *موسوی عبادی، علی‌اصغر؛ شهرداریان تهران، از عصر نصیری تا دولت خاتمی، نشر خرم، ۱۳۷۸.*

خانه‌ای دیگر می‌رفت تا انواع بیماری‌ها را به تک‌تک خانه‌های شهر برساند. تهگی و آلودگی در آب انبارها و حوض‌های پر از لای و لجن جا خوش می‌کرد تا آب آشامیدنی گرم بگذارد و «حاکشیری» شود! اکنون در سال ۱۳۲۷) می‌بینیم که همین چرخه مرکب، خود با دشواری دسترسی هم روبه‌رو گردیده است؛ ... تمام حوض‌ها و آب‌انبارها که اکثر آنها شکسته و خرد شده و به کلی بی‌آب است و مردم با رحمت زیادی مخصوصاً در مناطق جنوبی شهر یا سطل به تهیه آب می‌پردازند و اغلب از آب های راگد و متعفن استفاده می‌کنند... این دورتمایی است از وضع جنوب شهر تهران که صدها هزار نفر جمعیت دارد و اکنون... کمتر خانه‌ای است که بیمار در آن نباشد. وضع هوا هم طوری نیست که بتوان امید داشت. از طرف دیگر به‌طوری که اطلاع داریم، مرض آبله به‌طور مسری و عمومی در شهر شایع شده و جمع زیادی از خرد و بزرگ را مبتلا ساخته است و متأسفانه مردم را برای کوبیدن آبله با آنکه وسایل

توان‌های هندوستان کوچک در انتظار سرمایه‌گذاری



راسک (Rask) شهری است با نزدیک به ۹۷۵۰ نفر جمعیت (۱۳۹۰) در استان سیستان و بلوچستان که بر فرازی ۴۰۰ متر از روی دریا بر کرانه‌ی رود سرباز و در یک کیلومتری آن در سرزمینی تپه ماهوری نهاده است. این شهر در فاصله ۱۴۱۰ کیلومتری جنوب خاوری تهران و ۳۶۰ کیلومتری جنوب خاوری زاهدان؛ سر راه ایرانشهر به چابهار نشسته است. راسک را به خاطر ویژگی‌های آب و هوایی، و گیاهی آن «هندوستان کوچک» می‌خوانند. ابراهیم بلوچ متولد ۱۳۵۲. زادگاه وی شهر «پشین» در باختر راسک است. دوره دبیرستان را در چابهار گذراند و زاهی دانشگاه سیستان و بلوچستان شد. در سال ۱۳۷۹، دانشجوی کارشناسی خود را در رشته مهندسی مکانیک دریافت نمود. چند ماهی امور آب «پشین» را به دست داشت و در سال ۱۳۸۱-۸۵ شهردار زادگاهش شد. در این سال به معاونت برنامه‌ریزی عمرانی شهر سراوان گمارده شد و تا سال ۱۳۸۶ در این کار ماند و در این سال بار دیگر شهردار پشین شد که تا سال ۱۳۸۹ در این سمت باقی بود. در همین هنگام به دانشگاه بیرجند رفت تا دانشجویی کارشناسی ارشد را با گرایش «سامانه اطلاعات جغرافیایی» دریافت نماید. وی در همین حال به شهرداری راسک نیز برگزیده شد و اینک برای بار دوم شهردار راسک شده است.

ماندگاری نیروها و مدیریت در یک منطقه را خودش بسازد که این نیز امتیاز محسوب می‌شود.

سوال: آقای شهردار شما متولد پشین هستید و چند دوره نیز شهردار زادگاه خود بوده‌اید. آیا بومی بودن را به لحاظ مدیریت یک شهر امتیاز می‌دانید یا مانع است؟

پاسخ: جمعیت شهر راسک چقدر است؟
راسک به عنوان مرکز شهرستان سرباز ۱۰ هزار نفر جمعیت دارد و نسبت به بقیه مناطق کم جمعیت است. فکر کنم شانزدهمین شهر استان باشد.

- این موضوع را می‌توان از دو جنبه دید: اول اینکه در منطقه ما به دلیل اینکه کم کاری شده، فرهنگ شهرنشینی نداریم و این موضوع نهادینه نیست. دوم اینکه امتیاز است زیرا اگر بومی هر منطقه‌ای بخواهد می‌تواند تحصیل کند و درس بخواند و به شهر خودش خدمت کند. اما شاید آن مناطق از لحاظ فرهنگی آگاهی نداشته باشند و این معضلی است. در این صورت به خاطر وجود ارتباطات فامیلی، ازدید بیشتر کارها عقب مانده و هدف را از یاد برده‌ایم. زیرا توقعات بالا می‌رود و مردم هم به قوانین شهرداری آگاه نیستند و می‌گویند چون آشناسات از خودمان است که این حرف درست نیست، ولی از سوی دیگر یک فرد بومی می‌تواند

سوال: شهر راسک درجه چندم شهری است؟
- شهر درجه چهار است. شهرداری در سال ۱۳۸۰ افتتاح شد. قبل از شهر شدن، در حوزه شهرستان ایرانشهر بود، اما الآن ده سال است که شهر شده است. ما از سال ۸۰ منتظر شدیم تا مرکزیت شهرستان راسک را به دست آوریم. شهرستان سرباز و سه شهر «پشین»، «سرباز» و «راسک» را داریم و سرباز یک شهر دیگر است غیر از مرکزیت شهر.



تولیا: شما چندمین شهردار راسک هستید؟

- بنده چهارمین شهردار هستم.

تولیا: یعنی به طور میانگین هر دو سال ونیم شهردار تغییر می کند.

- بنده در گذشته شهردار شهرستان «پشین» بودم و تقریباً از اواخر سال ۸۹ به عنوان شهردار در راسک شروع به کار کرده‌ام.

تولیا: به نظر شما تغییرات

پایه شهردار در یک شهر، آفتی برای برنامه‌های دراز مدت است.

- بنده قطعاً هستم! حتماً باید یک فرصت چهار ساله‌ای که غیر شورا است به شهردار داده شود تا بتواند آن برنامه‌های از قبل آماده شده و ایده‌هایی را که دارد اجرا کند.

تولیا: شما مکانیک سیالات

خوانده‌اید و به همین دلیل دیدگاه کالبدی بیشتری دارید، اما برای مسائل

اجتماعی فکر می‌کنم چون درازمدت است، به فرصت بیشتری احتیاج است. لاکفل برای اجرای آن آیا به زمانی طولانی احتیاج دارید؟

- بنده این مسأله هست و من فکر می‌کنم این معضلی است در کل کشور. شاید براساس دیدگاه‌هایی که دوستانمان در شورا دارند از زمانی که شهرداری‌ها با شورا همکاری می‌کنند، من در مناطق خودمان این مسئله را مثبت می‌بینم. همین‌که سیستم (دستگاه) شهرداری به شورا داده شده است و سیستم (دستگاه) استانداری هم کمک می‌کند، اما در کل، صددرصد نهادینه نشده است تا بتواند با نهاد مردمی شورا زیاد همکاری کند، زیرا شهرداری‌ها خودکفا هستند، در واقع خودشان باید درآمد داشته باشند از این لحاظ خودشان کارهایشان را انجام می‌دهند.

تولیا: ویژگی جمعی شهر راسک چگونه

است؟

- من فکر می‌کنم نزدیک به ۷۰ درصد جوان است و میانسال کم دارد.

تولیا: آیا این یک فرصت است؟

- قطعاً فرصت است.

تولیا: چه کاری را انجام داده‌اید؟

- ما در ورزش، دو میدانی و فوتبال را زیر پوشش

تولیا: شما چگونه می‌توانید این جوانان را در شهر نگه دارید تا شاید مهاجر فرست نشوید و بتوانید مهاجرپذیر باشید. چون جوانان نیروی کارند باید آنها را نگه داشت. آیا برای این کار اقدامی کرده‌اید.

- ما در شهرداری یک نهاد اجتماعی داریم که علاوه بر این که کارهای عمرانی اداره مثل جدول گذاری، اسفالت، جمع‌آوری زباله که البته اینها از وظایف ذاتی شهرداری است و یک نهاد اجتماعی دیگر که وظیفه ارتباط با مردم را دارد؛ چون هر چه بتوانیم ارتباط قویتری داشته باشیم خیلی موفق‌تر خواهیم بود. دوباره سؤال شما باید عرض کنم که چون راسک در قسمت جنوبی استان است و استان سیستان و بلوچستان از لحاظ درآمد خیلی ضعیف است، به همین خاطر شاید در اجرای برنامه‌های عمرانی آهسته پیش برویم، به لحاظ اینکه اعتبارات را از استان می‌گیریم و تعلق دارایی که دولت می‌دهد به خاطر گستردگی استان و شهرداری کشور نتوانیم برنامه‌های خودمان را سر موقع انجام دهیم، ولی اگر بتوانیم جوانان را جذب کنیم به برنامه‌های اجتماعی محور خود بیا داده‌ایم. مثلاً در بحث ورزش این کار را کرده‌ایم.



درست کردیم ولی باز موفق نشدیم. به غیر از چند مورد از دوستانمان که کمک مالی کرده‌اند که آخرین بار هم بین عبد قریمان وعید غدیر خم بوده است که خود بنده از طرف شهرداری این کار را انجام دادم. ما با کمک رئیس دادگستری استان نزدیک به ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پول جمع کردیم و نزدیک به ۱۲۰ سبد غذایی به خانواده‌های زلزله‌زده شهرستان کمک کردیم. خب این کار شاید وظیفه خود شهرداری نباشد، اما کاری است که به لحاظ اجتماعی شاید سازگار باشد، یعنی شاید مردم بگویند این کارها وظیفه شهرداری نیست، اما ما قبول داریم که هست. زیرا این کارها شاید بتواند خیلی از مسائل را در آینده برای ما آسان کند.

شهریابا: آقای شهردار اقتصاد شهر راسک بیشتر بر چه پایه‌ای استوار است؟

- حدود ۳۰ درصد در کارهای تجارتمی فعالیت دارند و بقیه در کشاورزی مشغول هستند. چون رودخانه سرباز که یکی از پرآبترین رودخانه‌های مشهور کشور است، در کنار آن برنجکاری می‌کنند، میوه گرمسیری می‌کارند و... ما سیستم کازمندی داریم. فاصله ما تا مرز حدود ۲۵ کیلومتر است و بخش باز در مرز غرفه‌دار هستند، بازارچه مرزی داریم، اما خود راسک ندارد. شهر مرزی «پیشین» هست که تا مرز ۲۵ کیلومتر فاصله دارد. به تبع اینکه مردم شهرستان خیلی به هم نزدیک هستند در واقع تاجرهای ما در آنجا هستند. در نقطه صفر مرزی آنهاست که تمکن مالی دارند خودشان غرفه‌دار هستند و مرادوات مرزی را انجام می‌دهند.

شهریابا: بنده نیز منظورم این گروه آدم‌ها هستند که بتوانند کمک مالی کنند. کسانی که دستشان به دهانشان می‌رسد.

- تقریباً رضایت بخش است. اما چون شهر راسک شهرک بوده و زیر ساخت‌هایش آماده نبوده است و الان هم نیست، با اینکه شهر شده است، اصلاً آماده نیست! اما هر نقطه‌ای از شهر را می‌خواهیم شروع کنیم، با

قرار داده‌ایم و تا آنجا که وسعتمان می‌رسید و اعتباری که در شورای شهر داریم کار انجام می‌دهیم؛ مثلاً هزینه رفت و برگشت و لباس را می‌دهیم و این باعث شده است جوانان امیدوار باشند و به سمت ما بیایند. وقتی این اتفاق بیفتد آنها شهرداری را از خودشان می‌دانند و با این دیدگاه که شهرداری فقط وظایفی را که ذکر کردم، ندارد و می‌تواند در جذب افکار و ایده‌های مردم هم موفق باشد و همین جوانان باعث می‌شوند تا خانواده‌ها در بازار و بین مردم عملکرد شهرداری را در حمایت از خودشان بازگو کنند. فکر می‌کنم می‌توانیم موفق باشیم. شورای شهر هر سال یکبار با برگزاری ورزش‌های بومی و محلی و اهدای جوایزی از این ورزش‌ها حمایت می‌کند و مدیریت آن به عهده شهرداری است که باعث جلب نظر جوانان به ما شده است.

شهریابا: فرمایش شما بخشی از قضیه است، اما چیزهای مهم‌تر دیگری در مقابله قرار گرفته است. آیا در راسک ورزشگاه یا استادیوم ساخته شده است؟
- خیر ولی ما حمایت کرده‌ایم، چون امکانات ماشین‌آلات ما خوب است. میدان‌های مختلف را خاکریزی کرده‌ایم و با غلثک صاف کرده‌ایم. دروازه آماده در آن قرار داده‌ایم. همچنین زمینی را به کتابخانه عمومی اختصاص داده‌ایم که به عنوان عملکرد مثبت است و به لحاظ اینکه شهر مرزی است و با توجه به فرهنگی که داریم این کار را انجام می‌دهیم. البته این کم است و علتش نداشتن امکانات و هزینه است.

شهریابا: خوب این جوانان به سنی می‌رسند که قصد ازدواج دارند در بحث مسکن آیا برای آنها کاری انجام داده‌اید؟ مسکن مهر را عرض می‌کنم. چون در این صورت آنها به دلیل نبودن امکانات اینجا را ترک خواهند کرد.

- در مورد مسکن مهر نتوانسته‌ایم کاری انجام دهیم. قطعاً باید از سازمان وام می‌گرفتیم، ولی در آماده‌سازی زمین و صلور پروانه ساخت با ۷۰ درصد تخفیف کار کرده‌ایم این خودش تسویفی است تا بتوانیم بحث مسکن را مطرح کنیم. ما این کارها را انجام داده‌ایم تا بتوانیم از این راه به آنان کمک کنیم.

شهریابا: آیا خیرین و سرمایه‌داران به شما کمک می‌کنند؟

- خیر متأسفانه. نه اینکه شهرداری نخواهد. نه اینکه انجام نداده‌ایم، بلکه ما پیگیری کرده‌ایم. حتی خود بنده به عنوان شهردار شهر برنامه‌ریزی کردم. در راستای کمک به کسانی که توانایی مالی ندارند، حتی مسندونی



اداره «آب و فاضلاب» به لحاظ اینکه می‌خواهد آب آشامیدنی را تأمین کند، دو یا سه چاه حفر کرده است و همین آب را مستقیم پمپاژ می‌کنند و به منبع می‌ریزند و در نهایت وارد لوله‌های آب می‌شود. از لحاظ آب آشامیدنی مشکل نداریم. برای کشاورزی هم خوب استفاده نمی‌شود. البته قسمت پایین دست هنوز با آب موتور کشاورزی می‌کنند. البته قسمت‌هایی که آب می‌رود به سطح «پیشین» می‌رسد و چون دشت است کانال‌هایی که جهاد کشاورزی و امور آب کار کرده‌اند و بانک زمین کار می‌کند، آنجا کشاورزی پر رونق است، اما در حاشیه‌های دشت با آب موتور کار می‌کنند از موتور توربین و قطعات زمین کوچکتر استفاده می‌کنند، چون منطقه کوهستانی است این یک مزیت است، اما از این دید که ما مدیر شهر هستیم و خواهیم کاری را انجام بدهیم، واقعاً برای ما بر هزینه است. کار کشاورزی با اینکه از آب خود رودخانه پمپاژ می‌شود، اما باز هم هزینه‌هایی را در بر دارد.

تورلیا: در سرباز غیر از نخیلات آیا مرکبات دیگری هم وجود دارد.

- بله سرباز به عنوان «هندوستان کوچک» در کشور مطرح است و ما میوه‌های گرمسیری بسیاری داریم. فلفل پرتقال و لیمو به خاطر بیماری که پیدا کرده بودند، دچار مشکل شد، «خرزهره دوختی» که ما به آن پایابا می‌گوییم، البته نخیلات که گفتید، چکنو، زیتون اینها درختان میوه‌ای هستند که اگر سرمایه‌گذاری بشود شاید بتوانیم اقتصاد مردم را تأمین کنیم. البته سرمایه‌گذاری شده است، اما کم است.

حجم عظیمی از تعریض و تخریب مواجه می‌شویم. با این همه مردم دارند همکاری می‌کنند، ولی انتظار آنها چیست؟ مثلاً یکی کل خانه‌اش از بین می‌رود ولی انتظار دارد برایش دیوار بسازیم؟ از لحاظ امور مالی ما داریم کارهایمان را طبقه‌بندی می‌کنیم. مثلاً امسال چقدر پول داریم و در خیابان‌سازی چقدر می‌توان کمک کرد؟ بعضی‌ها که دارند، از ما چیزی نمی‌خواهند. عملاً خودشان تخریب می‌کنند، خودشان می‌سازند و ما برای بازگشایی می‌رویم. به همین دلیل چون اکثر مردم از لحاظ اقتصادی فرودست هستند، انتظار دارند شهرداری کمکشان کند، اما چون ما بودجه نداریم، واقعاً در بحث پیشبرد اهدافمان به کندی پیش می‌رود، اما مشارکت مردمی بالاست.

تورلیا: زیر ساخت‌هایی که در اختیاران هست یا از جایی برای شما رسیده است، چه بوده است؟

- در واقع به شکرانه نظام جمهوری اسلامی از سوخت کافی برخورداریم و برای تأمین گاز از کسول‌های پازده کیلویی استفاده می‌کنیم. بترین و کاروتیل هم در حد رفع نیاز موجود است. خود شهرداری ماشین‌آلات و ساختمان دارد که با کمک سازمان شهرداری‌ها ساخته است. ما کمبود ماشین‌آلات نداریم؛ در واقع سازمان مبلغ کمی از ما می‌گیرد و مبلغ زیادی را خودش می‌دهد و به ما کمک می‌کند.

تورلیا: همان‌طور که شما گفتید رودخانه سرباز نقش عمده را دارد. می‌خواهم بدانم که آیا منبع آب آشامیدنی شهر همین رودخانه است؟

- آب مستقیم از خود رودخانه پمپاژ نمی‌شود. یعنی

می‌گردند. زندگی می‌کنند و قسمتی هم اینجا هستند.

شورلیا: حالا من سوال دیگری دارم. راسک دارای جمعیت سنتی است. شما برای آموزش شهروندی و به روز کردن آنها با مشکل مواجه خواهید شد. مثلاً در زمینه پسماند، آنها باید بدانند و این باور زشت «چاردیواری اختیاری» را باید ترک کنند. باید بدانند در خیابان ریختن و شکستن از فرهنگ شهروندی به دور است. شما برای اینکه این آموزش را بدهید، به زمان زیادی احتیاج دارید. آیا برنامه‌ای دارید؟ در این زمینه چه گام‌هایی برداشته‌اید؟

- اتفاقاً سوال خوبی کردید. بنده در این مدت که شهردار شده‌ام از مدارس کار خود را شروع کرده‌ام. در روابط عمومی یک نفر را داریم. معاون برای واحدهای بخش‌بندی کرده و همان روشی را که در شهر «پیشین» استفاده کردم را در اینجا پیاده کرده‌ام. ما کتابی را با عنوان اصول شهروندی خریدیم. در مدارس اعلام کردیم، چهار دیواری اختیاری نیست! شهر برای همه است و همه در مقابلش مسئولند. به لحاظ اینکه شهر رو به راه است، اما ما نمی‌خواهیم ادعا کنیم که خیلی موفق بوده‌ایم. خیر! ما تازه آغاز کرده‌ایم. اینکه گفتیم می‌خواهیم چه کاری انجام دهیم، هدفمان چیست و اگر مشارکت مردم نباشد ما نمی‌توانیم موفق باشیم. همین که آمدیم مدارس را انتخاب کردیم. همان چیزی که فرمودید قطعاً کودک، راهنمایی برای آینده است. برای فرزندان، و جوانان نیز می‌تواند ما را در این کار کمک کنند. ما در کوهستان پارک همایش برگزار کردیم. بیشتر از فرهنگی‌ها دعوت شد تا ما را کمک کنند. یعنی ما از آموزش ابتدایی شروع کردیم. با توجه به امکانات خود شهرداری و نیروی کم خود شهرداری شروع به کار کردیم.

شورلیا: بسیار خوب است. حالا چیز دیگری که می‌خواستم بگویم، این توصیفی که از رودخانه سرپاز و محیط آن کردید شاید نخیل من باشد ولی محیط زیست خوبی را نشان می‌دهد. با آن چیزهایی که شما تبلیغش کردید. که البته این یک هشدار است برای شهرهایی که این شرایط را دارند چه در مرزهای شمالی و چه در هندوستان کوچک. با افزایش جمعیت و گسترش شهر دو چیز به خطر می‌افتد:

شورلیا: یعنی شما می‌فرمایید که می‌توان راسک را یک باغشهر معرفی کرد؟

- بله. چون که بیشتر مردم در اینجا در خانه‌هایشان حتماً یک درخت دارند: چیکو، پرتقال، انبه، لیمو و من بدون شک این را تأیید می‌کنم.

شورلیا: من می‌خواهم برای شهر ۶ هزارتایی درست کنم.

- خیر ۱۰ هزار تایی. البته در سرشماری من خودم چون معاون سرشماری بودم جمعیتی را که الان اعلام کردم بر اساس سرشماری سال ۹۰ بود که اعلام کردم. که این نتایج چندی پیش اعلام شده است ولی جمعیت سال ۱۳۸۵، بین ۶ هزار و ۵۰۰ تا ۷ هزار نفر بوده است. چون که در آن سال شهر ما مهاجرپذیر و مرکز شهر بوده و به همین دلیل شهرستان محل کسب و درآمد شد و رونق گرفت. مثلاً سانیای و ابران خودرو آمدند. الان جمعیت ماندگارمان همین رقم است ولی باز شهر در صبح جمعیتش دو برابر می‌شود. چونکه همه برای گذران زندگی و خرید به اینجا می‌آیند. اینجا حتی بعضی‌ها مغازه‌دار هستند و جمعیت ما شاید به ۱۵ هزار نفر هم برسد، اما بعد از ساعت دو به همان جمعیت قبلی می‌رسد.

شورلیا: یعنی برای شما این اتفاق نیفتاده است که (به قول پاکستانی‌ها) باشندها از روستا به داخل شهر بیایند زندگی کنند.

- خیر ما روستاهایی داریم که ده تا پانزده کیلومتر از شهر فاصله دارند که آمده‌اند در شهر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. در خود شهر مثلاً آمده‌اند کارهای خود را انجام داده‌اند، اما روستاها هم خالی نشده‌اند و به روستای خودشان باز



یکی محیط زیست شهری و در واقع اطراف، یعنی حومه‌های شهر. اگر شهر چند کیلومتر با رودخانه سرپاز فاصله دارد، حریم غربی و جنوبی به رودخانه چسبیده است. اگر که شما فرض کنید نتوانید قضیه را کنترل کنید سرپاز تبدیل می‌شود به یک «پسماندگاه» حالا کارگاه‌های مساور سازی و بیمارستان‌ها و... ساده‌ترین چیزهایی هست که در آن اتفاق می‌افتد. واقعا این محیط شکننده است برای اینکه یک محیط با توسعه پایدار داشته باشید چه کارهایی را انجام داده‌اید یا می‌خواهید انجام دهید؟

- اتفاقاً امروز که روز آخر نمایندگی است و در خدمت شما هشتم بنده در بحث مدیریت و پسماند شهری کار کردم. در واقع در خدمت رئیس خدمات شهری سازمان بودم. به ایشان که گفتم، در استان پیگیر بنده هم پیگیر هستم. یعنی الان آن دیدگاه که سازمان دارد بحث اینکه نباید مدیریت پسماندها را منطقه‌ای کند. واقعا چیزهایی که اشاره کردید خیلی چیزهای جالبی بودند. اهمیت موضوع را شما گفتید یعنی اگر ما نخواهیم آن اکوسیستم [خریستوم] را به هم بزیم، نیازمند آن هستیم که از طرف استانداری در اسرع وقت، کمک شود. آموزشی مرکز پژوهش استانداری و سازمان

شورای شهر هر سال یکبار با برگزاری ورزش‌های بومی و محلی و اهدای جوایزی از این ورزش‌ها حمایت می‌کند و مدیریت آن به عهده شهرداری است که باعث جلب نظر جوانان به ما شده است

شهرداری‌ها در مورد اینکه ما بتوانیم در شهر ودهیاری و مخصوصاً شهرداری راسک و سرپاز کمک بشود و در وهله اول واقعا مطالعات مدیریت پسماند انجام شود، این فکر راهکاری است تا ما بتوانیم در مسائل پسماند شهر کمک کنیم. موضوع بعدی اینکه باید دستگاه و نهادهای دیگر که مرتبط با این قضیه هستند، مثلاً آب و فاضلاب شهری یا شهرداری همکاری کند. خودم به عنوان شهردار چند بار به زاهدان رفتم و پیگیری کردم. این مسئله الان وجود دارد. بدون روش بایستی عرض می‌کنم که ورود فاضلاب‌های خانگی به داخل رودخانه سرپاز و نهایتاً رسیدن آن به سد آب آشامیدنی پیشین که منطقه عمومی و کشاورزی چابهار را سراب می‌کند، از جمله معضلات این شهرستان است؛ همچنین موضوع مهم دیگر به خطر افتادن زیستگاه «بزهای یا کوتاه» است که فقط در آن منطقه یافت می‌شوند و در جهان منحصر به‌فردند. برای رفع این مشکلات زیست‌محیطی به کمک سازمان‌های آب و فاضلاب و حفاظت محیط زیست نیازمندیم. ما یک شهر آسیب‌پذیر هستیم. من شهردار،

خودم ماشین‌آلات گردآورپ سباب تهیه کرده‌ام. این کار را باید روزانه انجام بدهیم که کار مشکلی است. من باید عکس رقم برای شما ارسال کنم. اینها را داشته باشید و ببینید چه مشکلی داریم! نیازمند نگرش مثبت شما و کمک سازمان استانداری هستیم.

سوال

دسترس به رسانه گروهی چگونه است؟ تلویزیون زاهدان می‌تواند در این زمینه‌ها به شما کمک کند؟ برای مثال، در زمینه انجام پروژه در ناحیه شمال استان مازندران در قلمشهر رودخانه سیاه رود است که آنقدر به داخل آن پسماندهای ناسجی و بیمارستان ریخته شد که رودخانه آتش گرفت! آنقدر آتش سوزی عظیم بود که مردم با تعجب نگاه می‌کردند. این اثرات کوتاه مدت بود، اما اثرات دراز مدت آن این بود که آن رودخانه آبش برای آشامیدن بهره‌برداری می‌شد. اداره بهداشت متوجه شده بود که آلودگی بسیار بالاست. روستاهایی که در کنار این رودخانه بودند در آنها بچه‌های مورتول به دنیا می‌آمدند. تجمع ۲۵ تا ۳۰ سال آلاینده‌ها کار را به اینجا کشانده بود. حالا دیگر خیلی دیر است. جمع کردنش زمان می‌خواهد، زیرا جمعیت در آنجا بسیار زیاد شده است، اما خوشبختانه هنوز جمعیت در راسک و سرپاز زیاد نیست. این شهری که بنده به شما گفتم ۱۸۰ هزار نفر جمعیت داشت در حالی که شما ۱۰ هزار نفر جمعیت دارید و می‌توانید با برنامه‌ریزی، راحت مشکل خودتان را حل کنید. من باز هم روی این قضیه پافشاری دارم که به شورای شهر اصرار کنید! آنها را قانع کنید! که مسائل آموزشی چیزی نیست که اگر امروز انجام دادید، فردا جواب بگیرید. باید به شما فرصت دهند در آینده ده سال، پانزده سال بعد جواب بگیرید.

- من قطعاً حرف شما را با این دیدگاه مثبت کاملاً قبول دارم. من خودم به بحث آموزش رسانه‌ای خیلی اعتقاد دارم من نمی‌گویم ما درصد زیادی از سازمان شهرداری می‌گیریم، اما می‌تواند کمکی باشد. ما شورای شهر خیلی موفق داریم که با دستگاه‌هایی که به این موضوع ربط دارند در این مسائل خیلی به ما کمک می‌کنند. البته باید بدانیم که قطعاً جمعیت به ۶۰ و ۷۰ هزار نفر خواهد رسید که معضلی است. فکر می‌کنم خیلی نیازمند مطالعات هستیم که باید انجام بشود.

سوال

بسیار خوب درباره «هندوستان کوچک» که گفتید، شما از دیدگاه گردشگری در چه موقعیتی هستید؟ چون از مرکز استان دور هستید، خلوت است یا نه؟

- خیلی خلوت و در حد صفر است! ما نمی‌توانیم!

اینه هم نداریم البته به لحاظ اینکه شهرستان سرباز و راسک که مرکز است، ما هم که یک نهاد فرهنگی- اجتماعی هستیم. توانش را داریم باید آن را به کنش درآوریم. البته فقط شهرداری نمی‌تواند در این زمینه فعالیت کند، سازمان گردشگری نیز باید کمک کند. چون که ما هنوز نتوانسته‌ایم اطلاع‌رسانی کنیم. همانطور که شما گفتید شهرستان سرباز و راسک عمر زیادی ندارند، اما در راسک مکانی داریم به اسم کوهستان پارک، یعنی اگر شما به بالای آن بروید می‌توانید راسک را ببینید که چقدر زیباست. بالای کوهی که ارتفاع آن بسیار بالاست، دشتی است که ما داریم بر روی آن مطالعه می‌کنیم، ولی اینکه بخواهیم مردم را در آن مکان جمع کنیم و اطلاع‌رسانی را انجام دهیم، مشکل داریم.

- از لحاظ سنگه آب و زمین اینها را داریم. از لحاظ یک رشته ماشین، ابزار و کمک مالی که به آن نیازمندیم. اگر شهرداری خودش بخواهد این کار را انجام بدهد من به شما قول می‌دهم تا صد سال دیگر هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد، چون ما توان لازم را نداریم. به لحاظ اینکه در پایان ماه دغدغه این را داریم که بینیم می‌توانیم حقوقی بدهیم یا نه؟ که همین الان هم این مشکل را داریم. ما منابع طبیعی را داریم امکاناتش را داریم. می‌توانیم خودمان درآمد داشته باشیم، اگر ما را به مدت یکسال یا دو سال کمک کنند به دلیل اینکه شهرستان جدیدی هستیم مرز مشترکمان ۱۲۰ کیلومتر است. بازار آن طرف این چیزها را از ما خواسته است. بتن آماده و بتن پیشرفته و بحث مسکن مهر و کارگاه تولیدی و مسکن روستایی داریم. یعنی من فکر کرده‌ام و دیده‌ام که اگر این کار انجام شود، نتیجه خواهیم گرفت. باید به ما کمک کنند.

توضیح: دغدغه بسیاری از شهرداری‌ها اینست که به یک درآمد پایدار دست پیدا کنند. آیا شما در این زمینه گامی برداشته‌اید؟ با توجه به امکانات اقتصادی که شما می‌گویید دستیابی به یک درآمد پایدار امکان دارد؟

ورود فاضلاب‌های خانگی به داخل رودخانه سرباز و نهایتاً رسیدن آن به سد آب آشامیدنی پیشین که منطقه عمومی و کشاورزی چابهار را سیراب می‌کند. از جمله معضلات این شهرستان است

- قطعاً ممکن است! یعنی ما توان‌هایی در شهر سرباز داریم که این قضیه را ممکن می‌کند. ولی نیازمند کمک هستیم. البته سازمان شهرداری‌ها اخیراً این موضوع را اعلام کرده است. ولی الان کارهایی که آنها در سازمان اعلام کرده‌اند. شهرداری کوچکی مثل راسک بخواهد آنها را انجام بدهد، توانش را ندارد تا به ما وام بدهند یا کمک مالی کنند که از طریق سازمان به وسیله بانک انجام شود.

توضیح: بسیار خب! الان ده سال از شهر شدن راسک گذشته است. در شهر راسک شما آدم‌هایی که تمکن مالی دارند و در جاهای دوردست هستند را دارید. ممکن است تعدادی از آنها دکتر، مهندس باشند، اگر این گروه آدم‌ها را دارید، پیشنهاد می‌کنم و می‌توانید همایشی را برپا کنید و از تمام راسکی‌هایی که در امریکا، انگلیس و حاشیه‌های خلیج فارس هستند به صورت مجازی دعوتنامه برایشان بفرستید. البته هزینه دارد، اما بکجور مشارکت فکری سرمایه‌های است برای مقاصدی که شما گفتید. این «هندوستان کوچک» باید عملی باشد. یعنی یک رشته منابع طبیعی را البته نمی‌دانم زمین‌های شما چگونه است، باید تبدیل به زمین نباتات شود، زمین گسترده‌ای که انواع گیاهان در آن کاشته شود، حتی گیاهان غیر بومی که می‌تواند در مناطق مشابه رشد کند. حتی می‌توانید در بخش برنده‌ها هم فعالیت کنید که بازده آن بالاست و یک نقطه‌ی گردشگری خواهد بود.

اگر قرار است من به عنوان یک شهردار بتوانم به درآمد پایدار برسم، باید سازمان و آن نهادهایی که ما به طور مستقیم با آنها در ارتباط هستیم، بیایند دست ما را بگیرند، کمک کنند. هدفی را که در سرمایه‌گذاری داریم انجام بدهند، نهایتاً می‌توانیم مشارکتی انجام بدهیم. چون ما سرمایه‌گذار داریم.

توضیح: در چه زمینه‌ای سرمایه‌گذاری انجام می‌دهید؟

- ما به عنوان شهرداری می‌توانیم نمایشگاه مشترک با کشور همسایه، پاکستان داشته باشیم، یا از لحاظ زیرساختی تازه‌تر شویم و حتی خود بنده طراحی کرده بودم و آن را به استانداری فرستادم و پیشنهاد دادم که شهرداری راسک می‌خواهد «بتن پیشرفته» تولید کند.

- درباره پیشنهاد شما بنده موافقم ولی شاید تا به حال جدی به آن فکر نکرده باشیم. که ما به عنوان دهمین سال تأسیس شهرداری همایشی برگزار کنیم. احتمال می‌دهم که نتیجه بگیریم، اما باید مطمئن باشیم که سرمایه‌گذارش را پیدا خواهیم کرد یا نه، چون خود

توضیح: آیا امکانات این کار را دارید؟ - خیر! اما باید در مورد منابع به ما کمک کنند.

توضیح: منظور شما منابع طبیعی است؟



- در بحث مشکلات باید بگویم که ما راهی به عنوان اینکه بتوانیم درآمد پایدار داشته باشیم نداریم و بحث دیگر اینکه بعضی از استان‌ها مثل ما از نظر جنبه مالی ضعیف هستند. اینست که قانونهای مصوب و بخشنامه‌ها اگر یک استثنای قائل شوند، خوب است. مثلاً در بخش مالیات بر ارزش افزوده‌ای که اعلام شده قبلاً برای ما بهتر بود. حداقل می‌توانستیم حقوق و مزایای کارخانه‌هایمان به روز باشد. اما قانون مالیات بر ارزش افزوده آمده است که کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به شهرداری محل کمک کنند. ما که زیر ساختارهایمان آماده نیست و شهر جدید هستیم این مشکل را داریم. بنده خواستار این هستم که یک بنصره جدید بگذارند یا دوستان ببینند. ما را کمک کنند. بنده مطمئن هستم مشکلاتمان حل می‌شود، اگر که به آن رسیدگی شود و در سال‌های آینده چه من باشم و چه همکاران دیگر، حتماً اهداف شهرداری را که داشتن یک محیط زیست و به عنوان یک شهر لب موزی که آبروی جمهوری اسلامی هم است، انجام دهند. یعنی وقتی یک پاکستانی وارد می‌شود و از شهر من به عنوان اولین شهر گذر می‌کند اگر کارهایی که گفتم انجام نشود به مشکل برخورد می‌خورم.

اول درآمد پایدار، قانونی که برای شهرداری‌هاست استثنایی در آن باشد، کارشناسی که می‌خواهند مشکلات ما را دست‌نبدی کنند، ببینند و از نزدیک بشنند با خود ما صحبت کنند همان طور که خود شما لطف کردید به گفتگو نشستید تا این شهر کوچک را بشناسید و به دیگران بشناسانید و دوستانمان ببینند و اینها را از نزدیک ببینند و به ما از لحاظ موقعیتی کمک کنند. ■

شهرداری اگر سودی نبرد فایده ندارد، ما می‌خواهیم یک درآمد پایه داشته باشیم. باغ برای ماست و ما می‌توانیم مشارکتی کار کنیم چون زیرساخت‌هایی برای ساختن باغ لازم داریم که اگر از طرف سازمان شهرداری محترم حمایت بشویم. بنده همین الان به شما قول می‌دهم که حتی می‌توانیم از خود شما و کارشناسان خیرهای که در کنار شما هستند دعوت کنیم که ما را در بحث برنامه‌هایمان یاری بدهند. من این قول را به شما می‌دهم که این راه عنوان یک امکان‌سنجی بسیار جالب پیگیری کنم و امیدوارم بتوانیم نتیجه بگیریم. پیشنهاد خوبی بود و من از آن استقبال می‌کنم.

شمالی: و آخرین پرسش آیا بادهای ۱۲۰ روزه روی زندگی شما اثر دارند؟

- بادهای ۱۲۰ روزه در قسمت شمالی است به اینجا نمی‌رسد، ما بیشتر در قسمت جنوبی هستیم و بادهای بیشتر در استان سیستان و بلوچستان است.

شمالی: این موقعیت بسیار خوب است. فرصتی است برای شما است چون دو بخش شمالی همیشه این مشکل وجود دارد و همه از آن می‌نالند که زندگی آنان را مختل کرده است. به عنوان بخش آخر گفتگو می‌خواستم بدانم آیا مشکلات عمده‌ای که بر سر راهتان است و فکر می‌کنید این مشکلات بعداً برای شما معضلی خواهد شد یا برای همکارانتان مشکل به وجود آورد، وجود دارند و اگر برای آن راهکاری دارید بفرمایید.

بحران گرسنگی، چالشی بر کیفیت زندگی

فرستید قاسملو



از فرصت‌های برابر برخوردار می‌باشد. به عنوان مثال آموزش و پرورش با کیفیت بالا در اختیار دارد. در مقابل امید به زندگی برای دختری که در کشوری فقیر متولد می‌شود ۴۳ سال است (همان). به احتمال زیاد او در همان بدو کودکی با بدی تغذیه روبرو خواهد شد. کمترین مراقبت پزشکی در اختیار دارد. احتمال سوادآموزی او کم است. بسیاری همچون او از ۵ سالگی به کارهای خانگی بدون دستمزد گمارده می‌شوند. برای کمک به تأمین درآمد خانواده خود مجبور به کار کردن بوده و یا چون برده فروخته می‌شود.

در مقاله حاضر موضوع بدی تغذیه و گرسنگی در کشورهای فقیر و زساده‌روی کشورهای ثروتمند در مصرف مواد غذایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. گرسنگی بطور اصولی یک پدیده اجتماعی است. این پدیده به میزان تولید، چگونگی و ساختار توزیع مواد غذایی بستگی دارد. تا دهه‌های پیش کمبود مواد غذایی و نارسایی در توزیع این مواد فحطی^۱ بیار می‌آورد. فحطی، گرسنگی سخت و گسترده را باعث می‌شود. جنگ و خشکسالی عامل اصلی فحطی به شمار می‌رفت. این پدیده بطور اصولی جنبه محلی داشت و بطور معمول وضعی موقتی به شمار می‌رفت. اما، امروزه ماهیت فحطی تغییر کرده است (۲-صص ۷۸۲) در جهان امروز نبود یا کمبود شدید غذا موضوعی محلی و زودگذر نیست. به یک بازه زمانی خاص یا مکانی معین

در مطالعات مربوط به توسعه، کشورهای جهان را به صورت «کشورهای جنوب» و «کشورهای شمال» می‌نامند. در این مورد اصطلاح «کشورهای در حال توسعه»، «کشورهای کمتر توسعه یافته»، «کشورهای با توسعه اقتصادی بیشتر»، کشورهای فقیر و کشورهای غنی (ثروتمند) نیز به کار می‌رود. زیرا «اصطلاحانی چون جهان اول و دوم و سوم در اواخر دهه ۱۹۸۰ با پایان یافتن جنگ سرد، معنای سیاسی خود را از دست دادند» (۱-صص ۲۶۲).

کشورهای «جهان سوم» را در حال توسعه یا توسعه نیافته^۲ نیز می‌نامند (پیشین).

لازم به ذکر است، در سالهای اخیر کشورهای در حال توسعه از نظر اقتصادی عملکرد متفاوتی داشته‌اند. به عنوان مثال مشکلات کشورهای مجاور صحرای اریتریا جدی‌تر شده است. اما، برخی از کشورها از جمله بعضی کشورهای آسیایی، پیشرفت چشمگیری داشته‌اند.

به هر ترتیب، از دیدگاه‌های مختلف و بنابر شاخص‌های گوناگون، تفاوت میان کشورهای فقیر و غنی بسیار زیاد است. از جمله این موارد می‌توان امید به زندگی را نام برد. در این مورد مثال زیر بسیار گویا است. امید به زندگی^۳ برای دختری که در کشوری غنی و توسعه یافته متولد می‌شود ۸۱ سال است. غذای کافی، امکانات بهداشتی و مراقبت‌های پزشکی پیشرفته و ... برای او تضمین شده است. وی در زمینه‌های گوناگون

محدود نمی‌شود، بلکه تمام مردم فقیر جهان را تهدید می‌کند. این پدیده بیش از هر چیز دیگر، بازتاب نابرابری میان کشورهای فقیر و ثروتمند است.

توضیح آنکه، فناوری باعث شده تا تولید مواد غذایی روندی افزایشی داشته باشد. بطوریکه حتی مسائل زیست محیطی با رشد جمعیت نیز مانع پیشرفت آن نبوده است. به کمک پیشرفت فناوری در صنعت ترابری، مشکلات قدیمی توزیع مواد غذایی نیز حل شده یا به کمترین حد ممکن رسیده است. «بنا بر این گرمسنگی امروزه صرفاً مسئله‌ای اجتماعی و اقتصادی است و فقر عامل عمده پدید آمدن آن است» (پیشین).

بیشتر کشورهای پیشرفته صنعتی به کمک فناوری، بیش از نیاز خود مواد غذایی تولید می‌کنند. اگر در مورد بعضی اقلام مازاد تولید نداشته باشند، ثروتمندند، بنابراین به سادگی اقلام مورد نیاز خود را از دیگر نقاط جهان می‌خرند. اما، واقعیت تلخ و نکالنده آنکه با مصرف افراطی، بخش بزرگی از این مواد غذایی دور ریخته می‌شود. به جای آنکه بطور مثال به کشورهای فقیر کمک شود، به بیان روشنتر، در شرایطی که در کشورهای پیشرفته صنعتی هر ساله دور ریز مواد غذایی به میلیون‌ها تن می‌رسد، در گوشه دیگری از جهان مثل آفریقا، می‌توان با قطعه‌ای نان جان کودکی را نجات داد. مزه پسماند: از پنجشنبه ۸ سپتامبر ۲۰۱۳ برابر با ۱۷

شهریور ۱۳۹۲) فیلمی به نام مزه پسماند در سینماهای آلمان به نمایش درآمد. فیلم بوسیله والتین تورن ساخته شده است. این فیلم مستند آلمانی از یک سو گستردگی دور ریز مواد غذایی در کشورهای ثروتمند را به نمایش می‌گذارد، از سوی دیگر نیاز شدید مردم سایر کشورها به این مواد را نشان می‌دهد. فیلم با تصویربرداری هوشمندانه و گفتارهای محکم، مبتنی بر دلیل و برهان، تماشاگران را جذب کرده و به فکر وا می‌دارد. فیلم آنبوده مواد غذایی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای و خودروهایی که روزانه مازاد مواد غذایی را به محل دفن پسماندهای شهری می‌برد را نشان می‌دهد. «بیش از نیمی از مواد غذایی دور ریخته می‌شود، چرا؟ چون در بیشتر موارد، حتی ظاهر یک ماده غذایی بر کیفیت آن برتری داده می‌شود.

«به کمک اسکنر رنگ گوجه فرنگی‌ها بررسی می‌شود، اگر رنگ آنها برابر رنگ دلخواه نباشد، دور ریخته می‌شوند».

«در اتحادیه اروپا هر ساله ۹۰ میلیون تن ماده غذایی دور ریخته می‌شود، چنانچه این حجم بار بوسیله کامیون‌ها بارگیری شود، صافی بی‌امون خط استوا بوجود می‌آید».

در فیلم به دیگر جنبه‌های منفی دور ریز مواد غذایی نیز پرداخته شده است. از جمله زیان‌ها

زیست محیطی مورد بررسی قرار گرفته است. تورن در مزه پسماند به نقل از محقق می‌گوید: پسماند مواد غذایی در حدود ۱۵ درصد انتشار گاز متان را به عهده دارد، در سکناسی دیگر گفته می‌شود: به نصف رساندن پسماندهای غذایی از انتشار گازهای زیان‌آور می‌کاهد، درست مثل اینکه استفاده از خودرو را به نصف برسانیم. تکان‌دهنده‌ترین گفتار فیلم، جمله پایانی آن است، «با دور ریز مواد غذایی اروپا و آمریکای شمالی، می‌توان سه بار گرمسنگان جهان را سیر کرد».

روز جهانی غذا و آمار گرمسنگی: در سال ۱۹۲۵ یکی از کارگزاری‌های تخصصی اصلی متحدان به نام سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) تأسیس شد. هدف از تأسیس این سازمان، هماهنگی فعالیت‌ها برای بهبود تولید غذا، افزایش جوب جنگلی و بهبود سطح تغذیه در سراسر جهان است. این سازمان در بخش کشاورزی و توزیع منابع غذایی اضطراری نیز سرمایه‌گذاری کرده است (۳- ص ۲۲۲).

در سال ۱۹۷۹ م به پیشنهاد این سازمان، سناروز تأسیس آن یعنی ۱۶ اکتبر (۲۴ مهر)، روز جهانی غذا نام گرفت. هر ساله در این روز برنامه‌های مختلفی، اعم از ارائه گزارش و آمار، سخنرانی و ... انجام می‌شود.

آمار گرمسنگان

۸۷۰ میلیون نفر در جهان غذای کافی در اختیار ندارند. این تعداد از سال ۱۹۹۰ م، ۱۳۰ میلیون کاهش یافت، اما، پس از سال ۲۰۰۸ م کاهش تعداد گرمسنگان روندی کند داشته است.

۹۸ درصد گرمسنگان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند، جایی که ۱۵ درصد جمعیت آن به کمبود تغذیه دچارند (پیشین).

نزدیک به ۵۶۳ میلیون نفر گرسنه بیشترین میزان گرمسنگان، در منطقه آسیا و اقیانوسیه جای دارند. این رقم سیر کاهنده (نزولی) دارد.

با وجودیکه زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، ۶۰ درصد آمار گرمسنگی به آنان تعلق دارد.





رقم، ارزش ماهی‌ها و خوراکی‌های دریایی دور ریخته شده را شامل نمی‌شود.

- هر ساله ۲۵۰ میلیارد متر مکعب آب برای تولید حجمی از مواد غذایی مصرف می‌شود که در نهایت به دست مصرف کننده نمی‌رسد. این حجم آب پنج برابر آبی است که هر سال در رودخانه ۳۷۰۰ کیلومتری «ولگا» جریان دارد (ولگا در جنوب روسیه قرار دارد و پرآب‌ترین و طولانی‌ترین رودخانه اروپا است)

- ۵۴ درصد محصولات کشاورزی پیش از رسیدن به بازار، در پروسه برداشت، آماده‌سازی و آبارداری، از بین می‌رود. در این مورد کشورهای در حال توسعه مشکلات بیشتری دارند.

- ۶۶ درصد مواد غذایی در پروسه فرآوری، نوآوری و پس از رسیدن به دست مصرف کننده از بین می‌رود. این مورد بیشتر در کشورهای صنعتی و پیشرفته مشاهده می‌شود.

گزارش یاد شده وجود صدها میلیون گرسنه در جهان را واقعیتی اندوهناک می‌خواند. زیرا، به عقیده کارشناسان امر، میزان مواد غذایی تولیدی در کشورهای مختلف جهان برای تغذیه هفت میلیارد جمعیت امروزی جهان کفایت می‌کند. آنچه این توازن را از میان می‌برد، بیش از هر چیز دیگری، زیاده‌روی جمعی از مردم ثروتمند جهان در مصرف مواد غذایی است.

نتیجه: اکنون که ماه‌های پایانی سال میلادی سپری می‌شود، نزدیک به سیزده سال از سده ۲۱ می‌گذرد. از دهه‌های پایانی سده بیستم تاکنون جهان شاهد پیشرفت‌های چشمگیری بوده است.

دهکده کوچک جهانی عنوانی است که از چند سال

فقر تغذیه‌ای هر ساله دو میلیون و ششصد هزار کودک زیر پنج سال را به کام مرگ می‌کشاند. جمعیتی برابر با یک سوم جمعیت کودکان جهان، نزدیک به ۱۰۰ میلیون کودک (یک ششم کودکان)، در کشورهای در حال توسعه کمبود وزن دارند (همان)

کودکان، زنان باردار و شیرده و سالمندان جزو اقشار آسیب‌پذیر در این حوزه هستند. از هر سه کودک در جهان، یک کودک در جهان گرسنه است. همچنین از هر شش زن باردار یک فرزند متولد شده دچار اختلالات رشدی و در نهایت مرگ، زودرس می‌شود (پیشین).

گزارش دور ریز مواد غذایی

گوازی که در ادامه بخش‌هایی از آن آورده می‌شود، بوسیله سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) و برنامه محیط زیست ملل متحد^۳ تهیه شده است. این گزارش در روز پنجشنبه ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۳ (۲۲ شهریور ۱۳۹۲) همزمان در ناپرویی (پایتخت کنیا) و رم (پایتخت ایتالیا) منتشر شد.

- محصول یک چهارم زمین‌های زیر کشت جهان، بطور مستقیم به منطل پسماند ریخته می‌شود. این در حالی است که گرسنگی و سوءتغذیه جان و سلامت ۸۷۰ میلیون نفر را تهدید می‌کند.

- هر ساله یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تن مواد غذایی در سراسر جهان دور ریخته می‌شود.

- ۲۸ درصد کشتزارهای جهان برای تولید محصولاتی زیر کشت می‌رود، که هرگز برای تغذیه بکار نمی‌رود. میزان خسارت اقتصادی ناشی از دور ریز محصولات کشاورزی، سالانه ۵۶۵ میلیارد یورو برآورد می‌شود. این

پن نوشت‌ها:

- 1-Development
- 2-The South Countries
- 3-The North Countries
- 4-Less Economically Development Countries (LEDC)
- 5-More Economically Developed Countries (MEDC)
- 6-Developing Countries
- 7-Underdeveloped Countries
- 8-Life Expectancy
- 9-Taste the Waste
- 10-ValentinThurn
- 11-United Nations (UN)
- 12-Food and Agriculture Organization (FAO)
- 13-United Nations Environment Programme (UNEP)
- 14-Spiegel Online

منابع:

صحیح‌الکلامه حضرت امیرالمومنین (ع)، مؤلف: سید زهبی
قدس سره، انتشاریه، مترجم: محمد دشتی، ناشر: نا ظهور،
قم ۱۳۸۶.

رامین، علی، کامران قاتی، محمد علی سادات (زیر
نظر)، دانشنامه دانش‌گستر، جلد ششم، مؤسسه علمی-
فرهنگی دانش‌گستر، تهران، ۱۳۸۹.

رامین، علی، کامران قاتی، محمد علی سادات (زیر نظر)،
دانشنامه دانش‌گستر، جلد سی‌دهم، مؤسسه علمی-
فرهنگی دانش‌گستر، تهران، ۱۳۸۹.

رامین، علی، کامران قاتی، محمد علی سادات (زیر نظر)،
دانشنامه دانش‌گستر، جلد نهم، مؤسسه علمی-فرهنگی
دانش‌گستر، تهران، ۱۳۸۹.

State of Food Insecurity in the world, FAO,
2012. www.Wfp.org/fa

خبرگزاری دانشجویان ایران- کد خبر: ۹۲۰۷۳۳۱۲۷۰۷
سه شنبه ۲۳ مهر ۱۳۹۲.

چند سایت خبری و تخصصی دیگر



پیش بر جهان ما نهاده شد. پیشرفت در فن‌آوری،
بویژه پیشرفت در فن‌آوری ارتباطات و اطلاعات،
چنین نامگذاری را به دنبال داشت. در چنین شرایطی،
شوربختانه گرسنگی جمع زیادی از مردمان این کره
خاکی را با بحران واقعی روبرو کرده است. بحرانی که
نه تنها اثر منفی در کیفیت زندگی آنها دارد، بلکه بطور
مستقیم سلامتی و جان ایشان را هدف گرفته است. این
نکته که چرا میلیون‌ها نفر از مردم سراسر جهان از غذای
کافی و مناسب برخوردار نیستند، به واقع به عوامل
گوناگونی بستگی دارد، که شرح همه آنها از حوصله
این مقاله خارج بود. اما مهمترین عامل، واقعتاً فاجعه
بار زیاده‌روی و هدر دادن مواد غذایی بوسه کشورهای
ثروتمند است. نهادهای مسئول، از جمله نهادهای
وابسته به املل متحده هر سانه آمارهای وحشتناکی از
میزان هدر رفتن و دور ریز مواد غذایی ارائه می‌دهند.
عجب آنکه بعضی گزارش‌ها واقعتاً امر را وحیم‌تر از
آنچه ذکر شده می‌دانند. به عنوان مثال و برای نمونه به
نوشته اشینگل آنالین^{۱۲} برخی از کارشناسان میزان هدر
رفتن مواد غذایی را بسیار بیشتر از برآوردهای سازمان
ملل و نزدیک به پنجاه درصد تخمین می‌زنند.

بررسی چنین موضوعاتی شاید تلخ باشد، اما تفکر برانگیز
و عبرت‌آموز است. بویژه آموزه‌های معنوی را یادآور
می‌شود. خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «بخورید
و بیاشامید ولی اسراف نکنید» (۳۱ اعراف).

مولای متقیان حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:
«همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران
قرار داده است. پس فقیری گرسنه نمی‌ماند، جز به
کامیابی توانگری، و خداوند از آنان دریاره گرسنگی
گرسنگان خواهد پرسید» (ص ۵۰۵ حکمت ۳۲۸).

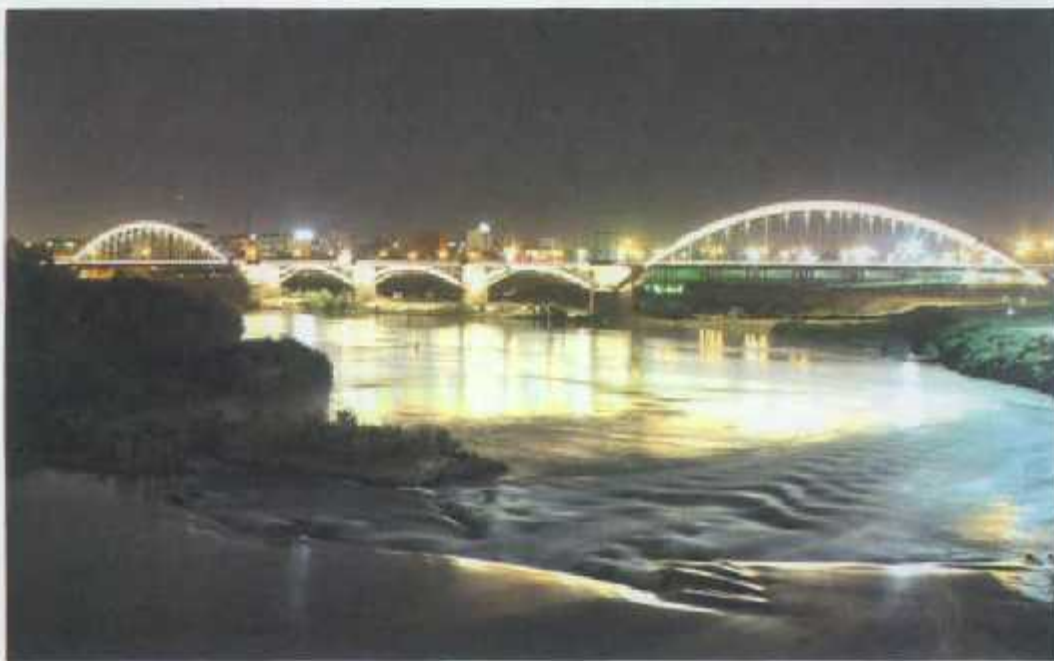
موضوع دیگر اصلاح الگوی مصرف است، که در سال
۱۳۸۸ توسط مقام معظم رهبری (حفظه‌الله تعالی) ترمیم
گردید. بدیهی است موضوعی این چنین با اهمیت جنبه
دائمی و جهانی دارد. با رعایت آن و تهیه مواد غذایی به
میزان مورد نیاز، موضوع بحث این مقاله، از هدر رفتن
و دور ریز مواد غذایی جلوگیری خواهد شد. در نتیجه،
گرسنگی و بی‌آمدهای وحیم آن منتفی می‌گردد. ■

خروش کارون با رنگین کمانی از نور در شبهای اهواز

■ سارا موزرمی، مدیر برنامه‌ریزی سازمان زیباسازی شهرداری اهواز

■ ارسلان شهینی، مدیرعامل سازمان زیباسازی شهرداری اهواز

■ عکاس: میلاد معصومی



مقدمه

نور همواره به عنوان عنصری در جهت رفع نیازهای روحی و جسمی انسان مطرح بوده است. از دیدگاه اعتقادی در بیشتر ادیان، نور جایگاه و ارزش والایی دارد و تعبیری از صداقت، حقیقت و منشأ حضور خداوند تلقی می‌شود. این بیش در دین مبین اسلام و در آیه ۳۵ سوره نور کاملاً نمایان است: *الله نور السموات و الارض. نور همچنان که می‌تواند درون انسان‌ها را روشن کند، محیط اطراف زندگی انسان‌ها را نیز روشن می‌کند و این قدرت را دارد که محیط را از حالت یکنواختی و تاریکی خارج و همه چیز را آشکار و بیدار سازد.* از این روست که از قدیم بیشترین فعالیت‌های بشر در روز انجام می‌شد، ولی اکنون شب‌ها نیز به کمک نورافشانی مصنوعی، برای فعالیت بشر امکان‌پذیر شده است.

زندگی شهری و بالطبع الزامات اقتصادی مرتبط با آن ایجاد می‌کند که دامنه فعالیت‌های انسانی از روز گذشته و تا پاسی از شب ادامه یابد. به این ترتیب، کار و فعالیت شبانه به مرور به قسمتی از زندگی شهری تبدیل شده است. فعالیت‌های شبانه مراکز هنری و تفریحی نظیر سینما، کسرت، تئاتر، رستوران‌ها، پارک‌ها و گردشگاه‌ها

بیشتر مدیون استفاده از نور مصنوعی است. با افزایش حضور شبانه افراد در شهرها، منظرسازی شهری با استفاده از نور در شب نیز اهمیت یافته است. نخستین و مهم‌ترین هدف نورپردازی شبانه به عنوان یک هنر، ایجاد مناظر زیبا با استفاده از نور و عناصر فیزیکی است. امروزه رشد و توسعه فناوری در نورپردازی و بروز خلاقیت در این زمینه، امکانات متناسبی برای پاسخ به تقاضای فراینده شهروندان برای حضور در فعالیت‌های شبانه شهر ایجاد کرده و شهرها را به سمت طراحی شهری متناسب با محیط شبانه و خلق زیبایی‌های شهری در شب سوق داده است. شهر اهواز از جمله این شهرهاست که با استفاده از عناصر طبیعی و نور مصنوعی، بخش‌هایی از آن برای سوازش چشمان شهروندان و ایجاد فرصت حضور مطمئن در این فضاها، زیباسازی و نورپردازی شده است. این تجربه همچنان که از تجارب دیگران بهره برده، می‌تواند برای سایر شهرهای ایران نیز الگو باشد. در این مقاله مروری بر تجربه این شهر در زمینه نورپردازی پل‌هایی روی رود کارون می‌شود. شهر اهواز بزرگ‌ترین شهر و مرکز استان خوزستان و یکی از زیبایی‌های آن عبور رودخانه کارون

از وسط این شهر و پل‌های ساخته شده روی این رود است.

نورپردازی و اهمیت آن در زندگی شهری

نورپردازی شهری، ترکیبی از نورپردازی معاصر، بناها، ملمان شهری، چراغ‌های راهنمایی و رانندگی، صفحه‌های نمایش شهری و نورپردازی‌های مناسبی است که علاوه بر تولید نور برای انجام فعالیت‌ها و کارکردهای شهری در هنگام شب، در ایجاد امنیت، آسایش و جذابیت محیط‌های شهری نیز می‌تواند نقش بسزایی ایفا کند.

نورپردازی موجب احیای زندگی شبانه در شهر و می‌توجهی به این موضوع سبب کاهش امنیت و حضور شهروندان در طول شب در فضاهای شهر می‌شود. استفاده از نور علاوه بر جلوگیری از بزهکاری شبانه و ایجاد حس امنیت، موجب احیای روحیه نشاط و سرزندگی در شهروندان می‌شود؛ لذا در طراحی شهری با هدف بهبود کیفی محیط شهری براساس ادراک و رفتار شهروندان، نباید فقط به منظر شهری در روز محدود شد؛ چرا که در شب نیز بخشی از زندگی شهروندان در فضاهای عمومی شهری جریان می‌یابد.

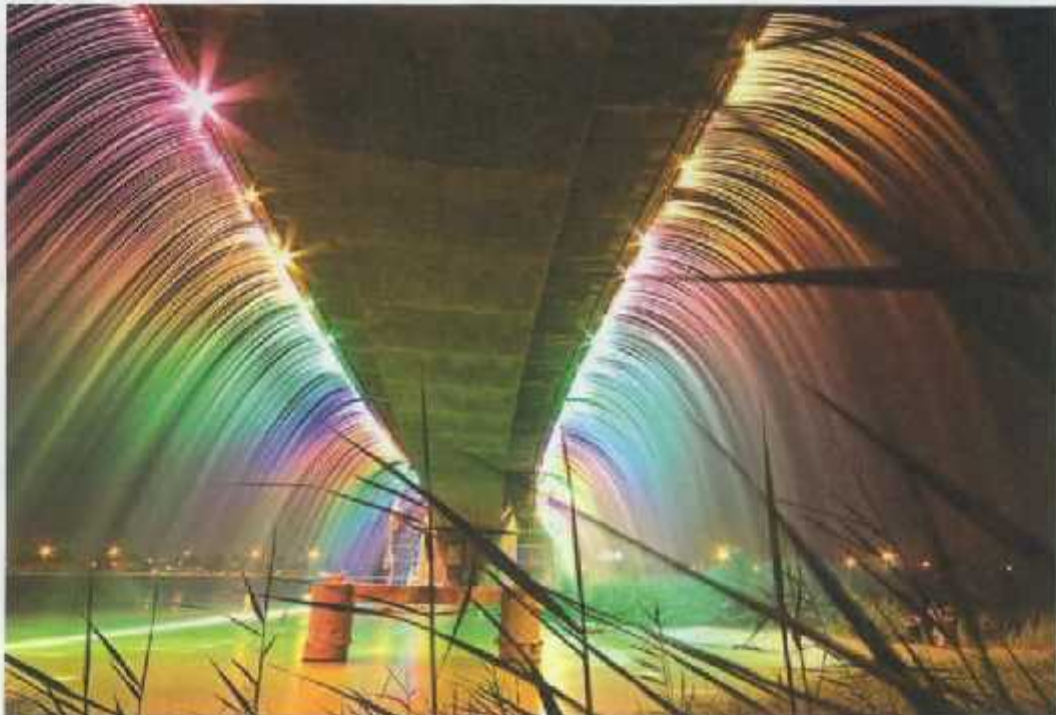
نورپردازی با هدف زیباسازی فضای شهری در شب، در ادامه روشن‌سازی فضای شهری در شب شکل گرفت. گرچه هدف اصلی این دو اقدام، متفاوت است، دومی پس از عادی شدن مسئله تأمین روشنایی برای فضاهای عمومی شهری در شب، بیشتر مورد توجه

قرار گرفته و با هدف بهبود کیفیت فضاهای شهری در شب انجام می‌شود. این شکل از نورپردازی در شهر، کارکردهایی شامل ایجاد امنیت در فضاهای شهری، زنده کردن فضاهای شهری در شب، زیباسازی منظر شهر در شب و تعقیب روحی شهروندان در شب دارد.

نورپردازی از مهم‌ترین عوامل کیفیت، پویایی و سرزندگی آثار معماری و از نظر مفاهیم کیفی و نمادین و نیز از نظر کارکرد عملی از جایگاه ویژه‌ای در رشته معماری برخوردار است. نور در معماری و شهرسازی، عملکردی فراتر از روشن کردن فضا دارد و به عنوان یکی از اجزای اصلی مورد توجه طراحان قرار می‌گیرد. برچسب نیست که لوکوربوزیه، پدر معماری و شهرسازی مدرن، در کتاب «سوی یک معماری نوین» می‌نویسد: «معماری بازی استادانه، صحیح و باشکوه احجام ترکیب‌شده زیر نور است. چشمان ما تربیت شده‌اند که فرم‌ها را زیر نور ببینند، سایه و روشن است که این فرم‌ها را آشکار می‌سازد». معماران دیگری همچون «لویی کان» و «تادو آندو» تعاریفشان از معماری را معطوف به نور نموده‌اند. در بسیاری از رقابت‌های معماری این روزها نیز ارائه اثر، مشروط به طراحی نور برای حیات شبانه اثر است. از سوی دیگر، در مقیاس شهر، ارزش معمارانه بناها به پدیداری آنها در منظر شهری وابسته است و اینکه کالبد یک بنا چگونه دیده می‌شود، مهم‌ترین وجه آن بنا به حساب می‌آید.

اگرچه اولین وظیفه و هدف نور، روشن کردن فضا و فرم‌های ساختمانی است، با این حال نور، چه طبیعی





شهرهای اروپایی در زمینه عدلسازی سیمای شهری در شب پیشروتر از بقیه‌اند. در آلمان در سال‌های اخیر علاقه به این موضوع افزایش یافته است. شهرهایی نظیر فرانکفورت، لایپزیگ، دوسلدورف و... دارای یک نظام سیمای شهری شبانه هستند. شهرهای پکن و شانگهای در چین نیز برنامه‌های خود را در این زمینه به پایان رسانده‌اند.

سابقه نورپردازی در ایران به اواخر سده اول و اوایل سده دوم هجری بازمی‌گردد که در آن ایام روشنایی شهر به وسیله مردم تأمین می‌شد و هرکس می‌توانست بالای درب خانه‌اش چراغی روشن کند. پس از سفر ناصرالدین شاه به فرنگ و مطالعه تشکیلات شهرداری (حدود سال ۱۳۰۰ هجری قمری - ۱۲۵۹ هجری شمسی) اداره‌ای به نام اداره روشنایی تأسیس شد. در آن ایام، چراغ‌های فانوسی در اطراف ارگ و باب همایون و خیابان‌های علامه‌الدوله (فردوسی فعلی) و لاله‌زار بر بالای پایه‌هایی نصب کرده بودند.

این چراغ‌ها می‌بایست هنگام غروب آفتاب توسط مأموران شهرداری روشن می‌شدند. تولید و عرضه ابزار روشنایی شهری در ایران روند روبه رشد خود را در دهه‌های مختلف طی نمود. این هدف از روشنایی در شب امروزه در اکثر شهرهای ایران پیگیری می‌شود. آنچه فراتر از این و با هدف ایجاد جذابیت در فضاهای شهری یا نورپردازی شبانه انجام می‌شود، تجربه محدود و سابقه کوتاهی در ایران دارد.

یکی از این تجارب در تهران روی برج بزرگ میلاد

و چاه مصنوعی، علاوه بر این کارکرد اصلی خویش، می‌تواند نوع معماری را برجسته‌تر نماید، اشتباهات را بپوشاند و پنهان کند، توجه بیننده را جلب نماید یا اینکه باعث شود مکانی مقدس یا امن به نظر برسند. نور در طراحی شهری از کیفیت و ویژگی‌هایی متفاوت از قبیل ابزار اطلاع‌رسانی، شناساندن مناطق و محلات و افزایش باز هویتی مراکز، نمایان کردن نشانه‌ها، میراث فرهنگی و طبیعی و فضاهای شهری همچون پیاده‌راه‌ها و میدانی برخوردار است.

سابقه نورپردازی شهری (تجربیات جهان و ایران)

گرچه نمی‌توان سابقه اقدامات تأمین روشنایی فضاهای عمومی را از نورپردازی شهر در شب را از هم جدا کرد، ولی قدیمی‌ترین فعالیت برای زیباسازی و هویت بخشی به فضاهای شهری با استفاده از نور در شب را در دوره بازرگ می‌توان جست‌وجو کرد. دوره بازرگ همواره یادآور به‌کارگیری نور و رنگ‌های سحرآمیز در داستان‌ها و افسانه‌های آن زمان است؛ چنانچه تأثیر این سبک از نظر لطافت و خیال‌انگیزی، در بوستان‌ها و گردشگاه‌های آن دوره نیز مشهود بوده است.

از آن زمان تاکنون، تحولات شگرفی در زمینه نورپردازی شبانه فضاهای شهری ایجاد شد و تجارب فراوانی در سراسر جهان قابل شناسایی است. تغییرات ایجاد شده در زمینه نورپردازی در دهه‌های اخیر چنان سریع و رو به تکامل بوده که امروزه نورپردازی به عنوان یک دانش تخصصی تلقی می‌شود. برخی



پل، واژه آشنایی برای اهوازی‌هاست و عادت کرده‌اند طلوع و غروب خورشید را از روی پل‌های شهرشان تماشا کنند.

تاکنون ۹ پل بزرگ روی این رودخانه در شهر اهواز ساخته شده است. نخستین پل روی کارون در اهواز در زمان پهلوی اول، همزمان با راهاندازی خط راه‌آهن در کشور ساخته شد. این پل فلزی به دلیل رنگ سیاه بدنه و پایه‌هایش به پل «سیاه» معروف شد. این پل برای عبور قطار از روی رودخانه ایجاد شد که موجب اتصال بندر امام خمینی (ره) به زاهدان سراسری شمال به جنوب می‌شود. این پل درست در محل پل قدیم اهواز (پل شادروان) ساخته شد و در سال ۱۳۰۸ به بهره‌برداری رسید. پل دوم در این شهر نیز فلزی است و با نمایی هلالی آن به نمادی برای شهر اهواز نیز تبدیل شده است. قدمت این پل که در مقابل پل سیاه به سفید شهرت دارد، به سال ۱۳۱۵ بازمی‌گردد. این پل در هلال بزرگ و بیش از ۵۰۰ متر طول و ۹ متر عرض دارد همه قطعات فلزی این پل توسط پیچ و مهره به هم متصل شده‌اند. پل سفید در سال ۱۳۷۸ با شماره ۲۲۹۲ در فهرست آثار ملی قرار گرفت. پس از این نیز ۷ پل دیگر برای تسهیل رفت و آمد سواره و پیاده روی رودخانه کارون در شهر اهواز ساخته شد.

وجود ۹ پل بی‌نظیر در ایران و خاورمیانه که روی رودخانه کارون در شهر اهواز احداث گردیده است، ایده نورپردازی را توسط سازمان زیباسازی شهر اهواز قوت بخشیده و پتانسیلی برای انجام پروژه‌هایی مانند نورپردازی، آب‌نماهای رودخانه‌ای و استفاده هینه از جزایر ایجاد کرده که در ارتقای کیفیت فضای ساحلی

شکل گرفت. این طرح نورپردازی پس از به اتمام رسیدن سازه اصلی برج در سال ۱۳۸۳، توسط یک گروه ایرانی اجرا شد. برج میلاد بلندترین برج ایران، چهارمین برج مخابراتی و هشتمین برج بلند جهان است. نورپردازی این برج با وجود ابتدایی بودنش، بسیار مورد توجه نشریات و مجامع مختلف دنیا قرار گرفت. در سال ۱۳۹۱ نورپردازی حرفه‌ای این برج آغاز شد. در تجربه‌ای دیگر در تهران، برج میدان آزادی در سال ۱۳۸۶، نورپردازی شد. در نورپردازی این برج ۴۵ متری، حدود ۶۰ پروژکتور در اطراف و حدود ۴۰ تا ۴۵ پروژکتور داخل محوطه میدان از منابع نوری LED به کار رفته است. این پروژکتورها قابلیت ترکیب ۱۶ میلیون رنگ را دارند. در قسمت بالایی برج نیز ۸ پروژکتور آسمانی قرار داده شده که قادر است نور را تا ۲ کیلومتر پتاباند که از آن فاصله قابل دیدن است.

تجربه نورپردازی در شهر اهواز

یکی از زیبایی‌هایی طبیعی شهر اهواز، رودخانه کارون است و پل‌ها، نشانه شاخص این رودخانه و شهرند. بر این اساس نورپردازی پل‌ها می‌تواند نقش خود را به عنوان آشکارکننده هویت شهر ایفا کند. عبور رودخانه کارون از میان شهر اهواز و تقسیم آن به دو نیمه شرقی و غربی، ویژگی خاصی به این شهر داده است. از روزگاران قدیم، ساکنان شرق و غرب این شهر برای ارتباط با یکدیگر مجبور بوده‌اند از روی این رودخانه عبور کنند. آنها برای عبور از روی این رودخانه از قایق‌هایی دست‌ساز استفاده می‌کردند و به مرور با گذشت زمان پل‌های متعددی روی کارون ساخته شد.

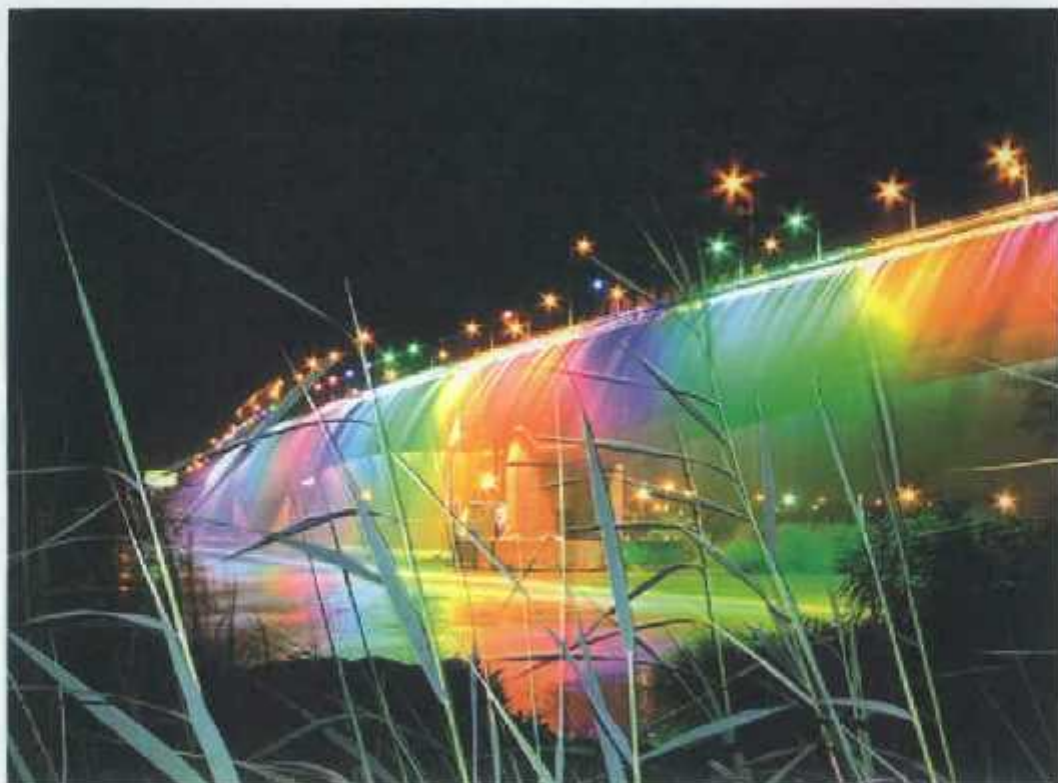
روخانه کارون و خلق شاهکار رنگ و نور، مؤثر بوده‌اند. ترکیبی از ارتفاع پل‌ها، عبور جریان آب و هارمونی رنگ‌هایی که از نورپردازی ایجاد می‌شود، زیبایی شهر و رودخانه را چند برابر کرده و آرامش را برای شهروندان به ارمغان آورده است.

شرایط آب و هوایی شهر اهواز باعث شده که شهروندان، پس از غروب آفتاب با ترائم بالا در فضاهای عمومی شهر حضور داشته باشند. بخش از ساحل رودخانه کارون از مکان‌های گذران اوقات فراغت شبانه در شهر است. این مسئله از سال‌ها پیش به دلیل کشتیرانی‌ها وجود داشته و می‌توان گفت که آب زنده سبب تجمع انسان‌ها در کنار یکدیگر در شب می‌باشد. از این رو پرداختن به این فضای شهری در شب از اهمیت بسزایی برخوردار است. یکی از شاخص‌ترین اقداماتی که می‌توان در این راستا انجام داد، نورپردازی و روشن کردن فضاهایی است که در شب تاریکند؛ از جمله پل‌ها و زیورگذرها که با نورپردازی آنها تغییر بسیاری در چهره شهر ایجاد شده است.

سابقه نورپردازی علمی در شهر اهواز به سال ۱۳۸۸ باز می‌گردد. این فعالیت‌ها با شکل‌گیری سازمان زیباسازی در شهرداری اهواز مصادف شده است. طبق بند ۶ ماده ۸ اساسنامه ۱ سازمان «تهیه طرح جامع روشنایی و نورپردازی فضاها و عناصر شهری» از وظایف این سازمان است. پس از بررسی‌های میدانی و مطالعات

انجام شده در سطح شهر اهواز، ضرورت نورپردازی فضاهای عمومی قوت بیشتری یافت و با تدوین برنامه پنجساله اول توسعه و عمران شهر اهواز (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، این سازمان ۲۶ عنوان طرح نورپردازی (۱۶ عنوان جهت طراحی و اجرای نورپردازی بناهای شهری و ۱۰ عنوان جهت طراحی و اجرای نورپردازی پل‌ها) را برای شهر پیشنهاد داد. تاکنون این سازمان انجام ۶ پروژه نورپردازی پل، یک پروژه نورپردازی و آبشاری رقصان یکصدمتری در دل کارون و یک پروژه نورپردازی بنا را در سطح شهر اهواز به اتمام رسانده است.

مطالعات انجام شده در سال ۱۳۸۸ توسط یکی از شرکت‌های مطرح و مشهور ایتالیایی در زمینه نورپردازی انجام گرفت. مجری این مطالعه، پیرو کاستیلونی بود که یکی از موفق‌ترین نورپردازانی است که نورپردازی بعضی از اماکن باستانی چون شهر «سنت‌زبورگ» و چندین پایتخت اروپایی را اجرا کرده است. بر اساس توافقی که مابین شهرداری اهواز و گروه طراحان ایتالیایی انجام شد، مطالعات و طراحی حاشیه رودخانه کارون، پنج پل روی رودخانه و نیز پارک‌های شهر اهواز مد نظر قرار گرفت که از میان طرح‌های ارائه شده، اولین طرح برای اجرای نورپردازی در شهر اهواز، نورپردازی نماد این شهر، یعنی پل هلالی معروف به پل سفید بود. پس از آن پل‌های دوم، هفتم و هشتم روی رودخانه کارون در شهر اهواز نیز نورپردازی شدند که برخی اقدامات





انجام شده در ادامه بیان می‌شوند.

نورپردازی پل سفید

اهوازی‌ها به این هلال‌ها عادت کرده‌اند و این پل به نماد شهر اهواز تبدیل شده است. پل بیروکلین اولین پل فلزی است، که در جهان ساخته شده و در کمتر از ۵۰ سال از زمان ساخت آن، پایه‌های پل سفید در اهواز بنا شد. قدمت این پل به زمان پهلوی اول برمی‌گردد و مطالعات اولیه ساخت آن توسط شرکتی سوئدی و اداره طرق و شوارع وقت، انجام شده است. پس از آن یک مهندس آلمانی به همراه همسرش، طراحی و ساخت چهارمین پل معلق دنیا را در اهواز آغاز کردند. این پل دو هلال بزرگ دارد و در آن زمان این قطعات فلزی، در کارخانه سوئدی ساخته و به هم متصل شدند و در نهایت در ۱۸ مرداد سال ۱۳۱۲، نخستین قطعه فلزی پل سفید اهواز نصب شد. مهندس آلمانی که وظیفه طراحی و ساخت پل را به عهده داشت، پس از نصب نخستین هلال، از دنیا رفت و مدتی پس از آن، همسرش که در این پروژه او را همراهی می‌کرد، کار را ادامه داد و هلال دوم پل را نصب کرد.

سروانجام پس از ظرفیت‌کاری‌ها و آزمایش پل، ۱۵ آبان‌ماه سال ۱۳۱۵ پل سفید اهواز افتتاح شد. این پل بیش از ۵۰۰ متر طول و ۹ متر عرض دارد. دهانه‌های پل ۱۳۶ و ۱۳۰ متر طول دارند. سه دهانه میانی هم ۲۹ متر و دو دهانه کناری هم ۱۲ و ۲۰ متر طول دارند. نکته

جالب درباره پل سفید این است که همه قطعات فلزی این پل توسط پیچ و مهره به هم متصل شده‌اند. پل سفید اهواز که میدان شهدا در شرق کارون را به منطقه امانیه در غرب این رودخانه متصل می‌کند، در سال ۱۳۷۸ با شماره ۲۲۹۳ در فهرست آثار ملی قرار گرفت.

خصوصیات فنی پروژه نورپردازی پل سفید

در پروژه نورپردازی پل سفید نیز این‌گونه عمل شده و با استفاده از لامپ‌های LED کم‌مصرف، پل سفید در شب روشن می‌شود. نورپردازی پل سفید، نماد شهر اهواز، شامل نمایش و رنگین‌سازی بدنه و ساختار زیبای این پل با عظمت شهر است؛ به‌گونه‌ای که انعکاس چشمگیری را در سطح آب رودخانه ایجاد می‌نماید. در نورپردازی پل از لامپ‌های سفید رنگ استفاده شده و قوس پل با نور سفید روشن می‌شود. همچنین برای نورپردازی پایه‌های پل هم از نور زرد استفاده شده است. لامپ‌های به کار رفته در قوس پل از نوع LED هستند که خاصیت تمرکز نوری دارند و لامپ‌های نصب شده در قسمت پایه‌ها «متال هالید» هستند و نور را پخش می‌کنند با توجه به طول پل سفید، طراحی شبکه کابلینگ این پل به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده است. تمامی کابل‌های استفاده شده در این نورپردازی، استاندارد و ضدآبند و IP ۶۵ از نوع upvc دارند.

جهت جلوگیری از نوسانات برق، تابلوی راه‌انداز و رله‌های محافظ از قبیل رله‌های کاهش ولتاژ و افزایش

جریان در سیستم تعبیه شدند. به این ترتیب، هیچ گونه افزایش جویاتی در سیستم توزیردازی پل وجود ندارد. جهت جلوگیری از ورود گرد و غبار، چراغ‌ها از تعداد IP ۶۶ برخوردارند. هزینه اجرای این توزیردازی در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ دوازده میلیارد ریال بود.

پل هفتم

ساخت این پل از سال ۱۳۷۵ آغاز شد و در بهمن‌ماه سال ۷۷ به بهره‌برداری رسید. این پل نقش مهمی در انتقال ترافیک در دو قسمت شرق و غرب کارون دارد و اتومان آیت‌الله بهبهانی در شرق را به چهارراه توحید در غرب متصل می‌کند. پل هفتم، هلالی زیبا و ۲۹۰ متر طول و ۱۶ متر عرض دارد.

توزیردازی پل هفتم امواز شامل ایجاد آشناری مرکب از آب و نور در سراسر طول پل و نصب چراغ‌های زیباست که رنگین‌کمانی را در این بخش از شهر ایجاد کرده است. این آشنار رنگین، طولانی‌ترین رنگین‌کمان آبی در کشور و خاورمیانه است. پروژه ساخت آشنار و توزیردازی آن علاوه بر کارکرد زیبایی‌شناسی آن، به تلطیف فضا و جذابیت هرچه بیشتر فضاها و سازه‌های خشن شهری پل نیز کمک می‌نماید.

سیستم مکانیکال این فواره شامل ۶ الکترو پمپ است که آب رودخانه را پمپ کرده و پس از فیلتر کردن، از ۲۷۵۰ نازل کاملاً استیل از دو طرف پل به پایین می‌ریزد. طول این آشنار از سمت پل سفید در حدود ۱۵۰ متر

و سمت پل سوم در حدود ۲۰۰ متر است. ارتفاع این آشنار ۳۵ متر است. لوله‌های به‌کار رفته در این پروژه از جنس پلی‌اتیلن و جهت جلوگیری از رسوبات و املاح موجود در آب با اسید قابل‌سست‌وشو هستند. پمپ‌ها با قدرت ۱۵۰ تا ۴۰۰ با دبی ۴۰۰ مترمکعب در ساعت، آب را تا ارتفاع ۳۵ متر پمپاژ می‌کنند. لوله‌های استفاده شده در قسمت مکش از جنس فولاد به قطر ۱۲ اینچ هستند. یک هدر مکش به قطر ۲۰ اینچ در این پروژه تعبیه شده است. لوله‌های رانش که از جنس پلی‌اتیلن هستند، در ۲ قطر ۱۰ اینچ و ۱۲ اینچ استفاده شدند. توان پمپ‌ها نیز هر کدام ۹۰ کیلووات می‌باشد. به این فواره از طریق تابلوهای برق سافت‌درایو برق‌رسانی می‌شود که موجب صرفه‌جویی در استفاده از کابل، جلوگیری از ایجاد حرارت بالا در پمپ‌ها و همچنین جلوگیری از ایجاد ضربه قوچ که از جمله شایع‌ترین عوامل تخریب پمپ‌ها است، می‌شود. برای تأمین برق این پروژه یک پست برق ۷۰۰ کیلوواتی ایجاد شده است. در این پروژه برای توزیردازی آشنار از ۷۵۰ عدد لامپ-LED RGB و همچنین ۸۰ عدد نورافکن استفاده شده است. تأسیسات برق این پروژه همگی در اتاق پست در ابعاد حدود ۱۱۰ متر مربع و کابل‌کشی‌ها در درون سازه پل و دور از منظر عمومی قرار داده شدند. با توجه به موقعیت منحصر به فرد رودخانه کارون و ابعاد و اندازه سازه پل هفتم، نصب و راه‌اندازی چنین فواره‌ای در شهر امواز، موقعیتی بی‌همتا را برای این شهر در سراسر کشور



ایجاد کرده است. نمونه چنین آشنایی با این وسعت فقط در کشور کره جنوبی اجرا شده است. هزینه اجرای این پروژه که در شهریورماه سال ۱۳۹۰ انجام شده، ۱۱ میلیارد ریال بود.

پل هشتم (پل غدیر)

طراحی و عملیات اجرایی پل هشتم از سال ۸۵ آغاز شد و در سال ۱۳۹۰ به اتمام و بهره‌برداری رسید. این پل ۶۲۳ متر طول و ۱۳ متر عرض و دو پایه بزرگ دارد که عرشه پل توسط کابل به این پایه‌ها متصل شده است. پل هشتم، منطقه امامیه را به خیابان «زند» در مرکز شهر متصل می‌کند.

نورپردازی پل غدیر اهواز با پل هشتم به طرز زیبایی انجام شده و مردم بعد از سال‌ها که فقط اسکلتی از این پل را می‌دیدند، اکنون نمایی زیبا از این پل (که از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین پل کابلی خاورمیانه یاد می‌شود) را شاهد هستند. این پل که طولانی‌ترین پل کابلی کشور و خاورمیانه محسوب می‌شود، توسط شهرداری اهواز برای تسهیل عبور و مرور درون‌شهری احداث شده و همزمان، رنگ‌آمیزی و نورپردازی آن توسط سازمان زیباسازی نیز به پایان رسیده و شهروندان اهوازی این روزها شاهد نمادی زیبا روی رودخانه کارون هستند. در نورپردازی این پل از رنگ سفید استفاده شد؛ چون این رنگ هم بر جلوه پل در شب می‌افزاید و هم نمای معماری آن را با حرکت بالارونده پایه‌های پل و کابل‌ها در شب برجسته می‌کند. برای نورپردازی پل هشتم از ۹۶ عدد پروژکتور با کیفیت بالا استفاده شد که جزء مدرن‌ترین نورافکن‌های موجود در دنیا به‌شمار می‌روند. این پروژکتورها تک‌لنز ۶۰۰ وات، با زاویه تابش متغیر از ۷ تا ۳۱ درجه و ۱۵۰ متر پرتاب نور سفید هستند. در نورپردازی پل هشتم، ۹ هزار متر کابل داخل پل به همراه دو تابلوی راهنما و دو تابلوی فشار ضعیف در دو سوی پل نصب شده که بر این اساس، نمای پل به دلیل ارتفاع از پل چهارم و پنجم، کاملاً دیده می‌شود و انعکاس آن در رودخانه کارون باعث جلوه زیبایی در شب می‌شود. طراحی و اجرای نورپردازی پل هشتم توسط کارشناسان ایرانی و با استفاده از تجهیزات خارجی به انجام رسید. انجام این پروژه برای شهرداری اهواز در اسفندماه سال ۱۳۹۰، شش میلیارد ریال هزینه در برداشت. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱- با استناد به مفاد مواد ۱۱۰ و ۸۴ و در اجرای مفاد مواد ۵۵، ۹۲ و ۹۶ قانون شهرداریها و بند ۱۵ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و همچنین ماده ۱ قانون نوسازی و عمران شهری و آیین نامه اجرایی مزبوره مصوب ۸۴/۱۱/۱ هیات وزیران، سازمان زیباسازی و بهسازی محیط شهری شهرداری اهواز در سال ۱۳۸۸ تاسیس گردید.

منابع:

- ۱- آفتاب سبستانی، ابرج، خوزستان در تمدن دیرینه آن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۳.
- ۲- شهرداری، سمینار نقش نورپردازی در شهر، شرکت RGE، اهواز، ۱۳۸۹.
- ۳- پاکزاد، جهان‌شاه و سوری، الهام، سازمان نشر و انتشارات علمی شهر، اهواز، ۱۳۹۱.
- ۴- پایگاه خبری شوشان.
- ۵- خبرگزاری ایستای خوزستان.
- ۶- سازمان زیباسازی شهر تهران.
- ۷- سایت معماری نیوز.
- ۸- شرکت تدبیر ترانه آذر (<http://www.tadbirtarasheazar.blogfa.com>)
- ۹- صالنجی نژاد، محمد امین، خبرنگار اجتماعی ایستای خوزستان.
- ۱۰- طرح جامع مکرزنگری استان خوزستان، میراث فرهنگی استان خوزستان، ۱۳۸۷.
- ۱۱- مرکز اطلاعات علمی تخصصی مدیریت شهری (<http://umic.ir>)

شهرهای زیبای جهان

تهیه و تنظیم: نیما مشین فر، کارشناس مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری و روستایی

نروژ



این کشور واقع در منطقه اسکاندیناوی از نظر شرایط اقتصادی، بهداشت و کیفیت زندگی رتبه بالایی دارد و نرخ سواد در آن تقریباً ۱۰۰ درصد است. سرانه رشد بهره‌وری در نروژ به ۳۶ هزار و ۸۰۰ دلار می‌رسد و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی ۵۳ درصد است؛ در حالی که سهم بخش صنایع تولیدی حدود ۱۳ درصد است. در این کشور فقط هفت روز طول می‌کشد تا بتوانید یک شغل جدید را تجربه کنید. نرخ بیکاری در این کشور رقم بسیار پایین ۳٫۲ درصد است. شهر صنعتی ریوکان نروژ به دلیل قرار گرفتن در دره‌ای ژرف در بین ماه‌های سپتامبر تا مارس میلادی (۶ ماه از سال) شاهد تابش مستقیم نور خورشید به این شهر نیست و از این بابت مردم این شهر نمی‌توانند در این مدت نور خورشید را مستقیماً ببینند، اما اکنون مقامات شهرداری این شهر با نصب آینه‌هایی در دامنه کوه‌های محصورکننده این شهر، شرایط را طوری مهیا ساخته‌اند تا با انعکاس نور خورشید بر میدان اصلی شهر، شهروندان آن بتوانند با آمدن به این میدان، نور خورشید را در هر وقت روز ببینند، البته این در شرایطی میسر است که آسمان ابری نباشد.

ژاپن

شهرداری‌ها در شهرهای ژاپن، مسئولیت دبیرستان‌ها و کودکان‌ها را بر عهده دارند و تأسیس و کنترل نهادهای آموزش عالی بر عهده دولت ملی است. از

در بیشتر دوره‌های تاریخ، رفاه اجتماعی و کیفیت زندگی یکی از شعارهای اصلی در برنامه‌ها و سیاست‌های دولت‌ها بوده و کم و بیش حرکت‌هایی برای تحقق آن صورت پذیرفته است. چراکه پیشرفت و تعالی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر کشوری با سطح و کیفیت رفاه و تأمین اجتماعی آن کشور رابطه مستقیم و جدایی‌ناپذیر دارد. رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف این کشورها است.

استرالیا



استرالیا با خدمات بهداشتی و آموزشی استانداردش در جهان شناخته شده، به طوری که نرخ سواد در این کشور تقریباً ۱۰۰ درصد است. سرانه رشد بهره‌وری در این کشور ۳۸ هزار و ۸۰۰ دلار بوده و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی به ۶۸ درصد می‌رسد. این در حالی است که سهم بخش صنایع تولیدی ۱۷ درصد است. در استرالیا فقط دو روز طول می‌کشد تا شما بتوانید یک فعالیت اقتصادی جدید را آغاز کنید. نرخ بیکاری در استرالیا فقط ۵٫۳ درصد است. شهرداری‌ها در استرالیا در زمینه خدمات فرهنگی و پر کردن اوقات فراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی فعالیت‌های گسترده‌ای را بر عهده دارند.

رسیدگی به امور مربوط به تبادل‌های فرهنگی، رسیدگی به امور موسیقی، تأسیس خانه شعر، تأسیس خانه هنر و نظایر آن از جمله فعالیت‌های شهرداری‌های فرانسه به‌شمار می‌آید.

هلند



تولید ناخالص داخلی هلند در سال ۲۰۰۶ بیش از پانصد میلیارد یورو بوده است و نرخ رشد اقتصادی در همین سال نزدیک به ۳ درصد بوده‌است. رشد تورم در هلند از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ به‌طور میانگین حدود دو درصد گزارش شده است. نرخ بیکاری در دوره مشابه حدود دو درصد بوده است. هلند در پرورش و تجارت گل مقام اول را در جهان داراست. دامداری و کشاورزی نیز از پایه‌های اقتصاد هلند محسوب می‌شود. هلندی‌ها علی‌رغم کوچکی کشورشان سهم بزرگی در تجارت و بانکداری جهانی دارند. کشورهای اتحادیه اروپا مهم‌ترین شرکای تجاری آن هستند. بیش از نیمی از سهام شرکت نفتی-گازی شل را هلند در اختیار دارد. این شرکت که بخش هلندی آن به رویال داتچ شل معروف است در زمینه استخراج و تجارت نفت و گاز در سراسر جهان از جمله ایران فعالیت می‌کند. هلند خود نیز دارای ذخایر گاز طبیعی است و بخش از آن را صادر می‌کند. کشتی‌سازی و صنایع شیمیایی از دیگر صنایع مادر در هلند هستند. واحد پول هلند پیش از تبدیل به یورو، فلورن یا گیلدر هلندی بود. امور فرهنگی و تفریحات از جمله برپایی نمایشگاه‌ها، موزه‌ها، تئاترها و کنسرت‌ها، آرشو تاریخچه شهر، کتابخانه‌ها، امور جوانان، ورزش و تفریحات سالم، امور جشنواره‌ها، ارکستر سمفونیک، آرشو نوار و فیلم، باغ وحش، آموزش و پرورش و ارائه مشاوره به شهروندان در زمره فعالیت‌های شهرداری‌های هلند قرار دارند. ■



دیگر فعالیت‌های شهرداری‌ها در این کشور آموزش و پرورش اجتماعی است. منظور از این آموزش، آشنا کردن عموم مردم با فعالیت‌های فرهنگی است که امکان فراگیری‌شان اغلب در مدرسه‌های معمولی وجود ندارد. نقش شهرداری‌ها در این زمینه ترغیب شهروندان و کمک به آنان در فراگیری از راه ایجاد شرایط لازم و تأمین محیط مطلوب آموزشی است.

فرانسه



فرانسه با عنوان رسمی جمهوری فرانسه کشوری است واقع در اروپای غربی، پایتخت این کشور پاریس و زبان رسمی آن فرانسوی است. جمعیت کشور فرانسه ۶۵ میلیون نفر و واحد پول آن یورو است. فرانسه بزرگ‌ترین کشور اروپای غربی و بعد از اوکراین دومین کشور بزرگ قاره اروپا است. این کشور با کشورهای بلژیک، لوکزامبورگ، آلمان، سوئیس، ایتالیا، موناکو، آندورا و اسپانیا مرز زمینی مشترک دارد. فرانسه یکی از اعضای مؤسس اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد است. این کشور همچنین عضو گروه جی ۸ و از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و دارای حق وتو است. ترویج فعالیت‌های فرهنگی، رسیدگی به امور مدرسه‌ها، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت و سرگرمی‌های جوانان، اداره کتابخانه‌ها، فرهنگسراها، موزه‌ها، سینما و تئاترها،

کیفیت زندگی، حقوق و تکالیف شهروندی

■ رسول یگانه، دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه پیام نور واحد بناب



مقدمه

شهروند و مدیریت شهری دو مقوله مهم شهری هستند که باید بین این دو حوزه تعامل مثبت و سازنده برقرار باشد تا شهروند و مدیریت شهری معنی یابد. بین مدیریت شهری خوب و کیفیت زندگی، رابطه‌ای مستقیم و دوسویه وجود دارد. از یک سو تعامل با مدیران شهری بر کیفیت زندگی شهری تأثیر می‌گذارد و از سوی دیگر، اگر شناساندن حقوق و تکالیف شهروندی به‌درستی انجام شود، اکثر مشکلات شهر حل می‌شود. در حال حاضر در حوزه حقوق و تکالیف شهروندی مشکلاتی وجود دارد. در شرایط موجود، برخی افراد به حقوق هم و به حقوق شهرداری و نهادهای دولتی و غیردولتی احترام نمی‌گذارند. این موضوع باعث بروز و ظهور برخی رفتارهای نامناسب شهری می‌شود که مدیریت شهری را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. این رفتارها متأثر از عدم آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و مدیریت شهری و همچنین در برخی موارد، بی‌توجهی به این حقوق و تکالیف است، اما اگر افراد بدانند چه حقوق مشروعی برای آنها در نظر گرفته شده است و از تکالیف خبر داشته باشند، شاهد زندگی با کیفیتی در سطح شهر خواهیم بود. شهروندان باید بدانند هر گونه رفتار خارج از چهارچوب‌های قانونی، اخلاقی

و عرفی که داشته باشند، بر شهر اثر می‌گذارد و در این شرایط، دستیابی به نتیجه مطلوب به مراتب دشوار و هزینه‌بر خواهد بود. شرط اصلی توسعه‌یافتگی شهرها، شهرداری‌ها و مدیریت شهری، رفتار مطلوب شهروندان است که باید در چهارچوب فرهنگ ایرانی و اسلامی ما باشد.

حقوق شهروندی

در عصر حاضر، شهرنشینی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌شود. شهروندان عموماً با سلابق و انگیزه‌های مختلف در جامعه شهری به فعالیت می‌پردازند. عده‌ای برای کسب و کار، گروهی برای پر کردن اوقات فراغت و گروهی دیگر برای آموختن مهارت‌های فردی، جمعی و ... از این‌رو، زندگی اجتماعی مستلزم وجود روابط حقوقی بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه است و این روابط اجتماعی باید نظم و قاعده بگیرند. دولت‌ها و نهادهای عمومی با تعیین و تدوین قواعد و مقررات مربوطه، سیاست خاصی را در جهت تنظیم این روابط در پیش گرفته‌اند.

اصولاً حقوق شهروندی را می‌توان مجموعه قواعدی که بر روابط اشخاص در جامعه شهری حکومت می‌کنند،

تعریف کرد. از این رو، حقوق شهری که موضوع آن چگونگی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آنان در برابر یکدیگر و همچنین در برابر جامعه و اصول و هدف ما و وظایف و روش انجام آن است را می‌توان به عنوان اصولی بدانیم که منشعب از حقوق انسانی کشور است.

به‌طور کلی شهروندان دارای سه نوع حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی هستند. حقوق مدنی و سیاسی شامل مواردی چون آزادی انتخاب شهروندان، آزادی بیان، انعکاس نظرات واقعی مردم در وسایل ارتباط جمعی، عدم تبعیض سنی، جنسی، قومی، مذهبی و درآمدی حق استفاده دموکراتیک از فضای شهری، دسترسی شهروندان به مسئولان شهری، نظارت بر عملکرد مدیران و دسترسی شهروندان به اطلاعات مدیریت شهری را شامل می‌شود.

حقوق اجتماعی نیز شامل عدالت اجتماعی، امنیت جسمی و روانی برای همه شهروندان در سطح شهر، سیستم‌های دادرسی عادلانه و دفاع کم‌هزینه برای همه اقشار، آسایش خاطر و عدم اضطراب و نگرانی و خشونت در سطح شهر، بستر رشد فرد توسط جامعه، راحتی رفت و آمد در سطح شهر و توجه به حمل و نقل عمومی، کاهش پدیده‌های ضداجتماعی و تخریب اموال عمومی، کاهش بسیاری‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، کاهش آسیب‌های اجتماعی از جمله متکذبان، کسودک‌آزاری، آسیب‌های جنسی علیه زنان و نساء اجتماعی، کاهش زیاده‌های ساختمانی و جانوران موزی در سطح شهر، برخورداری از خدمات عمومی شهری و خانگی از جمله ذخایر آب آشامیدنی سالم، نیروی برق، روشنایی و سوخت، برخورداری از بیمارستان و خدمات پزشکی و مدرسه استاندارد و تسهیلات آموزشی بدون تبعیض، کاهش آلودگی هوا، آب، توافیک، میزان فضای سبز موجود در مقابل نیازهای شهر، برخورداری از اشتغال مناسب و فضای سالم کاری، سطح ایمنی شهر، جمع‌آوری و حمل بهداشتی و سریع مواد زائد شهری سریع و بهداشتی آنها، تسهیلات اوقات فراغت فرهنگی و مذهبی تسهیلات ورزشی، بهره‌برداری مشارکتی از فضاهای عمومی شهری، حمایت از گروه‌ها و افراد آسیب‌پذیر مانند فقرا، بیماران، کودکان، معلولان و سالمندان از جمله حقوق شهروندی است.

در این مقاله، بیشتر آن دسته حقوقی از شهروندان مدنظر است که در ارتباط با مدیریت شهری و در حیطه وظایف مدیران شهر است.

تکالیف شهروندی

شهروندان در قبال حقوقشان، تکالیفی نیز به عهده دارند. تکالیف شهروندان به طور کلی شامل سه محور

قانون‌مداری، مشارکت مدنی و مشارکت اجتماعی است. قانون‌مداری به منزله عمل و احترام به قانون و مشارکت مردم در ترغیب یکدیگر به قانون است. قانون، تبلور حق و گسترش زمینه‌های فرهنگی احترام به قانون، گامی در گسترش حقوق شهروندی است تا شهروندان بیاموزند و اعتقاد پیدا کنند که قانون فی نفسه مقوله‌ای مقدس و محترم است؛ زیرا ضامن حقوق آنها و تأمین‌کننده مصالح عمومی تلقی می‌شود.

مشارکت مدنی به معنی مشارکت در تصمیم‌گیری‌های عمومی است. مسئولیت مدنی شامل تمامی اشخاصی است که در رابطه با فعالیت‌های روزمره به طور مستقیم یا غیرمستقیم، وظایفی را به عهده دارند و ممکن است در صورت نقض وظیفه و لطمه به دیگران بر حسب مورد، مسئول شناخته شوند.

مشارکت اجتماعی نیز به معنی حفظ سلامت اخلاقی جامعه و احترام به بنیان خانواده، احترام به حقوق یکدیگر در جامعه، احترام به تنوع فرهنگی و عدم ایجاد زحمت برای همسایگان است. مشارکت اجتماعی عبارتست از این احساس که افراد چیزهای با ارزشی برای ارائه به جامعه دارند. این تفکر که فعالیت‌های روزمره آنها به‌وسیله جامعه ارزش‌دهی می‌شود.

آموزش حقوق و تکالیف شهروندی

حقوق شهروندی سرفصل زندگی بهتر برای همه آحاد مردم جامعه است که باید با همکاری دستگاه قضا و سایر نهادهای آموزشی و فرهنگی به خوبی تبیین شود. در حال حاضر بسیاری از مردم جامعه در مورد حقوق خود اطلاعات چندانی ندارند و قطعاً اطلاع‌رسانی در این زمینه ضرورت بسیار دارد. دانستن تمام زوایای حقوق شهروندی برای همه مردم جامعه ضروری است؛ چرا بسیاری از پرونده‌های قضایی به دلیل عدم اطلاع از این حقوق شکل می‌گیرند.

آموزش حقوق شهروندی به معنای فراهم‌سازی و نهادینه کردن یک نظام منسجم از حقوق و تکالیف شهروندی است. آموزش حقوق بشر و شهروندی از لحاظ رابطه فرد با خود و رابطه فرد با خدا، ضرورت دینی و اخلاقی شمرده می‌شود و از نظر آثار اجتماعی، اقتضای همزیستی و عافیت در این جهان خاکی نیز هست. تحولات بنیادین فلسفی، صنعتی و اجتماعی در جهان، ظهور گونه‌های جدید حکمرانی و دموکراسی، ظهور حوزه‌ها و مصادیق جدید در حقوق شهروندی، همگی از اهمیت آموزش حقوق شهروندی و لزوم بازبینی روش‌های آموزشی، حکایت دارند. در اسناد حقوق ملی و بین‌المللی هم این واقعیت لحاظ شده است. با نگاهی آسیب‌شناسانه به روش‌های سنتی و کلیشه‌ای آموزش حقوق شهروندی، باید در جست‌وجوی رویکردها و

شوه‌های ناز، کارآمد و متناسب با نیازهای زمان و مکان باشیم.

اصلی‌ترین بحث در حیطه حقوق شهری، آشنایی شهروندان با قوانین و مقررات مورد عمل و جاری است. قانون اساسی مهم‌ترین قانونی که اصول اساسی حقوق یک دولت در آن تبیین شده است و تشکیلات و روابط بین قوای مختلف و قدرت‌های عمومی و ... را بیان می‌کند، متضمن قواعد کلی در خصوص جنبه‌های حمایتی و پیگیرانه از حقوق شهروندی است؛ همچنین قوانین و مقرراتی که توسط قوه مقننه وضع می‌شوند و به تصویب می‌رسند، منجمده قانون مدنی، تجارت، مجازات اسلامی، کار، بیمه و بالاخره مقررات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و حتی تصمیمات قضایی که شهر، شهرنشینی و شهروندان را به نحوی تحت تأثیر قرار می‌دهند، دایره مدار و قوام بخش محیط حقوقی در جامعه شهری هستند.

باید آگاهی‌های خود را در زمینه شهروندی توسعه دهیم و منتظر نباشیم سازمان‌های دیگر ما را با این تکالیف آشنا کنند. آموزش باید از درون خانواده شروع شود. فرزندان باید رفتارهای مطلوب شهروندی را از خانواده یاد بگیرند.

رابطه دو سویه کیفیت زندگی و حقوق و تکالیف شهروندی

مفهوم شهروندی به یکی از مفاهیم اصلی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی بدل شده است. شهروندی فعال، ناظر به شکل‌گیری اجتماعات فعال و توانمند است. این اجتماعات هنگامی که با مسائلی روبه‌رو می‌شوند، توانایی شناخت و تعریف مسائل و ارائه راه‌حل‌ها را برای آنها دارند. شهروندی فعال در پی توانمندسازی افراد و اجتماعات است و فرایند مشارکت را فی‌نفسه ارزشمند تلقی می‌کند. از این رو، شهروندی فعال چیزی بیش از افزایش صرف مشارکت عمومی است. شهروندی فعال، خواهان مشارکت هدفمند است؛ یعنی شهروندان برای تبدیل اجتماع و محل زندگی‌شان به مکان بهتری مشارکت کنند؛ یعنی اینکه مردم در فرایند تصمیم‌گیری‌ها در زمینه مسائل شهر و محل زندگی‌شان، مشارکت فعال داشته باشند. بدین‌سان به شهروندان امکان مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و ارائه خدمات عمومی داده می‌شود، این گونه شهروندی از مردم می‌خواهد که فقط خواستار حقوق‌شان نباشند، بلکه باید مسئولیت‌های شخصی و اجتماعی گسترده‌تری را نیز به عهده بگیرند. نظر بر این است که اکنون در قرن بیست و یکم، دیگر ساختارهای سنتی قدرت مانند دولت‌ها، شرکت‌های بزرگ و خصوصی، مدارس و نظایر آن نمی‌توانند همه مسائل

زندگی شهری را حل و فصل کنند و بدون مشارکت فعال شهروندان، امکان حل و فصل مسائل وجود ندارد؛ زیرا شواهد نشان‌دهنده این است که دولت‌ها در حل و فصل تمام مسائل مردم در شهرها، ناکام مانده‌اند و کارایی لازم را ندارند. از این رو، اعتماد شهروندان به نهادهای دولتی و غیرمردمی تا حد زیادی کاهش یافته است و مدیریت یوروکراتیک مبتنی بر تصمیم‌گیری از بالا به پایین و تصدی‌گری دولت، متناسب و مشروعیت خود را تا حد زیادی از دست داده است.

به هر روی، در مورد نقش شهروندی فعال در بهبود کیفیت زندگی در شهرها، می‌توان گفت که مفهوم شهروندی فعال، حاکی از چیزی بیش از عضویت انفعالی در یک اجتماع سیاسی است. کنال شهروندی در این است که شما به عنوان یک شهروند باید مشارکت فعال داشته باشید. مشارکت فعال هم در زمینه مسائل و مباحث سیاسی و هم در زمینه کنش اجتماعی مطرح است.

شهروندی یکی از پویاترین مفاهیم اجتماعی جامعه مدرن تلقی شده است. مفهوم شهروندی هر دو عنصر فردگرایی و جمع‌گرایی را در بر دارد. شهروندی یکا ابدۀ ذاتا ارتباطی است. مفهوم شهروندی علاوه بر حقوق، در بردارندهٔ وظایف و تعهدات است. شهروندی نه یک موقعیت انفعالی، بلکه یک موقعیت فعال است و مبنای عالی برای ادارهٔ امور انسان‌ها به شمار می‌رود. شهروندی با طرح این تقاضا که با همهٔ افراد به طور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی که نظم اجتماعی را تهدید می‌کند، بختکند. شهروندی به مدد مجموع حقوق، وظایف و تعهداتش، راهکاری را برای توزیع و ادارهٔ عادلانه منابع از طریق تقسیم منافع و مسئولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌دهد. به نظر ارسطو انسان برای اینکه انسان واقعی باشد، باید یک شهروند فعال در جامعه باشد. سلامت و پایداری مردم‌سالاری، هم به عدالت‌محوری ساختار اساسی جامعه و هم به کیفیت ویژگی‌ها و نگرش‌های شهروندان وابسته است. مفهوم شهروندی، تعادلی را میان حقوق و مسئولیت‌ها برقرار می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نظر اجتماعی، زمانی فرد ارتباطی مؤثر و کارآمد دارد که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم (همبستگی اجتماعی) و بالقوه برای رشد و شکوفایی پهنید (شکوفایی اجتماعی) و احساس کند که به جامعه تعلق دارد، آن را درک می‌کند، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود (پذیرش اجتماعی)، انسجام و پیوستگی اجتماعی) و در پیشرفت آن مهیم است (مشارکت اجتماعی). در مقابل، فرد اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد

که فرد هیچ‌گونه مشارکتی در اجتماع نداشته باشد. در این صورت فرد احساس می‌کند که سرزست اجتماع به نیروها یا ساختارهای خارجی مربوط است؛ نه به اجزای تشکیل‌دهنده اجتماع. در این صورت برای اجتماع توان بالقوه‌ای در محور تکاملی خود قائل نیست که در نتیجه، شکوفایی اجتماعی کاهش می‌یابد. با این تفکر، شخص احساس می‌کند که جامعه آنقدر پیچیده است که نمی‌توان آینده آن را پیش‌بینی کرد؛ بنابراین همستگی اجتماعی کاهش می‌یابد و شخص احساس می‌کند که هیچ وجه مشترکی بین ارزش‌های فرد و ارزش‌های اجتماع وجود ندارد و نسبت به ارزش‌ها و نتایج‌های اجتماعی بی‌تفاوت و بی‌اعتماد می‌شود (انجام اجتماعی کاهش می‌یابد) و تمام این عوامل موجب می‌شود که شخص، نگرش مثبت خود را نسبت به افراد اجتماع خود از دست بدهد (پذیرش اجتماعی کاهش می‌یابد) و در نهایت در زمانی که نگرش‌های یاد شده در شخص به‌وجود آمد، شخص احساس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و کارآمدی اجتماعی خود را از دست می‌دهد و بنابراین احساس می‌کند که نمی‌تواند نقش مهمی در پیشرفت و آینده اجتماع داشته باشد و مشارکت اجتماعی کاهش می‌یابد.

شهروندی فعال هنگامی تحقق می‌پذیرد که افراد داوطلبانه در ارائه خدمات عمومی ایفای نقش کنند و همچون مقامات مسئول که از حق حاکمیت برخوردارند، در نحوه ارائه خدمات عمومی، برنامه‌ریزی و تنظیم سیاستگذاری‌ها مشارکت فعال داشته باشند. بدین‌سان، مفهوم شهروندی جایی از مسئولیت افراد در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی است. زمینه‌هایی که شهروندی فعال می‌تواند در جهت بهبود و ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفای نقش کند، عبارتند از:

- احیای شهروندی در محله‌ها
- اصلاح رفتارهای ضد اجتماعی
- فعالیت در زمینه تهیه مسکن شهروندان و ارتقای کیفیت آن
- مشارکت در طرح‌های ذخیره‌سازی انرژی و کاهش مصرف انرژی و کنترل آلودگی‌ها
- کوشش در جهت تغییر و بهبود عادات‌های غذایی شهروندان و کوشش در جهت رفع مشکلات سلامت

منابع

اداره کل آموزش و مشارکت‌های اجتماعی (۱۳۸۶)، سرفصل موضوعات آموزش و مشارکت‌های اجتماعی مرتبط با شهرداری تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.

التوکلی، سید یحیی (۱۳۸۳)، بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره امور شهر، مطالعه موردی منطقه ۶ تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

امینی، فاطمه سلسقات (۱۳۸۳)، نقش و جایگاه مشارکت‌های مردمی در ساختار مدیریت شهری ایران، دانشگاه تهران.

قاسمی، وحید، ژمانیور، مهدی (۱۳۸۶)، مشارکت در امور شهری به مثابه حق و وظیفه شهروندی (مورد مطالعه: اصفهان و فرایبورگ) در کتاب مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه.

ماهرویی، ابوالحسن (۱۳۸۱)، حقوق و تکالیف شهروندی و قانون‌گریزی شهروندان، نشریه عدالت، شماره ۱۵.

وکیلان، محمدرضا (۱۳۸۲)، دو ماهنامه حقوقی شهروندی، پیش شماره دوم، بهمن و اسفند. قسیم اخگر (۱۳۸۵)، شهروند کیست، چه وظایف و مسئولیت‌هایی در قبال دولت و جامعه دارد؟ گفتگوی بنیاد آرماتشهر، ۸ قفسه ۱۳۸۵، ص ۳ تا ۱۸.

مکان‌یابی و چگونگی احداث پارک‌های درون شهری

■ مهشید مداحی،

کارشناس ارشد معماری اسلامی از دانشگاه هنر اسلامی تبریز

■ علیرضا قاضی مقدم،

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی از دانشگاه تهران



مقدمه

حفظ منابع طبیعی و عدم هماهنگی در انتخاب مکان می‌باید.

یکی از شاخص‌های بهبود کیفیت زندگی برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت مردم و ایجاد فضاهای متناسب برای گذران اوقات فراغت آنان است که همان پارک‌های شهری هستند. پارک‌ها فواید و عملکردهای مثبت و مؤثری در شهر دارند و باید بر اساس سلسله مراتب کاربردی-ساختاری شهر مکان‌یابی شوند و دارای دسترسی راحت و مطلوب باشند تا موجب رضایت و آسایش شهروندان و تحقق رفاه و عدالت اجتماعی شوند.

تعاریف فضای سبز شهری

منظور از فضاهای سبز شهری، نوعی از سطوح کاربری زمین شهری با پوشش گیاهی انسان‌ساخت است که هم واجد بازدهی اجتماعی و هم واجد بازدهی اکولوژیکی هستند (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۲۰).

فضای سبز شهری از دیدگاه شهرسازی: در برگرفته

رشد جمعیت و به ویژه گسترش شهرنشینی و حاکمیت ضعیف بر مبنای فناوری‌های جدید و گرایش به زندگی ماشینی اثرات تخریبی بسیاری از جمله تباهی منابع طبیعی، پوشش گیاهی، تبدیل اراضی کشاورزی و باغ‌ها به ساختمان‌ها، آلودگی محیط زیست و کمبود فضای سبز و غیره را به بار آورده است. این مسائلی که تنها باعث بی‌شنایی سیستم اکولوژیکی و فرسایش طبیعت شده است، بلکه به دلیل تحمیل شرایط سخت زندگی بر انسان شهرنشین و اثرات روانی ناشی از مقابله با مشکلات، آدبی را تند خو، عصبانی و ناعادلانه بد رفتار نموده است. از نشانه‌های این آثار، گسترش بی‌رویه اجتماعات شهری، کاهش پوشش سبز جنگلی، باغات، باغچه‌ها و مراتع توأم با افزایش مراکز صنعتی و کارخانه‌های پیرامون شهرها، افزایش وسایل نقلیه دودزا، سرازیر شدن فاضلاب در بسنر رودخانه‌ها و نهایتاً فقدان برنامه‌ریزی آموزشی در بالا بردن فرهنگ استفاده صحیح از فضای سبز و کالی نبودن قانون و مقررات صحیح در

بخشی از سیمای شهری است که از انواع پوشش گیاهی تشکیل شده و به عنوان یک عامل زنده حیاتی در کنار کالبد بی جان شهر، تعیین کننده ساخت مورفولوژیک شهر است و هدف از ایجاد آن، بهبود کیفیت زیست محیطی انسانها است.

فضای سبز شهری از دیدگاه حفاظت محیط زیست شامل بخش جاندار ساخت کالبدی شهر است که نقش کاهش دمای محیط، تولید اکسیژن، افزایش نفوذپذیری خاک در مقابل انواع بارش و مانند آن است.

بین فضای سبز و سطح سبز از نظر اکولوژیکی تفاوت وجود دارد و این تمایز از این جهت حائز اهمیت است که سطح سبز نمی‌تواند همچون فضای سبز سه جنگلی عمل خبارگیری را انجام داده و یا در آلودگی صوتی، نقش مؤثری داشته باشد و یا به نحو مطلوبی موجب کاهش دما گردد (سعید نیا، ۱۳۸۳، ص ۳۱).

فضای سبز شهری از نظر نوع مالکیت به سه دسته عمومی، نیمه عمومی و خصوصی تقسیم گردیده و پارک‌های شهری جزء فضای سبز عمومی به شمار می‌آیند.

انواع فضای سبز شهری

۱- فضای سبز عمومی: آن نوع فضای سبز شهری است که واجد بازدهی اجتماعی می‌باشد. این فضاها توسط عموم مردم در گذران اوقات فراغت، تفریح، مصاحبت با دوستان و گروه‌های اجتماعی و فرهنگی استفاده می‌شود. فضاهای یاد شده، اساساً برای این منظور طراحی یا تجهیز شده‌اند. وجود نیمکت، روشنایی، کف‌سازی معابر و دسترسی از مؤلفه‌های فضای سبز عمومی به شمار آمده و از این نوع فضای سبز معمولاً با عنوان پارک یاد می‌شود.

۲- فضای سبز نیمه عمومی: فضای سبزی که بازدهی اکولوژیکی دارند ولی استفاده کنندگان آنها نسبت به فضای سبز عمومی محدودتر هستند. بنابراین واجد بازدهی تام اجتماعی نیستند. محوطه‌های باز، بیمارستان‌ها، یادگان‌های نظامی، ادارات دولتی و ... در این دسته قرار می‌گیرند.

۳- فضای سبز خصوصی: فضای سبزی که بازدهی اکولوژیکی شهر را افزایش داده، اما فاقد بازدهی اجتماعی می‌باشند. مثلاً فضای سبز داخل واحد مسکونی (سعید نیا، ۱۳۸۳، ص ۳۰).

۴- فضای سبز خیابانی: نوعی از فضای سبز شهری که به طور معمول درختکاری حاشیه باریکی از حفاصل مسیرهای پیاده رو و سواره رو را تشکیل می‌دهد و با به صورت متمرکز در فضاهای نسبتاً کوچک میدان‌ها و یادر زمین‌های پیرامون بزرگ راه‌ها و خیابان‌ها شکل گرفته‌اند و دارای عملکرد اکولوژیکی (کاهش

آلودگی‌های شنیداری و آلودگی هوا)، عملکرد اجتماعی (مطلوبیت مسیرهای پیاده و جذب مردم برای پیاده روی)، عملکرد ایمن سازی ترافیک (عاملی جهت تفکیک ترافیک و تفکیک مسیرهای پیاده و سواره) و زیبا سازی فضاهای سبز شهری می‌باشد.

فضای سبز غیر شهری (برون شهری)

فضاهای سبز نظیر جنگل‌های طبیعی یا مصنوعی که هرچند به علت توسعه شهری در بافت‌های شهری قرار گرفته‌اند، اما از آنجا که کارکرد آنها خاص مراکز شهری نیست، در دسته بندی فضای سبز غیر شهری قرار می‌گیرند.

اهمیت و ضرورت فضای سبز در شهرها

رشد صنعت و افزایش جمعیت در شهرها به ساخت و سازهای سوداگری منجر شده است. این ساخت و سازها به مسائل بهداشتی و تأمین حداقل نور و هوا در مناطق متراکم شهری توجهی نداشته‌اند. از سوی دیگر، ضرورت ایجاد کاربری‌های جدید شهری، برای پاسخ‌گویی به نیازهای روزافزون شهروندان به تدریج باعث کاهش سهم فضای سبز و باغ‌های شهری گردیده است. ماحصل آن، آلودگی‌های زیست محیطی موجود است (بیرمور، ۱۳۷۲، ص ۵۹).

شهر یک سیستم پویاست و فضای سبز نقش بسزایی در کاهش تراکم شهری، ایجاد مسیرهای هوایی، تکمیل و بهبود کارکرد تأسیسات آموزشی، فرهنگی، مسکونی و ذخیره زمین برای گسترش آینده شهر دارد که بسیار ارزشمند است.

مهم‌ترین تأثیر فضای سبز در شهرها، عملکرد زیست محیطی آن است که شهرها را به عنوان محیط زیست جامعه انسانی معنی‌دار کرده و با مقابله با اثرات سوء گسترش صنعت و کاربری نادرست فناوری از یک سو و بالا بودن سطح زیبایی از سوی دیگر موجب افزایش کیفیت زیستی شهرها می‌شوند (مجنوبیان، ۱۳۷۴، ص ۴۲). فضای سبز مناسب در شهرها از عوامل مؤثر در کاهش این آلودگی‌ها به خصوص در رابطه با گرد و غبار، آلودگی‌های شیمیایی و آلودگی‌های هوا می‌باشد. به طور خلاصه فضای سبز از لحاظ زیست محیطی پیامدهای زیر را به همراه دارد (بیر کرامر، ۲۰۰۰، ص ۸).

بهبود شرایط بیوکلیماتیک در شهرها، کاهش آلودگی هوا، کاهش آلودگی صوتی، تأثیر در افزایش کیفیت آب زیرزمینی، افزایش نفوذپذیری خاک.

مهم‌ترین اثرات فضای سبز در شهرها، تعدیل دما، افزایش رطوبت نسبی، لطیف کردن هوا و جذب گرد و غبار است. مجموع آثار فضای سبز در شهرها وجود آن را در شهرها اجتناب ناپذیر می‌کند. توسعه فضای سبز

باید از نظر کمی و کیفی متناسب با حجم فیزیکی شهر و نیازهای جامعه از لحاظ روانی، گذران اوقات فراغت و نیازهای بهداشتی باشد.

به طور خلاصه اهمیت فضای سبز در محیط شهری به صورت زیر می باشد:

- آلودگی هوا فضای سبز به ویژه در شکل درختی نقش مؤثری در کاهش آلودگی هوا دارد. یک هکتار فضای سبز که دو درخت در آن کاشته باشند تا ۴۸ تن گرد و غبار را در هر یازندگی در خود رسوب می دهد.

- آلودگی صدا: درختان در صورت کاشت گونه مناسب و اصولی آن، آلودگی صدا را تا ۴ دسی بل کاهش می دهد.

- تولید اکسیژن و جذب دی اکسید کربن: درختان و گیاهان سبز، کارخانه اکسیژن سازی زمین می باشند. یک درخت به طور متوسط در هر ساعت حدود ۲ کیلوگرم گاز اکسیژن تولید و در همین مدت ۲ کیلوگرم گاز دی اکسید کربن جذب می کند.

- کنترل تشعشعات و بازتاب نور

- کنترل ترافیک: آرایش فضای سبز در محورهای درون شهری عامل مناسبی در کنترل و هدایت ترافیک شهری می باشد.

- زیبایی آفرینی و چشم انداز دل پذیر: تمام گیاهان و گونه های مختلف آن زیبایی خاص خود را دارند، حتی به طور ظاهری یک گیاه با چرخش زاویه تابش نور در باغات مختلف در طی روز و در مسیر باد در حال تغییر و دگرگونی است که دازای تأثیر روانی بر انسان بوده و محیط را نشاط آور و آرام می کند.

- اهمیت فضای سبز در شهرسازی: استفاده از آن به عنوان عناصر شناسه ای، تقسیم فضا، ایجاد حفاظه، کنترل و ایجاد فضاها و قلمروها

- کنترل باد: فضای سبز به ویژه درختان در صورت کاشت مناسب و هدفمند می توانند در تابستان جهت هدایت باد و خنک کردن در بخش های مورد نظر و تغییر جهت آن در سمت دلخواه مؤثر بوده و در بعضی مواقع در مکان ها به عنوان بادشکن عمل می نمایند.

- تفریحگاه: فضای سبز در شکل گیری هرگونه سیستم تفریح گاهی مؤثر بوده و در گذران اوقات فراغت مردم نقش اساسی دارد.

- تأثیر روانی: فضای سبز به ویژه رنگ سبز یا تغییرات فصلی آن دارای اثرات روانی بسیار مؤثری است و با عنایت به خاصیت آرام بخشی آن می تواند فضای خشک شهرها را برای اتوبه مردم قابل تحمل نماید. علاوه بر آن ثابت شده که وجود فضای سبز در دوره بهبودی بیماران نقش مثبت داشته و دوره نقاهت بیماران را ۸ درصد کاهش می دهد.

از تأثیرات دیگر وجود فضاهای سبز می توان به نقش

فضای سبز در ذخیره انرژی، کاهش تابش آفتاب از طریق ایجاد سایه، تغییر جهت و کاهش سرعت باد، تعدیل دما از طریق تبخیر و تعرق، مقابله با جزایر گرمایی و ... اشاره نمود.

پارک ها

در فرهنگ های مختلف تعاریف متفاوتی از پارک که هر کدام ویژگی های خاصی از پارک را نشان می دهد، آمده است که در زیر نمونه هایی از آن بیان می شود:

فرهنگ کشاورزی، جان ویه پادنه، (۱۹۶۲)، وینرن: پارک منطقه بازی است که به طور طبیعی در یک ناحیه جنگلی وجود دارد و مناطقی هستند که برای استفاده عموم کنار گذاشته می شوند و اراضی محصور در قوس و بیخ رودخانه ها هستند.

فرهنگ آکسفورد (۱۹۶۲):

- پارک به قطعه زمین بزرگ، محصور و عموماً با درختان و چمن می گویند.

- قطعه زمین بزرگ که به صورت طبیعی برای استفاده عموم نگهداری می شود.

- قطعه زمین آرایش یافته که برای استفاده تفریحگامی اختصاص داده می شود.

فرهنگ اکولوژی کولینز (Collins, ۱۹۸۸):

- پارک منطقه ای فراخ و مکان بازی برای استفاده های تفریح گاهی عامه در کنار شهر است.

فرهنگ جنگلداری انجمن جنگلداران آمریکا فورد رابرتسون (Ford Rebertson, ۱۹۷۱):

- پارک به هر منطقه بازی در داخل جنگل گفته می شود (مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۷۰).

طبقه بندی انواع پارک ها

پارک ها با حفظ مضمون خود بر حسب نوع استفاده، موقعیت یا ارزش، عبارین مختلفی پیدا کرده اند که بدون توجه به طبقه بندی آنها می توان تعادلی از آنها را به شرح زیر نام برد:

پارک عمومی، پارک میان راه، پارک شهر، پارک ملی، پارک حومه، پارک ملی-تاریخی، پارک ایالتی، پارک ملی-نظامی، پارک بین المللی، پارک جنگلی ملی، پارک ملی-آثار تاریخی، پارک ملی حیات وحش، پارک نیم ملی، ذخایر ملی علمی، پارک طبیعی و ...

پارک های شهری از نظر هدف، اندازه، ویژگی های محل و ... به انواع مختلفی تقسیم می گردند و با توجه به این معیارها می توان گفت که در یک تقسیم بندی کلی پارک های شهری را به چهار گروه پارک هایی در سطوح همسایگی، محلی، ناحیه ای و منطقه ای تقسیم می گردند که در زیر تعاریف هر یک از آنها ارائه گردیده است (مجنونیان، ۱۳۷۴، ص ۷۲).



پارک شهری در مقیاس همسایگی؛ عبارت است از پارکی که در یک واحد همسایگی قرار گرفته و مساحتی کمتر از نیم هکتار داشته باشد. طبق استاندارد برای کودک ۹ ساله از دورترین نقطه واحد همسایگی تا پارک با پای پیاده مقلوبز بوده و در طی مسیر از خیابان‌های سریع سرنانی و بزرگ راه‌ها عبور نکنند.

پارک شهری در مقیاس محله؛ این نوع پارک در محله قرار دارد و مساحت آن حدود دو برابر مساحت پارک شهری در مقیاس همسایگی (یک هکتار) است. همچنین ارتباط پیاده برای کودک ۹ ساله از دورترین نقطه محله تا پارک باید به حدود ۲ برابر معیار پارک در مقیاس واحد همسایگی برسد و در طی مسیر بتواند از خیابان‌های کندرو و شبکه دسترسی محلی عبور نماید.

پارک شهری در مقیاس ناحیه؛ به پارکی گفته می‌شود که در ناحیه مسکونی قرار داشته و مساحت آن ۲ تا ۴ برابر مساحت پارک در مقیاس محله (۴ هکتار) بوده و دسترسی با پای پیاده برای ساکنان از دورترین نقطه تا پارک از نیم ساعت تجاوز نکند.

پارک شهری در مقیاس منطقه؛ به پارکی گفته می‌شود که در یک منطقه مسکونی قرار داشته باشد و مساحت آن حداقل ۲ برابر حداکثر اندازه پارک در مقیاس ناحیه (۸ هکتار) در نظر گرفته شود. همچنین طبق استاندارد، مراجعه کنندگان می‌توانند از دورترین نقطه با وسیله نقلیه در مدت زمانی کمتر از یک چهارم ساعت، خود را به پارک برسانند.

معیارهای برنامه ریزی فضای سبز شهری

پیش از هر نوع برنامه ریزی برای توسعه فضای سبز شهری باید استانداردها و سرنانه‌های آن مشخص گردد. از دیدگاه محیط زیست از آنجا که فضای سبز شهری بخش جان دار ساخت کالبدی شهر را تشکیل می‌دهد، از این رو منظور طراحی حکم می‌تد که با بخش بی جان شهر نوعی تعادل ایجاد شود. روش معمول در طراحی‌های شهری دادن کاربری فضای سبز

به زمین‌های باثری است که در طول فرایند برنامه‌ریزی زمین بی‌استفاده مانده است. این نوع برخورد با مقوله فضای سبز فاقد هرگونه پشتوانه علمی و منطقی برنامه‌ریزی است. در خصوص میزان سرنانه فضای سبز و استانداردهای مربوط به آن، انگوری استاندارد شناخته شده‌ای که بتواند جوابگوی نیازهای برنامه‌ریزان شهری در شرایط اقلیمی و جغرافیایی مختلف نقاط دنیا باشد، وجود ندارد. شاخص تعیین شده از سوی محیط زیست

جدول ۱. سرنانه‌های پیشنهادی وزارت مسکن و شهرسازی برای پارک‌های درون شهری

نوع پارک	مساحت به هکتار	سرنانه به متر مربع	شعاع عملکردی به متر
واحد همسایگی	۱/۵	۴	۲۵۰-۵۰۰
محله‌ای	۶	۴	۵۰۰
ناحیه‌ای	۲۰	۵	۱۰۰۰
شهری	۱۰۰	۱۲	۲-۸ کیلومتر

ماخذ: احمدی، تقی، برنامه‌ریزی توسعه کاربردی فضای سبز شهری کرج؛

دانشگاه آزاد واحد ملایر، تابستان ۱۳۷۳، ص ۴۶

سایر طرح‌های شهری استفاده گردیده است و در اکثر طرح‌های شهری، استاندارد مشخص درباره فضای سبز ارائه نشده است.

استانداردها و سرانه‌های مختلفی که برای هر یک از کاربری‌های شهری به کار برده می‌شود با توجه به موقعیت جغرافیایی شهر، ویژگی‌های کالبدی-فیزیکی، شرایط اقلیمی، عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و فرهنگی از شهری به شهر دیگر متفاوت بوده و نمی‌توان یک سرانه و استاندارد مشخصی برای شهرهای یک کشور در نظر گرفت و هر شهری با توجه به شرایط خود نیاز به سرانه‌های متفاوتی دارد و استانداردهای ارائه شده تنها همچون یک راهنما مورد استفاده قرار می‌گیرند. سرانه‌های پیشنهادی توسط وزارت مسکن و شهرسازی که برای هر یک از انواع مختلف پارک بدون شهری، به شرح جدول زیر ارائه گردیده است.

معیارهای مکانی ایجاد فضای سبز شهر

نکته بسیار مهم در مکان‌یابی فضای سبز عمومی، ضروریات‌های اجتماعی ایجاد پارک می‌باشد و از این روست که جین جکوب معتقد شهرسازی معاصر در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی معتقد است که پارک باید در جایی باشد که زندگی در آن موج می‌زند، جایی که در آن کار، فرهنگ و فعالیت‌های بازرگانی و مسکونی است. تعدادی از بخش‌های شهری دارای چنین نقاط کانونی ارزشمندی هستند که برای ایجاد پارک محلی مناسب به نظر می‌رسند. همچنین وی معتقد است که بدترین پارک‌های دارای مشکل، آنهایی هستند که در مکان‌هایی که مردم از کنار آن نمی‌گذرند و تمایل به چنین کاری نیز ندارند، قرار دارند. یک پارک شهری که به چنین مصیبتی گرفتار آمده، همچون یک فروشگاه بزرگ تجاری در یک موقعیت بد اقتصادی است. با توجه به این مطالب، معیارهای مکانی جهت مکان‌گزینی فضای سبز عمومی به شرح زیر می‌باشد:

مرکزیت: کاربری فضای سبز عمومی حتی المقدور باید در مراکز شهری، اعم از مراکز محلات، نواحی و مناطق شهری مکان‌یابی شوند. برای نیل به این هدف، باید ساختار فضایی شهر برای مشخص نمودن نظام سلسله مراتب مراکز شهری مطالعه گردد و مراکز همسایگی، محله‌ای، ناحیه و شهر مشخص شود.

سلسله مراتب: منظور از این معیار این است که ساختار کارکردی فضای سبز عمومی با ساختار فضایی شهر تطبیق داشته باشد. فضای سبز عمومی باید متناسب با موقعیت کارکردی خود، یعنی واحد همسایگی، محله، ناحیه، منطقه، مکان‌یابی شوند. از جانشینی پارک‌هایی با مقیاس فرامحله‌ای در داخل محلات باید در حد امکان جلوگیری شود.



سازمان ملل متحد ۲۰-۲۵ متر مربع برای هر نفر بوده و در همین راستا وزارت مسکن و شهرسازی بر اساس مطالعات و بررسی‌های خود، سرانه متعارف و قابل قبول در شهرهای ایران را بین ۷-۱۲ مترمربع تعیین کرده که در مقایسه با شاخص عددی سازمان ملل رقم کمتری است.

مفهوم سرانه فضای سبز می‌تواند تنها در مورد فضای سبز عمومی تجهیز شده به کار رود یعنی فضاهایی که برای گذران اوقات فراغت، بازی و تفریح تدارک دیده شده‌اند و فضای سبز خیابانی، رفیوژها، کمربندهای سبز و ... را شامل نمی‌شود؛ زیرا در واقع این نوع فضاهای نقش آرایش شبکه دسترسی سواره و پیاده را بر عهده دارند.

استانداردها و سرانه‌های ارائه شده در رابطه با فضای سبز و پارک‌های بدون شهری

تا کنون به طور معمول در برنامه‌ریزی فضاهای باز و سبز، چه در سطح محله و چه در مقیاس شهری، از استانداردهای کشورهای دیگر بدون تعدیل و تطبیق استفاده شده است. در برخی موارد تنها از ضوابط کمی

جدول ۲. کاربری‌های سازگار و ناسازگار با پارک‌های درون شهری

نوع کاربری	نوع همجواری	اوقات	راه حل	میزان حریم
آموزشی	سازگار	-	-	-
بهداشتی	سازگار	-	-	-
درمانی	ناسازگار	آلودگی هوا، مسائل بهداشتی	رعایت حریم	۵۰-۱۵۰ متر
انباری	ناسازگار	ایجاد تراکم	رعایت حریم	۱۵۰ متر
صنعتی	ناسازگار	آلودگی هوا، صوتی	رعایت حریم، انتقال	۵۰۰-۱۰۰۰ متر
درمانی	سازگار	مسائل ناشی از ماهیت عملکردی کاربری‌ها	-	-
مذهبی	سازگار	-	-	۱۵۰
گورستان	ناسازگار	آلودگی صوتی، مسائل روحی و روانی	-	-
خدماتی	سازگار	آلودگی هوا، مسائل بهداشتی	-	-
مسکونی	سازگار	-	-	-
نظامی	ناسازگار	آلودگی صوتی	رعایت حریم، انتقال	۵۰۰
فضای سبز	سازگار	-	-	-
پارکینگ	سازگار	-	-	-
بایس و انتقالی	ناسازگار	ایجاد تراکم و اختلال	رعایت حریم	۱۵۰
بیمب بزین	ناسازگار	آلودگی هوا، آلودگی صوتی	رعایت حریم	۴۵-
رودخانه	ناسازگار	آلودگی هوا، مسائل ایمنی	رعایت حریم	۱۵۰
تجهیزات شهری	سازگار	-	-	-
تجاری (خرده)	سازگار	-	-	-
تجاری (صده)	ناسازگار	ایجاد تراکم	رعایت حریم	۱۵۰
ترمیال	ناسازگار	آلودگی صوتی و هوا	رعایت حریم	۱۵۰
ورزشی	سازگار	-	-	-
آتش نشانی	ناسازگار	ایجاد تراکم و اختلال	رعایت حریم	۱۵۰
بافت	سازگار	-	-	-
بانک	سازگار	-	-	-
معبر	بستگی دارد	بستگی به نوع معبر دارد	رعایت حریم	-

منبع: حسینی، سید علی، ارزیابی کاربری آموزشی تهران، دانشکده هنر، ۱۳۸۰، ص ۲۱

که سرعت مجاز در آنها زیاد است ایجاد شوند. زیرا در چنین صورتی خطر تصادف عابر پیاده افزایش می‌یابد و نیز در نزدیکی پارک‌ها به نسبت مقیاس و کاربرد آن باید فضای مناسب برای پارکینگ اختصاص باید (سعیدنیا، ۱۳۸۳، ص ۸۸ و ۸۷).

دسترسی: مهم ترین معیار برای مکان‌یابی فضاهای بازی، دسترسی است. محیط بازی کودکان خردسال با همسالانش که ضرورت دارد خارج از خانه باشد، باید

دسترسی: هر یک از پارک‌های شهری باید از چهار سو به شبکه ارتباطی دسترسی داشته باشد تا بدین طریق هم امکان جذب جمعیت بیشتر فراهم گردد و هم امکان نظارت اجتماعی و امنیت پارک افزایش یابد و در عین حال امکان بهره رنداری دیداری از جلوه‌های زیبای پارک برای رهگذران از چهار سو فراهم گردد. همچنین پارک‌ها، بوستان‌ها و فضای سبز که جاذب‌های سفری پیاده هستند، نباید در کنار بزرگ راه‌ها یا آزادراه‌ها

عوامل تعیین کننده همجواری‌های سازگار و ناسازگار بین کاربری‌های شهری

در مورد عوامل تعیین کننده همجواری‌های سازگار و ناسازگار بین کاربری‌های شهری می‌توان به چندین عامل بسیار مهم اشاره کرد از جمله: آلودگی صوتی، آلودگی هوا، آلاینده‌های محیطی، آلودگی ناشی از ماهیت عملکردی کاربری‌ها و دسترسی‌ها.

- آلودگی صوتی: به طو کلی هر چه را آدمی مایل به شنیدن آن نیست، آلودگی صوتی می‌نامند. صوتی که توسط کار بری‌های صنعتی (کارخانه‌ها، کارگاه‌های نجاری، تراشکاری و...) تجاری، ترافیک زمینی و هوایی، عملیات مربوط به ساخت و ساز و... تولید می‌گردد، جزء آلاینده‌های صوتی به شمار می‌آیند. قابل ذکر است که میزان آلودگی صوتی با کاهش و افزایش فاصله بین کاربری‌های پارک درون شهری و منبع تولید کننده صدا رابطه معکوس دارد و لذا در مکان‌گزیی این نوع کاربری‌ها رعایت حریم می‌توان عمل نمود.

- آلودگی هوا: عبارت است از وجود یک یا چند ماده آلوده کننده در هوای آزاد به مقدار و حدتی که کیفیت هوا را به طوری که مضر به حال انسان، حیوان و گیاه باشد. آلودگی هوا به هر شکلی که به وجود بیاید، عاملی در جهت برهم زدن سلامت جسمی انسان و آسیب روحی و روانی وی محسوب می‌شود. عمده‌ترین عوامل آلوده کننده هوا، سوخت فسیلی که برای تأمین انرژی مورد نیاز صنایع و وسایل حمل و نقل به کار برده می‌شوند، هستند و لذا مکان پارک درون شهری نباید

در مجاورت و یا در دسترس مستقیم دو طرفه کودکان به خانه و یا اولیه به کودکان باشد. کودکان می‌خواهند پیش از پیش در محیط امن، اجازه بازی کردن داشته باشند؛ اما از دیدگاه کودکان، امن به معنای آن است که به راحتی به خانه دسترسی داشته باشند. اصلی‌ترین عامل مؤثر در بازی کردن بچه‌ها در خارج از خانه، میزان دسترسی به محل سکونت است.

فاصله: زمین بازی کودکان خردسال که نمی‌توانند به تنهایی از منزل دور شوند و باید زیر نظر والدین بازی کنند، نباید بیش از ۲۵۰ متر یا منزل ایشان فاصله داشته باشد. معمولاً این زمین‌های بازی در پارک‌های کودک یا پارک‌های واحد همسایگی مکان‌یابی می‌شوند. استقرار فضای بازی در پارک، موجب نوع عملکردی پارک می‌شود و وجود فضای سبز در مجاورت فضای بازی، نه تنها مکانی مناسب برای استراحت والدین فراهم می‌سازد، بلکه موجب تصفیه هوای زمین بازی می‌گردد. در تعیین مکان فضای بازی کودکان باید در نکته را در نظر داشت: نخست اینکه فضای بازی کودک باید در دیدرس و قابل نظارت بوده و در انبوه درختان گم نشود و دوم اینکه فضای بازی نباید در معرض مستقیم آفتاب شدید باشد.

همجواری: همجواری‌های مناسب برای فضای بازی کودکان شامل تأسیسات آموزشی، مراکز تفریحی و فرهنگی و فضاهای سبز هستند. زمین بازی نباید بر فراز تپه و یا در مسیر عبور و مرور سریع ماشین‌ها قرار گیرد. باید تدابیر لازم جهت محصور نمودن زمین بازی از استخرها و جوی‌های آب در نظر گرفته شود (سعیدنیا، کتاب سبز شهرداری، فضاهای



در معرض مستقیم این منابع آلاینده قرار گیرد (بهرام سلطانی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۳).

- آلاینده‌های محیطی: برخی از کاربری‌های شهری همانند مراکز درمانی و بیمارستانی، مراکز جمع‌آوری زباله، کشتارگاه‌ها و گورستان‌ها و اثرات جسمی و روانی نامطلوبی روی انسان می‌گذارند و لذا این دسته از کاربری‌ها به لحاظ بهداشتی باید در فاصله مناسب از پارک درون شهری مکان‌گزینی گردند.

ماهیت عملکردی برخی از کاربری‌ها: برخی از کاربری‌ها به لحاظ ماهیت عملکردیشان نمی‌توانند در مجاورت کاربری پارک درون شهری قرار گیرند. کاربری چون آتش‌نشانی، یادگان نظامی، مراکز ورزشی و ... باید در فاصله معینی از پارک درون شهری مکان‌گزینی گردند تا علاوه بر برخورداری از خدمات آنها، تداخل در انجام فعالیت‌ها به وجود نیاید.

تعداد دیگری از کاربری‌ها همچون مراکز تجاری بزرگ، تعمیرگاه‌ها، انبارها که مراجعات روزانه وسایل نقلیه سبک و سنگین را به همراه دارد، علاوه بر تشدید آلودگی، تردد عادی در سطح منطقه با اختلال روبرو می‌کند، لذا قرارگیری پارک درون شهری در کنار چنین فعالیت‌هایی موجب سلب آسایش و آرامش و امنیت کاربران این پارک‌ها می‌شود (حسینی، ۱۳۸۰، ص ۲۵). همچنین پارک درون شهری به تناسب سلسله مراتب لازم است از یک شبکه ارتباطی مناسب برخوردار گردد.

نوع ارتباط پارک درون شهری

- نوع ارتباطات پارک درون شهری واحد همسایگی: نزدیک به مسیر پیاده، عدم تداخل با مسیرهای سواره‌رو.

- نوع ارتباطات پارک درون شهری در سطح محله: نزدیک به مسیر اصلی پیاده، عدم تداخل با مسیرهای اصلی سواره‌رو.

- نوع ارتباطات پارک درون شهری در سطح ناحیه: نزدیک به مسیر اصلی سواره‌رو، نزدیکی به سواره‌رویی درجه ۲

- نوع ارتباطات پارک درون شهری در سطح منطقه: نزدیک به سواره‌رویی درجه ۲ و ۱.

نتیجه‌گیری

احداث پارک‌ها و فضای سبز از آن رو که در تطبیف هوای شهر و بالا رفتن کیفیت آن مؤثر است، اقدامی است لازم که در این زمینه در سال‌های اخیر گام‌های اساسی برداشته شده، اما هنوز هم نیاز به آن احساس می‌شود. فضاهای سبز و پارک‌ها همچون ریه‌های تنفسی شهر عمل می‌کنند. شهرها برای زنده ماندن به فضای سبز نیاز دارند و به گونه‌ای در یافت شهر باید قرار گیرند که در سازگاری کامل با کاربری‌های دیگر باشند.

و نیازهای منطقه را برطرف سازند. در انتخاب مکان، عوامل بسیاری دخالت دارند و شاخص‌های متفاوتی برای مکان‌یابی‌های متفاوت مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مکان‌یابی کاربری فضای سبز شهری، معیارهای مکانی نظیر مرکزیت، دسترسی، سلسله مراتب و همچنین سرانه‌ها و استانداردهای جهانی و کشوری باید مورد توجه قرار گیرد.

کاربری‌های خدماتی با ارائه خدمات گوناگون آموزشی، درمانی، فرهنگی، انضامی و ... شهر را به محیطی امن و دلنشین مبدل می‌سازند و بالعکس وجود نقصان و کاستی در هر یک از کاربری‌های مذکور، تنزل کیفی فضاهای شهری را به همراه خواهد داشت. از این رو بررسی و تحلیل نظام کاربری‌های خدماتی در شناخت و کیفیت شرایط زیست یک محیط شهری مؤثر خواهند بود. ■

منابع

- ۱- بهرام سلطانی، کامبیز، شناخت محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۱
- ۲- بهرام سلطانی، کامبیز، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، معیارهای آسایش صوتی، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، تهران، ۱۳۷۴
- ۳- برنامه‌ریزی فضای سبز در طرح‌های توسعه شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعات شهرسازی، ۱۳۷۱
- ۴- پیرمورد، ژان، فضای شهری: طراحی، مدیریت، ترجمه حسین رضایی و همکاران، اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی شهرداری تهران، ۱۳۷۳
- ۵- حسینی، سید محسن، مسائلی، حنلیقه، سرانه کاربری‌های شهری، دفتر مطالعات زمین و مسکن سازمان ملی زمین و مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۰
- ۶- سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران، مجموعه مقالات سمینار فضای سبز استان ۱۳۷۱
- ۷- سعید تبا، احمد، فضای سبز شهرداری، کتاب سبز جلد نهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران، ۱۳۸۳
- ۸- سعید تبا، احمد، کتاب سبز شهرداری جلد نهم، فضاهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی، کشور، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، ۱۳۷۹
- ۹- شیعه، اسماعیل، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- ۱۰- گروه مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت کشور، سرانه‌ها و استانداردهای فضای سبز، ۱۳۶۹
- ۱۱- مجنونیان، هنریک، مباحثی پیرامون پارک

رفاه اجتماعی در شهر

■ فاطمه وثوقی،

دکتر در جغرافیا

بررسی‌های گسترده و دقیق دارد. در مورد رفاه اجتماعی در شهرها سؤال‌های متعددی مطرح است که می‌تواند تأمل برانگیز باشد.

آیا شاخص‌های رفاه اجتماعی شهروندان بر مبنای جنسیت یکسان است؟ یعنی مردان به همان اندازه زنان از رفاه اجتماعی برخوردارند؟ آیا عدالت جنسیتی در برخورداری از رفاه اجتماعی مدنظر قرار گرفته است؟ زنان در شهرها چه امکاناتی دارند؟ به خصوص در جامعه اسلامی ما که در بسیاری از موارد جدایی‌گزینی برای زنان وجود دارد، آیا به همان میزان که مردان از امکانات شهری برخوردارند زنان نیز برخوردار می‌باشند؟ همان اندازه که مردان در فضای شهری احساس امنیت می‌کنند، زنان هم احساس امنیت دارند؟ آیا زنان می‌توانند به اندازه زمانی (در طول روز و شب) که مردان از فضاها و امکانات شهری استفاده می‌برند، بهره‌مند باشند؟ در شهرها کدام فضاها یا باید مردانه باشند؟ کدام فضاها زنانه‌اند؟ زنان ما چند درصد فرصت‌های شغلی، مالکیت‌های تولید و سرمایه یا درآمد‌های شهری را در اختیار دارند؟ اوقات فراغت زنان در محیط‌های شهری به همان اندازه اوقات فراغت مردان است؟ تا چه حد استفاده از خدمات اجتماعی خاص زنان برای آنان طراحی و در نظر گرفته شده است؟ مشارکت زنان در امور شهری تا چه اندازه در برابر مشارکت مردان به وسعت شناخته می‌شود؟ تا چه حد زنان در حریم فضاهای مردسالارانه شهرها راه یافته‌اند؟

سؤال دیگر این که آیا نیازهای مختلف شهروندان برای رسیدن به رفاه اجتماعی در گروه‌های سنی مختلف نیز مدنظر قرار گرفته است؟

کودکان و نوجوانان بخش مهمی از جوامعی مانند ما را در بر می‌گیرند. به خصوص که این روزها افزایش جمعیت نیز در صدر توجه مسئولان قرار گرفته است. آیا شهرهای ما رفاه اجتماعی لازم برای این قشر از جمعیت ما را دارد؟ کدام یک از امکانات شهر در ابعاد مختلف فرهنگی، امنیتی، تغذیه، بهداشت، اوقات فراغت، ورزش و یا سایر شاخص‌های رفاه اجتماعی برای کودکان و نوجوانان ما آماده است؟

جوانان به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای به‌شمار می‌روند. در ایران درصد مهمی از جمعیت را جوانان تشکیل می‌دهند. آیا شهرها برای جوانان یا توجه به نیازهایی که دارند در زمینه اشتغال، مسکن، درآمد، اوقات فراغت و ... برنامه ریزی

مقوله رفاه اجتماعی در جوامع انسانی به خصوص در شهرها که مراکز عمده تجمع جمعیت می‌باشند، روز به روز بیشتر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران قرار می‌گیرد. می‌توان گفت رفاه اجتماعی دنباله دیدگاه‌های حقوقی شهروندی می‌باشد بحث رفاه اجتماعی به طور جدی از سال‌های ۱۹۷۰ در اروپا مطرح شد.

رفاه اجتماعی شهروندان در کشورهای مختلف دنیا تعاریف مختلفی دارد. این تعاریف در طول زمان کامل‌تر شده و ابعاد بیشتری از زندگی مردم را در بر گرفته‌اند. در ایران نیز تا کنون مباحث زیادی در خصوص رفاه اجتماعی مطرح شده است. جمهوری اسلامی بر مبنای عدالت اجتماعی به این مهم پرداخته است.

به طور کلی می‌توان رفاه اجتماعی در شهرها را در دو بعد مادی و معنوی زندگی شهروندان در نظر گرفت. بعد مادی بر تأمین نیازهای اساسی، خوراک، پوشاک، شغل و مسکن، بهداشت و درمان تأکید دارد و بعد معنوی را نیز می‌توان شامل تعلیم و تربیت و ریشه کنی جهل و بی‌سوادی، حمایت قانونی از عموم ملت و برخورداری از حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، الثفات به خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی و تأمین قداست و فضیلت در بستر جلوگیری از انحرافات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی دانست.

شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارتند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد، تأمین اجتماعی، در کنار شاخص‌های اصلی، شاخص‌های فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود؛ از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جنایی.

متولی بحث رفاه اجتماعی قاعداً باید وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی باشند. اما این مقوله به سایر سازمان‌ها مانند بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی، بنیاد جانبازان و مستضعفان، بنیاد شهید، سازمان بازنشستگی، هلال احمر، آموزش و پرورش، درمان و آموزش پزشکی و ... نیز مرتبط خواهد شد. در این میان شهرداری‌ها نیز به عنوان متولیان خدمات و مدیریت شهری می‌توانند نقش عمده‌ای را داشته باشند.

اما این که وضعیت رفاه اجتماعی در شهرهای ما چگونه است و تا چه حد شاخص‌های مورد نظر در جامعه شهری ما پیاده شده است، مطلبی است که نیاز به



شده‌اند؟

اگر به وضعیت سالمندان در شهرها نیز توجه کنیم می‌بینیم فضاها و خدمات شهری شهرها برای سالمندان از موقعیت مناسبی برخوردار نیستند. سالمندان ما به عنوان سرمایه‌های اجتماعی ما از چه خدمات اجتماعی - رفاهی برخوردارند؟ آیا جایگاه و شأن والای سالمندان ما در شهرها به طور عملی و نه در شعار، مد نظر قرار گرفته است؟ فضاهای شهری، وضعیت حمل و نقل، خدمات بهداشتی و درمانی، گذران اوقات فراغت، امنیت مالی و جانی، عزت و احترام اجتماعی برای سالمندان ما چگونه باید باشد؟ به خصوص با در نظر گرفتن این مهم که جمعیت ما به سمت سالمندی پیش می‌رود. این امر برای اقشار مختلف جامعه شهری نیز مشهود است. اقشار مختلف در جامعه شهری چگونه و به چه اندازه از رفاه اجتماعی برخوردارند؟ آیا شهرهای ما عمدتاً برای اقشار خاصی طراحی شده است؟

برای اقشار آسیب‌پذیر در جوامع شهری چه تمهیدات رفاهی - امنیتی - اقتصادی و ... در نظر گرفته شده و هنوز چه تمهیدات دیگری مورد نیاز است؟

معلولان در فضاهای شهری ما تا چه حد احساس راحتی، آرامش و امنیت می‌کنند؟ حتی برای معلولان در سنین مختلف تا چه حد خدمات مختلف اجتماعی و رفاهی با توجه به رفع نیازهای ویژه آنان در نظر گرفته شده است؟

آیا می‌توان گفت رفاه اجتماعی در شهرها، چه در ابعاد مادی و چه معنوی، عمدتاً برای قشرهای خاصی از جامعه، به خصوص برای مردان آن هم مردانی که در سنین بین ۲۰ تا ۵۰ سال، سالم و بدون معلولیت باشند وجود دارد؟

در نهایت باید دید جامعه ما در خصوص رفاه

اجتماعی شهروندی در چه وضعیتی است؟ باید به چه جایگاهی برسد و راه رسیدن به این جایگاه چیست؟ متولیان این امر در ایران چه کسانی یا چه سازمان‌هایی می‌باشند؟ نقش مردم و سازمان‌های مردمی در این مهم چه می‌باشند؟ بسترهای قانونی آن چیست؟ در چه زمینه‌هایی کمیته‌های قانونی وجود دارد؟ چه میزان بودجه مورد نیاز است؟ آیا ما زیرساخت‌های کافی برای رسیدن به این امر را داریم؟ آیا همه فضاهای جغرافیایی شهری ما یکسان از رفاه اجتماعی برخوردارند؟ آیا عدالت فضایی در رفاه اجتماعی وجود دارد؟

لذا می‌بینیم که وقتی در هر یک از این موارد به طور جزء وارد شویم چقدر باید کار انجام گیرد یا اینکه تا چه حد برای رسیدن به شاخص‌های جهانی باید تلاش کنیم و چقدر از آنها فاصله داریم و باید برنامه ریزی کنیم. خوشبختانه شهرداری‌ها به عنوان متولیان اصلی مدیریت شهری تا حدی در این موارد وارد بحث شده‌اند؛ اما هنوز در اول راه هستیم. رسیدن به شاخص‌های رفاه اجتماعی با در نظر گرفتن حقوق همه اقشار جامعه و بدون آسیب زدن به محیط زیست و برای همه نسل‌های آینده راهی طولانی است که همت عمومی و عزم ملی می‌طلبد. ■

■ هزینه گزاشایی

احداث بوستان مهارت در اراک

فضای معبری و بیش از ۸ هزار مترمربع فضای چمن کاری شده دارد.

این پارک از ۶۰ مترمربع فضای گلکاری، ۴۰۰ عدد درخت و نهال، ۵ عدد نیمکت، ۴ سطل زباله و ۱۵ عدد چراغ پایه کوتاه و یک عدد برج نوری برای روشنایی برخوردار است.

وی همچنین اظهار داشت: با احداث بوستان‌هایی بیشتر در سطح شهر بتوانیم شادابی و نشاط هرچه بیشتر و همچنین رضایت حداکثری شهروندان را در راستای رسیدن به اهداف سازمان جلب نمایم. ■

احمد حسنی، مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری اراک، از احداث بوستان مهارت واقع در شهرک توحید خیر داد و اظهار داشت: نیاز به فضاهای سبز شهری، ایجاد و طراحی فضای سبز و پارک در شهرها و مناطق پیرامونی آن، به منظور گسترش چشم‌اندازهای مناسب، ایجاد آرامش روانی شهروندان، بهبود کیفیت هوا، کاهش آلودگی صوتی، جلوگیری از آثار نامطلوب زندگی ماشینی است.

این بوستان مهارت با مساحتی بالغ بر ۱۰ هزار مترمربع در شهرک توحید واقع شده که ۷۶۶ مترمربع

احداث خط مترو از استان البرز به استان قزوین

مترو قابلیت جابه‌جایی ۱۳ هزار و ۵۰۰ مسافر را در ساعت دارد و سرعت اولیه آن ۸۰ کیلومتر در ساعت و زیر ساخت آن به گونه‌ای طراحی شده که این میزان سرعت تا ۲۴۰ کیلومتر در ساعت قابل افزایش است. ■

تفاهیم‌نامه احداث خط مترو هشتگرد به قزوین، با حضور استاندار قزوین و سرمایه‌گذاری بخش دولتی چین امضاء شد.

این پروژه به طول ۷۴ کیلومتر بوده که در این مسیر هفت ایستگاه در نظر گرفته شده است. همچنین این

آغاز مطالعات طرح جامع ترافیک شهر گرگان

مطالعات طرح جامع ترافیک شهر گرگان با حضور معاونت امور عمرانی استانداری، مسئولان شهرداری، مشاور منتخب طرح و با حضور اکثریت دستگاه‌های مرتبط با ترافیک شهرستان آغاز شد. این مطالعات طی قرارداد ۱۵ ماهه انجام خواهد شد.

محسن احمدی، معاون فنی عمرانی شهرداری گفت: اولویت این طرح در کلانشهرها به دلیل وجود مشکلات فراوان ضرورت داشت. احمدی تصریح کرد: بعد از کلانشهرها، شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر و مراکز استان‌ها موظف به اجرای این طرح شدند. وی روند کلی این کار را آمارگیری وسیع در سطح شهر عنوان کرد که شامل عبور و مرور خودروها و سرنشین‌ها، تعداد مسافران عبوری از شهر، ورود و خروج کالاها و مهم‌ترین آن را آمارگیری مبدأ و مقصد خانوار عنوان کرد.

احمدی افزود: هیچ اطلاعات شخصی از افراد صورت نمی‌گیرد و آمار مربوط به همان روزی است که توسط دانش آموزان مقطع راهنمایی جهت آمارگیری به درب منازل مراجعه می‌کنند، می‌باشد. ■

مطالعات طرح جامع ترافیک شهر گرگان با حضور معاونت امور عمرانی استانداری، مسئولان شهرداری، مشاور منتخب طرح و با حضور اکثریت دستگاه‌های مرتبط با ترافیک شهرستان آغاز شد. این مطالعات طی قرارداد ۱۵ ماهه انجام خواهد شد.

محسن احمدی، معاون فنی عمرانی شهرداری گفت: اولویت این طرح در کلانشهرها به دلیل وجود مشکلات فراوان ضرورت داشت. احمدی تصریح کرد: بعد از کلانشهرها، شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر و مراکز استان‌ها موظف به اجرای این طرح شدند. وی روند کلی این کار را آمارگیری وسیع در سطح شهر عنوان کرد که شامل عبور و مرور خودروها و سرنشین‌ها، تعداد مسافران عبوری از شهر، ورود و خروج کالاها و مهم‌ترین آن را آمارگیری مبدأ و مقصد خانوار عنوان کرد.

احمدی افزود: هیچ اطلاعات شخصی از افراد صورت نمی‌گیرد و آمار مربوط به همان روزی است که توسط دانش آموزان مقطع راهنمایی جهت آمارگیری به درب منازل مراجعه می‌کنند، می‌باشد.

آغاز مطالعات طرح جامع ترافیک شهر گرگان

طرح بهسازی گذرهای بازار

وی بیان داشتند پس از تخریب سایبان‌های گذر سوم از سمت خیابان حصار (غروب بازار)، کار تخریب در گذر اول نیز در تاریخ ۳۷/۶/۹۲ به اتمام رسید. منصوری زاده در پایان افزود: این طرح در دیگر گذرهای بازار جهت مرمت دیوارها و کف‌سازی و هم شکل نمودن سایبان‌ها در حال انجام می‌باشد. ■

حسین منصوری‌زاده، سرپرست منطقه بافت تاریخی شهرداری اراک، گفت: واحد امانی و اجراییات شهرداری بافت تاریخی برای مرمت دیوارها و ساختمان‌های فرسوده، کف‌سازی و هم‌شکل نمودن سایبان‌ها و مغازه‌ها و سردرپ‌ها در گذرهای بازار با مشارکت سازمان بهسازی و نوسازی شهرداری اراک در حال انجام است.

تهیه «طرح راهبردی توسعه رشت» راهبردی نوین در مدیریت شهری

استقرار واحدهای صنعتی پراکنده و مشکلات محیط زیستی مرکز دهن زیاده سروان تنها بخشی از مشکلاتی است که شهرداری رشت در حریم شهر با آن دست به گریبان است.

رئیس ستاد توسعه پایدار شهرداری رشت، توجه به محیط زیست و جنگل‌ها و حفظ این سرمایه طبیعی را از اولویت‌های اصلی ستاد توسعه پایدار شهری برشمرد و گفت: دستیابی به پایداری مطلوب شهری بر سه اصل اقتصاد، جامعه و محیط زیست استوار است و ستاد توسعه پایدار شهرداری رشت نیز می‌کوشد تا با شناخت صحیح وضع موجود، مؤلفه‌های این سه اصل، مسیر رسیدن به پایداری مطلوب را به طور صحیح و بدون آزمون و خطا طی کند. وی در ادامه خاطرنشان ساخت: در همین راستا و در نکوداشت دهه تنوع زیستی ملی متحد (۲۰۲۰-۲۰۱۱) و بر مبنای تقویم اجرایی ستاد توسعه پایدار، سومین برنامه مشارکتی پاکسازی جنگل یا هدف حفاظت هرچه بیشتر از اکوسیستم جنگل‌ها که یک برنامه مشارکتی ملی است، به طور همزمان در ۱۱ استان کشور برگزار شد و ستاد توسعه پایدار شهرداری رشت نیز برای اولین بار با مشارکت انجمن‌های مردم نهاد محیط زیستی استان گیلان به طور نمادین در پارک جنگلی سروان اقدام به پاکسازی نمود.

فاطمه قدیمی در ادامه، ضمن تقدیر از انجمن‌های مردم نهاد گفت: تمامی اعضای انجمن‌های مردم نهاد ثابت کرداند آنها که ارگان‌های دولتی و زیر مجموعه‌هایشان مدت زمان زیادی را به بروکراسی‌های اداری اختصاص می‌دهند، این دوستان همت نموده و حرف‌ها را به عمل تبدیل می‌نمایند. ■

فاطمه قدیمی، رئیس ستاد توسعه پایدار شهرداری رشت، در سومین برنامه ملی مشارکتی پاکسازی جنگل گفت: حق شهروندی و توسعه پایدار از جمله حقوق شهروندی است؛ حقوقی که در همه ابعاد آن از جمله فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی باید به آن توجه شود. وی یادآور شد: فقدان مدیریت یکپارچه شهری، اتخاذ سیاست‌های نادرست، تصویب برنامه‌های ضعیف و اجرای پروژه‌ها و فعالیت‌های غلط شهری منشأ بی‌نظمی‌ها، تخریب و آلودگی‌های شهری است؛ لذا سرنوشت شهروندان هر شهر به وضعیت فعلی و آینده آن شهر و به مامیت و چگونگی اجرای پروژه‌های مرتبط با آن بستگی دارد که در این رهگذر نقش مدیریت شهری در نيل به توسعه پایدار و کاهش و رفع معضلات شهری و زیست محیطی بسیار حائز اهمیت است.

قدیمی، نبود استراتژی توسعه شهری را از معضلات شهرهای استان گیلان و از جمله شهر رشت برشمرد و گفت: اولین گام در رفع این معضل، تهیه طرح استراتژی توسعه شهری است که رویکردی راهبردی و نوین در مدیریت، طراحی و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد و اتصال آن به برنامه عملیاتی در سطح کلان و برای تمامی واحدها، در حد بسیاری از خطاهای اجرایی را کاهش می‌دهد. وی با اشاره به روابط متقابل شهر با محیط پیرامونی خود خاطر نشان ساخت: شهر همچنان که بر حریم پیرامون خود تأثیر می‌گذارد، از وقایع و تحولات آن نیز تأثیر می‌پذیرد. بخش عمده‌ای از مشکلات شهر رشت نه در محدوده داخلی، که ریشه در حریم شهر دارد. رشد سکونتگاه‌های غیررسمی، ساخت‌وسازهای غیرقانونی و بی‌ضابطه، تغییر کاربری و تفکیک اراضی کشاورزی،

تهیه و تنظیم: محمد طولایی

طالقان

صبح روز جمعه ۲۹ شهریور با حضور جمعی از علاقه‌مندان و دستداران طبیعت زیادهای حاشیه رودخانه واقع در محله گلپنکا جمع‌آوری شد. این برنامه به همت دستداران محیط زیست و شهرداری طالقان انجام شد.

هر ساله در فصل تابستان با ورود گردشگران به طالقان و بی‌توجهی بعضی از افراد در جمع کردن زیادهای خود، زیادهای زیادی در سطح منطقه پخش می‌شود که ظاهری نامناسب به منطقه می‌دهد. با توجه به اینکه اغلب این زیاده‌ها به محیط زیست آسیب جدی می‌رساند و تجربه‌ناپذیرند، جمع‌آوری آنها ضروری است.

شهرداری طالقان سعی و تلاش زیاد دارد تا این زیاده‌ها را جمع‌آوری کند، اما با توجه وسعت منطقه و کمبود نیرو، این معضل نیازمند همکاری گردشگران و دستداران طبیعت است. ■

ماکو

با توجه به مصوبات سرویس مدارس و نیز بازگشایی مدارس برای جلوگیری از هرگونه خطرات احتمالی در زمان تعطیلی مدرسه‌ها، سازمان حمل و نقل شهرداری ماکو در سطح شهر اقدام به خط‌کشی خاب‌پایه در جلوی مدارس شهر می‌نماید. ■

مهاباد

به منظور روانسازی ترافیکی و سلاماندهی چراغ‌های راهنمایی در شهر، شهرداری مهاباد به نصب معکوس شمار و چراغخانه راهنمایی لامپ‌های دیود نورافشان (LED) در تمامی تقاطع‌های سطح شهر از جمله پل حکمت و سه راه هوشناسی، چهارراه شیخ بابا، چهارراه مولوی و ... اقدام نموده است. ■

ایلخچی

برای تأمین روشنایی پارک‌های محله‌ای و فضای سبز ورودی شهر از طرف تبریز برنامه‌ریزی‌های لازم صورت گرفته حدود ۵۰ شعله چراغ پارکی خریداری و در پارک ملت ایلخچی - پارک محله‌ای خیابان مولوی - فضای سبز خیابان شهاده نصب شد و به بهره‌برداری رسید.

فضای سبز ورودی شهر ایلخچی که فاقد برق شهری و عمومی است با همین چراغ‌ها، چراغانی و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این راستا اقدامات اولیه برای ایجاد فونداسیون پایه‌ها در حال اجراست. فضای سبز ورودی که حدود ۲۰۰۰ متر طول دارد، عملیات نیرنگذاری و نصب چراغ صورت خواهد گرفت. ■

خرم‌آباد

شهرداری خرم‌آباد برای اولین بار برنامه عملیاتی ارائه می‌دهد. برنامه ارائه شده به استناد ماده ۲۵ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها در برنامه‌های نه‌گانه عمران و فعالیت‌های مختلف و پروژه‌های گوناگون مبتنی بر ۸ برنامه عمرانی شامل برنامه‌ریزی توسعه شهری، هدایت و دفع آب‌های سطحی، حمل و نقل و بهبود عبور و مرور شهری، ایجاد تأسیسات حفاظتی، بهبود محیط شهری، ایجاد اماکن و فضاهای ورزشی، فرهنگی و تفریحی، ایجاد سایر تأسیسات و تسهیلات شهری، ایجاد تأسیسات در آمدزا و ۲۴ فعالیت و ۷۶ پروژه تدوین و گردآوری شده است.

برنامه عملیاتی شهرداری خرم‌آباد تا ۲۰ سال آینده تدوین شده است، برخی از این پروژه‌ها ظرف یکی دو سال آینده و برخی دیگر مدت زمانی ۵ تا ۷ ساله و برخی نیز بین ۱۵ تا ۲۰ ساله به بهره‌برداری می‌روند. ■

دهاقان

به منظور ترویج فرهنگ کتابخوانی، نمایشگاه و فروشگاه کتاب با تخفیف ویژه، با همکاری شهرداری دهاقان در محل بازارچه شهرداری واقع در خیابان شهید موسوی بر پا گردید. ■

■ تهیه و تنظیم: احسان طاهری مهر

دیدار اعضای شورای شهر تهران با وزیر کشور

برای اصلاح روند اداره کلان شهرها و شهر تهران بیش از پیش فراهم شود.

وزیر کشور با یادآوری انحراف تاریخی در سازوکار بودجه‌ریزی کشور، مسائل و مشکلات جاری در شهرهای بزرگ و معضلات حاشیه‌ای این شهرها را عبرت و نتیجه طبیعی چرخه باطل برنامه و بودجه‌ریزی بر اساس جمعیت و فعالیت دانست و بر عزم راسخ وزارت کشور برای ایفای نقش مؤثر در شکست این چرخه باطل تأکید کرد. دکتر رحمانی فضل‌بی با تأکید بر ضرورت استقرار یک نگاه ملی در بررسی مسائل شهر تهران و کلان شهرهای دیگر، ضرورت تدوین مؤلفه‌های عمیق‌نگری، آینده‌نگری و عدالت‌محوری در برنامه‌ریزی کلان برای بهبود شهر تهران را خواستار شد.

وزیر کشور در ادامه با اشاره به پایان قطعی دوران اتکا به درآمدهای نفتی، ضرورت فرهنگ‌سازی برای مشارکت هم‌دلانه و مؤثر مردم در تحقق درآمدهای پایدار از طریق ایجاد صندوق‌های توسعه شهری را یاد آور شد و از اعضای شورای شهر خواست، پیشنهادها و ایده‌های قابل اجرا در این عرصه را پیگیری و دنبال نمایند.

دکتر رحمانی فضل‌بی با استقبال از تمایل جدی شورای شهر به گسترش تعاملات فی مابین پیشنهاد نمود، یک کارگروه کارشناسی برای احصاء محورهای ارتقای تعامل بین وزارت کشور، شوراهای اسلامی و شهرداری‌ها تشکیل و ظرف یک دوره زمانی محدود مباحث مورد توافق طرفین برای اجرا و عملیاتی شدن رادار دستور کار قرار دهد.

وزیر کشور همچنین تشکیل یک کمیته هماهنگی با محوریت استانداری تهران برای پیگیری مسائل جاری و موضوعات فوری موجود را به عنوان راهکار کوتاه مدت اثر بخشی تعاملات مطرح نمود و از اعضای شورای شهر خواست با پیگیری این پیشنهادها مسیر کارآمدی هرچه بیشتر این تعاملات را دنبال نمایند. ■

دکتر عبدالرضا رحمانی فضل‌بی، وزیر کشور دو دیدار رئیس و تعدادی از اعضای شورای شهر تهران بر ضرورت فرهنگ‌سازی برای مشارکت هم‌دلانه و مؤثر مردم در تحقق درآمدهای پایدار از طریق ایجاد صندوق‌های توسعه شهری تأکید کرد.

به گزارشی پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، در این دیدار که مهندس موشنگ خندان‌دل، معاون عمران و توسعه امور شهری و روستایی وزیر کشور نیز حضور داشت، احمد مسجد جامعی، رئیس شورای اسلامی شهر تهران و جمعی از اعضای شورای شهر، از جمله جمران، سروری، دنیا مالی، دبیر، شاکری، آباد، حافظی و جدیدی با تبریک انتخاب دکتر عبدالرضا رحمانی فضل‌بی به عنوان وزیر کشور، به بیان دیدگاه‌های خود در خصوص چالش‌های پیش‌روی شوراهای شهر و مسائل و مشکلات اداره کلان شهرها از جمله شهر تهران پرداختند.

اعضای شورای شهر با اشاره به نقش وزارت کشور به عنوان تنها رابط رسمی بین شوراهای دولت بر ضرورت ایفای نقش حداکثری وزارت کشور برای اصلاح و بهبود تعامل بین دولت، شوراهای و شهرداری‌ها تأکید.

کسود اعتبارات شهرداری‌ها به عنوان اصلی‌ترین مسئله شهرداری‌ها، تحقق به‌موقع و بدون تأخیر منابع درآمدی که به موجب قانون برای شهرداری‌ها پیش‌بینی شده است، اجرای قانون مدیریت یکپارچه شهری، احیای نقش وزارت کشور در طرح جامع شهر تهران در خصوص اصلاح تقسیمات کشوری، تحقق سهم قانونی در تأمین هزینه‌های حفظ و توسعه حمل و نقل عمومی در تهران و کلان شهرها، از جمله موارد مطروحه از سوی اعضای شورای شهر تهران در دیدار با وزیر کشور بود.

علاوه بر این همکاری مشترک و مؤثر در حوزه کنترل آسیب‌های اجتماعی در تهران و سایر کلان شهرها، احیای شورابلی‌ها، ارتقای هماهنگی‌ها و آمادگی‌های مشترک برای کنترل آلودگی هوا و مقابله با پدیده وارونگی در تهران و سایر کلان شهرهای در معرض آسیب و پیگیری جدی موضوع احیای بافت‌های فرسوده و موضوعات فرهنگی از جمله مواردی بودند که در این جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

در این دیدار، وزیر کشور با تشکر از اعضای شورای شهر تهران برای قبول دعوت وزارت کشور، ابراز امیدواری کرد با تداوم این‌گونه نشست‌ها، بستر تعامل حداکثری

هفتم مهرماه، گرامیداشت روز آتش نشانی و ایمنی

موضوع ایمنی	عنوان برنامه
شهری	برگزاری مراسم بزرگداشت ۷ مهر و تقدیر از بلائین‌ها و زحمات آتش‌نشانان
استانی	برنامه‌ریزی برای افتتاح و بهره‌برداری از پروژه‌های مرتبط با آتش‌نشانی
استانی	اطلاع‌رسانی حساب برنامه‌های بزرگداشت روز آتش‌نشانی و ایمنی* همچنین اقدامات توانمندی‌ها و برنامه‌های آینده سازمان‌ها و واحدهای آتش‌نشانی و عملکرد ایمنی شهرداری‌های استان از طریق رسانه‌های جمعی (صدا و سیما، روزنامه‌ها و...)
شهری	برنامه‌ریزی برای ترویج فرهنگ ایمنی و استفاده از مشارکت مردم در پیشگیری و کنترل حوادث و سوختن
کشور، استان و شهری	اعطای مجازات آتش‌نشانی مطلق دستورالعمل و شرایط اعزاز فرزند آتش‌نشان کشور

ایمنی و پیشگیری از حوادث در سطح کشور همچنین یاد آور حماسه آفرینی‌ها و از خود گذشتگی‌های آتش‌نشانان میهن اسلامی‌مان در عرصه دفاع مقدس نامگذاری گردیده است. ایجاد زمینه‌های مناسب برای آموزش همگانی مردم در جهت پیشگیری از بروز حوادث مختلف و حفاظت از سرمایه‌های ملی نیز از دیگر اهداف نامگذاری این روز هستند.

برنامه‌های پیشنهادی برای گرامیداشت هفتم مهرماه روز آتش نشانی و ایمنی توسط سازمان‌های آتش نشانی و خدمات ایمنی و شهرداری‌ها با هدف بهبود سطح ایمنی و سلامت آتش‌نشانان برای اجرا در شهرها از سوی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به دفتر امور شهری و شوراهای استانداری‌ها ابلاغ شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، مهندس احمدی، مدیرکل دفتر هماهنگی عمرانی و خدمات شهری سازمان و دبیر ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش نشانی کشور، طی نامه‌ای به مدیران کل دفاتر شهری و شوراهای استانداری‌های کشور، ضمن تأکید بر برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم مربوط به روز آتش‌نشانی و ایمنی در سطح سازمان‌ها و واحدهای آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری‌های کشور، برنامه‌های پیشنهادی برگزاری این روز را اعلام کرد.

این برنامه‌ها در چهار سرفصل برگزاری مراسم بزرگداشت، اقدامات دروسازمانی، اطلاع‌رسانی عمومی و ارائه گزارش عملکرد و آموزش عمومی تدوین شده است که بخشی از مهم‌ترین اقدامات برنامه‌های پیشنهادی به شرح جدول روبه‌رو است.

شایان ذکر است طرح تعیین روز آتش نشانی و ایمنی در سال ۱۳۶۹ توسط ستاد هماهنگی امور ایمنی و آتش‌نشانی کشور پیشنهاد و توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور تصویب شد. این روز با هدف ترویج فرهنگ

استاندار خوزستان:

افزایش صادرات غیر نفتی استان خوزستان به عراق

حجازی افزود: با وجود کاهش صادرات محصولات پتروشیمی در استان همچنان صادرات کالاهای غیرنفتی استان به سایر کشورها در حال افزایش است.

استاندار خوزستان اظهار داشت: در بخش استفاده از تسهیلات صندوق توسعه ملی نیز بیش از ۲ میلیارد دلار در قالب ۲۷ طرح صنعتی در استان جذب شده است.

وی بیان داشت: در سال جاری بر اساس مصوبه دولت دهم، تمامی استخدام‌های استان به نیروهای بومی اختصاص داده می‌شود و در حال حاضر بیش از ۸۵ درصد از نیروهای شاغل استان بومی هستند.

استاندار خوزستان گفت: اگر بر اساس این مصوبه دولت دهم، تمامی فرصت‌های شغلی در استان خوزستان به نیروهای بومی استان اختصاص داده شود، بخش قابل توجهی از مشکلات اشتغال استان حل خواهد شد.

استاندار خوزستان گفت: صادرات غیر نفتی استان خوزستان به کشور عراق در ۶ ماهه نخست سال جاری ۲۸ درصد افزایش داشته است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت کشور، سید جعفر حجازی در نشست کارگروه اشتغال استان با اشاره به رونق بخش صنایع دستی استان گفت: با وجودی که بازارهای جهانی مانند گذشته برای خرید صنایع دستی کاهش ندارد، اما سرمایه‌گذاری‌های استان در این بخش به خوبی جواب داده و رونق صنایع دستی موجب افزایش اشتغال در استان شده است.

وی بیان داشت: در بخش اشتغال خانگی، طرح‌های بسیاری نرد بانک‌ها وجود دارند که با توجه به اعلام سهم ۳۰ درصد بانک‌ها باید فضای لازم برای توسعه اشتغال خانگی را با تأیید طرح‌ها فراهم کنند.

برگردان: سیده فاطمه عدنانی



به معنای حالتی از مناسب بودن است. این مقوله همواره با تعاریف متعددی روبرو بوده است. از سده هیجدهم که جرمی بنتام و دیوید هیوم، رفاه را مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت و به‌منزله خیر و خوشحالی تعریف کرد، پیگو (Pigou Arthur Cecil) (۱۹۶۵) آن را مقوله کمی قابل اندازه‌گیری با پول و مرتبط با آماں و آرزوهای فرد در نظر گرفت و سولر (John Suler) (۱۹۷۴) بر ترجیحات و تمایلات فرد تأکید نمود. جان راولز (John Rawls) (۱۹۷۲) هم رفاه را عادلانه بودن توزیع منابع، می‌داند. فیتز پاتریک رفاه اجتماعی را در معنایی بسیار وسیع در نظر می‌گیرد و آن را «شادکامی، تأمین ترجیحات و نیازها، رفاه و مقایسه‌های نسبی که بک فرد از نظر رفاه خود با دیگران دارد»، تعریف می‌کند.

بدر طول سال‌های دهه ۱۹۸۰، این مفهوم، به این شکل تغییر کرده که «رفاه اجتماعی» به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضاء نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائل اجتماعی؛ اطلاق می‌شود. در دهه ۱۹۹۰ «رفاه اجتماعی» مجموعه شرایطی تلقی می‌شود، که در آن پیشوندی انسان در زندگی مطرح است.

در سال‌های اخیر با در نظر گرفتن ابعاد متنوع زندگی انسان، تعریف «رفاه اجتماعی» عبارت از مجموعه نیازها یا انتهای از قوانین، مقررات، برنامه‌ها و سیاست‌هایی است که در قالب مؤسسات رفاهی و نهادهای اجتماعی به منظور پاسخگویی به نیازهای مادی

رفاه اجتماعی در جامعه ای رخ می‌دهد که مردم به درجه‌ای از رضایت در نیازها و خواسته‌ها می‌رسند. برای مثال در جامعه‌ای که مردم همه درآمد کافی برای پاسخگویی به نیازهای اساسی خود دارند، همه با کرامت درمان می‌شوند و دارای حقوق برابر هستند. دسترسی معقول و منطقی به محدوده مورد نیاز از خدمات خود دارند. نظرات آنها به راحتی به گوش می‌رسد و قابل احترام است. کیفیت یک جامعه را می‌توان در این شرایط با موفقیت اندازه‌گیری کرد. دولت نیز در این جوامع نیازهای اساسی مردم را برآورده می‌سازد و به بالا بودن سطح آگاهی، درآمد کافی و پایین بودن میزان فقر و بیکاری کمک می‌کند. همچنین دولت در این جوامع تلاش زیاد جهت دسترسی آسان به خدمات اجتماعی، پزشکی و آموزشی می‌کند.

رفاه اجتماعی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه، در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است.

واژه «Welfare» اشاره به حالتی از سلامت، شادی، سعادت، خوب بودن و مساعدتی به‌ویژه به صورت پول، غذا و دیگر مایحتاج ضروری که به نیازمندان ارائه می‌شود، دارد. این کلمه ابتدا به‌صورت مصدر «To well fare» به‌کار می‌رفته؛ که به معنای خوب بودن و خوش گذراندن بوده است. کلمه «Social» نیز متضمن ارتباط رفاه با جامعه و مقابله با خطراتی است که در زندگی جمعی با آن روبرو هستیم. در مجموع این مفهوم

و معنوی و تأمین سعادت انسان ارائه می‌شود تا زمینه رشد و تعالی او را فراهم آورد. مقبولیت بیشتری دارد.

شاخص‌های رفاه اجتماعی در ایران

شاخص‌هایی که در ایران برای رفاه اجتماعی در نظر گرفته می‌شود، عبارت‌اند از: آموزش و پرورش، بهداشت، درمان، تغذیه، مسکن، اشتغال جمعیت و نیروی انسانی، هزینه و درآمد تأمین اجتماعی.

در کنار شاخص‌های اصلی، چند شاخص فرعی نیز برای رفاه در نظر گرفته می‌شود: از جمله: گذران اوقات فراغت، دسترسی به تسهیلات فرهنگی، محیط زیست و امنیت فرد در برابر تجاوزات مالی و جنایی.

مفاهیم محوری در تعریف رفاه اجتماعی

در کنترل مسائل اجتماعی، هر چند اتفاق نظر کاملی در مفهوم و محتوای آنچه مسئله اجتماعی خوانده می‌شود، وجود ندارد، اما در مورد مسائلی مانند بیکاری، خشونت، استعمال مواد مخدر، فقر، خودکشی و سرقت، توافق عام وجود دارد.

تأمین نیازها: این مفهوم نیز از چند دهه پیش، تحول قابل توجهی یافته و علاوه بر شمول آن بر ابعادی مانند نیازهای زیستی، مسکن، آموزش، بهداشت و نیازهای دیگری که برای زندگی منطقی و مناسب در جامعه ضروری است را شامل می‌شود.

تأمین فرصت‌های اجتماعی برابر: این مفهوم، به معنی برابری فرصت‌ها در مقابل شغل، آموزش و بهبود

اجتماعی، صرف‌نظر از موقعیت‌های فردی است. در صورت نابرابری فرصت‌ها، گرایش به روش غیرقانونی و غیرمنطقی، برای دستیابی به نیازها، بروز خواهد کرد. این مشکل، در نهایت به گستردگی حوزه اول، یعنی مسائل اجتماعی، می‌انجامد.

الگوی‌های رفاه اجتماعی و ابعاد مختلف آن

رفاه اجتماعی دارای چهار الگوی زیر است: سستی، برقراری مجدد عدالت اجتماعی، توسعه اجتماعی و الگوی جدید جهانی. رفاه اجتماعی ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد، از جمله:

• بعد زیستی: شامل سلامت جسمی (در مقابل معلولیت و بیماری) و سلامت روانی (ترکیب جمعیت، هرم سنی، امید به زندگی، تغذیه و ...)

• بعد حقوقی: شامل قوانین حمایت از گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر، قوانین مربوط به کودکان، نوجوانان و زنان، قوانین کیفی جزایی در مورد بزهکاری، جوانان و آسیب‌های اجتماعی

• بعد اجتماعی: شامل مسائلی چون امنیت، مهارت اجتماعی، فراغت، اشتغال، خانواده، آسیب اجتماعی، جمعیت، گروه‌های در معرض خطر از جمله زنان و کودکان و مشارکت اجتماعی

• بعد اقتصادی: شامل بررسی فقر، امنیت، توسعه اقتصادی، اشتغال، مسکن، سیستم پرداخت یارانه‌ای، اقتصاد خیره‌ای و غیرانتفاعی، عدالت اجتماعی، حمایت اقتصادی از اقشار آسیب‌پذیر و ... ■

Quality of Life

کیفیت زندگی

نخواهد داشت.

در سده‌های بعد، این موضوع در بین فلاسفه اسلامی جایگاه ویژه‌ای یافت چنان که ابن سینا در اشارات، ملاصدرا در اسفار، امام خمینی (ره) در تقریرات فلسفی درس‌های اسفار و بسیاری دیگر از علمای اسلامی در باب سعادت و شادکامی بحث‌های مبسوطی را مطرح کرده‌اند.

رویکرد آکادمیک به کیفیت زندگی از سال ۱۹۲۰ میلادی یعنی زمانی که پیگو در کتاب خود به نام اقتصاد و رفاه به این موضوع پرداخت، سیر تازه‌ای یافت.

از دهه ۱۹۳۰ محققان آمریکایی به ارزیابی کیفیت زندگی در مناطق مختلف کشور خود پرداختند و پس از آن این مفهوم مورد توجه دانشمندان علوم روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و پزشکی به صورت یک موضوع میان رشته‌ای قرار گرفت.

به این ترتیب در خصوص معنی کیفیت زندگی تعابیر

آغاز بحث کیفیت زندگی به زمان ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م.) بازمی‌گردد. از ارسطو سه کتاب درباره اخلاق بر جای مانده است: اخلاق کبیر (Magna Moralia)، اخلاق ائودیموس (Eudemean Ethics) و اخلاق نیکوماخس (Nicomachean Ethics).

ارسطو به ویژه در اخلاق نیکوماخس به موضوع سعادت انسانی می‌پردازد، اینکه سعادت چیست؟ عبارت از چه فعالیت‌هایی است و چگونه می‌توان سعادت مند شد؟

او زندگی خوب را معادل شادکامی (happiness) در نظر می‌گیرد و در عین حال به تفاوت این مفهوم در افراد مختلف می‌پردازد و ذکر می‌کند سلامتی که باعث رضایتمندی در یک فرد بیمار می‌شود با ثروت که فرد فقیری را شاد می‌کند یکسان نیست و بیان می‌دارد که شادکامی نه تنها برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد، بلکه برای یک فرد نیز در شرایط متفاوت معنی یکسانی

و تعاریف متعددی مطرح شد. فراتر و پاور کیفیت زندگی را رضایت یا عدم رضایت از ابعادی از زندگی فرد دانستند که برای او مهم می‌باشد. میل و تالسکی کیفیت زندگی را ارزیابی و رضایت فرد از سطح عملکرد موجودش در مقایسه با آنچه ایده‌آل یا ممکن می‌پندارد، تلقی کردند و برخی از محققان این واژه را پیچیده‌تر از آن دانستند که بتوان آن را در یک جمله و یا عبارات توصیف کرد.

سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۰ این مفهوم را به این صورت تعریف کرده است: کیفیت زندگی، درک افراد از موقعیت خود در زندگی از نظر فرهنگ، سیستم ارزشی که در آن زندگی می‌کنند، اهداف، انتظارات، استانداردها و اولویت‌هایشان می‌باشد. پس کاملاً فردی بوده و توسط دیگران قابل مشاهده نیست و بر درک افراد از جنبه‌های مختلف زندگی‌شان استوار است.

این معنا را با نگاه حافظ مقایسه کنید آنجا که می‌گوید: «در این بازار اگر سودی است، با درویش خرستند است خدایا منعم گردان به درویشی و خرستدی» و یا در جایی دیگر دارد:

«شکر خدا که هر چه طلب کردم از خدا بر منتهای دولت خود کامران شدم»

به‌رغم آنکه توافق کلی در تعریف کیفیت زندگی وجود ندارد، پژوهشگران بر سه ویژگی مهم آن شامل چند بعدی بودن، ذهنی بودن و پویا بودن اتفاق نظر دارند. کیفیت زندگی موضوعی چند بعدی است و دارای ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و روحی است. این ویژگی با تعریفی که امروزه از سلامتی داریم متعلق است. آنجا که سلامتی را رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌دانیم.

عامل اصلی تعیین‌کننده کیفیت زندگی عبارت است از تفاوت درک شده بین آنچه هست و آنچه از دیدگاه فرد باید باشد. این همان ذهنی بودن کیفیت زندگی است که قبلاً به آن پرداختیم. پویایی کیفیت زندگی به این معناست که با گذشت زمان تعبیر می‌کند و به تغییرات فرد و محیط او بستگی دارد.

در علوم پزشکی به طور خاص اندازه‌گیری کیفیت زندگی کاربردهای زیر را داراست:

- (الف) تعیین کارایی درمان‌های مختلفه
- (ب) ارزیابی خدمات بهداشتی و اولویت‌بندی آنها،
- (ج) سیاست‌گذاری و تخصیص منابع
- (د) بهبود روابط پزشک و بیمار یا افزایش درک متقابل از بیماری و درمان آن.

(ه) پژوهش: طی چند دهه اخیر تحقیقات فراروانی در مورد کیفیت زندگی براساس شاخص‌های جمعیتی (همچون گروه‌های سنی، جنسیت، نژاد، حوزه‌های اجتماعی شهری و روستایی، طبقه اجتماعی و...)،

فرهنگ‌های مختلف (در سطح ناحیه‌ای، ملی و منطقه‌ای)، زمان (مطالعات طولی و مقطعی)، محیط‌های سازمانی متفاوت و... انجام شده است، اما آنچه اخیراً در حوزه علوم پزشکی مورد اقبال واقع شده است، بررسی کیفیت زندگی در گروه‌های خاصی از بیماران می‌باشد.

نحوه اندازه‌گیری کیفیت زندگی نیز در علوم مختلف متفاوت می‌باشد. به عنوان مثال روان‌شناسان از شاخصی به نام مقیاس رضایت از زندگی (life satisfaction scale) به وفور استفاده می‌کنند.

این مقیاس که توسط دایر تهیه شده است، پرستنامه کوتاهی مشتمل بر ۵ سؤال است که بیانگر نوع نگاه متخصصان این حوزه به بحث کیفیت زندگی است. هر یک از سوالات طیفی رتبه‌ای از امتیازات از کاملاً مخالف، مخالف، نسبتاً مخالف، نظری ندارم، نسبتاً موافق، موافق و کاملاً موافق را شامل می‌شود. این سوالات عبارتند از: (۱) زندگی من در بیشتر جنبه‌ها با ایده‌آل‌ها هم تطبیق دارد.

(۲) شرایط زندگی‌ام عالی است.

(۳) از زندگی‌ام راضی هستم.

(۴) تا اینجا چیزهایی را که در زندگی‌ام خواسته‌ام، به دست آورده‌ام.

(۵) اگر می‌توانستم در زندگی به عقب برگردم، تقریباً هیچ چیز را عوض نمی‌کردم.

به هر حال بحث کیفیت زندگی طی سندهای متعددی همیشه موضوعی چالش‌برانگیز بوده و متأثر از نوع جهان‌بینی افراد است.

مولوی نیز می‌گوید:

اصل لذت از درون دان نه بیرون
ایلهی دان جستن از قصیر و حصون
آن یکی در کنج زندان مست و شاد
و آن یکی در باغ قلع و قمع و نامراد ■

منابع:

- پسترن، persianblog.ir تاریخ‌ششمین ۹ تیر ۱۳۸۸
- ۲۴:۹۰ ق. ط | پیمان سلامتی
- Pajoohe.com نویسنده: سیف‌الدین قنبری نیک



درباره پایگاه شبکه تخصصی مددکاران اجتماعی

Iraniansocialworkers.ir

■ همیشه حیدرآباد

کارشناس مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

- ۲- انجام مداخله‌های مؤثر در بحران‌های خانوادگی، فردی و اجتماعی
- ۳- انجام پژوهش‌های اجتماعی در زمینه‌های مداخلات اجتماعی در بخش‌های آسیب اجتماعی
- ۴- انجام فعالیت‌های مربوط به روان‌سنجی یا روان‌درمانی
- ۵- انجام فعالیت‌های مبنی بر بازپروری افرادی که به نحوی دچار آسیب‌های اجتماعی گردیده‌اند (اعتیاد، فرار دختران از خانه، بزهکاری نوجوانان و جوانان، طلاق و ...)
- ۶- انجام فعالیت‌های توانبخشی اجتماعی جهت استفاده مراجعان با معلولیت‌های مختلف
- ۷- استفاده از منابع جامعه در جهت رفع مشکلات مراجعان در زمینه‌های مختلف
- ۸- تحویل پرونده‌های قابل بازتوان از سازمان بهزیستی پس از لحاظ نمودن مراحل قانونی
- ۹- پیگیری‌های مددکاری در خصوص ایجاد اشتغال، مسکن، ترخیص موفق فرزندان شبانه‌روزی یا خانواده‌های نیازمند
- ۱۰- پیگیری‌های مددکاری پرداخت، یارانه هزینه‌های درمانی بیماران نیازمند بستری
- ۱۱- آموزش مهارت‌های زندگی به گروه‌های سنی مختلف
- ۱۲- سررسو و پیگیری امور کودکان، نوجوانان و خانواده‌های صدمه دیده از بلایای طبیعی و غیرطبیعی... ■

کیفیت زندگی اجتماعی آدمیان در جامعه به کیفیت اندیشه و ایده‌های آنان بستگی دارد. بر این اساس دسترسی و اطلاع از ایده‌های اجتماعی افراد خوش‌فکر و آنان که احساس مسئولیت بالایی داشته و نسبت به اتفاقات پیرامون زندگی و جامعه خود بی‌تفاوت نیستند، ضرورت ثبت ایده‌های اجتماعی را دو چندان می‌کند. در خصوص حوزه‌های مرتبط با امور اجتماعی و مددکاری اجتماعی به دلایل مختلف از جمله سیال بودن، پیچیده بودن، تغییرپذیری، تنوع و ... موضوعات توجه به خلق و ثبت ایده‌های جدید بیش از پیش ضروری می‌باشد. بدون شک، تحقق جامعه سالم و با نشاط اجتماعی و بهبود شاخص‌های سلامت اجتماعی و کیفیت زندگی مردم و بسترسازی برای افزایش سرمایه و امنیت اجتماعی در هر جامعه‌ای بدون استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و مشارکت مردم و خلق ایده‌های جدید، میسر نخواهد بود...

این وب سایت به همت جمعی از تحصیلات‌گرفته‌های مددکاری اجتماعی دانشگاه‌های علامه طباطبائی و علوم بهزیستی به منظور اطلاع‌رسانی بروز اخبار علمی، اجتماعی، مسائل و آسیب‌های اجتماعی در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران تدوین شده است.

اهداف و برنامه‌هایی که مددکاران اجتماعی از طریق این درگاه دنبال می‌کنند:

- ۱- انجام مشاوره‌های تخصصی در زمینه مسائل خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و تحصیلی

سامانه بانک اطلاعات آسیب‌های اجتماعی Asibha.mcls.gov.ir



مطرح شده در سایت به بررسی وضعیت آسیب‌ها در کشور پرداخته می‌شود. در گفت‌وگوهای صورت گرفته، آسیب‌های اجتماعی در کشورمان تعریف و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و پیشنهادها و راهکارهای اجرایی جهت پیشگیری از بروز و شیوع آنها در جامعه مطرح می‌شود که به عبارت زیر است:

۱- بررسی وضعیت رشد آسیب‌های اجتماعی در سال‌های اخیر در گفت‌وگو با سید حسن موسوی چلنگ، رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران و مدیرکل دفتر امور آسیب‌های اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

۲- بررسی وضعیت خودکشی در ایران در گفت‌وگو با دکتر فریبا خفاننده، متخصص پزشکی قانونی و مسوولیت‌ها، استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو جمعیت علمی پیشگیری از خودکشی ایران

۳- بررسی وضعیت کودکان آزادی در ایران در گفت‌وگو با دکتر سعید صادقی، روانشناس و معاون امور اجتماعی بهزیستی استان اصفهان

۴- بررسی وضعیت ازدواج و طلاق در گفت‌وگو با محزون، مدیرکل آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور ... ■

سامانه بانک اطلاعات آسیب‌های اجتماعی در تاریخ ۹۱/۹/۱۹ رونمایی شد. این سایت حاوی اطلاعات گسترده‌ای در حوزه کنایع علمی و آمار می‌باشد...

پایگاه اطلاع‌رسانی حاضر، شامل مجموعه‌ای از مقالات، سمینارها، نشست‌ها و نشریات علمی کشور در محور مشکلات اجتماعی ایران در زمینه‌های مختلف ازدواج و طلاق، فرار از منزل، اختلال هویت جنسی، ایدز، خشونت خانگی، کودکان خیابانی، تکدی‌گری، فضای مجازی، عرفان‌های نوظهور و ... می‌پردازد.

یکی از محورهای سامانه بانک اطلاعات آسیب‌های اجتماعی، به بخش یادداشت اختصاص دارد. این بخش شامل یادداشت‌های کوتاه با مضامین علمی-آموزشی و به زبان ساده است که توسط کارشناسان و دست‌اندرکاران امور آسیب‌های اجتماعی در ستون مربوطه درج می‌گردد که به عبارت زیر است:

- ۱- سچگونگی رفتار با همسر پرخاشگر
 - ۲- شناخت خطاهای فکری برای تصمیم به ازدواج
 - ۳- مهارت کنترل خشم
 - ۴- اختیاد در کودکان کار و خیابان
 - ۵- آنچه دختران و پسران قبل از ازدواج می‌جویند...
- بخش دیگر به گفت‌وگو و تبادل نظر با صاحب‌نظران و کارشناسان حوزه آسیب‌های اجتماعی اختصاص دارد و از منظر مسئولان و افراد متخصص درگیر با موضوعات

تهیه و تنظیم: سیده فاطمه عدنانی



نام کتاب: فراغت در ایران
نویسنده: محمد رضا کلامی
سال چاپ: ۱۳۹۱

۲- فراهم آوردن امکان مقایسه فراغت امروز با گذشته
فصل سوم: تفاوت دوران قدیم با امروز
۱- تقویت نگاه تئوریک به جامعه
۲- فراهم آوردن مبنایی برای مقایسه فراغت قدیم و
جدید به لحاظ اجتماعی
۳- قراردادن پدیده اوقات فراغت در درون بافت
اجتماعی کلان‌تر

فصل چهارم: مراحل شکل‌گیری فراغت جدید
۱- توضیح اثر تحولات اجتماعی بر مفهوم و شیوه‌های
گذران اوقات فراغت
۲- معانی مختلف فراغت در دوره‌های زمانی مختلف
۳- تشریح سیر تحول مفهوم فراغت و چگونگی
شکل‌گیری معنای امروزی آن
۴- توضیح معنای امروزی فراغت در جامعه ایران

فصل پنجم: ضعف هنجاری در ایران
۱- آشنایی با اهمیت هنجارها برای زندگی اجتماعی
۲- تشریح پیامدهای ضعف هنجارها در جامعه امروز
ایران

فصل ششم: اثرات اجتماعی اوقات فراغت
۱- توضیح تأثیر فراغت بر زندگی اجتماعی در
دوره‌های مختلف
۲- بررسی اهمیت فراغت برای تقویت هنجارها در
گذشته و امروز
۳- تشریح اهمیت فراغت در بازنندیشی و بازسازی
خود در جهان امروز
۴- توضیح اهمیت فراغت در تقویت یکپارچگی
اجتماعی و احساس تعلق به جامعه در جهان امروز
۵- تحلیل اهمیت فراغت برای تعدیل شکاف‌های
اجتماعی از طریق برقراری روابط منقطع

مثال‌هایی از شیوه‌هایی که همین امروز، مردم ما
اوقات فراغت‌شان را می‌گذرانند کافی است تا اولاً
معنایی که در این بحث از اوقات فراغت مدنظر است،
روشن و ثانیاً اهمیت آن به عینه معلوم شود. مثال‌های
واقعی گذراندن اوقات فراغت، خود به تنهایی هر بحث
تئوریکی را که بخواهیم در این باره انجام دهیم، در دل
خود دارند و به روشی گویای عمق اهمیت و حساسیت
موضوع فراغت هستند. گزارش‌های مردم نگارانه از
اصلی‌ترین شیوه‌های گذراندن اوقات فراغت در
ایران، به تنهایی کافی است تا محتوای یک کتاب فطور
را تشکیل دهد و بدون هیچ توضیحی و تعبیری، ابعاد
پنهان و پراهمینی را از زوایای زندگی مردم و جامعه ما
در اختیارمان بگذارد. البته منابع کافی که گزارش‌های
مردم نگارانه دقیقی از نحوه گذران وقت مردم ایران در
اختیارمان بگذارد، نداریم و مجبوریم به داده‌های آماری
پراکنده‌ای که به مناسبت‌هایی جمع‌آوری شده‌اند، اکتفا
کنیم. موضوع کتاب حاضر در شش فصل با عناوین
زیر توسط معاونت آموزش مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی
شهری بررسی شده است.

فصل اول: فراغت در ایران امروز

۱- آشنایی با شیوه‌های گذران فراغت در ایران امروز
۲- بارگاه تصویری اجمالی از مفهوم فراغت از طریق مثال

فصل دوم: فراغت در ایران قدیم

۱- آشنایی با شیوه‌های گذران فراغت در دوران گذشته
با تأکید بر ویژگی‌های اجتماعی آن

■ تهیه و تنظیم: مهدی شهربازی

نام کتاب: کاربرد نرم افزار؟ What-if در برنامه ریزی
کاربری زمین شهری و منطقه‌ای
نویسندگان: دکتر نوید سعیدی رضوانی و حسین
مشرّف دهکردی
ناشر: آبنندگان
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲
بها: ۶۰۰۰۰ ریال



با طراحی محض و یا یک عمل سیاسی محسوب نمی‌شود؛ بلکه ترکیبی از این سه با همدیگر به شمار می‌رود. از همین رو با توجه به ماهیت پویای مسائل شهر و منطقه‌ای، تعیین کاربری به یک برنامه‌ریزی همه‌جانبه و فراگیر نیاز دارد. ایجاد تعادل و تشخیص اولویت استفاده از زمین با توجه به منافع و مضرات آن، صورت می‌گیرد. این مسئله امری پیچیده است و نیازمند یک ابزار تصمیم‌گیری بر اساس بازخور است. مدل‌ها ابزار مناسبی برای این منظور می‌باشند. آنها به طور همزمان، به ارزیابی نتایج احتمالی از انتخاب‌های ممکن و تأثیرات حاصل آنها می‌پردازند و بهترین گزینه را با در نظر گرفتن احتمال بروز خطا گزارش می‌دهند. در واقع ارزیابی در یک مدل، بر اساس سناریوهایی که یک کاربر به شکل پیش فرض برای مدل تعریف می‌کند، امکان پذیر است.

این کتاب به سه بخش کلی تقسیم شده که عبارتند از: بخش اول «مفاهیم و مبانی نظری»؛ «آشنایی با نرم افزار؟ What-if» در بخش دوم این کتاب به تفصیل ارائه گردیده است و بخش سوم نیز کاربرد نرم افزار را شرح می‌دهد. هر کدام از این بخش‌ها دارای فصل‌هایی به فرار زیر هستند: بخش اول شامل سه فصل با عنوان‌های: تعاریف، مکانیابی کاربری زمین، مفاهیم و کاربرد مدل‌های برنامه‌ریزی می‌باشد. بخش دوم شامل: هشت فصل است که عبارتند از: انتخاب سناریو، سناریوی تخصصی رشد، تعیین مدل و جهت و چگونگی رشد در سناریوی منتخب، خدمات رسانی به حومه‌ها، تغییر (افزایش و کاهش) خدمات، مقایسه سناریوها، انتخاب و نمایش سناریوهای پیش فرض مدل، خصوصی سازی و امنیت پروژه‌ها. بخش سوم نیز عبارتست از: ادغام لایه‌ها، استفاده از سناریوها در نرم افزار؟ What-if، سناریوی توسعه محدود و کنترل شده، سناریوی توسعه بدون کنترل و محدودیت، سناریوی رشد با رویکرد حفاظت و کنترل، بحث و نتیجه‌گیری. ■

این کتاب با تشریح سیستم پشتیبانی برنامه‌ریزی What-if? می‌کوشد تا ابزاری مؤثر در زمینه مکانیابی و تخصیص بهینه کاربری‌ها و فعالیت‌ها را به صورت علمی و حرفه‌ای در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای معرفی کند. این نرم افزار برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ به بازار حرفه‌ای عرضه شد و بعد از ایالات متحده آمریکا در کشورهای دیگر نظیر: استرالیا، کوه جنوبی، مالزی و ترکیه به کار گرفته شد. اما در کشور ما کاربرد این نرم افزار عمومیت نیافته، بنابراین امید است که این کتاب که اولین کتاب منتشره در این زمینه است بتواند عشوق کاربرد این نرم افزار در کاربری بهینه زمین و در نتیجه حفظ محیط زیست و توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای باشد.

زمین، ثروت همگانی و دارای منابع محدود می‌باشد و تقاضای زمین برای تأمین نیازهای انسانی، حمل و نقل، فضاهای آموزشی، تفریحی، درمانی، صنعتی، گذران اوقات فراغت و سایر فعالیت‌های بشر با افزایش روز افزون جمعیت در حال افزایش است. از این رو استفاده از آن نیازمند برنامه‌ریزی توأم با آینده نگری است.

گاهی نوعی از کاربری زمین از نظر اثرات محیطی یا اجتماعی مضر تشخیص داده می‌شود، در حالی که همان کاربری از نظر مزایای اقتصادی برای برخی شهروندان مفید به شمار می‌رود. برای نمونه اراضی کشاورزی پیرامون شهرها، از دیدگاه زیست محیطی و حفاظت طبیعی، برای شهر احمیتی حیاتی دارند. در حالی که تبدیل همین زمین به مجتمع مسکونی یا صنعتی برای مالکان آن و حتی برای برخی شهروندان منفعت‌های اقتصادی دارد. آگاهی از این تضاد منافع (تضاد منافع عمومی و همچنین تضاد منافع اقتصادی در مقابل منافع طبیعی) ضرورت و اهمیت برنامه‌ریزی کاربری زمین را مشخص می‌سازد. این تضاد گاهی بین دو نوع کاربری مفید عمومی نیز بروز می‌کند. بنابراین برنامه‌ریزی مؤثر کاربری زمین، به ندرت یک تحقیق

شهردار محترم
با سلام و احترام

همانگونه که مستحضر هستید یکی از کلیدی ترین روشهای مبنای اعمال صحیح مدیریت منابع، گسب دانش و علوم روز است. این روش می بایست با برقراری ارتباط متقابل با مجامع علمی فعال در امور شهری و نهادهای محلی شروع شود و به عنوان تسریش، عملیاتی و کار کردن با آن نگریسته شود تا از یک سوی یکی حل مسائل متعدد گوناگون و فزاینده شهری و سوی دیگر برای تسلطها و عنایت توسعه شهری به کار رود.

مفهریت شهری به منظور دستیابی به این بنیان و روش شناس علمی داکتر به برقراری ارتباط با مجامع فرهنگی - اجتماعی و پژوهش است. لذا این مرکز به عنوان کانون دانش بنیان گروه امور مدیریت محلی، با استفاده از ابزارهای مختلف از جمله نشریات علمی، پژوهشی و آموزشی سعی در برقراری این ارتباط دارد. در مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی با توجه به جامعه هدف نشریات مختلفی در دوره های زمانی گوناگون به شرح زیر منتشر می شود:

- ۱- ماهنامه شهرداریها
- ۲- ماهنامه دهاریها
- ۳- فصلنامه مدیریت شهری
- ۴- فصلنامه فرهنگ ایرانی
- ۵- فصلنامه مدیریت پسماند

لذا در صورت تمایل می توانید با مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SAFTA.IMQ.ORG.IR فرم اشتراک را دریافت و پس از تکمیل به همراه فیش واریز وجه حق اشتراک به آدرس مرکز ارسال و نسبت به دریافت اشتراک این نشریات اقدام نمایید.

شماره شبدا: ۰۱۶۲۳۳۶۶۰۱۱۲۳۰۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR۵۶

عنوان حساب: سرگزت وجه درآمد حاصل از چاپ توزیع و فروش کتب و نشریات و واگذاری ایفا قابل واریز در کلیه بانکها

با آرزوی موفقیت

محمدرضا بھاروند

رئیس مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

فرم اشتراک ماهنامه شهرداریها

کلی توجه شهرداران محترم

چنانچه تمایل به اخذ اشتراک ماهنامه شهرداریها را دارید لطفا فرم زیر را تکمیل نموده و با واریز وجه مربوط به دوره اشتراک مورد نظر به شماره شبدا: ۰۱۶۲۳۳۶۶۰۱۱۲۳۰۰۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ IR۵۶ (قابل واریز در کلیه بانکها) سرگزت وجه درآمد حاصل از چاپ توزیع و فروش کتب و نشریات اصلی با کپی فیش بانکی را همراه فرم اشتراک از طریق پست سفارشی به نشانی: تهران - میدان ولنجک - بلوار کشاورز، خیابان باقری، پلاک ۱۷، کد پستی: ۱۴۱۶۲۳۳۶۶۱ حوزه نشر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی ارسال و یا جهت تسریع در امور فرم و فیش مربوط را به دفتر امور مشترکین فکس: ۰۲۰۵۲-۲۶۹۰۲۰۵۲ و ۸۸۴۹۲۵۵۲ نماید.

لطفاً به نکات زیر توجه فرمائید:

- ✓ گرامرمان استاندارد، شهرداریها، دهاریها، اسکله و دانشجویان محترم می توانند با ارسال کپی کارت شناسایی یا کارت دانشجویی، از تخفیف ۱۰ درصدی هزینه اشتراک برخوردار شوند.
- ✓ تحویل اشتراک، سالانه از ده درصد تخفیف برخوردار می شوند.
- ✓ تحویل اشتراک در نهایت بیش از ۲۰ نسخه از یک شماره از ۱۰ درصد تخفیف بیشتر علاوه بر ده فونی برخوردار می شوند.
- ✓ برای مشترکین جدید تاریخ ارسال ماهنامه حداکثر یک هفته پس از دریافت فیش بانکی و فرم اشتراک می باشد.

فرم هزینه	دوره اشتراک	مه ماهه	شش ماهه	نه ماهه	یک ساله
	قیمت	۴۰۰.۰۰۰ ریال	۶۰۰.۰۰۰ ریال	۹۰۰.۰۰۰ ریال	۱.۲۰۰.۰۰۰ ریال

مشخصات متقاضی:

نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد: مدرک تحصیلی:

سمت شغلی: عنوان موسسه/شرکت اشتراک: تلفن همراه: فاکس: پست

آدرس: کد اشتراک: شماره اشتراک: کد اشتراک: شماره اشتراک:

مشخصات رسید بانکی:

شماره رسید فیش بانکی: تاریخ واریز وجه: مبلغ واریزی: کد با

شماره واریز وجه:

نظرات و پیشنهادات:

امضاء:

Contents

Note.....	2
Introduction.....	3
Main Report	
Quality of life, outcome of efficient urban management/J.Niknam/E. Taherimehr.....	4
Idea and Research	
-Introduction to Realization of Life Quality Approaches in Structure of Local Communities/M. Smaelian.....	10
-Quality of Life Indicators in Urban Projects, Analytic and Realizing approach/ O. Azari.....	16
-Iran's Economic-Social Development Programs and Global Research Plans on Quality of Life/Z. S. Mansoori.....	28
-Introduction to Methodology and Conceptualization of health, Safety, and Environment/M. Baharvand.....	41
-Investigating People's participation in Urban Management, base on Good Urban Governance Model/M. Moosanejad..	46
Interview	
Interview with Dr. M. H. Papoli Yazdi.....	55
Urban Law	
Law of Urban rehabilitation and Civil/M. Toolabi.....	57
Financial and Official Consultation	
-Conceptualization of Financial Basics and Literature of Economy of the Costs of .../S. M.Hashemi.....	61
-Investigating the Effects of Exportation of Oil-Based and Non-oil-based Products .../A. Golmohammad.....	69
Municipalities According to Documents	
Decreasing Balance of Life in the Capital City/A. Jalali.....	75
Mayors' View	
Dialogue with Mayor of Rusk/ A. Jalali.....	79
World Experiences	
Crisis of Hunger, A Challenge to Quality of Life/F. Ghassamloo.....	87
City and plan	
Bustle of Karoon River with a Rainbow of Light in Ahwaz Nights/S. Moozarmi, A. Shahni.....	91
World Cities and Municipalities	
World's Beautiful Cities/N. Matinfar.....	99
Education	
-Quality of Life, Citizen's Rights and Tasks/R. Yeganeh.....	101
-Site Selection for Urban Parks/M.Madahi, A.Ghazi Moghadam.....	105
Point of View	
Social Welfare in City/F. Vosooghi.....	113
Brief News	
Construction of Boostan-e Maharat in Arak/ Construction of Alborz Ghazvin Metro, ... /H. Garshasbi.....	115
Glance at Cities	
Ilkchi, Khorramabad, Dehaghan, .../M.Toolabi.....	117
News of the Organization	
Meeting of Tehran Islamic City Council Members with Minister of Interior/...E. Taherimehr.....	118
Urban Terminology	
Social Welfare, S. F. Adnaani.....	120
Website	
Social Workers Website, Database of Social Problems/M. Heydarolad.....	123
New Publication	
Freetime in Iran/Application of What-if Software in Programming of Urban and Regional Land Use/S.F.Adnani.....	125

همانگونه که مستحضر هستید، یکی از کلیدی ترین روشهای مبتنی اعمال صحیح مدیریت دانایی، کسب دانش و علوم روز است. این روش می بایست با برقراری ارتباط متعامل با مجامع علمی فعال در امور شهری و نهادهای محلی شروع شود و به عنوان ضرورتی عملیاتی و کارکردی با آن نگریده شود تا از یک سو برای حل مسائل متعدد، گوناگون و فزاینده شهری و سوی دیگر برای ساماندهی و هدایت توسعه شهری به کار رود.

مدیریت شهری به منظور دستیابی به این بنیان و روش شناسی علمی ناگزیر به برقراری ارتباط با مجامع فرهنگی - اجتماعی و پژوهشی است. لذا این مرکز به عنوان کانون دانش بنیان کردن امور مدیریت محلی، با استفاده از ابزار های مختلف، از جمله نشریات علمی، پژوهشی و آموزشی سعی در برقراری این ارتباط دارد. در مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی با توجه به جامعه هدف، نشریات مختلفی در دوره های زمانی گوناگون به شرح زیر منتشر می شود:

- ۱- ماهنامه شهرداریها ۲- ماهنامه دهیارها ۳- فصلنامه مدیریت شهری ۴- فصلنامه فرهنگ ایمنی ۵- فصلنامه مدیریت پسماند

لذا در صورت تمایل می توانید با مراجعه به آدرس اینترنتی WWW.SAFTA.IMO.ORG.IR فرم اشتراک را دریافت و پس از تکمیل به همراه فیش واریز وجه حق اشتراک به آدرس مرکز ارسال و نسبت به دریافت اشتراک این نشریات اقدام نماید.

شماره شبدا: IR560100004001011201016274

عنوان حساب: تمرکز وجوه درآمد حاصل از چاپ، توزیع و فروش کتب و نشریات و واگذاری آنها قابل واریز در کایه بانکها

با آرزوی موفقیت

محمدرضا بهاروند

رئیس مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی

فرم اشتراک ماهنامه شهرداریها

قابل توجه شهرداران محترم

چنانچه تمایل به اخذ اشتراک ماهنامه شهرداریها را دارید لطفا فرم زیر را تکمیل نموده و با واریز وجه مربوط به دوره اشتراک مورد نظر به شماره شبدا IR560100004001011201016274 (قابل واریز در کایه بانکها) تمرکز وجوه درآمد حاصل از چاپ، توزیع و فروش کتب و نشریات، اصل یا کپی فیش بانکی را همراه فرم اشتراک از طریق پست سفارشی به نشانی: تهران- میدان ولیعصر - بلوار کشاورز، خیابان نادری، پلاک ۱۷، کد پستی ۱۴۱۶۶۳۳۶۶ حوزه نشر مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری و روستایی ارسال و یا جهت تسریع در امور فرم و فیش مربوط را به دفتر امور مشترکین فکس: ۴-۰۲۰۵۳-۶۳۹ و ۸۸۴۹۳۵۵۲ نمائید.

لطفا به نکات زیر توجه فرمائید:

- ✓ کارمندان استانیتهای، شهرداریها، دهیارها، اسازید و دانشجویان محترم می توانند با ارسال کپی کارت شناسایی یا کارت دانشجویی، از تخفیف ۱۰ درصدی هزینه اشتراک برخوردار شوند.
- ✓ در صورت اشتراک سالانه از ده درصد تخفیف برخوردار می شوید.
- ✓ در صورت درخواست بیش از ۲۰ نسخه از یک شماره، از ۱۰ درصد تخفیف بیشتر علاوه بر بند فوق برخوردار می شوید.
- ✓ برای مشترکین جدید تاریخ ارسال ماهنامه حداکثر یک هفته پس از دریافت فیش بانکی و فرم اشتراک می باشد.

فرم هزینه	دوره اشتراک			
	یک ماهه	سه ماهه	شش ماهه	یک ساله
	۹۰۰.۰۰۰ ریال	۳۰۰.۰۰۰ ریال	۶۰۰.۰۰۰ ریال	۱.۲۰۰.۰۰۰ ریال

مشخصات متقاضی:

نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد: ملوک تحصیلی:

سمت شغل: عنوان موسسه/شهرداری/شرکت: تلفن همراه: فاکس: پست

الکترونیک: کد اشتراک: صورت تعدید

اشتراک: تعداد: آدرس: کد پستی:

مشخصات رسید بانکی:

شماره سرچال فیش بانکی: تاریخ واریز وجه: مبلغ واریزی: کد یا

شبه واریز وجه:

نظرات و پیشنهادات:

امضاء

- Quality of life, outcome of efficient urban management
- Introduction to Realization of Life Quality Approaches in Structure of Local Communities
- Introduction to Methodology and Conceptualization of health, Safety, and Environment
- Deacreasing Balance of Life in the Capital City
- Crisis of Hunger, A Challenge to Quality of Life
- Bustle of Karoon River with a Rainbow of Light in Ahwaz Nights
- Law of Urban rehabilitation and Civil
- Quality of Life, Citizen's Rights and Tasks

